



# بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

«اللَّهُمَّ كُنْ لَوْلِيكَ الْحُجَّةَ بْنَ الْحَسَنِ صَلَواتِكَ عَلَيْهِ وَعَلَى آبائِهِ فِي هَذِهِ السَّاعَةِ وَفِي كُلِّ سَاعَةٍ  
وَلِيّاً وَحَافِظاً وَقائِداً وَناصِراً وَدَلِيلاً وَعَيْناً حَتَّى تُسْكِنَهُ أَرْضَكَ طَوْعاً وَتُمَتِّعَهُ فِيها طَويلاً»



ماهنامه اطلاع رسانی، پژوهشی، آموزشی

شعبان المعظم ۱۴۳۶ ق

اردیبهشت - خرداد ۱۳۹۴ ش

صاحب امتیاز: معاونت تبلیغ و آموزشهای کاربردی حوزههای علمیه  
اداره کل امور رسانهها

مدیر مسئول: محمد حسن نبوی

سر دبیر: محمد علی قربانی

هیئت تحریریه: محمد حسن نبوی، اکبر اسدعلیزاده، عبدالکریم پاکنیا،  
سید جواد حسینی، محمدغلامرضائی، محمدمهدی ماندگاری، علی مختاری،  
حسین ملاکوری، محمود مهدی پور، ابوالفضل هادی منش

امور اجرایی: مجید خلیلی

امور مشترکین: سید مجتبی محمودی

تیراژ: ۶۰۰۰ نسخه

یادآوری:

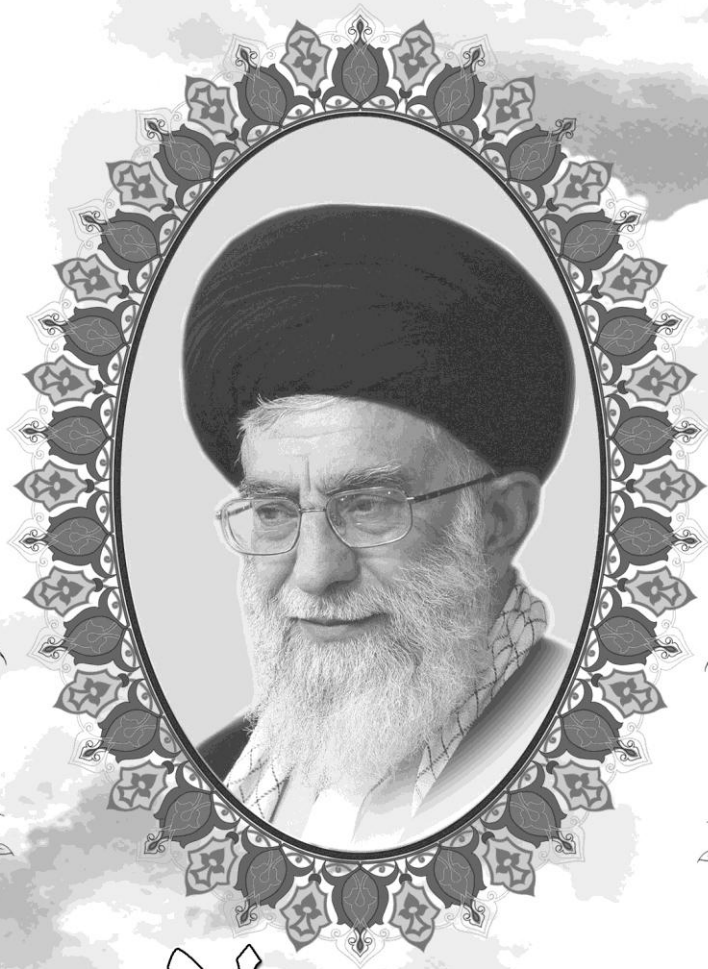
- ✓ مطالب «مبلغان» ویژه تبلیغ و مبلغان است.
- ✓ مسئولیت مقالات و نوشتهها بر عهده نویسندگان آن است.
- ✓ حجم مقالات از ۱۲ صفحه دستنویس فراتر نرود.
- ✓ مقالات همه نویسندگان به شرط برخورداری از موازین علمی - پژوهشی، منتشر می شود.
- ✓ نقل مطالب با ذکر مأخذ، مجاز است.

نشانی: قم، ۴۵متری صدوق، ۲۰متری فجر، خیابان دانش، مرکز آموزشهای تخصصی تبلیغ،  
معاونت تبلیغ و آموزشهای کاربردی حوزههای علمیه، اداره کل امور رسانهها، دفتر مجله مبلغان.

صندوق پستی: ۳۷۱۸۵ / ۸۶۸      تلفن: ۳۲۹۳۳۱۹۰      نمابر: ۳۳۹۱۴۴۶۶

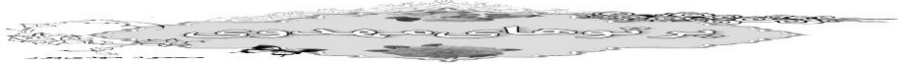
فهرست مطالب

پرتوهای مهدوی.....	۴
آیات مرتبط با رخدادهای (۴۳) تحریمهای مشرکان علی‌ه	
پیامبر(ص).....	۱۴
ابعاد گوناگون شخصیتی امام خمینی!.....	۲۹
درسهایی از سرگذشت مادر بزرگوار امام زمان(ع). ۴۹	
اصول و مهارت‌های مناظره (جدال احسن) (۲) «اقسام،	
ابزار و اصول کلی مناظره».....	۶۴
نذر معنوی و نقش آن در مهارت افزایی بانوان... ۸۳	
«فرزندآوری» در سبک زندگی اسلامی..... ۹۸	
مسابقه برد برد یا باخت باخت (۲)..... ۱۱۳	
«گفتگوی سالم» از منظر قرآن و حدیث (برخی از	
ویژگی‌های یک گفتگوی سالم از نگاه دین)..... ۱۲۸	
حسرت‌های بزرگ قیامت..... ۱۳۹	
ضرورت و فواید دشمن شناسی با تأکید بر اندیشه	
امام خمینی! و مقام معظم رهبری>..... ۱۵۱	
مصاحبه با مستبصرین (۱) نجات جان خانواده شیعه با	
عکس امام خمینی!..... ۱۶۱	
معرفی برخی از پایگاه‌های اطلاع رسانی (۱)..... ۱۶۵	
سخنان مقام معظم رهبری> پیرامون مهدویت و انتظار	
..... ۱۶۹	
خبرها و هشدارها..... ۱۷۶	
پرسش‌نامه مجله مبلغان..... ۱۸۷	



# ره‌نمود ولایت

«در طول این ۳۵ سالی که گذشته است، همواره و همیشه هیبت این حرکت عظیم مردمی (انقلاب اسلامی ایران)، چشم دشمنان جمهوری اسلامی را گرفته است. خیلی رجزخوانی کردند، هر چه توانستند تلاش کردند؛ اما ملت ایران و نظام جمهوری اسلامی در نظر اینها هیبت داشته است؛ این هیبت را ما باید حفظ کنیم؛ این هیبت بایستی محفوظ بماند؛ واقعیت هم هست، توهم نیست.»



## پرتوهای مهدوی

محمود مهدی پور

پا خواهد کرد و به  
اذن پروردگار، حق  
مستضعفین را از  
ظالمین عالم بازپس  
خواهد گرفت . این  
رویداد بزرگ در جهان  
اسلام پرتو افشانی می  
کند و تشنگان راه حق  
و حقیقت را سیراب می  
گرداند.

این عید بزرگ  
دارای جنبه ها و  
پرتوهای مختلفی است  
که در اینجا به چند  
مورد از آن اشاره می  
کنیم:

**پرتو نخست: چهار حماسه  
بزرگ**

چهار حماسه بزرگ  
در تاریخ اسلام از  
بزرگ ترین حوادث  
تاریخ است:

۱. بعثت نبوی؛
۲. غدیر علوی؛

ماه شعبان یکی از  
ماه های با فضیلت  
است که در آن  
مناسبتها و  
رویدادهای مختلفی  
وجود دارد؛ از جمله:  
میلاد پربرکت سید  
الشهدا (ع)، حضرت  
ابوالفضل العباس (ع)  
و امام سجاد (ع) که  
در روزهای نخستین  
این ماه واقع شده  
است و نیز ولادت حضرت  
علی اکبر(ع).

یکی دیگر از  
رویدادهای بزرگ این  
ماه، ولادت با سعادت  
منجی عالم بشریت  
حضرت حجه ب  
الحسن (عج) است؛ همو  
که امید همه  
پیامبران و اوصیاء  
است و حکومت عدالت  
را در جهان هستی به

۳. عاشورای حسینی؛  
 ۴. نیمه شعبان  
 مهدوی.
- این چهار رخداد  
 مهم اثر گذارترین  
 حوادث تاریخ تشیع،  
 تاریخ مسلمانان و  
 بلکه در تاریخ عمومی  
 انسانهاست.
- این فرازها نقطه  
 های عطف و تحوّل زای  
 زندگی در سراسر زمان  
 و زمین است.
- این حوادث با  
 یکدیگر پیوندی  
 استوار و ناگسستنی  
 دارد. عامل پیدایش  
 این چهار حادثه، بیش  
 از آنکه انسانی  
 باشد، الهی است و  
 قبل از آنکه زمینی  
 باشد، ریشه در آسمان  
 دارد. هم شادی بخش  
 است، هم غم انگیز.  
 این حوادث نقاط  
 ارتباط و التقای  
 فرشتگان الهی و  
 انسانهای برگزیده  
 اوست.
- گویی، این چهار  
 حادثه «نردبان معرفت  
 و عروج» انسان است  
 که با مهندسی ذات  
 مقدس ربوبی و  
 هنرمندی چهار چهره  
 برتر تاریخ و یاری  
 فرشتگان بزرگ خداوند  
 آفریده شده است. نقش
- اول را چهره هایی  
 همانند رسول اعظم  
 الهی،  
 امیرالمؤمنین (ع)، و  
 حضرت سید  
 الشهداء (ع)، و حضرت  
 مهدی موعود (عج) بر  
 عهده دارند.
- عشق الهی آنان را  
 به تلاش و جهاد "و  
 قیام عبادی و  
 جهادی" وامی دارد.  
 این چهار حادثه  
 شبهائی سپید دارد و  
 روزهای سرخ و  
 قهرمانان این  
 قیامهای چهارگانه  
 راهبان شب اند و  
 شیران روز، شبها از  
 خدا نور و نیرو می  
 گیرند و روزها به  
 ذهن و زندگی فرزندان  
 آدم وحوّا آگاهی و  
 آزادی و عدالت می  
 بخشند.
- سه رخداد بزرگ  
 بعثت، غدیر و  
 عاشورا، یادآور  
 گذشته های انسان و  
 جهان است؛ ولی میلاد  
 نیمه شعبان و طلوع  
 مهدی موعود بر آفاق  
 آینده زندگی بشریت  
 نور می افشاند و چشم  
 ان داز زیبا و مطلوب  
 جامعه واحد جهانی را  
 در پرتو توحید و  
 عدالت نوید می دهد.

امر وز بر دوش حوزه  
های اسلامی و عالمان  
دین سنگینی می کند.  
بهره برداری و  
برنامه ریزی عمیق  
برای باز نشر اندیشه  
های بعثت و غدیر و  
عاشورا و نگهبانی از  
فرهنگ ایمان به غیب  
و غدیر و عاشورا،  
«قرآن شناسی» و  
«مهدی باوری» لازم  
دارد و چه کسی جز  
فرزندان حوزه های  
علوم اسلام ی باید این  
بار گران را بردارد؟  
این بار گران جز  
با «اخلاص»، «آگاهی»،  
«امداد الهی» و  
«ایثار» بر دوش کسی  
قرار نمی گیرد و  
افتخار یاری و  
سربازی امام عصر (عج)  
نصیب هر کس و ناکس  
نمی شود، کسی می  
تواند نگهبان وحی و  
غدیر و عاشورا و  
یاور بقیة الله  
الأعظم (عج) باشد، که  
درسهای بعثت و غدیر  
و عاشورا را به خوبی  
فرا گرفته باشد و  
حوزه های علمیه را  
سکوی دست یابی به  
نان و نام و قدرت و  
ثروت نشناسد و برای  
پاسخ گویی به  
استغاثه اسلام، پای

آینده ای که ریشه در  
تقدیر و برنامه ریزی  
خدایی دارد و با  
تکیه بر حوادث  
پیشین، گلزار زیبای  
پیامبران را پدید می  
آورد. این حوادث  
چهارگانه، قیام  
اولیای الهی علیه  
جاهلیتهای قدیم و  
جدید است و تأثیر هر  
قیام به حدی است که  
هر یک «لیلة القدر»  
است و لیلة القدر  
خیرٌ من الف شهر.  
شناخت و معرفی  
قهرمانان این چهار  
قیام بزرگ و جاهلیتی  
که بشریت با آن  
مواجه بود و ایثار و  
جهادی که یاران بعثت  
و غدیر و عاشورا و  
سرانجام، یاران مهدی  
موعود (عج) نشان می  
دهند، وظیفه بزرگ  
عالمان دین و مبلغان  
پیام الهی است. پیام  
مهدوی همان پیام  
حسینی و پیام حسینی  
همان پیام علوی و  
پیام غدیر همان پیام  
بعثت مقدس نبوی است.  
دریافت درست این  
پیامهای ملکوتی و  
انتقال آن به نسل  
امروز و برنامه ریزی  
برای اجرای آن،  
رسالتی سنگین است که



در راه نهد.  
پرتو دوم : جاودانگی  
امامت

انسان همیشه نیازمند معارف و قوانین آسمانی است و قرآن و دیگ ر کتب آسمانی برای تأمین همین نیاز فرود آمده است، ولی انسان بدون معلم آسمانی و مفسر ملکوتی، توان فهم و بهره برداری کامل از کتاب خدا را ندارد.

قرآن جاودانه است، انسان و نیاز انسان هم همیشگی است؛ بنابراین معلم آسمانی و مفسر و مربی الهی و نماینده خدا در جهان هم باید جاودانه باشد .

ابوحمزه ثمالی از حضرت باقر العلوم (ع) چنین نقل کرده که

فرمود: «وَاللَّهِ، مَا تَزِيكَ اللَّهُ فِي أَرْضِهِ مُنْذُ قَبْلِ أَنْ يَخْلُقَ آدَمَ، إِلَّا وَفِيهَا إِمَامٌ يُهْتَدَى بِهِ إِلَى اللَّهِ، وَهُوَ حُجَّةُ اللَّهِ عَلَى عِبَادِهِ، وَلَا تَبْقَى الْأَرْضُ بِغَيْرِ إِمَامٍ، حُجَّةُ اللَّهِ عَلَى عِبَادِهِ»<sup>۱</sup>؛

سوگند به خدا، خداوند از روزی که آدم را قبض روح کرد،

زمین را بدون امامی که مردم را هدایت کند، رها نکرد و امام، حجت، خدا بر بندگان اوست و زمین بدون حجت خدا بر بندگان باقی نمی ماند.»

آیات متعددی از قرآن کریم، و ده ها حدیث با این مضمون در کتب حدیثی فریقین وجود دارد که زمین بدون حجت و رهبر آسمانی نمی ماند.

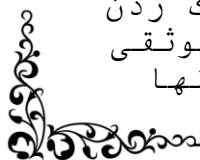
مسئله مهم، شناخت «رهبر آسمانی» و برقراری ارتباط با او و اطاعت و بیعت و حمایت از اوست.

پرتو سوم : شناخت عروه الوثقی

قرآن کریم شرط نجات و فلاح انسان را گرفتن دستگیره استوار الهی و تمسک به عروه الوثقی و حبل المتین می داند گویی انسان در چاه طبیعت ریسمانی لازم دارد تا از زندان ظلم و ظلمت آزاد شود.

کفر ورزیدن به طاغوتها و نفی سلطه های شیطانی و ایمان به خداوند، چنگ زدن به عروه الوثقی آسمانی است، تنها

۱. الکافی، کلینی، دارالکتب الاسلامیه، تهران، ۱۴۰۷ق، ج ۱، ص ۱۷۸، ح ۸.



**الْإِمَامُ**؛<sup>۲</sup> حکمت، همان اطاعت از خدا و شناخت امام است. «**پرتو چهارم : نقش امام عصر (عج)** پس از توحید و نبوت، شناخت و ایمان «به امام و امامت» مسئله اول زندگی جامعه بشری است؛ شناختن امامت و رهبری آسمانی و عدم اطاعت و پیروی از امام منصوب الهی، ریشه مشکلات اجتماعی و اختلافات سیاسی و اقتصادی و فرهنگی است. اختلافات سیاسی، ریشه در تلاش برای غصب مقام امام عصر (عج) دارد؛ اختلافات فرهنگی مولود نشستن بر کرسی فهم اسلام بدون بهره گیری لازم و کافی از فرهنگ قرآن و عترت است؛ اختلافات اقتصادی مولود دخالت در انفال و اموال امام معصوم (ع) بدون اذن و اجازه آن بزرگوار است حل و فصل همه خصوم آنها و

راهکار رهایی انسان از ظلمت ظلم و فقر و جهل و انواع بیماریهای جسمی و روحی و اجتماعی، پناه بردن به دو یادگار ماندگار رسالت درمیان امت یعنی قرآن و عترت است. عروة الوثقی الهی هیچکدام از قرآن و عترت به تنهایی نیستند. قرآن به تنهایی نیمی از مشکلات جامعه را حل می کند و اندیشه های برتر و اصول قانون الهی را در معرض دید انسان قرار می دهد، اما فهم کامل و جامع آن بدون استفاده از تفسیر اهل بیت (امکان پذیر نیست). قرآن منهای امامت و ولایت، ناقص و نادرست تفسیر می شود و ثقل اکبر بدون ثقل کبیر برای بشریت کافی نیست. ابوبصیر می گوید: درباره این کلام الهی که فرموده **[وَمَنْ يُؤْتِي الْحِكْمَةَ فَقَدْ أَوْتِيَ خَيْرًا كَثِيرًا]**<sup>۱</sup> سؤال کردم که منظور از حکمت چیست؟ حضرت فرمود: **«هِيَ طَاعَةُ اللَّهِ وَ مَعْرِفَةُ»**

۲. بحار الانوار، محمد باقر مجلسی، دار احیاء التراث العربی، بیروت، ۱۴۰۳ق، ج ۲۷، ص ۱۲۷

۱. بقره ۲۶۹/.





امام است.<sup>۱</sup>  
آموزش احکام الله،  
شبهه زدایی از ذهن و  
دل صالحان، امید  
بخشی به مجاهدان و  
عالمان و مؤمنان،  
برخوردهای ضروری با  
کافران و منافقان و  
ستمگران، همگی بخشی  
از آثار پیدا و  
پنهان امام زمان (عج)  
است

### پرتو پنجم : معنای انتظار

امام مهدی (عج)  
آفتاب نمایان است و  
انسان سرمازده،  
همیشه در انتظار  
رؤیت خورشید است .  
مهدی موعود (عج) آب  
زندگی بخش است.  
انسان زنده به آب  
نیاز دارد؛ انتظار  
نوشیدن و دی دن آب،  
حرکت طبیعی انسان  
است، آری رب الابرار،  
ساقی تشنگان گیتی  
است و شراب طهور،  
جام عشق محمد و آل  
محمد است که همه  
پلیدیها را از روح و  
روان انسان می  
زداید.

انتظار مهدی  
موعود، اعلام تشنگی و

عداوتها و انکار و  
تکذیبهها و اتهامهای  
دروغین گروه ها و  
جناحهای سیاسی، با  
تسلیم همه بر محور  
رهبری الهی و تسلیم  
مدعیان در برابر  
نظام امامت تحقق  
پذیر است.

قبول مهدویت و  
امام حی و ناظر بر  
عملکرد فردی و گروهی  
و عمل به معارف قرآن  
و عترت، تنها راهکار  
انسجام و آشتی ملی و  
اتحاد بین الملل  
اسلامی است . تا  
اعتصام به «حبل الله»  
نباشد تا تمسک به  
قرآن و اهل بیت) بر  
دولت و ملت حاکم  
نشود، تا تسلیم  
فراگیر و عملی در  
برابر فرمان نائب  
امام و نواب امام  
شکل نگیرد، از اتحاد  
و همدلی و عدالت  
اجتماعی و اقتدار و  
عزت اسلامی خب  
ری  
نیست.

امام واسطه فیض  
الهی است، هم در  
تکوین و هم در  
تشریح؛ یعنی دفع بلا،  
نزول بارانها، رویش  
برکات الهی و ...  
همگی از برکات وجود

۱ کمال الدین و تمام النعمه،  
شیخ صدوق، اسلامیه، تهران،  
۱۳۹۵ق، ج ۲، ص ۳۸۴



صَارَتْ بِهِ الْغَيْبَةُ عِنْدَهُمْ  
بِمَنْزِلَةِ الْمَشَاهِدَةِ وَ  
جَعَلَهُمْ فِي ذَلِكَ الزَّمَانِ  
بِمَنْزِلَةِ الْمُجَاهِدِينَ  
بَيْنَ يَدَيِ رَسُولِ اللَّهِ (ص)

بِالسَّيْفِ ؛ اهل زمان  
غیبت امام عصر که به  
امامت او عقیده  
دارند و منتظر ظهور  
آن حضرت هستند،  
انسانهای برتر کل  
روزگارند؛ زیرا  
خداوند تعالی عقل و  
فهم و معرفتی به  
ایشان عطا کرده که  
عصر غیبت در نزد  
آنان چون عصر مشاهده  
[و عصر حضور] است و  
آنان را به مانند  
مجاهدین پیشاپیش  
رسول خدا (ص) و شمشیر  
زنان رکاب او قرار  
داده است.»

آری مهدی (عج) نوری  
در ظلمت هاست؛ گوهری  
ناشناخته است؛ گنجی  
نادیده است؛ چراغی  
نافروخته و چشمه  
سازی راکد مانده  
است؛ آبی شیرین در  
دل زمین است و تنها  
مؤمنان صالحان می  
توانند از وجود او  
استفاده کنند.  
او وجودی خیالی و  
پنداری نیست، در

تلاش برای دست یابی  
به آب حیات است و  
امام مهدی (عج) «ماء  
معین» امت اس لامی  
است.

آب زلال آسمانی  
تنها از کوثر علوی  
می جوشد و انسان  
بدون دست یابی به  
این آب گوارا از  
تشنگی می میرد و با  
نوشیدن آبهای آلوده  
جان می سپارد.

انسان شیدای عدالت  
است و عدالت در  
انتظار مهدی موعود  
است و عدالت خواهی،  
نشان منتظران راستین  
است.

انتظار، آرمانی  
بدون تلاش و تکاپو  
نیست؛ انتظار، نوعی  
جهاد فرهنگی و  
اقتصادی و سیاسی و  
نظامی در عصر غیبت  
است.

پاداش منتظران  
شیخ صدوق از قول  
امام چهارم چنین نقل  
کرده است که آن  
بزرگوار فرمود : «إِنَّ

أَهْلَ زَمَانٍ غَيْبَتِهِ  
الْقَائِلِينَ بِأَمَانَتِهِ وَ  
الْمُنْتَظِرِينَ لُظُهُ وَرِهِ  
أَفْضَلُ مِنْ أَهْلِ كُلِّ زَمَانٍ  
لِأَنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى  
أَعْطَاهُمْ مِنَ الْعُقُولِ وَ  
الْأَفْهَامِ وَ الْمَعْرِفَةِ مَا

۱. کمال الدین و تمام  
النعمة، ج ۱، ص ۳۲۰.



فرماید: «كُلَّمَا تَقَارَبَ  
هَذَا الْأَمْرُ، كَانَ أَشَدَّ  
لِلتَّقِيَّةِ؛<sup>۱</sup> هر چه ظهور  
نزدیک تر شود، تقیه  
شدید خواهد بود.»  
عدالت خواهان باید  
دشوارترین شرائط  
تقیه را رعایت کنند.  
**پرتو ششم : وظایف  
منتظران**

وظایف منتظران  
راستین امام عصر (عج)  
را در چند بخش می  
توان خلاصه کرد:  
۱. تزکیه و

خودسازی که وظیفه  
فرد، فرد امت اسلامی  
است؛

۲. تولید و پرورش  
نیرو که وظیفه  
خانواده و نظام  
تربیتی و آموزشی امت  
است؛

۳. سازماندهی  
نیروها که رسالت  
مدیران و رهبری  
جامعه اسلامی است؛

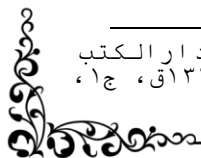
۴. فراهم سازی  
امکانات که جهاد  
علمی و مالی و  
اقتصادی فرزندان  
اسلام را می طلبد.  
کسانی که تاکنون  
درباره وظیفه  
منتظران در عصر غیبت

عالم هور و قلیا  
زندگی نمی کند؛ در  
همین زمین و زمان  
است. شرط استفاده از  
برکات وجودی او،  
تغییر در زندگی و  
اندیشه ما و در یک  
کلام تغییر زمین و  
زمانه است و تا  
جوامع دینی به بلوغ  
عقیدتی، فرهنگی،  
اخلاقی و اجتماعی لازم  
نرسند، نمی توانند  
از وجود او بهره مند  
شوند.

انتظار ظهور مهدی  
موعود (عج) از حساس  
ترین و تاریخ  
سازترین فرازهای  
عقیدتی و قرآنی است  
که در میان مسلمانان  
عمری به درازای اسلام  
و بلکه به درازای  
عمر پیام آوران الهی  
دارد و گاه خداوند  
چنین صلاح می داند که  
حجت خویش را در شکم  
ماهی و زندان فرعون  
و زندان هارون و یا  
عمری به درازای عمر  
نوح زنده بدارد.

انتظار عدالت در  
عصر سلطه جهانی ظلم،  
با راز داری و تقیه  
همراه است و طبق  
حدیث شریف محمد بن  
مسلم از امام  
صادق (ع) که می

۱. المحاسن، برقی، دارالکتب  
الاسلامیه، قم، ۱۳۷۱ق، ج ۱،  
ص ۴۰۴.



- گرديده است. کارهایی مثل:
۱. تقویت ایمان به خدا و رسول گرامی و جانشینان آن بزرگوار؛
۲. ابلاغ سلام و درود و صلوات بر اولیای الهی؛
۳. معرفت دوستان اهل بیت؛
۴. اقرار به فضائل و مناقب مهدی (عج)؛
۵. ذکر فضائل و مناقب مهدی (عج)؛
۶. اقتدا به اخلاق و رفتار مهدی (عج)؛
۷. زیارت امام و توسل و سلام بر حضرت؛
۸. زیارت به نیابت از امام (زیارت حج و عمره و زیارت اهل بیت) و طواف؛
۹. تلاوت قرآن به نیابت آن بزرگوار و اهداء ثواب به ایشان؛
۱۰. صدقه دادن برای سلامتی آن حضرت و به نیابت از ایشان؛
۱۱. ایستادن و احترام کردن هنگام شنیدن نام حضرت؛
۱۲. خوشحال کردن یاران بزرگوار آن حضرت؛
۱۳. شبهه زدایی از

پژوهش کرده اند، معمولاً به وظایف فردی پرداخته و از وظایف اجتماعی کم تر سخن به میان آمده است! شاید راز این غفلت این باشد که کم تر حکومت اسلامی و دینی وجود داشته است؛ حکومت و دولتی که خویش را سرباز امام عصر (عج) و کارگزار ایشان بداند. اولین وظیفه اش زمینه سازی برای ظهور امام موعود و موجود است. وظیفه اول پیروان آن بزرگوار تزکیه و خود سازی است؛ این وظیفه همیشه و همه جا و برای همه گروه های اجتماعی ضروری است. وظایفی که محققان به عنوان وظایف فردی در عصر انتظار نسبت به آستان قدسی امام زمان (عج) برشمرده اند، بیش از صد مورد است. از جمله در شماره ۳۴ ماهنامه مبلغان دوازده وظیفه مهم یادآوری شده است. همچنین در کتاب شریف مکیال المکارم، هشتاد وظیفه برای منتظران یادآوری



معارف مهدوی؛

۱۴. تقویت محبت و  
معرفت امام در جامعه  
بشری.

بخشی از وظایف  
منتظران ظهور است که  
بایستی رعایت شود تا  
معنای واقعی انتظار  
در مورد منتظران آن  
حضرت، صدق کند.  
والسّلام



## آیات مرتبط با رخدادهای (۴۳) تحریمهای مشرکان علیه پیامبر(ص)

محمد اسماعیل نوری زنجانی

معروف ترین آنها،  
تحریم استماع قرآن  
بود.  
سران شرك و بت  
پرستی، پس از شور و  
مشورت، به مردم ابلاغ  
کردند که هیچ کس حق  
ندارد به آیات قرآن  
گوش دهد و اطمینان  
از اجرای آن،  
جاسوسانی را در تمام  
نقاط شهر گماردند.  
خداوند از زبان  
آنان چنین نقل می  
کند: [وَقَالَ الَّذِينَ  
كَفَرُوا لَا تَسْمَعُوا لِهَذَا  
الْقُرْآنِ وَالْغَوَا فِيهِ  
لَعَلَّكُمْ تَعْلَبُونَ]؛<sup>۱</sup>  
«کافران گفتند: گوش  
به این قرآن فرا  
ندهید و [به هنگام

**اشاره**  
یکی از حربہ های  
دشمنان هنگام عجز و  
ناتوانی در مقابل  
پیشرفت اسلام، تحریم  
و محاصره اقتصادی و  
اجتماعی علیه  
مسلمانان است. در  
این مقاله به برخی  
از تحریمهایی که  
مشرکان قریش برای  
مقابله با پیشرفت  
اسلام به کار گرفتند،  
اشاره می شود.  
**تحریم استماع قرآن**  
مشرکان مکه در  
برابر فصاحت و بلاغت  
قرآن و عجز از آوردن  
مثل آن، جهت جلوگیری  
از نفوذ قرآن در  
دلهای مردم، انواع و  
اقسام مبارزه ها را  
به کار بستند که

نشنوید.<sup>۲</sup>  
علامه طباطبایی! در تفسیر آیه فوق می گوید: «آیه شریفه، بر نهایت عجز کفار در مبارزه علیه قرآن دلالت می کند؛ زیرا بعد از آنکه نتوانستند کلامی مثل آن را بیاورند و یا اقامه دلیل و بره ان علیه آن نمایند، کارشان در بیچارگی به اینجا کشید که به یکدیگر سفارش کنند به قرآن گوش ندهند و هنگامی که رسول خدا (ص) قرآن را برای مردم تلاوت می کند، سر و صداها بی معنی درآورند، تا صدای حضرت به گوش مردم نرسد و در نتیجه اثر تلاوت قرآن لغو گردد.»<sup>۳</sup>  
این روش قدیمی برای مبارزه در برابر نفوذ حق بوده است که از زمان پیامبران سابق بوده و امروزه نیز به صورت گسترده تر و

تلاوت آن [ جنجال کنید، شاید پیروز شوید. »  
نقل کرده اند : پیامبر اسلام (ص) میان رکن حجر الأسود و رکن یمانی می ایستاد (که هم مقابل کعبه باشد و هم در جهت بیت المقدس!) و مشغول نماز و تلاوت قرآن می شد . دو نفر از مشرکان قبیله «بنی س هم» در دو طرف آن حضرت می ایستادند، یکی سوت و صیحه می کشید و دیگری کف می زد.<sup>۱</sup>  
و در روایت دیگر از «ابن عباس» نقل شده است : هرگاه پیامبر (ص) صدای خود را به تلاوت قرآن بلند می کرد، مشرکان مکه مردم را از دور او پراکنده می ساختند و می گفتند : سوت و صفیر و صیحه بکشی د، و صدای خود را به شعر خواندن و امثال آن بلند کنید، تا سخنان او را

۲. روح المعانی، سید محمود آلوسی، دار الکتب العلمیه، بیروت، اول، ۱۴۱۵ق، ج ۱۲، ص ۳۷۱؛ تفسیر المراغی، احمد بن مصطفی مراغی، دار احیاء التراث العربی، بیروت، بی‌تا، ج ۲۴، ص ۱۲۵.  
۳. المیزان، ج ۱۷، ص ۳۸۸.

۱. المیزان فی تفسیر القرآن، سید محمدحسین طباطبایی، انتشارات جامعه مدرسین، قم، پنجم، ۱۴۱۷ق، ج ۹، ص ۸۵؛ الدر المنثور فی تفسیر المأثور، جلال الدین سیوطی، کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، قم، ۱۴۰۴ق، ج ۳، ص ۶۸۳.

قرآنی و اسلام ناب  
محمدی (ص) به گوش  
مردم می شوند.  
مشركان قريش نيز  
علاوه بر صدور بيانيه  
ای مبني بر ممنوعیت  
استماع قرآن، در  
مقام عمل نيز با  
تشكيل مجالس سرگرمي،  
مردم را از شنیدن آن  
باز می داشتند که در  
اینجا به يك نمونه  
اشاره می کنیم:  
لهوالحدیث به جای احسن  
الحدیث

اکثر مفسران قرآن  
- اعم از شیعه و  
سنی - نقل کرده  
اند: شخصی تاجر به  
نام «نضر بن حارث»<sup>۱</sup>  
که بیش تر به کشور  
ایران مسافرت می  
کرد، ضمن سفرهای خود  
داستانهایی درباره  
رستم، اسفندیار و

اشکال دیگری ادامه  
دارد که دشمنان اسلام  
برای انحراف افکار  
مردم و خفه کردن  
صدای منادیان حق و  
عدالت، با اشکال  
مختلف و وسایل  
گوناگون به اجرا می  
گذارند.

علاوه بر این، گاه  
با تبلیغات دروغین و  
ترور شخصیتی و  
فیزیکی مبلغان اسلام،  
رهبران اسلامی و  
آمران به معروف و  
ناهیان از منکر، گاه  
با ایجاد «پارازیت»  
و یا بستن شبکه ها و  
سایتهایی که منادی  
حق هستند، گاه با  
جار و جنجال آفرینی  
یا داستانهای خرافی  
و دروغین و گاه با  
ساختن افسانه های  
عشقی و هوس انگیز،  
یا ایجاد مراکز

سرگرمی و فساد، و  
انواع فیلمهای  
مبتذل، و مطبوعات بی  
محتوای سرگرم کننده،  
و بازیهای دروغین  
سیاسی و هیجانهای  
کاذب، و خلاصه با هر  
چیزی که افکار مردم  
را مشغول سازد و از  
تفکر در مسائل  
بنیادی بازدارد،  
مانع از رسیدن حقایق

۱. نضر بن حارث بن علقمة بن  
کلده، از قبیله بني عبدالدار  
و از دشمنان سرسخت پیامبر  
اسلام- بود و در جریان محاصره  
پیامبر- و حامیانش در شعب  
ابوطالب، نقش اصلی را داشت و  
به همراه ابوجهل، عقبه بن  
ابی معیط و عاص بن وائل، از  
رسیدن آذوقه به آنان جلوگیری  
می کرد.  
در جنگ «بدر» نضر بن حارث و  
عقبه بن ابی معیط اسیر شدند  
و هنگام برگشت به مدینه، در  
منزل «ائیل» حضرت علی % به  
دستور پیامبر- هر دو را به  
قتل رساند. (حجة التفاسیر،  
سید عبد الحجت بلاغي،  
انتشارات حکمت، قم، ۱۳۸۶ ق،  
ج ۲، صص ۹۸۵ - ۹۸۷).



لِيُضِلَّ عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ بَعْضَ  
عِلْمٍ وَ يَتَّخِذَهَا هُزُوًا  
أُولَئِكَ لَهُمْ عَذَابٌ مُهِينٌ  
\* وَإِذَا نُبِّلَى عَلَيْهِ  
آيَاتُنَا وَلَّى مُسْتَكْبِرًا  
كَأَن لَّمْ يَسْمَعْهَا كَأَن فِي  
أُذُنَيْهِ وَقَرَأَ فَبِشْرَةِ

بِعَذَابِ أَلِيمٍ [؛ ۲] «و  
بعضی از مردم سخنان  
بیهوده را می خرنند،  
تا مردم را از روی  
نادانی، از راه خدا  
گمراه سازند و آیات  
الهی را به استهزا  
گیرند. برای آنان  
عذابی خوار کننده  
است. و هنگامی که  
آیات ما بر او  
خوانده می شود،  
مستکبران روی برمی  
گرداند، گویی آن را  
نشنیده است. گویی  
اصلاً گوشه‌ایش سنگین  
است. او را به  
عذابی دردناک بشارت  
ده!»

شکست مشرکان در تحریم  
استماع قرآن

مشرکان قریش، تمام  
ترفندها و شیطنتهای  
خود را برای جلوگیری  
از نفوذ قرآن در  
دل‌های مردم به کار  
گرفتند؛ ولی در این  
مبارزه شکست خورده و  
ناکام ماندند؛ زیرا

۲. لقمان/ ۶ و ۷.

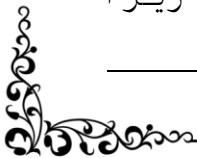
پادشاهان عجم یاد  
گرفته و کتابهایی در  
این زمینه خریداری  
کرد و به شهر مکه  
آورد.

او با تشکیل  
جلساتی متعدد، به  
مردم می گفت: اگر  
محمد برای شما  
سرگذشت قوم عاد و  
ثمود را نقل می کند،  
من هم داستانهای  
رستم، اسفندیار و  
اخبار کسرا و سلاطین  
عجم را می گویم.  
گروهی از مردم دور  
او جمع می شدند و در  
اثر این سرگرمی، از  
تشرّف به محضر مبارک  
رسول خدا (ص) و شنیدن  
آیات الهی و در  
نتیجه از ایمان به  
خدا و رسولش باز می  
ماندند.

خدای سبحان در  
مقام تقبیح از عمل  
او، آیه زیر را نازل  
کرد: ۱

[وَمِنَ النَّاسِ مَنْ  
يَشْتَرِي لَهْوَ الْحَدِيثِ

۱. حجة التفاسیر، بلاغی، ج ۵،  
ص ۱۶؛ کشف الاسرار و عده  
الابرار (تفسیر خواجه عبد الله  
انصاری)، رشید الدین میبدي،  
انتشارات امیر کبیر، تهران،  
چاپ پنجم، (۱۳۷۱ش)، ج ۷، ص  
۴۸۶؛ مجمع البیان فی تفسیر  
القرآن، فضل بن حسن طبرسی،  
نشر ناصر خسرو، تهران، چاپ  
سوم، ۱۳۷۲ش، ج ۸، ص ۴۹۰؛  
المیزان، ج ۱۶، ص ۲۱۲.



پنهانی از خانه های  
خود بیرون آمده و  
برای گوش دادن به  
تلاوت قرآن محمد (ص)  
که شبها در حال نماز  
با آهنگ دلنشین می  
خواند، به سوی خانه  
آن حضرت روانه شدند  
و هر کدام در گوشه  
ای پنهان گشتند، و  
بدون اینکه از وضع  
یکدیگر باخبر باشند،  
به تلاوت قرآن حضرت  
گوش می دادند. هنگام  
صبح که می خواستند  
برگردند، همدیگر را  
دیدند و سرزنش کردند  
و گفتند: اگر دیگران  
از این کار ما آگاه  
گردند، سبب گرایش  
آنان به قرآن خواهد  
شد! سپس با همدیگر  
عهد بستند که دیگر  
این کار را نکنند.  
شب دوم هر کدام به  
گمان اینکه رفیقانش  
نخواهند آمد، به سوی  
خانه پیامبر (ص)  
رفتند و هنگام صبح  
مثل شب قبل همدیگر  
را دیدند و به سرزنش  
یکدیگر پرداختند و  
مجدداً عهد و پیمان  
بستند که این، آخرین  
بار باشد؛ ولی  
اتفاقاً شب سوم نیز  
همین کار تکرار شد.  
این بار پیمانی محکم

قرآن کریم با آن  
حلاوت و جذابیت مخصوص  
خود، در دل‌های مردم  
نفوذ کرد و روز به  
روز گسترده تر شد و  
در سراسر جهان  
درخشیدن گرفت.  
اعجاز شیرینی و  
فصاحت و بلاغت قرآن،  
به خصوص شنیدن آن از  
زبان خود رسول  
خدا (ص)<sup>۱</sup> به حدی بود  
که مردم را به سوی  
خود جذب می کرد، و  
حتی کار به جایی  
رسید که همان افرادی  
که با کمال سرسختی  
مردم را از شنیدن  
قرآن باز می داشتند،  
و هر کس را که از  
مضمون آن ا علامیه  
تخلف می کرد، مجرم  
می شمردند، پس از  
مدتی خودشان نیز در  
شمار قانون شکنان  
قرار گرفته، عملاً در  
پنهان به استماع  
قرآن می پرداختند!  
ابوسفیان، ابوجهل و اخنس  
نقل کرده اند:  
شبی ابوسفیان،  
ابوجهل و اخنس بن  
شریق، بدون اطلاع  
یکدیگر و به صورت

۱. به قول شاعر:  
«چه خوش است صوت قرآن ز تو  
دلربا شنیدن  
به رخت نظاره کردن، سخن خدا  
شنیدن.»

بخشیدند، ما نیز  
مرکب بخشیدیم . آنها  
بخششهای دیگر  
داشتند، ما نیز  
داشتیم و به این  
ترتیب دوش به دوش  
یکدیگر پیش می  
رفتیم . اکنون آنها  
می گویند: ما پیامبر  
داریم که بر او وحی  
آسمانی نازل می شود؛  
اما ما چگونه می  
توانیم در این مورد  
با آنان رقابت کنیم؟  
به خدا سوگند ! هرگز  
به او ایمان نخواهیم  
آورد و او را تصدیق  
نخواهیم کرد : «وَاللّٰهُ  
لَا يُؤْمِنُ بِهِ اَبَدًا وَّ لَا  
نُصَدِّقُهُ» .

در اینجا «اخنس»  
بدون اینکه حرفی  
بزند، برخاست و  
رفت.<sup>۱</sup>  
از حرفهای ابوجهل  
معلوم می شود كه ه او  
حقانیت پیامبر  
اسلام (ص) را قبول  
داشت؛ ولی تعصّب  
جاهلی مانع از اظهار  
ایمان و قبول ظاهری  
او می شد . وی در  
جایی دیگر، حقانیت  
آن حضرت را به زبان

بستند که هرگز چنین  
کاری نکنند.  
فردای آن شب، اخنس  
بن شریق عصای خود را  
برداشت و به س راغ  
ابوسفیان رفت و گفت:  
ای اباحنظله ! صریح  
با من بگو ببینم که  
عقیده تو درباره  
سخنانی که از محمد  
شنیدی، چیست؟  
ابوسفیان گفت : ای  
ابا ثعلبه ! به خدا  
سوگند ! من چیزهایی  
شنیدم که آنها را  
درک می کنم و مضمون  
و مقصود آنها را می  
فهمم؛ ولی مطالبی هم  
شنیدم که معنی و  
مقصود آنها را  
نفهمیدم !

اخنس گفت : به خدا  
سوگند ! من نیز چنین  
احساسی دارم . سپس به  
خانه ابوجهل رفت و  
همین سؤال را از او  
کرد .

ابوجهل گفت: حقیقت  
این است که ما  
(قبیله بنی مخزوم )  
با فرزندان عبد مناف  
در به دست آوردن  
ریاست با هم رقابت  
داریم . آنها مردم را  
اطعام کردند، ما نیز  
برای اینکه عقب  
نمانیم، اطعام  
کردیم . آنها مرکب

۱. السيرة النبوية، ابن هشام  
حميري معافري، دار المعرفة،  
بيروت، بيتا، ج ۱، صص ۳۱۵ -  
۳۱۶.

عبدال مطلب (ع) (عموی پیامبر (ص)) هر روز به تعداد مسلمانان افزوده می شد و این جریان، بزرگان قبایل قریش را نگران می کرد. روزی رسول خدا (ص) در مسجد الحرام تنها نشسته بود و بزرگان قریش در گوشه دیگر جلسه گرفته بودند. عُتبه بن ربیع که از بزرگان قوم بود، گفت: آیا صلاح می دانید من بروم با محمد صحبت کنم و پیشنهادهایی به او دهم؟ شاید بعضی را بپذیرد و دست از این برنامه اش بردارد؟ آنها گفتند: آری، ای ابا ولید! برو با او صحبت کن.

عُتبه نزد پیامبر (ص) آمد و عرض کرد: ای فرزند برادرم! تو از ما هستی و ما شرافت تو را در میان قبیله می دانیم و احترام قایلیم؛ ولی تو برنامه بزرگی مطرح کرده ای و میان مردم تفرقه انداخته ای! بیا به پیشنهادهای من گوش کن، شاید برخی را بپذیری. حضرت فرمود:

آورده است. در روایت «سدي» آمده است: روزی اخنس بن شریق با ابوجهل روبه رو شد، در حالی که فرد دیگری در آنجا نبود، پس به او گفت: راستش را بگو، محمد صادق است یا کاذب؟ در اینجا کسی غیر از من و تو نیست که سخنان ما را بشنود.

ابوجهل گفت: وای بر تو! و الله او راست می گوید و هرگز دروغ نگفته است؛ ولی اگر بنا باشد خاندان قُصَیّ<sup>۱</sup> تمام مناصب بزرگ: پرچم داری جنگ، پرده داری کعبه، آب دادن به حجاج، دار الندوه<sup>۲</sup> و مقام نبوت را به چنگ آورده باشند، برای بقیه قریش چه چیزی باقی می ماند؟!<sup>۳</sup>

**تأثیر قرآن بر عُتبه بن ربیع**

بعد از ایمان آوردن حمزة بن

۱. قُصَیّ، جد چهارم پیامبر اسلام- و پدر عبد مناف بود.  
۲. مناصب مذکور، مخصوص قُصَیّ بود، پس از او اختلاف شد، و در «حلف المطیبین» قرار شد سقایت و رفادت (آب و غذا دادن به حجاج) با بنی عبد مناف و بقیه با بنی عبد الدار باشد. (ر.ک: سیره ابن هشام، ج ۱، صص ۱۲۹ - ۱۳۴).  
۳. مجمع البیان، طبرسی، ج ۴، ص ۴۵۵.

آيَاتُهُ قُرْآنًا عَرَبِيًّا  
لِقَوْمٍ يَعْلَمُونَ \* بَشِيرًا  
وَ نَذِيرًا فَأَعْرَضَ أَكْثَرُهُمْ  
فَهُمْ لَا يَسْمَعُونَ \* وَ  
قَالُوا قُلُوبُنَا فِي  
أَكِنَّةٍ مِمَّا تَدْعُونَا إِلَيْهِ  
وَ فِي آذَانِنَا وَقْرٌ وَ  
مِن بَيْنِنَا وَ بَيْنِكَ حِجَابٌ  
فَاعْمَلْ إِنَّ نَا عَامِلُونَ ]

عتبه با دقت گوش می  
داد و پیامبر (ص) می  
خواند. تا اینکه به  
آیه سجده رسید. حضرت  
سجده کرد و سپس  
فرمود: ای ابا ولید!  
شنیدی؟ اکنون درباره  
اش تأمل کن.

عتبه برخاست و نزد  
رفقاییش رفت. پیش از  
اینکه نزد آنها  
برسد، دوستانش  
گفتند: رنگ صورت  
ابا ولید تغییر کرده  
است! وقتی که رسید و  
نشست، گفتند: چه  
شد؟!

گفت: «قَدْ سَمِعْتُ قَوْلًا  
وَ اللَّهُ مَا سَمِعْتُ مِثْلَهُ قَطُّ،  
وَ اللَّهُ مَا هُوَ بِالشَّعْرِ، وَ  
لَا بِالشَّحْرِ، وَ لَا  
بِالْكَهَانَةِ؛ به خدا  
سوگند! سخنانی شنیدم  
که هرگز مثل آن را  
نشنیده ام. به خدا  
سوگند! سخنان او نه  
شعر است، نه سحر است  
و نه کهانیت.»  
و در ادامه

ای ابا ولید! بگو،  
می شنوم. عتبه بن  
ربیعہ پیشنهادهای  
زیر را مطرح کرد:  
۱. اگر مال دنیا  
می خواهی، ما آنقدر  
مال به تو می دهیم  
که از همه ما  
ثروتمندتر باشی؛

۲. اگر مقام می  
خواهی، همه ما تو را  
رئیس قرار می دهیم و  
بدون اجازه تو کاری  
انجام نخواهیم داد؛  
۳. اگر پادشاهی می  
خواهی، ما تو را به  
پادشاهی خود انتخاب  
می کنیم؛

۴. اگر جن زده شده  
ای و چیزهایی می  
بینی که تو را وادار  
می کند این حرفها را  
بزنی، ما تو را نزد  
بهترین طبیبهای دنیا  
می بریم، معالجه می  
کنیم و مخ ارجش را  
خودمان می دهیم.

هنگامی که حرفهای  
عتبه تمام شد، حضرت  
پرسید: ای ابا ولید!  
سخنانت تمام شد؟  
گفت: آری، فرمود:  
گوش کن! شروع به  
تلاوت آیات اولیة

سورة فصلت نمود: [بِسْمِ  
اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ  
حَم \* تَنْزِيلٌ مِنَ الرَّحْمَنِ  
الرَّحِيمِ \* كِتَابٌ فَصَّلْت



او حرف آنها را قبول کرد؛ ولی وقتی که وارد مسجد الحرام شد، حضرت را در کنار خانه کعبه در حال نماز دید، با خود گفت: من که عاقل، شاعر و سخن شناسم، چرا گوش نکنم؟ پس پنبه را از گوش درآورد. سخنان زیبایی حضرت را شنید و حق را شناخت. منتظر شد تا پیامبر (ص) از نماز فارغ شد. حضرت خواست به خانه رود که طفیل به دنبال او رفت تا اینکه به در خانه رسیدند. طفیل اجازه خواست و وارد شد، پس عرض کرد: مرا از ملاقات تو و گوش دادن به سخنانت برحذر داشته اند؛ ولی من برخی از سخنان تو را شنیدم و آن را زیبا و صحیح یافتم. برنامه دین خود را بر من عرضه کن.

حضرت، برنامه اسلام را بر او عرضه کرد و آیاتی از قرآن تلاوت نمود. طفیل گفت: «وَاللّٰهُ مَا سَمِعْتُ قَوْلًا قَطُّ أَحْسَنَ مِنْهُ وَلَا أَمْرًا أَعْدَلَ مِنْهُ»؛ به خدا سوگند! هرگز سخنی

سخنانش گفت: ای جماعت قریش! به حرف من گوش کنید و مزاحم او نشوید. من مطلب خیلی بزرگی از او شنیدم. شما او را به حال خود بگذارید. اگر دیگران بر او غالب شدند، شما راحت می شوید و اگر او غالب شد، حکومت او حکومت شما و عزت او عزت شماست و سعادت مند خواهید بود.

گفتند: ای ابا ولید! با زبانش تو را سحر کرده است. گفت: نظر من همین است که گفتم، دیگر خود می دانید. هرچه می خواهید، بکنید. **تأثیر قرآن بر طفیل بن عمرو**

طفیل بن عمرو دوسی، مردی عاقل، شریف و شاعر بود. روزی به مکه آمد. گروهی از قریش سراغ او رفتند و او را از گوش دادن به سخنان پیامبر (ص) برحذر داشتند و توصیه اکید کردند که هنگام رفتن به مسجد الحرام، پنبه در گوش بگذارد.

۱. سیره ابن هشام، ج ۱، ص ۲۹۳-۲۹۴.

روح تسلیم آمیخته  
نشود، اثری ندارد و  
انسان را در سلک  
مؤمنان قرار نمی  
دهد.

### تحریم اجتماعی و اقتصادی پیامبر(ص)

پس از اینکه  
مشرکان قریش در  
تحریم استماع قرآن  
شکست خوردند و گسترش  
روزافزون دین اسلام  
را دیدند، به خشم  
آمدند و تصمیم  
گرفتند که به هر  
قیمتی جلوی انتشار  
اسلام را بگیرند،

اگرچه منجر به قتل  
پیامبر(ص) گردد؛ اما  
با توجه به اینکه در  
نظام قبیلگی حاکم بر  
مکه، تعرض به

پیامبر (ص) خطر  
انتقام جویی بنی  
هاشم را به دنبال  
داشت، مصلحت را در  
این دیدند که ابتدا  
از راه مسالمت وارد  
شوند و از نفوذ  
عمویش، ابوطالب  
استفاده کنند تا وی  
برادرزاده خود را از  
ادامه راهش باز  
دارد. از این رو، طی  
چند دیدار با  
ابوطالب، با تأکید  
بر اینکه او از نظر  
نسب، شرف و سن

زیباتر از آن و  
برنامه ای عادلانه تر  
از آن نشنیده ام.»  
سپس به دست حضرت  
مسلمان شد و به میان  
قوم خود برگشت و  
تعداد کثیری از آنان  
را مسلمان کرد، به  
حدی که پس از هجرت  
حضرت به مدینه، به  
همراه هشتاد خانواده  
از مسلمانان قوم خود  
(قبیله دوس) به  
مدینه آمدند که در  
آن زمان پیامبر (ص)  
به جنگ «خیبر» رفته  
بود.<sup>۱</sup>

از این نوع روایات  
- که در تاریخ اسلام  
فراوان است -  
استفاده می شود که  
مشرکان قریش در  
برنامه تحریم استماع  
قرآن، شکست سختی  
خوردند، به حدی که  
خودشان نیز به  
حقانیت قرآن اعتراف  
داشتند؛ ولی  
رقابتهای قبیلگی و  
تعصباتی بی جا،  
اجازه نمی داد و یا  
شهامت نداشتند که  
رسماً ایمان بیاورند.  
البته معلوم است  
که این گونه اعتقاد  
باطنی مادام که با

۱. ر.ک: سیره ابن هشام، ج ۱،  
صص ۳۸۲ - ۳۸۵.



بردارن د تا مشرکان  
قریش بتوانند او را  
بکشند.<sup>۱</sup>  
مضمون پیمان نامه تحریم  
مشرکان قریش در  
«دار الندوه» جمع  
شدند و برای تحریم و  
محاصره اقتصادی و  
اجتماعی بنی هاشم و  
بنی عبدالمطلب پیمان  
نامه نوشتند و چهل  
نفر از رؤسای قبایل  
آن را امضا و مهر  
کردند و بر کعبه  
آویختند.

بخشی از متن پیمان  
نامه (طبق نقل علامه  
مجلسی!) چنین است :  
«أَنْ لَا يُؤَاكِلُوا بَنِي  
هَاشِمٍ وَ لَا يُكَلِّمُوهُمْ وَ  
لَا يُبَايِعُوهُمْ وَ لَا  
يُزَوِّجُوهُمْ وَ لَا يَتَزَوَّجُوا  
الْبَنِيهِمْ وَ لَا يَحْضُرُوا  
مَعَهُمْ حَتَّى يَذْفَعُوا  
الْيَهُمَ مُحَمَّدًا فَإِذَا قَتَلُوهُ  
وَ أَنَّهُمْ يَدُّ وَاحِدَةً عَلَيَّ  
مُحَمَّدٍ يَقْتُلُونَهُ غِيْلَةً أَوْ  
صِرَاحًا»<sup>۲</sup> [قبایل قریش  
در این پیمان متعهد  
شدند که [ با بنی

موقعیت ممتازی دارد،  
از وی خواستند  
برادرزاده اش را از  
ادامه راهش بازدارد.  
آنان در این  
دیدارها گاه از راه  
تطمیع و پیشنهاد مال  
و ثروت و ریاست و  
گاه از راه تهدید  
وارد شدند و چون به  
نتیجه نرسیدند و در  
تمام این مراحل با  
پاسخ منفی رسول  
خدا (ص) و حمایت  
ابوطالب از او مواجه  
شدند، در نهایت به  
ابوطالب پیشنهاد  
کردند که «عُمارة بن  
ولید بن مغیره  
مخزومی» را که جوان  
زیبا، زورمند و شاعر  
بود، به فرزندی خود  
بپذیرد و محمد را  
بدهد که آنها بکشند؛  
اما با پاسخ قاطع و  
دندان شکن ابوطالب  
مواجه شدند، و چون  
جنگ با قبیله بنی  
هاشم را خطرناک می  
دانستند، تصمیم بر  
«تحریم اجتماعی و  
اقتصادی» گرفتند تا  
بتوانند پیامبر (ص)  
را از ادامه برنامه  
خود منصرف، یا بنی  
هاشم را متقاعد  
سازند که دست از  
حمایت پیامبر (ص)

۱. ر.ک: الطبقات الكبرى، ابن  
سعد کاتب واقفی، دار الکتب  
العلمیه، بیروت، دوم، ۱۴۱۸  
ق، ج ۱، ص ۱۵۸؛ الکامل فی  
التاریخ، ابن اثیر جزری، دار  
الصادر، بیروت، چاپ ۱۳۸۵ ق،  
صص ۶۳ - ۶۵؛ بحار الانوار،  
علامه مجلسی، دار احیاء  
التراث العربی، بیروت، دوم،  
۱۴۰۳ ق، ج ۱۸، صص ۱۸۰ - ۱۸۶.  
۲. بحار الانوار، ج ۱۹، ص ۱.



هاشم؛ غذا نخورند، حرف نزنند، خرید و فروش نکنند، از آنان زن نگیرند و به آنان زن ندهند، در مجلس آنان حاضر نشوند تا اینکه آنان محمد را به قریش تحویل دهند که او را بکشند، و تمام قبایل قریش بر ضد محمد (ص) [متحد و مثل] یَدِ وَاحِدِ هستند که او را با [مکر و] حيله ترور کنند یا آشکارا بکشند.»

در جملات فوق، جمله «لَا يُبَايِعُوهُمْ» مربوط به تحریم اقتصادی و بقیه مربوط به تحریم اجتماعی می باشد. نویسنده پیمان نامه مردی به نام «منصور بن عکرمه عبدري» بود که نقل کرده اند دستش فلج شد.<sup>۱</sup>

#### اقدامات مفید ابوطالب(ع)

وقتی جناب ابوطالب(ع) از جریان پیمان نامه آگاه شد، بنی هاشم را جمع کرد و آنان را به حق کعبه، حرم، رکن و مقام قسم داد که از جان محمد (ص) حفاظت

کنند و پیشنهاد داد که جهت حفاظت و امنیت بیش تر، تمام بنی هاشم در درّه ای به نام «شعب ابوطالب»<sup>۲</sup> جمع شوند. بنی هاشم - اعم از مسلمان و کافر - قبول کردند، جز ابولهب که از مشرکان حمایت می کرد. بنی هاشم حدود سه سال در آنجا با فشار و سختی تمام به سر بردند.<sup>۳</sup> حضرت علي (ع) که خودش در آنجا بود و مشکلات را از نزدیک مشاهده و لمس می کرد، در ضمن یکی از نامه های خود به «معاویه» برخی از آن مشکلات را چنین بیان کرده است:

۲. شعب ابوطالب در نزدیکی «مسیع» حد فاصل کوه ابو قبیس و کوه خندمه است و اکثر خانه های بنی هاشم در همانجا

بوده که محل ولادت پیامبر - اکنون به عنوان کتابخانه در آنجا موجود است. (ر.ک: آثار اسلامی مکه و مدینه، رسول جعفریان، نشر مشعر، قم، ص ۱۴۹).

۳. ر.ک: بحار الانوار، ج ۱۹، ص ۱ و ۲؛ طبقات ابن سعد، ج ۱، ص ۱۶۳؛ السیرة الحلبیة (انسان العیون فی سیرة الامین المأمون)، ابو الفرج حلبی، دار الکتب العلمیة، بیروت، دوم، ۱۴۲۷ق، ج ۱، صص ۱۷۵ - ۱۷۷؛ صفوة الصحیح من سیرة النبی الأعظم، سید جعفر مرتضی عاملی، با تلخیص علی رفیعی قوجانی، مشعر، تهران، دوم، ۱۴۸۹ش، صص ۱۲۱ - ۱۲۲.

۱. طبقات ابن سعد، ج ۱، ص ۱۶۳.

«...فَارَادَ قَوْمُنَا  
قَتْلَ نَبِيِّنَا وَاجْتِيَاخَ  
أَصْلِنَا وَهَمُّوا بِنَا  
الْمُؤْمومِ وَفَعَلُوا بِنَا  
الْأَفَاعِيلَ وَمَنَعُونَا  
الْعَذَبَ وَأَحْلَسُونَا  
الْخَوْفَ وَاضْطَرُّونَا إِلَى  
جَبَلٍ وَعَرٍ وَ أَوْقَدُوا لَنَا  
نَارَ الْجَزْبِ فَعَزَمَ اللَّهُ لَنَا  
عَلَى الذَّبِّ عَنْ حَوْزَتِهِ وَ  
الرَّمِي مِنْ وَرَاءِ [حَوْمَتِهِ  
[ حَزْمَتِهِ مُؤْمِنِنَا يَنْجِي  
بِذَلِكَ الْأَجْرَ وَ كَافِرِنَا  
يُحَامِي عَنِ الْأَصْلِ ؛  
قبيلة ما (قریش )  
خواستند پیامبرمان  
را بکشند و ما را  
ریشه کن کنند . غم و  
اندوه را به جانهای  
ما ریختند و هرچه می  
توانستند، درباره  
ما بدی انجام دادند .  
ما را از زندگی خوش  
و راحت بازداشتند، و  
ترس و خوف را با ما  
قرین گردانده، به  
پناه بردن به کوه  
های صعب العبور  
مجبور ساختند، و آتش  
جنگ با ما را روشن  
نمودند؛ ولی خداوند  
اراده نمود که به  
وسیله ما شریعتش را  
نگهداری کند، و  
شرشان را از حریم آن

باز دارد . مؤمنان ما  
در این راه (برای  
حفاظت پیامبر (ص)  
خواستار ثواب بودند  
و کافران ما از اصل  
(خویشاوندی  
متعصبانه ) دفاع می  
کردند .  
شکست تحریمها و نقض پیمان  
قریش  
در مدت محاصره بنی  
هاشم در «شعب  
ابیطالب» اموال و  
داراییهای رسول  
خدا (ص) و حضرت خدیجه  
و ابوطالب ۳ تمام شد  
و رنجهای فراوانی  
تحمل کردند؛ و لی  
تسلیم دشمن نشدند تا  
اینکه بعضی از  
امضاکنندگان پیمان  
نیز از ادامه محاصره  
و تحریم پشیمان  
شدند . پس از گذشت دو  
سال و یازده ماه،  
روزی رسول خدا (ص) به  
عمویش ابوطالب (ع)  
فرمود : تمام مطالب  
آن پیمان نامه را  
موریانه خورده و  
تنها نام خدا باقی  
مانده است!  
ابوطالب با چند  
نفر از بنی هاشم از  
«شعب» خارج شده و به  
جمع مشرکان قریش  
رفتند . آنها خوشحال  
شدند و خیال کردند

۱ . نهج البلاغه، ترجمه محمد  
جعفر امامی و محمدرضا  
آشتیانی، زیر نظر مکارم  
شیرازی، نامه ۹ .

انصاف وار د شدي و  
حرف منصفانه ای  
زدي. هنگامي که  
پيمان نامه را باز  
کردند، دیدند همان  
گونه است که رسول  
خدا (ص) خبر دادند.  
در اینجا مسلمانان  
از خوشحالي تکبير  
گفتند و مشرکان  
روسياه گشتند، و  
گروهي مسلمان شدند؛  
اما مشرکان لجوج بر  
ادامه تحریم و عمل  
به مضمون پيمان نامه  
اصرار داشتند. گروهي  
از آنان از جمله :  
هشام بن عمرو بن  
ربيعة، زهير بن امية  
بن مغيرة، مطعم بن  
عدي، ابوالبختری بن  
هشام و زمعة بن اسود  
برخاستند و سخنراني  
کردند و خواستار رفع  
تحریم و ابطال پيمان  
شدند. ابوجهل با  
آنان مخالفت کرد؛  
ولي به مخالفت او  
اعتنا نکردند و رسماً  
ابطال پيمان و رفع  
حصر را اعلام نمودند،  
تا اینکه بني هاشم  
در سال دهم بعثت از  
محاصره خارج شدند.

که تحریم و گرسنگي  
فشار آورده و  
ابوطالب مي خواهد  
تسلیم خواسته آنان  
شود، پس گفتند : اي  
ابطالب! آیا وقت آن  
رسیده که با قوم خود  
مصالحه کنی؟!  
ابوطالب فرمود: با  
خبر خیر آمده ام؛  
بفرستید پيمان نامه  
را بیاورند. شاید  
میان ما و شما صلح  
واقع شود. وقتي جعبه  
پيمان نامه را  
آوردند، ابوطالب  
فرمود : آیا قبول  
دارید که این همان  
پيمان نامه است؟  
گفتند : آری. کسی به  
آن دست نزده و مهرش  
نشکسته است. فرمود :  
فرزند برادرم مي  
گوید : خدا موریانه  
اي را مأمور ساخته  
که مطالب آن را  
خورده، تنها نام  
«خدا» باقی مانده  
است! اگر راست گفته  
باشد، شما باید از  
ظلم و ستم بر ما دست  
بردارید، و اگر دروغ  
باشد، من او را به  
شما تحویل مي دهم که  
وی را بکشید!

مشرکان از خوشحالي  
فریاد زدند : اي  
ابطالب ! از باب

۱. ر.ک: طبقات ابن سعد، ج ۱،  
صص ۶۶۳ - ۶۶۴؛ السيرة  
النبوية، ابن هشام، ج ۱، صص  
۳۷۴ - ۳۸۱؛ السيرة النبوية  
علي ضوء القرآن و السنة،

محمد ابوشبهه، دار القلم،  
دمشق، چاپ هشتم، ١٤٢٧ق، ج ١،  
صص ٣٨٤ - ٣٨٦؛ تاريخ  
يعقوبي، احمد بن ابي يعقوب  
(ابن واضح)، اهل بيت، قم،  
بیتا، ج ١، صص ٣١ - ٣٢؛  
البيدائي و النهاية، ابن كثير  
دمشقي، دار الفكر، بيروت،  
بیتا، ج ٣، صص ٨٥ - ٨٦؛ صفوة  
الصحيح من سيرة النبي الأعظم،  
سيد جعفر مرتضي عاملي، با  
تلخيص علي رفيعي قوجاني، چاپ  
دوم، ١٣٨٩ش، صص ١٢٤ - ١٢٦.

## ابعاد گوناگون شخصیت امام خمینی

سید اسماعیل میرحسینی

### آغاز سخن

بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران، حضرت امام خمینی (شخصیتی جامع و کامل بود، به گونه ای که علم، عمل، زهد، شجاعت، مبارزه با کفر و مجاهده با نفس و سایر فضایل اخلاقی در ایشان جمع بود. این عالم ربّانی و مجاهد بزرگ، همان قدر که به فقه و علوم نقلی اهمیت می داد، به عل و عقلی مانند فلسفه نیز توجه ویژه ای داشت و در آیات آفاقی و انفسی، همچنین عرفان و سیر و سلوک و کسب ملکات روحانی سرآمد بود، تا آنجا که بین فقها به مجتهد اعلم، میان

فلاسفه به حکیمی متألّه و در بین عرفا به سالکی واصل شناخته می شد. معظم له پس از انبیای بزرگ الهی و معصومان)، از کم نظیرترین و ممتازترین شخصیت‌های تاریخ تشیع و بلکه بشریت است که با اندیشه های بلند الهی و تلاش های صادقانه خویش، مسیر تاریخ را دگرگون کرد و در ایران و جهان سرمنشأ تحولات عظیمی گردید. در این مقاله نگاهی کاربردی به

۱. مجله حکمت سینوی، سالمی ویدا، نشر دانشگاه امام صادق %، تهران، ش ۲۸ و ۲۹، بهار و تابستان ۱۳۸۴، ص ۲.

نیز بسیار زبردست، صاحب مبنا و متخصص بود<sup>۱</sup> و این جامعیت علمی، تبخّر و بینش فلسفی باعث رشد و پیچیدگی هرچه بیش تر ذهن وی شده و ایشان را از ساده اندیشیها مصون می داشت. علاوه بر تأییدات الهی، برخوردار صحیح امام (با مسایل بغرنج سیاسی در طول مبارزات و عدم ارتکاب اشتباهات فاحش از جانب ایشان، از ویژگیهای منحصر به فرد آن بزرگوار بود.

حضرت امام (طی سالهای طولانی در حوزه علمیّه قم به تدریس چندین دوره فقه، اصول، فلسفه، عرفان و اخلاق اسلامی همت گماشت و از برکات سالها تدریس ایشان، تربیت صدها و بلکه به اعتبار مدت طولانی بعد از ایشان، هزاران عالم و فرزانه ای بود که هر یک روشنی بخش حوزه های علمیّه و راهبر

مبانی فکری و سیره عملی این معمار بزرگ انقلاب خواهیم داشت و شخصیت ایشان را از جوانب مختلف مورد بررسی قرار خواهیم داد.

### ۱. جامعیت علمی

جامعیت علمی امام (را می توان از آثار علمی برجای مانده از ایشان به نیکی دریافت، به آثاری همچون: نظیر شرح دعای سحر، مصباح الهدایة الی الخلافة و الولاية، سر الصلوة، چهل حدیث، حدیث جنود عقل و جهل، المکاسب، الطهاره، الرسائل، البیع، تحریر الوسيله، کشف الاسرار،<sup>۲</sup> رساله ای در طلب و اراده، حکومت اسلامی و ولایت فقیه و...<sup>۳</sup> ایشان در قلمرو فلسفه، حکمت و عرفان

۱. این کتاب يك دوره فقه با مسأله مستحدثه است که به هنگام تبعید در ترکیه آغاز و در نجف به پایان رسید  
۲. این اثر پاسخی است به کتاب ضد دینی «اسرار هزار ساله» و همچنین نقدي است بر سیاستهای زمان رضاخان  
۳. ر.ک: اندیشه سیاسی امام خمینی (یحیی فوزی، نشر معارف، قم، ۱۳۸۸ش، صص ۲۸ - ۳۱)

۴. شخصیت و دیدگاه های فقهی امام خمینی (، نعمت الله یوسفیان، مرکز تحقیقات اسلامی نمایندگی ولی فقیه در سپاه، قم، ۱۳۷۹ش، صص ۳۳ - ۳۴.

عرفانی ایشان بود . ایشان تربیت و تزکیه را مقدم بر تعلیم و آموزش می دید و معتقد بود که دانش یا تمام شرافتش ، آنگاه که با تزکیه نفس توأم نباشد ، همچون ابزاری در خدمت هدفهای شیطانی به کار گرفته خواهد شد. امام (موحّدی بود که با اتصال به خدای متعال ، دیگر قدرتها را ناچیز می دید و از این بابت هرگز به خود نگرانی راه نمی داد .

عرفان ایشان مبتنی بر آیات و روایات دین مبین اسلام و آموخته های ایشان از اولیای خدا و در چارچوب شرع مقدس اسلام بود . ایشان با تصوّف که دین و آیین را به ذکر و وزد منحصر کرده و پرهیز از انجام مسئولیت های سیاسی و اجتماعی را ترویج می نماید ، به شدت مخالف بود . ایشان از جوانی به سیر و سلوک معنوی و جهاد اکبر پرداخته بود و پس از این مراحل در زندگی فردی ، وارد صحنه

مصادر امور انقلاب و نظام جمهوری اسلامی به شمار می روند.<sup>۱</sup> ویژگی برجسته دیگر ایشان ، سخت کوشی و تلاش خستگی ناپذیر در راه مطالعه و تدریس بود . دختر ایشان در این زمینه می گوید : «مطالعه ایشان بسیار زیاد بود؛ به گونه ای که وقتی وارد اتاق می شدم ، می دیدم در کتاب گم شده است . ایشان می نشست و یک میز جلوی او و پیرامون او نیز به بلندی یک متر کتاب بود.»<sup>۲</sup>

## ۲. بُعد عرفانی

آنچه حضرت امام ( را به عنوان رهبری ممتاز و بی نظیر کرده بود ، مجموعه ای از ویژگیهای فردی ، اجتماعی سیاسی و

۱. ر.ک: ابعاد علمی شخصیت حضرت امام خمینی (، محمد هادی مفتّح ، انتشارات سروش ، تهران ، ۱۳۷۸ ش .

۲. برداشتهایی از سیره امام خمینی (، غلامعلی رجایی ، مؤسسه تنظیم نشر آثار امام خمینی (، تهران ، ۱۳۷۷ ش ، ج ۲ ، ص ۴۳۶ ؛ دختر دیگر ایشان چنین بیان می دارد: « زمانی که حضرت امام مبارزه نداشتند ، آنقدر مشغول مطالعه و درس بودند که فقط سر نهار با گاهی سر شب ده دقیقه ایشان را می دیدیم .» (مصاحبه با خانم فریده مصطفوی) .

سیاسی ش د. ۱ خلوص  
امام! در جمیع جهات  
عامل کمکها و  
راهنماییهای خدا ی  
متعال در مقاطع حساس  
به ایشان بود و این  
امر باعث گردید صحیح  
ترین تصمیمات سیاسی  
را در حساس ترین  
مقاطع اتخاذ نماید.  
**۳. بُعد اخلاقی و رفتاری**  
ویژگیه ای عرفانی،  
کمالات روحی و علمی  
حضرت امام (در زندگی  
فردی، اجتماعی و  
سیاسی و تاثیرات به  
سزای نهاده بود.  
جالب ترین ویژگی  
زندگی شخصی ایشان،  
صمیمیت و رفتار با  
اطرافیان از موضعی  
برابر- در مقابل  
رابطه خشک و  
اقتداری- بود. ایشان  
نگاه حقارت آمیز به  
بندگان خدا و ناچیز  
شمردن اعمال مردم را  
از مظاهر عجب و باعث  
هلاکت انسان می  
دانست<sup>۲</sup> و خود نیز در  
برخورد با انسانها و  
حتی کودکان، به  
کرامت انسانی آنها

احترام بسیار می  
نهاد و هیچ گاه از  
کسی تقاضای شخصی نمی  
کرد و از محول کردن  
انجام امور خود به  
دیگران خودداری می  
کرد.

در تمام مدت  
تدریس، در برابر  
شاگردان دو زانو و  
م و دُوب می نشست. ۳ در  
سلام گفتن بر دیگران  
سبقت می گرفت و پیش  
از نشستن همسرش بر  
سر سفره، هرگز دست  
به غذا نمی برد. ۴  
رعایت حقوق دیگران  
نیز در برخوردهای  
امام دیده می شد. به  
کارگر منزل خود  
تأکید می کرد که  
مبادا به دلیل  
انتساب به ایشان،  
مردمی که در صف  
نانوایی ایستاده  
اند، نوبت خود را -  
هرچند داوطلبانه -  
به او واگذار کنند.  
حداکثر وسواس را به  
خرج می داد تا از  
ساکنان خانه هایی که

۳. پایه پای آفتاب: گفته ها و  
ناگفته ها از زندگی امام  
خمینی (، مصاحبه با آیت الله  
امامی کاشانی، امیر رضا  
ستوده، نشر پنجره، تهران،  
۱۳۷۳ش، ج ۳، ص ۲۵۵.  
۴. پایه پای آفتاب، مصاحبه  
با علی اکبر آشتیانی، ج ۲، ص  
۲۲.

۱. اندیشه سیاسی اما  
خمینی (، صص ۶۲ - ۶۳.  
۲. چهل حدیث، روح الله موسوی  
خمینی، انتشارات طه، تهران،  
۱۳۶۳ش، ص ۶۹.



در جماران به دلیل سکونت ایشان تخلیه شده بود، رضایت بگیرد. ساعات بچه داری شبانه را با همسر خود تقسیم می کرد. هنگام برخاستن برای نماز شب، از چراغ قوه استفاده می کرد تا مبدا با روشن کردن چراغ اتاق موجب مزاحمت برای دیگران شود.<sup>۲</sup>

**۴. زهد و ساده زیستی**

خود را به "ساده زیستن" عادت دهید و از تعلق قلب به مال و منال و جاه و مقام بپرهیزید...؛ چراکه با زندگانی اشرافی و مصرفی نمی توان ارزشهای انسانی و اسلامی را حفظ کرد.<sup>۳</sup>

ساده زیستی و قناعت امام (در ایجاد جاذبه میان طلبه ها و سایر اقشار آشنا با ایشان، نقش به سزایی داشت. ایشان در حالی یکی از زمستان ها را به سر برد که دیوار یکی از اتاقهای منزل ایشان خراب شده بود و خانواده همچنان در آن خانه زندگی می کردند. گاه در زمان جنگ در من زل ایشان پودر رختشویی پیدا نمی شد، به این دلیل که پودر کوپنی خریداری شده بود و هنوز کوپن بعدی را اعلام نکرده بودند. هنگامی که برای ورود به ایران، ستاد استقبال از

از دیگر ویژگیهای مهم حضرت امام! ساده زیستی ایشان بود. ایشان یکی از بهترین راه های مبارزه با استکبار و وابستگی به بیگانگان را «ساده زیستن» می دانستند، به طوری که می فرمودند: «اگر بخواهید بی خوف و هراس در مقابل باطل بایستید و از حق دفاع کنید و ابرقدرتان و سلاحهای پیشرفته آنان و شیاطین و توطئه های آنان در روح شما اثر نگذارد و شما را از میدان به در نکند،

۳. آی بن انقلاب اسلامی؛  
گزیده ای از اندیشه و آرای  
امام خمینی، مؤسسه تنظیم و  
نشر آثار امام خمینی،  
تهران، ۱۳۸۷ش، ص ۱۷۴.

۱. پا به پای آفتاب، خاطرات  
عیسی جعفری، ج ۱، ص ۱۳۳.  
۲. همان، ج ۱، ص ۳۴، و ج ۲،  
ص ۱۳۴.

کرد، آن روز است که باید ما فاتح دولت و ملت را بخوانیم... آن روزی که مجلسیان خوی کاخ نشینی پیدا کنند... آن روزی که توجه اهل علم به دنیا شد و توجه به این شد که خانه داشته باشند، چه طور و زرق و برق دنیا خدای نخواسته در آنها تأثیر بکند، آن روز است که باید ما فاتح اسلام را بخوانیم... آن روزی که زرق و برق دنیا پیدا شود و شیطان در بین ما راه پیدا کند و راهنمای ما شیطان باشد، آن روز است که ابرقدرتها می توانند در ما تأثیر کنند و کشور ما را به تباهی بکشند.»<sup>۳</sup>

#### ۵. نظم و انضباط

خصوصیت دیگر امام (که لازم رهبری و مدیریت در هر سطحی می باشد، نظم و انضباط در امور است. م عظم له در رعایت نظم و انجام منظم برنامه ها به گونه ای عمل می کرد که نزدیکان از طریق

ایشان برنامه چراغانی و فرش کردن فرودگاه را تنظیم می کرد، به مجرد اطلاع از آن، با قاطعیّت و صراحت خاص خود نسبت به این امر اعتراض کرد و فرمود: «به آقایان بگو مگر می خواهند کورش را وارد ایران کنند؟ ابداً این کارها لازم نیست. یک طلبه از ایران خارج شده و همان طلبه به ایران باز می گردد. من می خواهم در میان امتم باشم و همراه آنان بروم، ولو پایمال بشوم.» با وجود گرمای طاقت فرسای نجف، اجازه نمی داد که حتی برای نماز کولر و پنکه بخرند. م عظم له در طول

دوران پس از انقلاب نیز همواره توجه مسئولان را به فرهنگ «ساده زیستی» جلب نموده و می فرمود: «آن روزی که دولت ما توجه به کاخ پیدا

۱. سرگذشتهای ویژه از زندگی امام خمینی (ع)، روایت جمعی از فضلاء، در مصاحبه با: حجت الاسلام و المسلمین قرهی، انتشارات پیام آزادی، تهران، ۱۳۶۶ ش، ج ۴.  
۲. پا به پای آفتاب، مصاحبه با خانم زهرا مصطفوی، ج ۲ ص ۵۲.

۳. آیین انقلاب اسلامی، ص ۳۶۶.

نظیر جهان بینی توحیدی، وحی الهی، سنت و سیره معصومین، پیوند دین و سیاست، اجتهاد، عقلانیت دینی، توجه به مقتضیات زمان و مکان و لزوم تأمین مصالح جامعه اسلامی و سایر مؤلفه های فقه غنی اسلامی است.<sup>۴</sup> در اندیشه امام، «دین» خاستگاه و منشأ نظام سیاسی اسلام است و تمام برنامه ها و مباحث سیاسی اسلام بر مبنای قوانین و احکام دینی پایه ریزی شده است.<sup>۵</sup> ایشان فقه را تئوری واقعی و کامل اداره انسان، از گهواره تا گور دانسته، بر همین اساس نظریه «تشکیل حکومت اسلامی بر اساس ولایت فقیه در زمان غیبت» را مطرح و برای تحقق آن سالها مجاهده کرد.

امام خمینی (،) انقلاب اسلامی را

انجام هر برنامه توسط ایشان زمان را تشخیص می دادند. معروف است که ایشان ثانیه ها را نیز رعایت می کرد؛<sup>۱</sup> زیرا آنان می دانستند که امام هر کاری را در چه ساعتی انجام می دهند.<sup>۲</sup> رعایت نظم در کارهای سیاسی و اجتماعی و مسایل عبادی و حتی ورزشی امام ( وجود داشت. اقامة منظم نماز شب و پیاده روی روزانه برای مدت پنجاه سال، بدون هیچ گونه تغییر، شاهد بر این مدعاست. یکی از همراهان ایشان می گوید: ساعات شب و روز امام چنان تقسیم بندی شده بود که ما می توانستیم بی آنکه امام را ببینیم، بگوییم مشغول چه کاری است.<sup>۳</sup>

۶. اندیشه و سیره سیاسی اندیشه و سیره سیاسی امام (، مبتنی بر اصول مستحکمی

۴. ر.ک: سبک رهبری امام خمینی (، عباس شفیعی، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، قم، ۱۳۸۹ش.  
۵. تحریر الوسیله، سید روح الله موسوی مصطفوی، ترجمه: سید محمد باقر موسوی همدانی، دفتر انتشارات اسلامی، قم، ۱۳۶۸ش، ج ۱، ص ۳۶۹.

۱. پا به پای آفتاب، خاطرات مرضیه جدیدی دباغ، ج ۲، ص ۱۴۱ و ۳۳۳.  
۲. پا به پای آفتاب، خاطرات سید حمید روحانی، ص ۳۳.  
۳. اندیشه سیاسی امام (، ص ۶۵.

توبه کرده [نیز چنین کند] و طغیان مکنید که او به آنچه انجام می دهید، بیناست.»  
را تبیین کرد و حفظ جمهوری اسلامی را به استقامت، نلغزیدن و صحنه را در نیمه راه ترک نکردن تأویل برد.<sup>۳</sup>

امام (استراتژی مدیریتی خویش را از تکلیف گرایی قرآن و حضرت سید الشهدا (ع) الهام گرفته، توجیه قواعد عرفی «نادرستی مبارزه اقلیت در برابر اکثریت» را به شدت رد کرد. ایشان طی دوران قبل از انقلاب، در مقابل دیدگاه غالب مبارزه مسلحانه با رژیم، استراتژی آگاهی دادن به توده های مسلمان و خیزش عمومی و یکپارچه را اتخاذ کرد؛ زیرا به خوبی می دانست که اگر آگاهی های اسلامی و سیاسی مردم بالا رود، به طور خودکار انقلاب خواهند کرد. ایشان با انتخاب این روش و اعتماد به وعده های

بارزترین مصداق «قیام لله» می دانست و حرکت الهی- سیاسی خویش را بر آیة مبارکة **أَعْظَمُ بِوَاحِدَةٍ أَنْ تَقُومُوا لِلَّهِ مِثْلِي وَ**

**فِرَادِي** [مستند می نمود و درست سی و چهار سال قبل از پیروزی انقلاب، در نخستین اطلاعیه سیاسی خود، علمای دین را به عمل بر طبق آن فرا خواند. مهم ترین دستاورد این قیام، بنیان نهادن حکومت دینی بود که در سال ۱۳۵۸ بنا به پیشنهاد ایشان و نیز حمایت مردم، در قالب «جمهوری اسلامی» تبلور یافت. از این رو، در فردای پیروزی انقلاب - که به عقیده ایشان، مفاد آیة مذکوره تحقق یافته بود - بلافاصله آیة

شریفة **إِمْرَتٌ وَمَنْ تَابَ مَعَكَ وَلَا تَطْغَوْا إِنَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ** [۲]؛ «پس، همان گونه که دستور یافته ای، ایستادگی کن! و هر که با تو

شریفة **إِمْرَتٌ وَمَنْ تَابَ مَعَكَ وَلَا تَطْغَوْا إِنَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ** [۲]؛ «پس، همان گونه که دستور یافته ای، ایستادگی کن! و هر که با تو

۳. مستندات قرآنی سیره سیاسی امام خمینی (دکتر عبدالوهاب فراتی، روزنامه رسالت

۱. سبأ / ۴۶.  
۲. هود / ۱۱۲.

تحصیل و تدریس در حوزه های علمیه<sup>۲</sup>، همواره در اندیشه سیاسی خویش برای دانشگاه و دانشگاهیان اهمیت زیادی قائل بودند. ایشان در بیانات متعدد خویش با عبارات گوناگون این مطلب را متذکر شده اند که «دانشگاه، مبدأ تمام تحولات است.»؛ «مقدّرات این مملکت، دست این دانشگاهیهاست.» و «از دانشگاه [است که] باید سرنوشت يك ملت تعیین شود.» دانشگاه از دیدگاه ایشان آنقدر مهم است که اگر نقش واقعی خود را نداشته باشد، همه چیز مملکت از دست خواهد رفت. ایشان در جمله ای این اهمیت را این گونه گوشزد کرده اند: «اگر دانشگاه را ما سست بگیریم و از دست برود، همه چیزمان از دستمان رفته است.» بنابراین، می توان نتیجه گرفت که دانشگاه هم منشأ

الهی و علیرغم انتقادهای برخی انقلابیون آن زمان، مبارزه را ادامه داد تا پیروزی را برای ملت مسلمان ایران به ارمغان آورد. استقلال، امتیاز و تفاوتی که در اندیشه و عمل امام نسبت به دیگر رهبران انقلابی و رجال سیاسی وجود داشت، برخاسته از شناخت او نسبت به تعالیم اسلام و ایمان به حقانیت و کارایی این مکتب بود. ایشان در اسلام ذوب شده بود و وفاداری به اسلام و موافقت و متابعت از اصول و ارزشها و آرمانهای اسلام برای او اصل بود و اگر در این وفاداری و متابعت، بعضی آرای او با دیگران موافق می افتاد، بهت ر، وگرنه مخالفت دیگران هیچ گونه وحشتی در دل ایشان ایجاد نمی کرد.

#### ۷. امام و دانشگاه

حضرت امام (در کنار اهتمام جدی به

۱. امام خمینی! نه مثل دیگران، دکتر غلامعلی جداد عادل، فلصنامه کتاب نقد، ش ۱۳.

۲. صحیفه امام، روحانیت، ج ۲۱، ص ۲۷۳. منشور

غرب باشد، کشور در اختیار آنهاست.» و برای اینکه مقدرات و تحولات کشور در مسیر صلاح صورت پذیرد، تنها راه را اسلامی شدن دانشگاهها می دانند.

### ۸. امام و مدیریت

امام (با تکیه بر ایمان قوی و تمسک به سیره ائمه معصومین) عناصر و شالوده های مدیریتی را به کار گرفته و هرگز از این اصول غفلت نمی ورزید. ب رای امام موضوع برنامه ریزی، بسیار مهم است و در پیشبرد اهداف و تحقق آرمانهای خود، بی تردید برنامه ای حساب شده را در پیش داشت. مطالعه حرکت مبارزاتی ایشان (از آغاز تا فرجام) نشان می دهد که به معظم له بر روند جریان نهضت کاملاً احاطه داشت، لذا در آغاز، به نقد دولتهای جائر و سپس متوجه عناصر اصلی رژیم گذشته و

دردها و فسادهای موجود است و هم منشأ اصلاح کشور. به شرط اینکه دانشگاهها، استادان و دانشجویان جهت گیریهای صحیحی داشته باشند.

امام خمینی! می فرمایند: «دانشگاه

خوب، يك ملت را سعادت مند می کند و دانشگاه غیر اسلامی، دانشگاه بد، يك ملت را عقب می زند.» و در جای دیگر می فرمایند: «وابستگی یا استقلال، در قید و بند بودن و اختناق یا آزادی، تابع تربیتهای دانشگاهی است.» پس اگر متولیان دانشگاه افرادی خوب و صالح باشند، نسلهای حاضر و آینده درست تربیت می شوند، در غیر این صورت، نسلها نیز غیر صالح خواهند شد. از این جهت، ایشان می فرمایند:

«دانشگاه است که امور کشور را اداره می کند و دانشگاه است که نسلهای آینده و حاضر را تربیت می کند و اگر چنانچه دانشگاه در اختیار چپاولگرهای شرق و

۱. ر.ک: دانشگاه و دانشگاهیان از دیدگاه امام خمینی (، سید روح الله خمینی، تدوین حسنعلی احمدی فشارکی، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، تهران، ۱۳۷۶ ش.

حتی عوامل خارجی آنها می شود و به تربیت و تعلیم کادر لازم برای آینده می پردازد و آنان را در صحنه علم و عمل، کارآموده می سازد، سپس با تدوین نظریه ولایت فقیه، مبانی نظری برنامه و حرکت خویش را به جامعه علمی و اسلامی ارائه می دهد.

در مرحله بعد، نیروها و امکانات را شناسایی کرده، با تناسب قدرت و توانشان مسئولیتها را به آنان واگذار می نماید و نیروهای انقلابی را سازمان می بخشد. در کار گزینش نیروها و تفویض اختیار به آنان، دقیق ترین ملاکها را به کار می گیرد و بر اطرافیان خویش شدیدترین نظارتها را به کار می بندد، پس اگر اندکی در خرج بیت المال، از حدود الهی تجاوز می کردند، از آنان باز خواست می نمود و هرگز به آنان اجازه نمی داد که برای حمایت از او، در قبال بدگویان، دهان

به بدگویی و غیبت باز کنند. نظارت بر کار مسئولان نظام، از فردی در شرایط سختی و توان جسمی او، کاری شگفت و تحسین برانگیز بود. انچنان در جریان مسأله حضور داشت که بارها و بارها، دیگران به هنگام گزارش تازه ترین خبرهای خود به ایشان، در می یافتند که معظم له قبلاً خبر را دریافت کرده است.

#### ۹. امام و مدیریت بحران

پس از پیروزی انقلاب اسلامی شاهد بحرانها و تهدیدات بسیار خطرناکی بودیم که امام (با هوشمندی و اعتماد به نفس و استعانت از قدرت بی منتهای الهی و با پشتیبانی مردم متدین، موفق به اداره و کنترل شایسته این بحرانها گردید. بحرانهای قومی و منطقه ای، اشغال سفارت آمریکا در تهران، انقلاب فرهنگی، عزل اولین رئیس جمهور، جنگ

۱. پرتوی از رهبری و مدیریت امام خمینی (، مجله حوزه، سردبیر، ش ۴۹.

بر تحولات سياسي و حياتي انقلاب اسلامي، مي توان دو خصلت را در شيوة مديريت و رهبري امام (به خوبي مشاهده كرد؛ نخست تدبّر و بهره گيري از نظرات مشورتي بزرگان انقلاب، و دوم، شجاعت. ايشان در زماني كه مي بايست با تاسيس نهادها و ارگانهاي سازمان بخش، از هرج و مرج طبيعي پس از هر انقلابي جلوگیری كنند، دس تور به تشكيل شوراي انقلاب، كميته هاي انقلاب، سپاه پاسداران انقلاب اسلامي، دادگاه هاي انقلاب و... داد و هنگامی كه مي بايست براي تثبيت جمهوري اسلامي ايران اقدام نمايد، بر تصويب قانون اساسي و برگزاري انتخابات رياست جمهوري و مجلس اصرار ورزید. در زماني كه هرگونه اختلاف و چنگانگي در ميان مسئولين کشور، آفتي در راه تحكيم انقلاب اسلامي نوپا به شمار مي آمد، مسئولين و گروه هاي سياسي را

مسلحانۀ گروه هاي مخالف، ترورهاي مکرر و طراحي کودتا عليه انقلاب، وقوع جنگ تحميلي هشت ساله - كه داراي ابعاد بين المللي بود - و وقايعي همچون كشتار حجاج ايراني در مراسم برائت از مشرکين، قتل عام فجيع مردم حلبچه در جريان بمباران شيميايي اين شهر (از سوي هواپيماهاي عراقي)، كشتار بي گناهان در بمبارانهاي وسيع مناطق مسكوني، حضور ناوگانهاي دريايي آمريكا و اروپا در خليج فارس در حمايت از صدام، هدف قرار دادن هواپيماهاي مسافربري ايران بر فراز خليج فارس به وسيله ناو آمريکايی و در داخل نیز عزل قائم مقام رهبري، بازنگري قانون اساسي و... از ديگر مسائلي است كه نماي انگر درايت و توانايي حضرت امام خميني (در قبال مسایل پيچيده و بحرانهاي مختلف بوده است. با مروري اجمالي



دولتمردان آن روز  
کشور نشانه هایی از  
ناامیدی را در  
گفتارشان بروز می  
دادند، در آن برهه  
خطیر بود که صفحه  
تلویزیون، سیمای  
نورانی، آرام و  
متبسم امام (را نشان  
می دادند که آرامش  
از میان کلمات ساده  
و صمیمی ایشان به  
قلوب تک تک مردم  
ایران جاری می شد و  
می فرمود: «چیزی  
نیست... دیوانه ای  
آمده سنگی انداخته و  
رفته... در جنگ  
جوهره آدمها معلوم  
می شود.» همین  
طمأنینه و آرامش بود  
که جنگ هشت ساله  
تحمیلی را به حماسه  
ای باشکوه و الگوساز  
برای ملت‌های جه‌ان و  
نیز کارگاهی عظیم  
برای ساخته شدن  
کادرهای مدیریت  
اجتماعی و پیشرفتهای  
شگرف علمی و  
تکنولوژیک تبدیل  
ساخت. آن روز در ذهن  
مغرور صدام و  
حامیانش چنین می  
گذشت که کار انقلاب  
اسلامی به سه روز تا  
حداکثر یک ماه پایان  
می پذیرد؛ اما این

به «وحدت کلمه» و  
«تکریم ملت» دعوت  
نمود. از جمله بنی  
صدر که توانست رأی  
اول را در انتخابات  
ریاست جمهوری به دست  
آورد، حکم او را در  
بیمارستان تنفیذ کرد  
و در عین حال به او  
تذکر داد تا بین قبل  
و بعد از ریاست  
جمهوری، در اخلاق  
روحی اش تفاوتی  
ایجاد نشود و در  
هنگامی که وی حجت  
الاسلام سید احمد  
خمینی را برای پست  
نخست وزیر برگزید،  
با این مسئله مخالفت  
کرد و در نهایت،  
هنگامی که بنی صدر  
از اهداف اصلی انقلاب  
اسلامی دور شد و مجلس  
نیز رأی به عدم  
کفایت سیاسی او داد،  
او را از ریاست  
جمهوری اسلامی ایران  
عزل کرد.  
۵۰ چندی در آغاز  
تهاجم نظامی عراق  
علیه ایران در ۳۱  
شهریور ۵۹ که نفس‌ها  
را در سینه‌ها حبس  
می کرد و حتی برخی

۱. ر.ک: بازخوانی پرونده یک  
رئیس جمهور، قاسم روان بخش،  
دفتر جریانشناسی تاریخ  
معاصر، قم، ۱۳۸۲ ش.

بززند، تفاهم نخواهد کرد.»<sup>۱</sup>  
امام به هنگام تبعید و در اوج خفقان رژیم شاه، به علما نوید می داد و از آنها می خواست به بهانۀ معلوم نبودن نتایج قابل پیش بینی، دست از مبارزه و آگاهی بخشی بر ندارند.<sup>۲</sup> بدین گونه برخورد قاطع ایشان با مسایل و عدم سازش و گذشت در راه تحقق اهداف مبارزه، تلاش بسیاری از لیبرالها و میانه روها را برای وادار کردن امام به اتخاذ سیاست معتدل تر و به اصطلاح گام به گام، آن گونه که مهندس بازرگان می گفت، خنثی نمود.<sup>۳</sup>  
**۱۱. امام و موقعیت شناسی و درایت**

امام ( در عالم سیاست، پیروزی را نه تنها در متابعت نظر غربیان می دانست؛ بلکه درست برخلاف نظر آنان عمل می کرد و

امام بود که از سرنوشت شوم صدام خبر و حذر می داد و آینده را از آن انقلاب رهایی بخش اسلامی و مسلمانان به پا خاسته و مستضعفان جهان معرفی می کرد که: «اگر باور کنیم، می توانیم.»

### ۱۰. امام و قاطعیت و شجاعت

شجاعت، بی باکی و قاطعیت ویژگی دیگر سیرۀ سیاسی امام ( بود، به حدی که در روزهای خفقان طاغوت که همه از بردن نام شاه، بدون آوردن پیشوند اعلی حضرت همایونی وحشت داشتند، قیام کرد و با شدیدترین لحن ممکن، نیرومندترین عنصر مستکبر جامعۀ خویش را مخاطب ساخت و گفت: «تو مگر بهائی هستی که من بگویم کافر است، پیرونت کنند...» و آن روز که برخی مدعیان در خانه هایشان بر خود می لرزیدند و در آرزوی تفاهم و عدم ستیز با دشمن بودند، او فریاد بر آورد: «خمینی را اگر دار

۱. صحیفه نور، ج ۱، ص ۲۶۹.  
۲. اندیشه سیاسی امام، ص ۶۶.

۳. ر.ک: لیبرالیسم ایرانی، جهاندار امیری، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، تهران، ۱۳۸۸ ش، ص ۲۸۶ به بعد.

گرفته ، گفت : «آقا !  
اگر خون این مردم  
ریخته شود ، نمی  
توانیم پاسخگو  
باشیم . رژیم قصد قتل  
عام و کشتار مردم را  
دارد.» مرحوم  
طالقانی بر نظر خود  
اصرار ورزیدند ؛ اما  
امام ( فرمودند : «اگر  
این تکلیف الهی  
باشد ، شما چه می  
گویید؟» با این جمله  
آیت الله طالقانی پس از  
قدری سکوت گفت : «یا  
من بعد از يك عمر از  
سیاست چیزی نمی فهم ،  
یا این سید با عالم  
دیگری ارتباط دارد.»  
و این تدبیر امام !  
ضمن خنثی سازی  
کودتا ، به پیروزی  
نهایی انقلاب در ۲۲  
بهمن منجر گردید .  
امام ( همواره مصدر  
افعالی استثنایی و  
اقدامات بدیع و  
شگفت آور بود ؛ همچون  
«نامه به گورباچف» و  
«فتوای اعدام سلمان  
رشدی» و ... در حقیقت  
تفاوت امام ( با  
دیگران ، ناشی از  
تفاوت جهان بینی

به پیروزی نیز رسید .  
به عنوان نمونه : به  
دنبال اعلامیة حکومت  
نظامی در ۲۱ بهمن  
۵۷ ، همه جا شایع  
کودتا منتشر شد .  
یاران امام ( که از  
قبل توسط «سرهنگ  
محمدرضا رحیمی » از  
تصمیم حکومت نظامی  
مطلع شده بودند ، با  
اصرار از امام می  
خواهند که به جای  
امنی منتقل شوند ؛  
ولی ایشان با این  
اقدام مخالفت  
ورزیدند . با طولانی  
تر شدن ساعات حکومت  
نظامی ، عده ای معتقد  
بودند که رژیم قصد  
قتل عام مردم را  
دارد . بنابراین ،  
باید مردم را به ترك  
کردن خیابانها دعوت  
کرد . این موضوع از  
امام ( سؤال شد و  
ایشان ابتدا دو رکعت  
نماز خواند ه ، سپس  
فرمودند : «مردم در  
خیابانها بمانند و  
به منازلشان نروند.»  
مرحوم آیت الله  
طالقانی از اینکه  
امام ! دستور لغو  
حکومت نظامی را داده  
بودند ، خیلی مضطرب  
شد و با امام ( تماس

۱ . ر.ک : نقشه ای برای بازداشت  
امام ( ، مرکز اسناد انقلاب  
اسلامی .

جمله معروف «میزان»  
رأی ملت است .  
بیانگر توجه خاص  
ایشان به نظر مردم  
است. امام (در حوزه  
سیاسی با دفاع از  
نظام جمهوری اسلامی،  
آن را «حکومت  
جمهوری، متکی بر  
آرای عمومی و قانون  
اسلام»<sup>۱</sup> تعریف کرد و  
با تبیین الگوی نظام  
سیاسی جدید، موفق شد  
نظام جمهوری اسلامی  
را با رأی قاطع  
اکثریت مردم تثبیت  
نماید.

امام (مردم را ولی  
نعمت مسئولین دانسته  
و خدمتگزاری و حرکت  
در مسیر تعالیم  
عالیه دینی را وظایف  
دولتمردان بر می  
شمر دند و می  
فرمودند : «مسئله،  
مسئله خدمتگزاری  
دولت به ملت است، نه  
فرمانفرمایی دولت به  
ملت . همین

فرمانفرایی جدا می  
کند شما را از ملت و  
ملت را از شما، و  
منشأ مفاسد زیادی می  
شود.»<sup>۲</sup>

امام (عاشق مردم و

ایشان با دیگران بود  
که برای ایجاد تحول  
و انقلاب در ایران،  
به نقطه ای خارج از  
عالم معیارها و  
پندارهای غربی اتکا  
کرد. امام (خوب می  
دانست که نباید و  
نمی توان متکی به  
غرب بود . او می  
دانست که اگر بخواهد  
در مسابقه معمول و  
مرسوم نزد غربیان  
وارد شود، بازنده  
است، پس خود مسابقه  
ای دیگر، با قواعد و  
قوانین جدید ابداع  
کرد و فرمود : «ما  
م امور به تکلیفیم،  
نه نتیجه»<sup>۱</sup> . و البته  
این به معنی نفی  
محاسبه و مقدمات علی  
اتفاقات اجتماعی و  
در نظر نگرفتن اینکه  
کدام وسیله مقرون به  
صرفه است و به کدام  
هدف می انجامد،  
نبود.

## ۱۲. امام و مردم داری

امام ( خود را  
خدمتگزار مردم می  
دانست و به نظر و  
رأی مردم با دیده  
احترام می نگریست .

۱. امام خمینی (نه مثل  
دیگران، دکتر غلامعلی  
حداد عادل، فلصنامه کتاب نقد،  
ش ۱۳.

۲. صحیفه نور، ج ۵، ص ۱۴۴.  
۳. صحیفه نور، ج ۸، ص ۱۴۶.

داند و نسلهاي آینده  
در تاريخ خواهند  
خواند که دو رکن  
اصلي آن، انگيزه  
الهي و مقصد عالي  
حکومت اسلامي و  
اجتماع ملت در سراسر  
کشور با وحدت کلمه  
براي همان انگيزه و  
مقصد (است).<sup>۲</sup>

### ۱۳. امام و دشمن شناسي

موضوع شناخت  
جریانهاي سياسي و  
اهداف مخفي آنها، از  
موضوعات استراتژيك و  
بسیار سرنوشت ساز  
دوران انقلاب اسلامي  
است. امام (با فراست  
و تیزهوشي خویش،  
عمیقاً دریافته بود  
که وجود رگه هاي  
الحادي در خط  
مبارزاتي جامع  
اسلامي، نه تنها کمکي  
به رشد جریان  
آزادخواه و استقلال  
طلب کشور نخواهد  
کرد؛ بلکه خود از  
موانع پیوستن توده  
هاي مسلمان و موحد  
به انقلاب مي باشد و  
دشمن، با علم کردن  
چهره هاي پوچ و  
وابسته، چهره  
مبارزان اسلامي را در

همیشه به فکر سعادت  
مردم بود. يکي از  
نزدیکان معظم له مي  
گويد: «علاقه امام (به  
مردم، يك علاقه عادي  
نیست، يك عشق است...  
واقعا امام (براي  
مردم مي سوزند و  
مانند يك پدر مهربان،  
همیشه براي فرزندان  
پاك خود سعادت آرزو  
مي کنند. امام) بارها  
در کنار تلویزیون که  
صحنه هاي دلخراش فقر  
و محرومیت نشان داده  
مي شود، گریه کرده  
اند.»<sup>۱</sup>

در کنار عشق به  
مستضعفين، شاهد تنفر  
او از سرمایه داران  
و مرفهين بي درد مي  
باشيم که صراحتاً می  
فرمود: «من يك موي  
کوخ نشینان را به  
تمامي کاخ نشینان  
نخواهم داد.» از این  
رو، حضرت امام (با  
تأکید بر نقش مردم  
در تداوم انقلاب، مي  
فرمود: «بي تردید  
رمز بقای انقلاب  
اسلامي، همان رمز  
پیروزي است و رمز  
پیروزي را ملت مي

۱. فرازهایی از ابعاد روجي،  
اخلاقي و عرفاني امام خميني،  
نشر هادی، تهران، ۱۳۶۱، ص  
۳۷.

۲. صحیفه امام (وصیت نامه  
سیاسي - الهي)، ج ۲۱، ص ۴۰۴.

۱۴. امام و ابتکار عمل  
امام! در طول رهبری خویش با شناخت دقیق جریانات و مسایل مختلف داخلی و خارجی، ابتکار عمل را به دست گرفته، دشمنان انقلاب اسلامی را مبهوت و سردرگم می نمود. «الوین تافلر» در کتاب «جاب ه جایی قدرت» اذعان می کند: «کار بزرگ امام این بود که برای اولین بار، یک نفر غرب را با تمامی محتویاتش نادیده گرفت و به جای اینکه بنشینند و با ما به صورت جداگانه وارد بحث شود، در کل همه ما را دور زد.» یکی دیگر از متفکران غربی نیز می گوید: «امام به گونه ای نظرات خود را طرح کرد که گویی اصلاً فرهنگ غربی وجود ندارد. پس از محاصره اقتصادی، با گرمی از آن استقبال کرد و تصریح نمود: اداره کنندگان کاخ سفید باید بدانند که دنیا عوض شده است... گمان نکنند اداره کل جهان

نظر توده ها مخدوش می سازد. موضع گیریهای صریح و کوبنده امام (در برابر جریانهای الحادی، صرفاً بار مبارزه با آنها را نداشت؛ بلکه به نحوی ماهرانه زمینه رشد را بر جریانهای نفاق سد می کرد و نسبت به آنان نیز هشدار بود.<sup>۱</sup>

به عنوان نمونه: در سال ۱۳۵۰ اعضای گروهک منافقین (مجاهدین انقلاب) در نجف اشرف به حضور امام رسیدند و به دنبال دریافت تأییدیه از ایشان بودند. این موضوع در شرایطی بود که اکثر مبارزین مسلمان و حتی روحانیون انقلابی آنان را تأیید می کردند و از امام نیز می خواستند که آنان را تأیید نماید؛ اما امام (هرگز آنان را تأیید نکرد و از همان ابتدا نسبت به ماهیت آنها شناختی دقیق داشت.<sup>۲</sup>

۱. سرگذشتی ویژه حضرت امام خمینی، ج ۱.  
۲. ر.ک: نگاهی به رمز و راز رهبری امام، سید محمد صدر.

«هنري كسينجر»  
مشاور رئيس جمهوري  
آمریکا در دهه ۷۰  
اعتراف مي کند که :  
«آيت الله خميني غرب را  
با بحران جدي برنامه  
ريزي مواج ه کرد ؛  
تصميمات او آنچنان  
رعداسا بود که مجال  
هر نوع تفکر و برنامه  
ريزي را از سياست  
مداران و نظريه  
پردازان سياسي گرفت .  
هيچ کس نمي توانست  
تصميمات او را از پيش  
حدس بزند . او با  
معيارهاي ديگري غير  
از معيارهاي شناخته  
شده در دنيا سخن مي  
گفت و عمل مي کرد،  
گويي از جاي ديگر  
الهام مي گرفت. دشمني  
آيت الله خميني با غرب  
برگرفته از تعاليم  
الهي او بود . او در  
دشمني خود نيز خلوص  
نيت داشت.»<sup>۱</sup>  
«تايمز لندن» نيز  
در توصيف امام (نوشت:  
«امام خميني مردی  
بود که توده ها را  
با کلام خود مسحور  
کرد . وي ب ا زبان  
مردم عادي سخن مي

به دست آنها است.»<sup>۱</sup>  
جامعيت علمي و  
ويژگيهاي خاص فردي ،  
اجتماعي و سياسي  
امام (، از وي رهبري  
فرهمند ساخته بود که  
موفق شد با دم گرم و  
مسيحايي خود جهان  
اسلام را جاني ديگر  
بخشد . ايش ان با  
احيائي مجد د معنويت  
در جهان معاصر و  
تأكيد بر ابعاد  
مختلف وجودي انسان و  
لزوم سامان يابي  
زندگي سياسي و  
اجتماعي بر اساس  
نيازهاي واقعي  
انسان، کوشيد تا  
هويت انساني را احيا  
کند و انسانها را با  
واقعيت وجود خویش  
آشنا سازد . همين  
اندیشه ها و  
آرمانهاي وجودي بود  
که سبب شد در کنار  
بيداري و جذب  
آزاديخواهان جهان،  
معادلات موجود در  
نظام بين الملل را  
دگرگون کرده ،  
مقتضيات حاکم بر  
نظام بين الملل را  
به چالش کشاند.<sup>۲</sup>

۱۳۸۲ش؛ امام خميني و جهان  
معاصر، مؤسسه چاپ و نشر  
عروج، تهران، ۱۳۷۶ش.  
۳. مجله سروش، ۲۰/۱۱/۱۳۸۰.

۱. صحيفه نور، ج ۱۸، ۳۳۰.  
۲. جهت مطالعه بيش تر ر.ک:  
عصر امام خميني (مير احمد  
رضا حاجتي، بوستان لثاب، قم،

گفت و به طرفداراي  
فقير و محروم خود  
اعتماد به نفس مي  
بخشيد . اين احساس  
آنها را قادر ساخت  
تا هر كسي را كه سر  
راهشان بايستد ، از  
بين ببرند . وي به  
مردم نشان داد كه  
حتي مي توان در  
برابر قدرتهاي مثل  
آمريك ا ايستاد و  
نهراسيد.»<sup>۱</sup>

امام ( توانست  
جسارت و شهادت  
انتقاد كردن در  
برابر قدرتها را به  
ديگر رهبران و مردم  
جهان انتقال دهد و  
عملکرد نظام بين  
المللي را زير سؤال  
برد .

۱. فصلنامه حضور، مصاحبه  
پروفسور حميد مولانا، ش ۲۹،  
پايش ۱۳۷۸.





## درسهایی از سرگذشت مادر بزرگوار امام زمان (ع)

عبدالکریم پاک نیا تبریزی

### مقدمه

پیگیری سرگذشت  
حیرت انگیز «نرجس  
خاتون» یکی از  
مصادیق بارز این آیه  
است: **لَقَدْ كَانَ فِي  
قَصصِهِمْ  
الْأَنْبَاءَ**؛<sup>۱</sup> «به راستی  
در سرگذشت آنان،  
برای خردمندان عبرتی  
است.» که برای نسل  
جوان، به ویژه  
دختران، آموزه های  
بی نظیری دارد.  
در این نوشتار سعی  
شده است ضمن آشنایی  
با این بانوی کرامت،  
درسهها و پیامهای  
سرگذشت ایشان را  
ارائه کنیم.  
جناب نرجس خاتون،

همسر امام حسن  
عسکری (ع) و مادر  
بزرگوار امام  
زمان (ع)، شاهزاده ای  
رومی بود و برای  
آنکه شناسایی نشود،  
سوسن، صیقل، ریحانه  
و ملیکه<sup>۲</sup> نیز نامیده  
می شد. پدرش «یشوعا»  
پسر قیصر روم شرقی و  
مادرش، از نوادگان  
شمعون (یار حضرت  
مسیح (ع) و وصی او)  
به شمار می رفت.  
از امام هشتم (ع)  
پرسیدند: قائم شما  
اهل بیت کیست؟  
فرمود: **«الرَّابِعُ مِنْ  
وُلْدِي  
الْإِمَاءِ يُطَهِّرُ اللَّهَ بِهِ الْأَرْضَ»**

۲. بحار الانوار، محمد باقر  
مجلسی، دارالکتب الاسلامیه،  
تهران، ۱۳۷۸ش، ج ۵۱، ص ۶۵ و ۷.

مِنْ كُلِّ جُورٍ؛<sup>۱</sup> چهارمین فرزند از فرزندان من و پسر سید کنیزان است. خداوند توسط او زمین را از هر ستمی پاک خواهد کرد.»  
این دختر سعادت‌مند و یگانه همسر امام حسن عسکری (ع) با اینکه در کاخ زندگی می‌کرد، چنان پاک و با عفت بود که از حیث اخلاق و رفتار به خانواده مادری اش شباهت داشت و همچون جدش شمعون با الهام از حضرت عیسی و مریم ۳، سرشار از معنویت و پاکی بود. این دختر نجیب، همواره دوست داشت با خانواده ای پاک و موحد وصلت کند و خداوند او را یاری کرد تا به طور معجزه آسایی، خود را به امام حسن عسکری (ع) برساند. هنگامی که به خانه امام هادی (ع) وارد شد، حضرت وی را به خواهرش «حکیمه خاتون» سپرد تا آموزه های اسلام را به او تعلیم کند.

مادر امام عصر(ع)  
«محمد بن عبد الجبار» روایت می کند: به محضر سرورم امام حسن عسکری (ع) عرض کردم: ای پسر رسول خدا! جانم به فدایت باد! من دوست دارم بدانم بعد از شما امام و حجت خدا بر بندگان کیست؟ فرمود: «إِنَّ الْإِمَامَ وَ الْحُجَّةَ بَعْدِي ابْنِي سَمِيُّ رَسُولِ اللَّهِ (ص) وَ كَنِيَّةُ الَّذِي هُوَ خَاتِمُ حُجَجِ اللَّهِ؛ امام و حجت خدا بعد از من، فرزند من است، که همان رسول خدا و هم کنیه آن حضرت می باشد. او [پایان بخش و] آخرین حجج الهی [و خلیفه از خلفای پروردگار] است.»  
پرسیدم: مادرش چه کسی خواهد بود؟ فرمود: «مِنْ ابْنَةِ ابْنِ قَيْصَرَ مَلِكِ الرُّومِ، أَلَا أَنَّهُ سَيُولَدُ وَ يَغِيبُ عَنِ النَّاسِ غَيْبَةً طَوِيلَةً ثُمَّ يَظْهَرُ؛ از دختر پسر قیصر، نوه امپراتور روم. آگاه باش که او در آینده ای نزدیک متولد می شود، و بزودی غایب می شود از میان مردم، غیبتی طولانی سپس ظاهر می

۱. کفایة الاثر فی النص علی الأئمة الإثني عشر، ص ۲۷.

شود.»<sup>۱</sup>  
 نرجس در حدیث لوح  
 «جابر بن عبد الله  
 انصاری» می گوید: به  
 محضر حضرت فاطمه  
 زهرا (س) وارد شدم تا  
 ولادت حسین (ع) را  
 تهنیت گویم که ناگاه  
 صحیفه ای در دست آن  
 حضرت دیدم . عرض  
 کردم: ای سرور زنان!  
 این صحیفه ای که در  
 دست شما می بینم،  
 چیست؟ فرمود: اسامی  
 ائمه از فرزندان من  
 در آن است، گفتم: آن  
 را به من بدهید تا  
 در آن بنگرم. فرمود:  
 ای جابر! اگر منهی  
 نبود، چنین می کردم؛  
 ولی نهی شده است که  
 جز پیامبر یا وصی و  
 یا اهل بیت به آن  
 دست بزنند؛ ولی به تو  
 اجازه داده می شود  
 که روی آن را بنگری  
 و بدانی. جاب ر می  
 گوید: آن را تا آنجا  
 خواندم که به نام  
 مادر دوازدهمین وصی  
 رسول خدا (ص) رسیدم.  
 در آن نوشته بود:

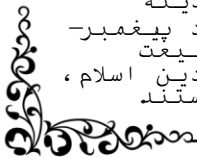
«... أَبُو الْقَاسِمِ

مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ هُوَ  
 حُجَّةُ اللَّهِ تَعَالَى عَلَى خَلْقِهِ

۱. اثبات الهداة بالنصوص و المعجزات، شیخ حر عاملی، نشر اعلی، بیروت، ۵، ص ۱۹۶.

الْقَائِمُ أُمَّهُ جَارِيَةٌ  
 اسْمُهَا نَرْجِسُ صَلَوَاتُ اللَّهِ  
 عَلَيْهِمْ أَجْمَعِينَ؛<sup>۲</sup> ابو  
 القاسم فرزند حسن و  
 او حجت خدا بر خلقش  
 می باشد. مادرش  
 جاریه ای به نام  
 نرجس، صلوات الله عليهم  
 اجمعین است.»  
 هجرت برای خوشبختی  
 «بشر بن سلیمان»  
 از فرزندان «ابو  
 ایوب انصاری» یکی از  
 یاران و همسایگان  
 امامین عسکریین ع در  
 شهر سامرا می گوید:  
 روزی کافور، غلام  
 امام هادی (ع) نزد من  
 آمد و مرا به محضر  
 حضرت دعوت کرد. چون  
 خدمت حضرت رسیدم،  
 فرمود: ای بشر! تو  
 از اولاد انصار  
 هستی.<sup>۳</sup> دوستی شما  
 نسبت به ما اهل بیت (ع)  
 پیوسته برق رار بوده  
 است و فرزندان شما  
 آن را از همدیگر به  
 ارث می برند و شما  
 مورد اعتماد ما می  
 باشید. می خواهم تو  
 را امتیازی بدهم که

۲. کمال الدین و تمام النعمه، شیخ صدوق، نشر اسلامی، تهران، ج ۱، ص ۳۰۶.  
 ۳. انصار از مردم مدینه هستند که هنگام ورود پیغمبر-به مدینه، با حضرت بیعت کرده، در راه رواج دین اسلام، به یاری ایشان برخاستند



رومی از پس پرده  
رقیقی می شنوی که بر  
اسارت و هتک احترام  
خود می نالد. یکی از  
مشتریان به «عمر بن  
زید» خواهد گفت: عفت  
این کنیز رغبت مرا  
به وی جلب نموده، او  
را به سیصد دینار به  
من بفروش! کنیزک به  
زبان عربی می گوید:  
اگر تو حضرت سلیمان  
و دارای حشمت او  
باشی، من به تو رغبت  
ندارم. بیهوده مال  
خود را تلف مکن!  
فروشنده می گوید: پس  
چاره چیست؟ من  
ناگزیرم تو را  
بفروشم. کنیز می  
گوید: چرا شتاب می  
کنی؟ بگذار خریداری  
پیدا شود که قلب من  
به وفاداری و امانت  
وی آرام گیرد.<sup>۱</sup>  
در این هنگام نزد  
فروشنده برو و بگو:  
من حامل نامه ل طیفی  
هستم که یکی از  
اشراف به خط و زبان  
رومی نوشته و کرم و  
وفا و شرافت و امانت  
خود را در آن شرح  
داده است. نامه را  
به کنیز نشان بده تا

در مقام دوستی با ما  
بر سایر شیعیان پیشی  
گیری و رازی را با  
تو در میان می  
گذارم.

سپس نامه زیبایی  
به خط و زبان رومی  
مرقوم فرمود و سر آن  
را با خاتم مبارک  
مهر کرد و کیسه زردی  
که دویست و بیست  
اشرفی در آن بود،  
بیرون آورد و فرمود:  
این را گرفته، به  
بغداد می روی و صبح،  
فلان روز در کنار پل  
فرات می ایستی. چون  
کشتی حامل اسیران  
نزدیک شد و اسیران  
را دیدی، می بینی  
بیش تر مشتریان،  
فرستادگان اشراف بنی  
عباس و برخی از  
جوانان عرب می  
باشند. در این موقع  
مواظب شخصی به نام  
«عمر بن زید» برده  
فروش باش که کنیزی  
را - با اوصافی  
مخصوص که از جمله دو  
لباس حریر پوشیده و  
با حفظ حجاب، خود را  
از دسترسی مشتریان  
نگه می دارد - به  
مشتریان عرضه می  
دارد.

در این وقت صدای  
ناله او را به زبان

۱. بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۶؛  
کمال الدین و تمام النعمه،  
ج ۲، ص ۴۲.

به محلي که در بغداد  
اجاره کرده بودم،  
آمدیم . در آن حال،  
با بي قراري زياد  
نامه امام هادي (ع)  
را از جيب بيرون  
آورده، مي بوسيد و  
روي ديدهگان خود مي  
نهاد و بر بدن و  
صورت مي کشيد . من  
گفتم: عجب! نامه اي  
را مي بوسي که  
نويسنده آن را نمي  
شناسي! گفت: اي  
درمانده کم معرفت!  
ب ه مقام فرزندان  
پيامبران گوش فرا ده  
و دل سوي من بدار .  
من مليکه، دختر  
يشوعا، پسر قيصر روم  
هستم . مادرم از  
فرزندان حواريين است  
و به شمعون، وصي  
حضرت عيسي (ع) نسب مي  
رسانم . بگذار داستان  
عجيب خود را براي  
نقل کنم .  
جد من - قيصر - مي  
خواست مرا که سيزده  
سال بيش تر ن داشتم،  
به برادرزاده اش  
تزويع کند . سيصد نفر  
از رهبانان و کشيشان  
نصارا از دودمان  
حواريين عيسي بن  
مريم (ع) و هفتصد نفر  
از اعيان و اشراف و  
چهار هزار نفر از

درباره نويسنده آن  
بيانديشد . اگر به وي  
مايل گرديد و تو نيز  
راضي شدي، من به  
وکالت او کنيزک را  
مي خرم .

بشر بن سليمان مي  
گويد: طبق رهنمودهاي  
امام (ع) عمل کردم و  
همانطور شد که  
امام (ع) پيش بيني  
کرده بود . جلو رفته،  
خود را معرفي کردم و  
نامه را به آن کنيز  
نشان دادم.<sup>۱</sup>

### معرفت به مقام اهل بيت

چون نگاه آن دختر  
اسير به نامه حضرت  
افتاد، اشک در  
چشمانش حلقه زد و به  
شدت گريست . گويي که  
منتظر هم ان لحظه  
بود . سپس به عمر بن  
زيد رو کرد و گفت:  
مرا به صاحب اين  
نامه بفروش! من وارد  
معامله شدم و در  
تعيين قيمت او با  
فروشنده گفتگوي  
بسيار کردم تا به  
همان مبلغ که

امام (ع) به من داده  
بود، راضي شد . من  
پول را به وي تسليم  
کردم و با کنيز که  
خندان و شادان بود،

۱. همان.

امراء فرماندهان،  
سران لشکر و بزرگان  
مملکت را جمع کرد .  
آنگاه تختی آراسته  
به انواع جواهرات را  
روی چهل پایه نصب  
کرد . پسر برادرش را  
روی آن نشاند .  
صلیبها را بیرون  
آورد و اسقفها پیش  
روی او قرار گرفتند  
و انجیلها را  
گشودند . ناگهان  
زلزله ای عجیب آمد،  
صلیبها از بلندی بر  
روی زمین فرو ریخت و  
پایه های تخت درهم  
شکست . کاخ لرزید و  
هر کسی که روی تخت  
نشسته بود، سرنگون  
شد . خود امپراطور و  
پسر عمویم با حالت  
بیهوشی از بالای تخت  
بر روی زمین افتادند  
و رنگ صورت اسقفها  
دگرگون گشت . سخت  
لرزیدند و وحشت  
عجیبی حاضران را فرا  
گرفت . یکی از کشیشان  
بزرگ به حضور  
امپراطور آمد و عرض  
کرد: پادشاهها! ما را  
از مشاهده این اوضاع  
منحوس که نشانه زوال  
دین م سیح و مذهب  
پادشاهی است، معاف  
بدار؛ جدم نیز اوضاع  
را به فال بد گرفت .

با این حال، به  
اسقفها دستور داد تا  
پایه های تخت را  
استوار کنند و  
صلیبها را دوباره  
برافرازند.  
این بار امپراطور  
تصمیم گرفت که مرا  
به همسری برادرزاده  
دیگرش درآورد، و با  
خود گفت: شاید این  
حادثه زلزله برای آن  
بود که ملیکه همسر  
برادرزاده اولی  
نگردد؛ بلکه همسر  
برادرزاده دومی شود،  
پس دستور داد مجلس  
را مثل سابق  
آراستند . دربانان و  
خدمتکاران در  
جایگاهی مخصوص قرار  
گرفتند، تخت مخصوص  
را نیز در جای خود  
گذاشتند . روحانیون  
برجسته مسیحی با دست  
گرفتن شمعدان ها و  
لباسهای مخصوص، در  
کنار تخت قرار  
گرفتند . پسر عموی  
دیگرم بر تخت مخصوص  
نشست . همین که مراسم  
عقد شروع شد و  
کشیشان خواستند عقد  
بخوانند، بار دیگر  
زلزله رخ داد و  
حاضران پریشان شدند .  
رنگها پرید، مجلس به  
هم ریخت و تختها

دارد. چیزی نگذشت که پیغمبر خاتم و داماد و جانشین او و جمعی از فرزندان وی وارد قصر شدند. حضرت عیسی (ع) به استقبال شتافت و با حضرت محمد (ص) روبوسی کرد. پیامبر (ص) فرمود: یا روح الله! من به خواستگاری دختر وصی شما شمعون، برای فرزندم آمده ام و در این هنگام به امام حسن عسکری (ع) اشاره نمود. حضرت عیسی (ع) به شمعون نگاه کرد و گفت: شرافت به سوی تو روی آورده است. با این وصلت مبارک موافقت کن! او گفت: موافقم.

پس محمد (ص) بالای منبر رفت و خطبه ای انشا فرمود و مرا برای فرزندش تزویج کرد، سپس حضرت عیسی (ع) و فرزندان خود و حواریون را گواه گرفت.

بعد از این رؤیای شیرین از خواب بیدار شدم؛ ولی ماجرای این خواب را به هیچ کس و حتی جدم نگفتم، مبادا به من آسیبی برسانند؛ ولی شب و روز در فکر این خواب

واژگون شد. امپراطور و برادرزاده دومی از تخت بر زمین افتادند و همگی وحشت زده از کاخ بیرون آمده، به خانه های خود رفتند. امپراطور بسیار ناراحت شد و در اندوه فرو رفت و لحظه ای این دو حادثه عجیب را فراموش نمی کرد. چون بزرگ اسقفها این صحنه را مشاهده کرد، رو به جدم کرد و گفت: پادشاهها! ما را از مشاهده این اوضاع منحوس که نشانه زوال دین مسیح و مذهب پادشاهی است، معاف بدار!

جدم باز اوضاع را به فال بد گرفت. پس مردم پراکنده گشتند و جدم با حالت اندوه به حرم سرا رفت و پرده ها بیفتاد.

### شیرین ترین رؤیا

حضرت نرجس در ادامه فرمود: شبی در خواب دیدم که حضرت عیسی (ع) و شمعون، وصی او، و گروهی از حواریین در قصر جدم قیصر، اجتماع کرده اند و در جای تخت، منبری که نور از آن می درخشید، قرار

او در ادامه  
خاطرات خود می گوید:  
روزی پدرم که از  
زنده ماندن من  
ناامید شده بود، به  
من گفت: آیا هیچ  
آرزویی داری تا آن  
را برآورم؟ گفتم:  
آرزویم این است که  
به زندانیان مسلمان  
که در جنگ اسیر و  
دستگیر شده اند، سخت  
نگیرید، و آنها را  
از شکنجه معاف  
دارید، شاید به خاطر  
این کار خوب، خداوند  
حال مرا نیک کند و  
سلامتی مرا به من  
بازگرداند، و حضرت  
مسیح (ع) و مادرش  
مریم با این کار  
نیک به من لطف و  
مرحمت کنند.

پدرم خواسته مرا  
برآورد. عده ای از  
زندانیان مسلمان را  
آزاد کرد، و مجازات  
و شکنجه بعضی را  
بخشود. بسیار خوشحال  
شدم. از آن به بعد  
روز به روز حالم  
بهرتر می شد. همین  
موضوع باعث شد که  
پدرم دستور داد تا  
بیش تر از زندانیان  
مسلمان دلجویی کنند  
و آنها را ببخشند و  
خوشنودی آنها را به

عجیب بودم، و با خود  
می گفتم: من در این  
جا، و امام حسن  
عسکری (ع) در شهری  
بسیار دور. چگونه به  
خانه او راه می  
یابم؟ محبت امام  
عسکری (ع) سراسر دلم  
را پر کرده بود.  
تنها به او می  
اندیشیدم تا اینکه  
بیمار و رنجور شدم.  
تمام پزشکان روم را  
به بالین من آوردند؛  
ولی معالجه آنها بی  
نتیجه ماند؛ چراکه  
بیماری من، جسمی  
نبود! کم کم لاغر و  
رنجور گشتم و بیماری  
ام سخت شد.<sup>۱</sup>  
**اندیشه های ارزشمند و  
معنوی**

اغلب دختران  
آرزوهای فراوان مادی  
و ظاهری دارند؛  
رسیدن به رفاه،  
داشتن همسری با  
جایگاه اجتماعی بالا،  
خانه مجلل و  
تشریفاتی، رسیدن به  
یک زندگی ایده آل و  
...؛ اما ملیکه، این  
شاهزاده سعادتمند،  
افکار ارزشمند و  
معنوی را در سر می  
پروراند.

۱. همان.



دست آورند.  
 از سوی دیگر پدرم  
 تمام پزشکان را  
 احضار و از مداوای  
 من استفسار کرد، و  
 چوم مایوس گردید،  
 گفتم: نور دیده! هر  
 خواهشی داری، بگو تا  
 در انجام آن بکوشم!  
 گفتم: پدر جان! اگر  
 اسیران مسلمین را  
 آزاد گردانی،  
 امیدوارم حضرت عیسی  
 و مادرش ۳ مرا شفا  
 دهند. پدرم تقاضای  
 مرا پذیرفت و من نیز  
 به ظاهر اظهار  
 بهبودی کرده، کمی  
 غذا خوردم. پدرم از  
 این واقعه خشنود  
 گردید و سعی در  
 رعایت حال اسیران  
 مسلمین و احترام  
 آنان نمود.  
 چهارده شب از این  
 جریان گذشت. شبی  
 خوابیده بودم. در  
 خواب دیدم حضرت  
 فاطمه زهرا (س) همراه  
 مریم (س) و بانوان  
 دیگر نزد من آمدند.  
 حضرت مریم (س) به من  
 گفت: این بانو مادر  
 همسر توست. بی  
 اختیار به یاد امام  
 حسن عسکری (ع)  
 افتادم، و قلبم فرو  
 ریخت. به حضرت

فاطمه (س) عرض کردم:  
 از فرزندت حسن  
 عسکری (ع) گله دارم  
 که سری به من نمی  
 زند... دیگر گریه  
 امانم نداد، زار زار  
 گریستم.  
 حضرت فاطمه (س)  
 فرمود: تا تو مسیحی  
 هستی، فرزندم به  
 سراغ تو نمی آید.  
 اگر می خواهی خدا و  
 حضرت مسیح (ع) از تو  
 خشنود شوند، دین  
 اسلام را بپذیر تا  
 چشمت به جمال امام  
 حسن عسکری (ع) روشن  
 شود.  
**غسل در اشک زدم کاهل  
 طریقت گویند**  
**پاک شو اول و پس دیده  
 بر آن پاک انداز**  
 گفتم: ای بانوی  
 بزرگ! با تمام وجودم  
 حاضرم که آیین اسلام  
 را بپذیرم.  
 فرمود: بگو: «أَشْهَدُ  
 أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَ أَشْهَدُ  
 أَنْ مُحَمَّدًا رَسُولُ اللَّهِ» من  
 نیز گفتم.  
 آنگاه فاطمه  
 زهرا (س) مرا به آغوش  
 محبتش گرفت، نوازش  
 داد و فرمود: خوشحال  
 باش! به تو مژده می  
 دهم که از این به

۱. دیوان حافظ، نشر سمیر،  
 تهران، غزل ۲۶۴.

زَايِرُكَ فِي كُلِّ لَيْلَةٍ اِلَى  
اَنْ يَجْمَعَ اللهُ شَمْلَنَا فِي  
الْعِيَانِ ؛<sup>۱</sup> نيامدن من  
به خاطر مذهب سابق  
تو بود و اکنون که  
اسلام آورده اي، هر  
شب به دیدنت مي آيم  
تا موقعي که فراق ما  
به وصال مبدل گردد .  
از آن شب تا کنون  
شبي نيست که وجود  
نازنينش را بخواب  
نبينم .  
اسارت، مقدمة سعادت

«بشر بن سليمان»  
مي گويد : از آن  
بانوي بزرگوار  
پرسيدم : چطور شد که  
در ميان اسيران قرار  
گرفتي؟ گفت : در يکي  
از شبها در عالم  
خواب امام حسن  
عسکري (ع) فرمود : فلان  
روز جدت قيصر لشکري  
به جنگ مسلمانان مي  
فرستد . تو نيز به  
طور ناشناس و در  
لباس خدمتکاران  
همراه عده اي از  
کنيزان از فلان راه  
به آنها ملحق شو .  
چنين کردم ، پس  
پيشقراولان اسلام مطلع  
شدند و ما را اسير  
گرفتند و کار من  
بدين گونه که دیدي،

بعد امام حسن  
عسکري (ع) به دیدارت  
خواهد آمد و تو به  
زیارت او موفق مي  
شوي!  
از خواب بيدار  
شدم . بسيار خوشحال  
بودم و همواره  
يکتايي خدا و  
پيامبري محمد (ص) را  
به زبان مي گفتم، و  
در انتظار دیدار  
امام حسن عسکري (ع)  
بودم .

### نجات از غم ايام

«ملیکه» همچنان  
آرزو مي کرد که روزي  
بيايد از ميان  
خاندان امپراطور روم  
برود و از آلودگي  
دنياپرستي اين  
خاندان نجات يابد و  
به سعادت خدمت در  
خانه امام حسن  
عسکري (ع) مفتخر  
گردد .

او ادامه خاطرات  
خود را چنين بيان مي  
کند : شب بعد امام را  
در خواب دیدم و در  
حالي که از گذشته  
شکو ه مي نمودم ،  
گفتم : اي محبوب من !  
من که خود را در راه  
محبت تو تلف کردم !  
فرمود : «مَا كَانَ  
تَاخِرِي عَنْكَ اِلَّا لِشُرْكَ  
فَقَدْ اَسْلَمْتَ وَ اَنَا

۱. بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۹۰.

### عسكري (ع)

وجود خفقان و  
استبداد حاکم وقت  
باعث شد که مراسم  
وصلت امام حسن  
عسكري (ع) و نرجس به  
صورت مخفیانه و در  
خانه حکیمه خاتون  
برگزار گردد . این  
عمه بزرگوار امام  
عسكري (ع) در این  
باره می گوید:

«روزي برادرزاده  
ام، امام حسن  
عسكري (ع) به دیدارم  
آمد و به نرجس نیک  
نظر کرد و فرمود :

عمه جان ! از او در  
شگفتم . عرض کردم :

شگفتي شما از چیست؟  
فرمود : به زودي  
فرزندی از وي پدید  
می آید که نزد خدای  
تعالی گرامی است و  
خداوند به واسطه او  
زمین را از عدل و  
داد آکنده سازد،  
همچنان که پر از ستم  
و جور شده باشد . عرض  
کردم : اي آقای من !  
آیا او را می خواهی؟  
فرمود : از پدرم در  
این باره کسب اجازه  
کن!

بعد از آنکه حکیمه  
خاتون از امام  
هادی (ع) اجازه گرفت،  
امام به خواهرش

انجام پذیرفت؛ ولی  
تاکنون به کسی نگفته  
ام که نوه پادشاه  
روم هستم؛ حتی  
پیرمردی که در تقسیم  
غنايم جنگ سهم او  
شده بودم، نامم را  
پرسید؛ ولی من  
اظهاری نکردم و  
گفتم : نرجس ! گفت :  
نام کنیزان؟!  
بشر از اینکه يك  
زن رومی به زبان  
عربی مسلط بود، تعجب  
کرد و از او پرسید :  
تعجب می کنم . تو اهل  
فرنگی؛ اما به زبان  
عربی به خوبی سخن می  
گویی!

پاسخ فرمود : جدم  
به دلیل علاقه زیادش  
به من، می خواست  
آداب و رسوم ملتهاي  
دیگر را فرا گیرم و  
مرا در این کار  
بسیار تشویق می کرد .  
او زن مترجمی را که  
به عربی و فرنگی  
مسلط بود، مأمور کرد  
هر صبح و شب نزد من  
آید و زبان عربی را  
به من بیاموزد . من  
نیز به خوبی  
آموختم .

### ازدواج با امام

۱. غیبت شیخ طوسی، دار  
المعارف الاسلامیه، قم، ۱۴۱۱ق،  
ص ۲۱۳.

کرد.  
**چه فرخنده شبی!**  
يك سال و يك ماه  
پس از ازدواج امام  
حسن عسکري (ع) و نرجس  
خاتون، حضرت ولي  
عصر امام زمان (ع) در  
نیمه شعبان ۲۵۵ ق  
متولد شد.  
حکیمه خاتون می  
گوید: در شب نیمه  
شعبان، امام حسن  
عسکري (ع) مرا خواست  
و فرمود: عمه جان!  
امشب نیمه شعبان  
است، نزد ما افطار  
کن که خداوند در این  
شب فرخنده کسی را به  
وجود می آورد که حجت  
او در روی زمین می  
باشد. عرض کردم:  
مادر این نوزاد  
مبارک کیست؟ فرمود:  
نرجس. گفتم: فدایت  
گردم! اثری از  
بارداری در نرجس  
خاتون نیست. فرمود:  
همین است که می  
گویم.  
سپس به خانه حضرت  
رفتم، سلام کرده،  
نشستم، نرجس خاتون  
آمد. کفش از پای من  
درآورد و گفت: ای  
بانوی من! شب بخیر.  
گفتم: بانوی من و  
خاندان ما تویی!  
گفت: نه! من کجا و

حکیمه فرمود: ای  
مبارکه! خدای تعالی  
دوست دارد که تو را  
در پاداش این پیوند  
مقدس شریک گرداند و  
بهره ای از خیر برای  
تو قرار دهد. حکیمه  
بی درنگ به منزل  
برگشت و مقدمات این  
وصلت زیبا را فراهم  
نمود. بدین ترتیب،  
ازدواج امام حسن  
عسکري (ع) با جناب  
نرجس خاتون در منزل  
عمه اش حکیمه برگزار  
شد. آنان بعد از چند  
روز به منزل حضرت  
هادی (ع) منتقل  
شدند.

در آن دوران، فضای  
سامرا برای امام  
هادی (ع) و خانواده  
اش در اوج خفقان بود  
و تمام حرکات و  
سکنات آن بزرگواران  
همواره تحت نظر  
نظامیان و جاسوسان  
خلفای ستمگر عباسی  
بود؛ اما جناب نرجس،  
با سعه صدر تمامی  
سختیها و ناامنیهای  
موجود را برای خدا و  
به عشق اهل بیت تحمل  
می کرد و لحظه ای در  
دفاع از ارزشهای  
الهی کوتاهی نمی

۱. بحار الانوار، محمدباقر  
مجلسی، بیروت، ج ۵۱، ص ۱۲۵.

را خواندم، افطار کردم و خوابیدم .  
سحرگاه برای ادا ی نماز شب برخاستم .  
دیدم نرجس خوابیده است و از وضع حمل او خبری نیست.

از اطاق بیرون رفتم، وضو گرفتم و مشغول نماز شب شدم .  
نماز را خوانده و از اطاق بیرون رفتم . به آسمان نگاه کردم، دیدم طلوع فجر است؛ اما هنوز اثری از فرزند نیست.

در آن حال دربارهٔ وعدهٔ امام تردید کردم که ناگهان حضرت از جایی که تشریف داشتند، با صدای بلند مرا صدا زده، فرمودند: عمه! تعجب مکن که وقت نزدیک است! چون صدای امام را شنیدم شروع به خواندن سوره «الم سجده» و «یس» نمودم در این وقت نرجس با حال مضطرب از خواب برخاست، من به وی نزدیک شدم و نام خدا را بر زبان جاری کردم و پرسیدم: آیا احساس خاصی داری؟  
گفت: آری. گفتم:

این مقام بزرگ کجا؟  
گفتم: «بُنَّيَّةَ اِنَّ اللّٰهَ تَعَالٰى سَيَهْبُ لَكَ فِي لَيْلَتِكَ هَذِهِ غَلَامًا سَيُدْأ فِي الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ قَالَتْ فَحَجَلَتْ وَ اسْتَحْيَتْ؛ دختر جان! امشب خداوند پسری به تو هدیه می کند که سرور دو جهان خواهد بود. چون این سخن شنید، با کمال حُجْب و حیا نشست.»

این رفتار ارزشمند نرجس (س) چقدر می تواند برای دختران امروزه ما که در پی امام زمان (ع) هستند، الگو و اسوه باشد. در روزگاری که دشمنان مکتب اهل بیت) در تلاش اند از هر راهی پردهٔ عفاف و حیا را از زنان و دختران ما بدرند و با روشهای گوناگون در صدد نابودی این گوهر ناب از نسل امروزی اند، جا دارد فرزندانمان را در این جامعه با فرهنگ مهدوی (ع) پیوند داده و مصونیت بخشیم.

### چه مبارک سحری

حکیمه خاتون در ادامهٔ خاطرات خود می گوید: سپس نماز عشا

۱. کمال الدین و تمام النعمة، ج ۲، ص ۴۲۴.

۲. بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۲.

ناراحت نباش و دل  
قوي بدار! اين همان  
مژده است كه به تو  
دادم، سپس هر دو به  
خواب رفتيم.  
اندكي بعد

برخاستم. ديدم بچه  
متولد شده و روي  
زمين با اعضاي  
هفتگانه<sup>۱</sup> خدا را  
سجده مي كند. آن ماه  
پاره را در آغوش  
گرفتم. ديدم به عكس  
نوزادان ديگر، از  
آلودگيهاي حين ولادت  
پاكيزه است! در اين  
هنگام، امام حسن  
عسكري (ع) مرا صدا زد  
كه فرزندم را بياور!  
چون نوزاد را نزد  
پدر بزرگوارش بردم،  
امام (ع) او را به  
سینه مبارك چسباند و  
زبان در دهانش  
گرداند و دست بر چشم  
و گوش و بندهاي او  
كشيد، سپس فرمود:  
فرزندم! با من حرف  
بزن!

آن مولود مسعود  
گفت: **أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ وَ أَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا رَسُولُ اللَّهِ** آن گاه بر امير

۱. اعضاي هفتگانه عبارت است از: دو كف دست، سر ذو زانو، سر دو انگشت شست پاها و پيشاني كه سجده با آنها انجام ميگيرد.

المؤمنين و ائمة  
طاهرين) درود فرستاد  
و چون به نام پدرش  
رسيد،ديدگان گشود و  
سلام كرد. امام (ع)  
فرمود: عمه جان! او  
را نزد مادرش ببر تا  
به او نيز سلام كند و  
باز نزد من برگردان!  
چون او را نزد مادرش  
بردم، سلام كرد، مادر  
نيز جواب سلامش را  
داد. سپس او را نزد  
امام حسن عسكري (ع)  
برگرداندم.

#### بانوي خاندان عصمت

آري، اين چنين يك  
دختر پاك و دانا،  
خود را از آلودگي  
كاخ شاهان نجات داد،  
و در خط جدّ مادر  
خويش، شمعون قرار  
گرفت، و همين هدف و  
ايدة مقدّس را دنبال  
كرد. خدا نيز او را  
ياري داد تا سرانجام  
افتخار و لياقت آن  
را يافت كه همسر  
امام حسن عسكري (ع) و  
مادر امام زمان  
گردد. به اين جهت،  
حكيمه خاتون او را  
به عنوان سيّده مي  
خواند.

اين دختر شايسته  
در اثر تلاشهاي خود و  
لطف خداوند به  
مقامات عاليه و

- کرامات معنوی نیز دست یافت.
- پیامها و آموزه های اخلاقی و تربیتی**
- از این بانوی با عظمت می توان درسهای زندگی آموخت و از زندگی با برکتش پیامهای آموزنده ای را دریافت نمود . از جمله:
۱. تدین و پاکدامنی ، در اوج زندگی اشرافی؛
  ۲. پاسداری از ایمان در محیط آلوده؛
  ۳. امکان ازدواج دختری مرفه با اهل ایمان و ساده زیست؛
  ۴. نقش امدادهای غیبی در زندگی؛
  ۵. اهمیت خوابهای صادقانه در پیش بینی حوادث؛
  ۶. معالجه بیماریهای روحی با نیکی به مسلمانان؛
  ۷. تلاش برای هجرت از محیطهای آلوده؛
  ۸. پاسداری از حجاب و عفاف در سخت ترین شرایط؛
  ۹. برجستگی حیا و شرم در زندگی يك دختر؛
  ۱۰. نقش امام شناسی؛
  ۱۱. عشق به ولایت و امامت؛
  ۱۲. انتخاب عزت و شرف در مقابل متاع دنیا؛
  ۱۳. استقبال از آموزش معارف دین؛
  ۱۴. انس با عالمان دین؛
  ۱۵. ادب در مقابل بزرگان؛
  ۱۶. همسر داری و رازداری در دوران حبس؛
  ۱۷. تحمل مشکلات و سختی، بعد از شهادت همسر؛
  ۱۸. داشتن نامهای زیبا؛
  ۱۹. تربیت فرزند شایسته؛
  ۲۰. لیاقت مادری فرزند شایسته؛
  ۲۱. بریدن از فامیل فقط برای رسیدن به حق؛
  ۲۲. رشد فوق العاده معنوی و عرفانی در کوتاه ترین زمان؛
  ۲۳. و . . .





## اصول و روشهای مناظره (جدال احسن)

اکبر اسد علیزاده

«اقسام، ابزار و اصول کلی مناظره»

### اشاره

مناظره یا جدال احسن یکی از مهم ترین و کاراترین شیوه های ارتباط کلامی برای بیان دیدگاه ها و باورها و حتی یکی از بهترین راه کارها برای دستیابی به واقعیتها و کشف حقایق است . فهم درست این فن و استفاده مناسب از آن می تواند در روشن ساختن حق ایق بسیار مفید و مؤثر باشد و به همین خاطر قرآن کریم در آیات فراوان و به گونه های متفاوت بر آن ت اکید کرده است و انبیا ؑ بزرگوار نیز در

تبلیغ و ارشاد مردم به شکلی گسترده از آن بهره برده اند. در شماره گذشته (ماهنامه مبلمان ۱۸۸)، بخش نخست این مقاله در موضوعاتی همچون : مفهوم شناسی، گستره موضوع، اهمیت و ضرورت تحقیق، آثار و فواید مناظره، ارائه و به آن پرداخته شد . در این شماره نیز اقسام و ابزارهای مناظره و اصول کلی آن مطرح می شود.

**اقسام مناظره**  
خداوند در قرآن کریم می فرماید : [وَ جَادِلْهُمْ بِيَاَّتِي هِيَ





سخن خداوند را نشنیده اید که فرمود: با اهل کتاب، جز به [شیوه ای] که بهتر است، مجادله مکنید.<sup>۳</sup> و فرمود: با حکمت و اندرز نیکو به راه پروردگارت دعوت کن و با آنان به [شیوه ای] که نیکوتر است مجادله نمای.»<sup>۴</sup>

امام صادق (ع) در ادامه روایت می فرماید: «دانشمندان مذهبی، جدال احسن را از لوازم دین و گفت و گوی غیر احسن را ممنوع دانسته اند و خداوندی که ناهی از جدال غیر احسن است، چگونه ممکن است مطلق مجادله و بحث را ممنوع کرده باشد، در حالی که خود می فرماید: [وَقَالُوا لَنْ يَدْخُلَ الْجَنَّةَ إِلَّا مَن كَانَ هُودًا أَوْ نَصَارًا تِلْكَ أَمَانِيُّهُمْ قُلْ هَاتُوا بُرْهَانَكُمْ إِن كُنْتُمْ صَادِقِينَ]»<sup>۵</sup> و گفتند: هرگز به بهشت نرود

أَحْسَنُ] از این آیه شریفه، جدال غیر احسن نیز فهمیده می شود که روش پسندیده ای برای مناظره نیست. از امام حسن عسکری (ع) نقل است که روزی در محضر امام صادق (ع) از شیوه و دیدگاه رسول خدا (ص) درباره گفت و گو پیرامون مباحث دینی سخن به میان آمد. امام (ع) فرمود: «لَمْ يَنْهَ عَنْهُ مُطْلَقًا وَ تَكِنَّةُ نَهْيٍ عَنِ الْجِدَالِ بِيَعْرِبِ الَّتِي هِيَ أَحْسَنُ أَمَا تَسْمَعُونَ اللَّهَ يَقُولُ [ وَ لَا تَجَادِلُوا أَهْلَ الْكِتَابِ إِلَّا بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ ] وَ قَوْلُهُ [ادْعُ إِلَى سَبِيلِ رَبِّكَ بِالْحُكْمَةِ وَ الْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ وَ جادلهم بالتي هي أحسن]»<sup>۶</sup> [رسول خدا (ص)] به طور مطلق از مجادله نهی فرموده، بلکه از آن سخن و گفت و گویی که نیکوتر نیست، منع کرده است. آیا این

۱. «و با آنان به [شیوه ای] که نیکوتر است مجادله نمای.» نحل/۱۲۵.  
۲. الاحتجاج علی أهل اللجاج، طبرسی، نشر المرتضی، مشهد، ۱۴۰۳ق، ج ۱، ص ۲۱

۳. عنکبوت/۴۶.  
۴. نحل/۱۲۵.  
۵. بقره/۱۱۱.



مگر کسی که یهودی یا نصرانی باشد، اینها آرزوهای آنان است . بگو : اگر راست می گویند برهان و دلیل روشن خویش بیاورید .» و روشن است که برهان همان مجادله و احتجاج احسن می باشد.<sup>۱</sup>

مگر کسی که یهودی یا نصرانی باشد، اینها آرزوهای آنان است . بگو : اگر راست می گویند برهان و دلیل روشن خویش بیاورید .» و روشن است که برهان همان مجادله و احتجاج احسن می باشد.<sup>۱</sup>

بنابراین و با دقت در آیات و روایات، دو نوع مناظره مطرح است:

#### الف. مناظره پسندیده

همان است که به آشکار شدن حق و از بین بردن باطل می انجامد . در این مناظره، هدف، تحقیر طرف مقابل و خود برتربینی نیست، بلکه منظور اثبات حق و نفوذ در افکار و اعماق روح اوست . در این نوع مناظره، باید از هرگونه اهانت به طرف مقابل

حشر آموخته است : [ وَ ضَرَبَ لَنَا مَثَلًا وَ نَسِيَ خَلْقَهُ قَالَ مَنْ يُحْيِي الْعِظَامَ وَ هِيَ رَمِيمٌ ]<sup>۲</sup> و خداوند در ردّ آنان فرمود: [يُحْيِيهَا الَّذِي أَنْشَأَهَا أَوَّلَ مَرَّةٍ وَ هُوَ بِكُلِّ خَلْقٍ عَلِيمٌ . الَّذِي جَعَلَ لَكُمُ مِنَ الشَّجَرِ الْأَخْضَرِ نَارًا فَإِذَا أَنْتُمْ مِنْهُ تُوقِدُونَ ]<sup>۳</sup> . بدین ترتیب خداوند از پیامبرش می خواهد با مخالفان قیامت مجادله کند و به او فرموده: [قُلْ يُحْيِيهَا الَّذِي أَنْشَأَهَا أَوَّلَ مَرَّةٍ]. آیا خداوند از

و رنجش خاطر او پرهیز و با بیانی مؤدبانه و زیبا و بر اساس برهان و حکمت گفت و گو شود . این نوع مناظره، مطلوب

۲. «و برای ما مثلی آورد و آفرینش خود را فراموش کرد؛ گفت: چه کسی این استخوانها را که چنین پوسیده است زندگی میبخشد؟» یس/ ۷۸.

۳. «بگو : همان کسی که نخستینبار آن را پدید آورد و اوست که به هر [گونه] آفرینشی داناست . همو که برایتان در درخت سبزهام اخگر نهاد که از آن [چون نیازتان افتد] آتش می افروزید .» یس/ ۷۹ و ۸۰.

۱. الاحتجاج، طبرسی، ج ۱، ص ۲۱.



معیارهای مناظره پسندیده  
معیارهای مختلفی  
را برای مناظره  
پسندیده می توان  
مطرح کرد که برخی از  
آنها عبارتند از:

۱. توکل به خدا  
مؤمن و مسلمان  
هنگام بحث و مناظره،  
به ویژه با مخالفان  
باید از خداوند در  
شفاف ساختن حقایق  
یاری بخواهد: [مَنْ  
يَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ فَهُوَ حَسْبُهُ  
إِنَّ اللَّهَ بِالْأَبْلِغِ أَمْرِهِ قَدْ  
جَعَلَ اللَّهُ لِكُلِّ شَيْءٍ  
قَدْرًا]؛<sup>۲</sup> «هر کس بر  
خدا اعتماد کند او  
برای وی بس است. خدا  
فرمانش را به انجام  
رساننده است. به  
راستی خدا برای هر  
چیزی اندازه ای مقرر  
کرده است.»

۲. برهان و منطق گرایی  
محتوای مناظره  
پسندیده بر پایه فهم  
و دانش استوار است و  
روش آن نیز باید بر  
اساس منطق، برهان،  
بینه و استدلال به  
آیات قرآنی باشد.  
امام صادق (ع) در  
پاسخ به پرسشی

برگردان پوسیده شده  
ای که در آغاز  
آفریده است، ناتوان  
می شود؟ در حالی که  
حتما آغاز خلقت را  
مشکل تر از برگردان  
آن می دانید.

خداوندی که آتش  
داغ را در درخت-  
سرسبز و تازه- پنهان  
کرده و سپس آن را  
بیرون نمود و پدید  
آورد، با این کار به  
شما فهماند که همو  
بر بازگشت خلقت و  
زنده کردن آنچه  
پوسیده شده نیز  
توانا است.

اگر در نظر و توان  
شما خلقت آسمانها و  
زمین از زنده کردن  
دوباره استخوان  
پوسیده مشکل تر است،  
چرا قیامت را انکار  
می کنید؟!

این معنای مجادله  
احسن است، که در آن،  
جای هیچ عذر و بهانه  
ای برای مخالف باقی  
نمی گذارد، و شبهه و  
اعتراضش مطابق فهم  
او پاسخ داده می  
شود.<sup>۱</sup>

۲. طلاق/۳.

۱. الاحتجاج، ج ۱، ص ۲۱ و ۲۲.



مردم تمام شود؛ برخی از آیاتی که به این نکته اشاره دارد عبارتند از:

– [وَلَقَدْ جَاءَتْهُمْ رُسُلْنَا بِالْبَيِّنَاتِ ثُمَّ إِنَّ كَثِيرًا مِنْهُمْ بَعَدَ ذَلِكَ فِي الْأَرْضِ لَمُسْرِفُونَ]؛<sup>۲</sup>  
«به تحقیق پیامبران ما با بی‌نی‌ها به سوی آنها آمدند، آن‌گاه بسیاری از آنها در زمین اسرافکار شدند.»

– [وَلَقَدْ أَهْلَكْنَا الْقُرُونَ مِنْ قَبْلِكُمْ لَمَّا ظَلَمُوا وَجَاءَتْهُمْ رُسُلُهُمْ بِالْبَيِّنَاتِ]؛<sup>۳</sup> «و به تحقیق اقوامی که پیش از شما بودند را هلاک کردیم، هنگامی که ستم کردند و پیامبران ما با بی‌نی‌ها به سوی آنها آمدند.»

بنابراین، اساس دین بر بی‌نی‌ها، برهان، حجت و دلیل استوار است و پیامبران همواره با مردم با بی‌نی‌های روشن و حجت‌های آشکار سخن می‌گفتند. قرآن کریم در

۲. مائده/۳۲.  
۳. یونس/۱۳.

درباره آیه [وَجَادِلْهُمْ بَالٍ تِي هِي أَحْسَنُ] فرمود: «وَجَادِلْهُمْ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ، يَغْنِي بِالْقُرْآنِ؛<sup>۱</sup> و جدال کن با آنها به شیوه ای که احسن است، یعنی با قرآن. «؛ یعنی مناسب ترین شیوه گفت و گو همان منطق قرآن است. از نظر قرآن همه پیامبران، به ویژه پیامبر اسلام دارای بی‌نی‌ها ای آشکار بودند و منظور از بی‌نی‌ها، همان حجت و برهان است که برای اثبات مطالب خود از آن استفاده می‌کردند. پیامبران این بی‌نی‌ها را از جانب خدا آورده بودند و مردم در برابر آن بی‌نی‌ها، گاهی تسلیم می‌شدند و در موارد بیش‌تری عناد ورزیده، سرباز می‌زدند؛ اما به هر حال پیامبران بی‌نی‌ها را می‌آوردند تا حجت بر

۱. تفسیر قمی، علی بن ابراهیم قمی، دارالکتاب، قم، ۱۴۰۴ق، ج ۱، ص ۳۹۲؛ کافی، کلینی، دارالکتب الاسلامیه، تهران، ۱۴۰۷ق، ج ۵، ص ۱۳، ح ۱.



بسیاری از موارد  
مطلب را با بینه و  
برهان بیان کرده؛  
ولی برهان ق رآن،  
همانند برهان اصحاب  
فلسفه و کلام نیست .  
برهانهای فلسفی و  
کلامی، پیچیده و  
دشواری و برای  
استفادهٔ عموم مردم  
نیستند و کسانی از  
آنها بهره می برند  
که مقدماتی از علم  
داشته باشند؛ اما  
برهانهای قرآنی برای  
همه قابل استفاده  
است، پس نباید در  
برهانهای قرآنی  
چارچوب و روشهای  
معمول در فلسفه و  
کلام را جست و جو  
کرد، بلکه این  
برهانها سبک خاص خود  
را دارند.  
۳. دادن فرصت تحلیل و  
پذیرش به طرف مقابل

در مناظره، اصراری  
بر پذیرش فوری از  
سوی طرف مقابل نیست،  
بلکه اگر شرایط به  
گونه ای فراهم شود  
که طرف مقابل، پذیرش  
حق را نتیجهٔ اندی شه  
و فهم خود بداند، یک  
مناظره هدفمند و  
مؤثر شکل گرفته است .

بنابراین، باید به  
طرف مقابل فرصت تفکر  
داد تا او به جایی  
برسد که باور کند به  
آنچه می خواهد  
بپذیرد، علاقه دارد و  
این پذیرش برآمده از  
اختیار و خواست قلبی  
خود اوست . شاید سر  
اینکه قرآن مجید در  
برخی موارد، بسیاری  
از حقایق مهم را در  
تعریف توحید و نفی  
شرك وارد نکرده و در  
چارچوبی ساده و آسان  
فهم بیان کرده (مثل  
یک پرسش ساده که  
نیازمند تفکر است که  
پاسخ مثبت یا منفی  
دادن به آن، متوجه  
مخاطب است) همین امر  
باشد؛ [أ إِلَهٌ مَعَ اللَّهِ]؛<sup>۱</sup>  
«آیا معبودی با خدا  
همراه است؟»  
۴. پایبندی به اصول و  
ارزشهای اخلاقی

رعایت احترام  
متقابل از مهم ترین  
آداب جدال و مناظره  
است . بسیاری از  
مواقع، مناظره در  
عین ارائهٔ براهین  
عقلی، به دلیل رعایت  
نکردن کامل جنبهٔ

۱. نمل/۶۰.



علم و دانش، می  
تواند آثار مخرب و  
زیان باری داشته  
باشد و مسیر گفت و گو  
را به سوی کفر، شرک  
و گمراهی بکشاند؛  
زیرا بیان غیر  
عالمانه مطالب، تنها  
موجبات گمراهی مردم  
را فراهم می کند و  
هیچ ثمره ای برای  
مناظره کنندگان به  
دنبال نخواهد داشت.  
**ب. مناظره ناپسند**

مناظره ناپسند آن  
است که تنها برای  
غلبه، تفاخر، جلب  
توجه انسانهای ضعیف  
النفس و سست ایمان و  
خاموش ساختن آتش خشم  
در دل خود صورت می  
گیرد. چنین مجادله  
ای برآزنده اهل باطل  
است که هدفی جز  
سرکوبی حق و اثبات  
خود به هر قیمتی  
ندارند. در آیات  
قرآنی و روایات  
معصومین) از این چنین  
مجادله ای با نکوهش  
شدید یاد شده است.  
امام صادق (ع) در این  
باره می فرماید:

«أَمَّا الْجِدَالُ بغيرِ  
الَّتِي هِيَ أَحْسَنُ فَإِنَّ  
تُجَادِلَ بِهِ مُبْتَلًا فَيُورِدُ

اخلاقی گفت و گو، موفق  
به شناساندن حقایق  
نمی شود. احترام به  
طرف مقابل و برخورد  
نیکو و صادقانه برای  
دستیابی به نتایج  
عاقلانه، اهمیت  
فراوان دارد.

#### ۵. عالمانه بودن

مناظره باید  
عالمانه و بر پایه  
دانش شکل گیرد و دو  
طرف گفت و گو از علم  
و آگاهی لازم و کافی  
درباره موضوع  
برخوردار باشند؛  
زیرا هدف از مناظره،  
واکاوی افکار و  
آراء، دست یابی به  
حقیقت، روشنگری و  
ایجاد تفاهم علمی و  
عملی است. بنابراین،  
هر گفت و گویی که  
براساس اما و اگرها،  
شایدها و گمانه زنی  
ها و مانند آن انجام  
می گیرد، گفت و گویی  
ناپسند است. مناظره  
کننده باید آنچنان  
در مناظره قوی باشد  
که تمام راه ها را  
بر مخالف ببندد و او  
را با ادله محکم و  
پذیرفتنی قانع کند.  
هرگونه مجادله و  
مناظره به دور از



- اصول و شرائط مناظره؛  
۴. جدال غیر  
برهانی و با استفاده  
از انواع مغالطه و  
سفسطه گری جهت غلبه  
بر حریف؛<sup>۱</sup>  
۵. استفاده از  
مقدمات دروغ، پیچیده  
و کلی گویی، ایج اد  
جنجال و هیاهوی کاذب  
و اصرار بیهوده بر  
قانع نشدن؛  
۶. مجادله بدون  
علم و آگاهی؛<sup>۲</sup>  
۷. پیروی از وسوسه  
های شیطنی؛<sup>۳</sup>  
۸. مجادله از روی  
عناد ورزی به حق و  
اصرار بر باطل؛<sup>۴</sup>  
۹. مجادله از روی  
کبر و غرور؛<sup>۵</sup>  
۱۰. برافروختن خشم  
طرف مناظره و تغییر  
دادن اوضاع به سود.  
**ابزارهای مناظره<sup>۶</sup>**  
مناظره و گفت و گو  
بسان هر فنی نیازمند  
ابزار و ادواتی است  
که مناظره کننده می  
تواند در اجرا و  
عملی ساختن این فن  
از آن بهره بگیرد .  
هر میزان دو طرف  
مناظره بر این ابزار  
تسلط بیش تری داشته  
باشند، گفت و گو  
عالمانه تر و جامع  
تر خواهد بود. ابزار  
مناظره را می توان  
در پنج محور عمده  
زیر مورد بحث قرار  
داد:  
۱. ابزار حسی

این ابزار، پایین  
ترین سطح ظهور مفهوم  
در جامعه است که در  
قلب کلمات نمایان  
می شود . منظور از  
حسی بودن کلمات این

۱. [إِنَّ الَّذِينَ يُجَادِلُونَ فِي  
آيَاتِ اللَّهِ يَغْيِرُونَ سُلْطَانَ]؛ «آنان  
که در آیات خدا بی هیچ حجت و  
برهانی راه انکار و جدل را  
پیمودند.» غافر/۵۶.  
۲. [وَمِنَ النَّاسِ مَنْ يُجَادِلُ فِي  
اللَّهِ يَغْيِرُ عِلْمَ]؛ «و برخی از  
مردم از روی جهل و نادانی در  
کار خداوند جدل می کنند.»  
حج/۳.

۳. [إِنَّ الشَّيَاطِينَ لَيُوحُونَ إِلَى  
أَوْلِيَائِهِمْ لِيُجَادِلُوكُمْ]؛ «و  
همانا شیاطین، دوستان خود را  
سخت و سوسه می کنند تا با شما  
به مجادله برخیزند.»  
انعام/۱۲۱.

۴. [يُجَادِلُونَكَ فِي الْحَقِّ بَعْدَ مَا  
تَبَيَّنَ]؛ «آنان در حکم حق با  
تو مجادله کردند، پس از این  
که حق روشن و آشکار گردید.»  
انفال/۶.

۵. [إِنَّ الَّذِينَ يُجَادِلُونَ فِي

آيَاتِ اللَّهِ يَغْيِرُونَ سُلْطَانَ أَتَاهُمْ إِنْ  
فِي صُدُورِهِمْ إِلَّا كِبْرًا]؛ «آنان که  
در آیات خدا بی هیچ حجت و  
برهانی راه انکار و جدل را  
پیمودند، جز تکبر و نخوت  
چیزی در دل ندارند.»  
غافر/۵۶.

۶. در توضیح برخی از موضوعات  
از جزوه روش مناظره، نوشته  
آقای محمد جعفر حسی  
استفاده شده است  
نیان





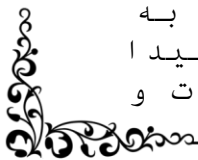
است که مفاهیم که هسته اولیه ارتباط را در جامعه عهده دار می باشند، عمده ترین موارد ظهور آنها در قالب کلمه و کلام است و حواس ظاهری انسان که به نوعی نشان دهنده رمز و راز درونی نیز هستند و با پی بردن به آنها شیوه ارتباط شکل می گیرد، پیش تر به وسیله کلمات و ادبیاتی ویژه، ظهور و بروز پیدا می کنند.

در تعریف ابزار حسی، می توان عوامل ارتباطی دیگری همچون هنر (نقاشی، طراحی، فیلم، ...) را نیز نام برد؛ اما کلمات غالب ترین وسیله ارتباط در جامعه می باشد؛ به عبارت دیگر: انتقال مفاهیم در جامعه به گونه های مختلفی صورت می پذیرد که رایج ترین و بدیهی ترین آنها انتقال از راه زبان و الفاظ است. تسلط کافی بر زبان و ادبیات یک قوم، عامل

بسیار مهمی در برقراری ارتباطی تاثیرگذار با آنهاست و هر گونه نقصان در آن سبب سردرگمی و نقص در تفاهم می شود.

برای تسلط بر ادبیات دو چیز لازم است:

الف. تسلط بر لغت و اصطلاحات نخستین عامل و ابزار در مناظره و گفت و گو، آگاهی از لغات و نیز اصطلاحات عرفی و تخصصی مرتبط با علم و موضوع مورد طرح است و میزان این تسلط، درجات آسانی ارتباط و تفاهم را مشخص می کند. بنابراین، برای برقراری مناظره، باید نخست موضوع آن علم مشخص شود و دو طرف گفت و گو به توضیح و تبیین لغات و اصطلاحات پیرامون آن موضوع بپردازند. چه بسا ممکن است به خاطر نبود آگاهی دقیق از معنای کلمات، معانی به سادگی انتقال پیدا نکنند. کلمات و



در نحوه اطلاع گیری و نحوه جمع بندی، نتیجه گیری و القاء باز می دارد.

ابزار عقلی یکی از اساسی ترین وسائل پیوند انسانها در جامعه است؛ زیرا القاء مراد به مخاطب، بدون آشنایی با این ابزار امکان پذیر نیست. ممکن است فردی با قواعد و اصطلاحات لغت و

ادبیات یک قوم آشنا باشد؛ اما نتواند مفاهیم مورد نظر خود را به گونه ای مناسب و هماهنگ با نیازهای دیگران مطرح کند.

ابزار عقلی این امکان را به فرد می دهد که بتواند مواد مورد نظر خود را به گونه ای متناسب سازماندهی کرده و به بیان آن پردازد.  
بنابراین، تسلط بر ابزار عقلی؛ یعنی صورت<sup>۱</sup> و مواد<sup>۲</sup>

لغات، شامل اصطلاحات تخصصی، کلمات ترکیبی، ادبیات گفتاری، نوشتاری و نموداری خواهد بود. تسلط بر دستور

زبان آشنایی با قواعد و اصول کاربردی در جمله ها و نیز مقالات نوشته و تدوین شده، از امور مهم در امر مناظره است. آگاهی از قواعد صرف کردن

کلمات و لغات و نیز قواعد نحوی آن، در پی ریزی جملات و مقالات و انتقال درست مطالب و روشن سازی مفاهیم نقش مهمی دارد و از ضروریات و لوازم یک مناظره و گفت و گوی صحیح علمی است و از هر گونه انتقال نادرست مطالب به دلیل ناآشنایی با قواعد ادبی جلوگیری می کند.

## ۲. ابزار عقلی

از عوامل مؤثر و مهم در مناظره، آشنایی با ابزار عقلی است و مراد از آن، همان قواعد منطقی است که ذهن انسان را از کج روی

۱. یعنی آشنایی با صورتهای استدلال مانند انواع قیاسات و برهانهای منطقی

۲. یعنی آشنایی با مواد استدلال که مهم ترین مواد مورد استفاده در قیاس و برهان عبارت است از: محسوسات، تجربیات، بدیهیات، متواترات،



زاویه و دیدگاه فکری  
طرف مقابل بدهد که  
این کار در اقناع  
طرف مقابل بسیار  
موثر است.

۵. ابزار روحی، روانی و  
هنری

هنر به عنوان یک  
ویژگی جدایی ناپذیر،  
همواره می‌تواند در  
مناظره و یا برقراری  
ارتباط با مخاطبان و  
ایجاد تفاهم نقش  
اساسی داشته باشد و

اگر این نوع از  
ابزار نادیده گرفته  
شود، دیگر ابزار نمی  
توانند به گونه ای  
طبیعی انجام وظیفه  
نموده و مفاهیم مورد  
نظر خود را به  
مخاطب ان خود

برسانند. گاه در ی ک  
مناظره، به کارگیری  
و استفاده از ی ک  
کلمه هنری؛ مانند  
استفاده مناسب از  
شعر و یا لطائف سخن  
و یا ضرب المثلها می  
تواند تأثیر بسزای  
در مخاطب داشته

باشد. هنگام مناظره،  
نداشتن روحیه مناسب  
به همراه احساسات و  
اخلاقیات مهار نشده،  
به شدت از جاذبه و

استدلالات منطقی و  
براهین فلسفی و کلامی  
در مناظره امری  
ضروری است.

۳. ابزار نقلی و تاریخی

تسلط بر آیات

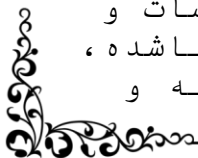
قرآن، روایات، علوم  
تفسیر، حدیث و تاریخ  
به ویژه تاریخ انبیا  
و ائمه (معصومین) از  
نیازهای اساسی در یک  
مناظره میان فرق  
اسلامی است.

۴. ابزار قولی و نظری

تسلط بر دیدگاه

های مختلف در بحث،  
آگاه بودن از دیدگاه  
های مختلف و دانستن  
موارد اتفاق یا  
اختلاف رأی اهل فن،  
که هنگام پاسخ به  
پرسشها به خوبی خود  
را نمایان می کند،  
صلابت روحی و تسلط  
فکری فرد را در  
مناظره می رساند، به  
ویژه این که فرد  
بتواند پاسخ را از

مقبولات، مشهورات، مخیلات،  
مسلمات، آشنایی کامل با  
اقسام قضایای مشهور متناسب  
با هر موضوع و احاطه بر  
آنها، آشنایی با الفاظ  
مشترک، منقول، مشکک، متواطی،  
متباین و مترادف و نیز یافتن  
قدرت تشخیص و تشریح و تفصیل  
آنها، و توانایی تشخیص و به  
کارگیری هر کدام از آنها به  
هنگام نیاز.



تاثیرگذاری سخن، می  
کاهد.

### اصول و شرائط کلی مناظره

بحث و مناظره،  
اصول و شرایط کلی  
ویژه خود را دارد که  
رعایت آن پیش از  
شروع مناظره می  
تواند در رسیدن به  
هدف کمک شایانی کند  
و از مهم ترین آنها  
می توان به موارد  
زیر اشاره کرد:

#### ۱. ملاحظه شرائط محیطی

توجه به شرایط و  
اوضاع اجتماعی حاکم  
بر فضای استدلال و  
مناظره، لازم و ضروری  
است. شرایط اجتماعی  
نیز ابعاد فراوانی  
از جمله: محیطی،  
سیاسی و فرهنگی دارد  
که هر کدام به نسبت  
جایگاه خود در جریان  
گفت و گو و به ثمر  
نشستن آن نقش مهمی  
دارند.

#### ۲. شناسایی ظرفیتهای

توجه به ظرفیتهای  
روحی، فکری و علمی  
فرد و جامعه در  
موفقیت مناظره نقش  
بسزای دارد. این  
شناسایی و توجه در  
پیشبرد استدلال و

مناظره سهم شایان  
توجهی دارد، حتی  
بهترین استدلال با  
بهترین شیوه تفاهم،  
چه از نظر هنری و چه  
از نظر برهانی، برای  
فردی که از نظر  
روحی، فکری و علمی  
آمادگی لازم را  
ندارد، هیچ ثمره ای  
به دنبال نخواهد  
داشت.

#### ۳. مشخص کردن طرف مقابل

گاه انسان با جمعی  
روبه رو می شود که  
همه مخالف اند. در  
چنین مواردی، برای  
داشتن یک مناظره  
موفق، باید از آنان  
خواسته شود، فردی را  
به عنوان نماینده  
انتخاب کنند تا با  
او مناظره شود،  
وگرنه، حضور در جمعی  
که هرکس برای خود و  
در فضای حاکم بر ذهن  
خود سخن می گوید،  
مناظره و گفت و گویی  
بی ثمر در بر خواهد  
داشت. روزی مأمون،  
گروهی از فقها و  
متکلمان را جمع کرد  
تا با امام رضا (ع)  
مناظره کنند. آن  
بزرگوار فرمود:  
«اِقْتَصِرُوا عَلٰی وَاٰحِدٍ»



### مِنْكُمْ يَلْزِمُكُمْ مَا

يَلْزِمُهُ؛<sup>۱</sup> شما یک نفر

از بین خود انتخاب

کنید و هر چه او

پذیرفت، شما ملتزم

شوید. « همه رضایت

دادند که یحیی بن

ضحاک سمرقندی - که

مانند او در خراسان

نبود - انتخاب شود.

۴. مناظره با افراد هم رتبه

توجه به شأن، مقام

و رتبه علمی فرد

مقابل از لوازم

برگزاری یک مناظره

موفق و سودمند است .

بنابراین، برای

تثبیت حق، باید با

افراد هم پایه و

معروف به مناظره

پرداخت تا مباحث به

نتیجه مطلوب برسد.

۵. مناظره با رئیس گروه

طرف مناظره باید

صاحب نظر، برجست ۵،

معروف و تأثیرگذار

باشد؛ زیرا دیگران

چاره ای جز پذیرش

آنچه او پذیرفته

است، ندارند .

پیامبران الهی نیز

در فرصتهای مختلف با

رؤسای گروه های فکری

و عقیدتی مناظره می

کردند؛ برای نمونه :

حضرت ابراهیم (ع)

برای دعوت به توحید

و محاجه با مشرکان،

سراغ نمرود و حضرت

موسی (ع) به سوی

فرعون رفت.

۶. پرهیز از مناظره با

افراد نالایق

مناظره با ریاکار

و افرادی که جز به

شهرت، مقام و موقعیت

خود توجهی ندارند به

انجام نخواهد رسید .

آن که می کوشد برتری

خود را با مناظره به

دیگران نشان دهد،

انگیزه ای نفسانی و

شیطانی دارد . او می

خواهد طرف مقابل خود

را به ذلت کشانده ،

او را خوار کند تا

دیگران توجه بیش تری

به او کرده ، بتواند

با این روش از مقام

و موقعیت خود دفاع

کند و او جز به

وسوسه شیطان وارد

گفت وگو نمی شود.

روزی شخصی خدمت

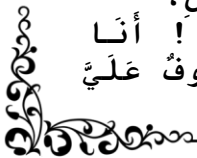
امام حسین (ع) آمد و

گفت : «اجلس حَتَّى

تَتَنَاظَرَ فِي الدِّينِ،

فَقَالَ: يَا هَذَا! أَنَا

بَصِيرٌ بَدِينِي مَكْشُوفٌ عَلَيَّ



هُدَايَ فَإِنْ كُنْتَ جَاهِلًا  
بِدِينِكَ فَأَذْهَبْ فَاطْلُبْهُ،  
مَا لِي وَ لِلْمَمَارَاةِ وَ  
إِنَّ الشَّيْطَانَ لِيُوسِسُ  
لِلرَّجُلِ وَ يُنَاجِيهِ وَ  
يَقُولُ نَاطِرِ النَّاسِ فِي  
الدِّينِ لِي لَّا يَظُنُّوا بِكَ  
العَجْزُ وَ الْجَهْلُ؛

بنشین تا با هم  
مناظره کنیم . امام  
فرمود : ای فلانی ! من  
از دینم آگاهم و اگر  
تو از دینت آگاهی  
نداری ، برو جست و جو  
کن و آن را یاد  
بگیرد . من اهل مرآء  
نیستم . همانا شیطان  
در اشخاص وسوسه می  
اندازد و می گوید :  
برو با مردم مناظره  
کن تا گمان نکنند  
ناتوان و نادان  
هستی .»

۷. دوری از مناظره با  
معاند و مفتون

گفت وگو با کسی که  
حاضر به پذیرش حق  
نیست و از باورهای  
باطل خود دست برنمی  
دارد، بی فایده و  
خالی از ارزش است .  
گاه انسان وارد بحث  
می شود و همه جهات

را هم رعایت می کند؛  
یعنی انگیزه و هدف  
مشخص است و مناظره  
هم از کیفیتی خوب و  
بالا برخوردار است؛  
ولی طرف مقابل از  
پذیرش سخن حقی که بر  
اساس آنچه مقبول است  
به او ارائه شده

خودداری می کند و  
حتی اگر بحث جنبه  
موعظه ای هم داشته  
باشد، باز بی اثر می  
ماند . در چنین  
حالتی، چون امکان  
بیهودگی وجود دا رد،  
نباید به چنین بحثی  
تن داد . بنابراین،  
بحث و جدل با کسانی  
که احتمال تاثیر در  
آنها وجود ندارد،  
بیهوده است و البته  
بدتر از این حالت  
نیز متصور است؛

هنگامی که طرف گفت  
وگو کسی از اهل فتنه  
باشد . چنین شخصی نه  
تنها حق را نمی  
پذیرد، بلکه علیه آن  
توطئه نیز می کند.

پیامبر اکرم (ص)  
فرمود: «إِيَّاكُمْ وَ جِدَالَ  
كُلِّ مَفْتُونٍ فَإِنَّ كُلَّ مَفْتُونٍ  
مُلَقَّنُ حُجَّتَهُ؛<sup>۱</sup> از جدال

۱. مستدرک الوسائل و مستنبط  
المسائل، محدث نوری، مؤسسه  
آل البیت (، قم، ۱۴۰۸ق، ج ۹،  
ص ۷۴، باب ۱۱۷، ح ۵.

۲. علل الشرائع، شیخ صدوق،  
کتابفروشی داوری، قم، چاپ



ظرفیت‌ها و توان درک و فهم شخص را سنجید تا بتوان مطابق آن به بحث با او پرداخت.

#### ۹. تعیین موضوع

پیش از آغاز مناظره، باید موضوع کاملاً مشخص باشد و از شرایط یک مناظره معقول، مقبول و موفق، رعایت حدودی است که دو طرف از ابتدا آن را مشخص کرده و به آن متعهد شده‌اند.

#### ۱۰. مفهوم بودن موضوع مناظره

عاقل، گفت و گو پیرامون آنچه مفهوم نیست را نمی‌پذیرد. بحث‌های علمی از امور طبیعی یا انسانی و نیز گفت و گوهای دینی درباره اصل توحید و دیگر اصول و فروع دین، مباحثی هستند که دست یافتن به حقیقت آنها برای بشر فراهم است و می‌توان با پژوهش و پرسش از دانیان و ... به آنها دست یافت؛ اما برخی امور در محدوده درک و فهم بشر نمی‌گنجند و عقل آدمی را

[و مناظره] با کسی که مفتون (مجنون) است پرهیز؛ [زیرا] دلیل او تلقین شده از سوی شیطان است»

#### ۸. دوری از مناظره با بی‌سواد، بی‌خرد و لجباز

امیر مؤمنان

علی (ع) فرمود: «دَعِ

الْمُمَارَاةَ، وَ مُجَارَاةَ

مَنْ لَا عَقْلَ لَهُ وَ لَا

عِلْمَ؛<sup>۱</sup> بحث و گفت و گو

با کسی که عقل و

دانش ندارد را رها

کن؛ [چرا که موعظه

چنین فردی بی‌فایده

خواهد بود].»

امام حسین (ع)

فرمود: «لَا تُمَارِينَ

حَلِيمًا وَ لَا سَفِيهًا فَإِنَّ

الْحَلِيمَ يَقْلِبُكَ وَ

السَّفِيهَ يُؤْذِيكَ؛<sup>۲</sup> با

عاقل بردبار و با

شخص سبک‌مغز مجادله

نکن؛ چرا که عاقل

بردبار بر تو چیره

می‌شود و سبک‌مغز تو

را می‌آزارد.»

بنابراین، نباید

با هر کسی وارد

مناظره شویم، باید

اول، ۱۳۸۶ ق، ج ۲، ص ۵۹۹.

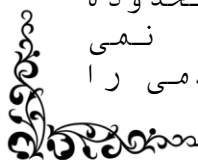
۱. الأمالی، ابو جعفر محمد بن

حسن طوسی، دار الثقافة، قم،

چاپ اول، ۱۴۱۴ ق، ص ۸۸، ج ۸.

۲. الکافی، ج ۲، ص ۳۰۱، باب

المراء و الخصومة...، ج ۴.



- نتیجه ای است که رسیدن به آن و بهره مند شدن از آن، تلاش کننده را اقناع و ارضا می کند، بنابراین، اگر هیچ فایده و ثمره ای متصور نباشد، هیچ تلاشی هم در کار نخواهد بود و این حقیقت عقلی شامل مناظره هم می شود؛ یعنی عاقل پرهیز می کند از پذیرش مناظره و گفت و گو درباره مسئله ای است که روشن شدن آن هیچ سود عقلانی برای مناظره کنندگان و دیگران نخواهد داشت.
- پیامبر اکرم (ص) در بخشی از کلامی بسیار طولانی فرمود: «وَأَمَّا عَلَامَةُ الْمُتَكَلِّفِ فَأَرْبَعَةٌ الْجِدَالُ فِيمَا لَا يَغْنِيهِ»<sup>۲</sup>؛ نشانه کسی که خود را به تکلف می اندازد چهار چیز است: [یکی از آنها] جدال (و مناظره) در چیزی که برای ایشان فایده ندارد.»
- به آن راهی نیست . ذات الاهی از جمله اموری است که به تصور انسان در نمی آید و تامل و اندیشه در آن راه به جایی نمی برد.
- امام باقر (ع) می فرماید: «تَكَلَّمُوا فِي خَلْقِ اللَّهِ وَ لَا تَكَلَّمُوا فِي اللَّهِ؛ فَإِنَّ الْكَلَامَ فِي اللَّهِ لَا يَزِدُّهُ إِلَّا تَحِيْرًا»<sup>۱</sup>؛ درباره آفرینش خدا گفت و گو کنید و در ذات خدا بحث نکنید . همانا سخن گفتن از ذات خدا چیزی جز سرگردانی نمی افزاید.»
- ذات الهی فراتر از محدوده خرد انسان است و بشر تنها به هستی آفریدگار جهان پی می برد؛ اما تصویری از او به دست نخواهد آورد؛ زیرا ذات پاکش برتر از آن است که به تصویر درآید.
۱۱. دوری از مناظره در موضوع بی فایده آنچه به تلاش انسان تعلق می گیرد، هدف و

۱. وسائل الشیعة، شیخ حر عاملی، مؤسسه آل البیت، قم، ۱۴۰۹ ق، ج ۱۶، ص ۱۹۶، باب ۲۳، ص ۷۲.

۲. تحف العقول، ابن شعبه حرانی، جامعه مدرسین، قم، ۱۴۰۴ ق، ص ۲۱۶.



## ۱۲. یادداشت برداری

لازم است مطالب ضروری و کلیدی بحث؛ مانند آیات، روایات، براهین و قواعد فلسفی و کلامی، اعداد و ارقام، نکات اخلاقی، تاریخی، اجتماعی، ماده قوانین و ... را بر اساس موضوع بحث به صورت یادداشت به همراه داشته باشم.

## ۱۳. نشان ندادن ض عف و سستی

نباید در برابر حریف از خود ضعف و سستی نشان داد؛ زیرا هر گونه اظهار ضعف می تواند زمینه های شکست را فراهم کند . شایسته است مناظره کننده از کمال قدرت و صلابت روحیه برخوردار باشد تا بتواند با پرهیز و در امان ماندن از ضعف و سستی، سخن حق را ارائه داده و بر کرسی بنشانند و داشتن چنین ویژگی برآزنده ای، تأثیر بسزایی در تضعیف جبهه مقابل که در برابر حق موضع گرفته است، خواهد داشت.

## ۱۴. منطق گرایی

از دیگر شرایط مناظره آن است که گفت وگو همچنان که از نظر محتوا باید بر پایه دانش و علم باشد، از نظر روشی نیز بر پایه منطق و استدلال و برهان باشد، پس لازم است از ورود به گفت وگوهایی که روشی بیرون از دایره منطق و برهان و استدلال دارند برحذر باشیم.

## ۱۵. حقیقت جویی

از مهم ترین عواملی که می تواند مناظره ای پسندیده و مطلوب فراهم کند، حقیقت جویی است . خودرأی بودن و خودخواهی به این معنا که طرف مقابل بدون اعتبار نشان داده شود و حرمت و ارزش او مخدوش شود در یک مناظره پسندیده جایی ندارد؛ زیرا این گونه هدف گیری در بحث و مناظره به عنوان جدال، ستیز و ریاکاری دانسته می شود . باید دو طرف گفت وگو به دور از

نیز بی فایده و پوچ  
است.  
ادامه دارد...

جدال باطل و نکوهیده  
- که در آن تنها بر  
چیرگی و غلبه خصم  
تمرکز شده است - به  
سوی جدال احسن و گفت  
وگوهای پسندیده رو  
آورند؛ چراکه آشکار  
شدن حق جز با گفت  
وگویی پسیندیده ممکن  
نمی شود . مناظره  
باطل نه تنها هیچ  
تأثیری در ارائه  
آنچه حق است ندارد،  
بلکه می تواند سبب  
از بین رفتن وحدت  
شده و زمینه افزایش  
اختلاف، تنش، خشونت،  
فتنه و آشوبها را  
نیز فراهم و حتی  
تشدید کند.  
۱۶. دوری از مناظره بی  
اثر

اگر بنا بر قرائن و  
شواهد، اطمینان حاصل  
شود که طرف مقابل  
حضوری صوری در  
مناظره خواهد داشت و  
به هیچ وجه قصد  
پذیرش سخن حق را  
ندارد، زیر بار حق  
نمی رود و نمی خواهد  
از نادرست و اشتباه  
خود دست بردارد،  
مناظره با او جایز  
نیست؛ چون مناظره  
با چنین کسی در عمل

# نذر معنوی

و نقش آن در مهارت افزایی بانوان



محمد جواد محمدیاران

در قرآن کریم توصیه به احترام پدر و مادر در کنار توحید قرار گرفته و در فرمایش پیامبر گرامی اسلام (ص)، توصیه به احترام مادر بر احترام پدر پیشی گرفته است؛ آنجا که می فرماید: «**مَنْ قَبَّلَ بَيْنَ عَيْنِي أُمَّهَ كَانُ لَهُ سِتْرًا مِنَ النَّارِ**»<sup>۱</sup> هر کس میان دو چشم (پیشانی) مادر خود را ببوسد، از آتش جهنم مصون می ماند.» این نگاه عنایت آمیز، حتی در احترام آن حضرت به خانواده

امام علی (ع) می فرماید: «**وَلَا تُمَلِّكِ الْمَرْأَةَ مِنْ أُمِّهِ أَمْ الْجَاوِزُ نَفْسَهَا فَإِنَّ الْمَرْأَةَ رِيحَانَةٌ وَلَيْسَتْ بِقَهْرْمَانَةٍ**؛ مسلط نکن زن را بر آنچه بیرون است از توان او (به کاری که به او مربوط نیست)؛ زیرا زن گل بهاری است، نه پهلوانی سخت کوش.» یکی از افتخارات درخشان اسلام، نگاه احترام آمیز به زن، به ویژه مادران است که این توجه، خاص اسلام بوده و در سایر مکاتب به چشم نمی خورد.

۲. نهج الفصاحه، پاینده، دنیای دانش، تهران، ۱۳۸۲ش، ص ۷۵۶.

۱. نهج البلاغه، سید رضی، مؤسسه فرهنگی نشر رامین، چاپ اول، ۱۳۷۹ش، نامه ۳۱، ص ۵۲۶.

اجتماعي نداشته  
باشد!  
مسئله دوم: در دهه  
هاي گذشته ، نظام  
سرمایه داري که در  
کشورهاي غربي شکل  
گرفت و اب ر سرمایه  
داران بي رحم و  
سودجو ، به نيروي  
کاري ارزان و مطيع  
براي کارخانه هاي  
خود نیاز پيدا کردند  
و با اين هد ف به  
سراغ زنان آمدند و  
ابتدا با شعارهاي  
فريبنده: حفظ حقوق  
زنان، رهايي زنان از  
سلطه مردان، جنبش  
فمניسم و... آنان را  
از محيط امن خانه  
جدا کرده و برنامه  
هاي اجتماعي پر زرق  
و برقي را به راه  
انداختند و طوري  
القا نمودند که  
خواهان کرامت زنان  
هستند و بعد کم کم  
آنان را به عنوان  
کارگر وارد محيط  
کارخانه ها نمودند و  
جالب اينجاست که بر  
خلاف اين تبليغات  
فريبنده، آنان هيچ  
وقت حقوق و مزايای  
مساوي با مردان را  
براي آنان در نظر  
نگرفتند.  
اين کار ، علاوه بر

مادر رضاعي ايشان  
(حليمه سعديه ) نیز  
جلوه گر است و نشان  
مي دهد که چون مادر  
رضاعي عنوان مادر را  
يدک مي کشد ، مورد  
عنايت اسلام است و  
اوج اين محبت و توجه  
در دادن لقب زيباي  
«امّ ابياها» به دختر  
بزرگوارش ، حضرت  
زهرا (س) بوده است که  
نشان از محبت و  
انتظار اسلام از زنان  
براي ايفاي نقش  
مادري است ؛ نقشي که  
اگر به درستي تبیین  
و اجرا شود ، جامع  
نمونه اسلام ي شکل  
گرفته ، بسياري از  
نابسامانيهاي  
اجتماعي برچيده مي  
شود!

### عملکرد امروز برخی جوامع

در جامعۀ امروزي  
دو مسئله غلط به  
جايگاه زن و خانواده  
لطمه زده است که  
اولی ریشه در جهل  
دارد و دومی ریشه در  
تهاجم فرهنگي.  
مسئله اول اين  
شبهه است که : اسلام  
زن را در چارچوب  
خانه حبس کرده و از  
نظر اسلام ، زني خوب  
است که فعاليت

اینکه محیط گرم خانواده ها را منهدم و زنان را از رسالت اصلی شان دور ساخت و آنان را وارد محیط سخت کار در خارج از خانه نمود ، جسم و روان لطیف زن را با عذاب‌ی تدریجی مواجه نمود و این بزرگ‌ترین صدمات را بر اجتماع وارد ساخت.

**تعدل اسلام در موضوع**

**فعالیت‌های زنان**

نگاه اسلام به زن و فعالیت علمی و اجتماعی زنان مثبت بوده و حضرت زهرا (س) به عنوان «سیده نساء العالمین» هم مرجع علمی زنان مدینه بود ، هم از طریق همسر و فرزندانش، احادیث پیامبر (ص) را ثبت می کرد . ضمن اینکه همسر داری ، فرزند داری و خانه داری ایشان نیز در بهترین حالت انجام می پذیرفت و جالب اینکه فعالیت‌های علمی ایشان در حالی بود که در چند س‌ال اندک زندگی مشترک خود با امام علی (ع) ، چند فرزند پی در پی به دنیا آورد و آنها را به بهترین وجه

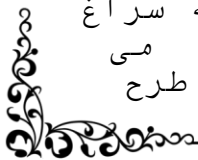
تربیت نمود . تاریخ نشان می دهد که به خاطر تأکیدات پیامبر اسلام (ص) منزل حضرت، محل رفت و آمد زنان مدینه بود.

**الهام گیری از آموزه های دینی**

در حسینیه منازل سازمانی شهید آذربیکان، تیپ هوابرد ۳۳ المهدی (ع) طرحی با توجه به نیازهای خانواده ها اجرا شد که بر گرفته از آموزه های دینی و سیره ائمه معصومین (ع) بود . زیرا مشاهده می شد که زنهای خانه دار در پارک، کوچه یا جلوی درب خانه ها اجتماع کرده و وقت خود را با حرفهای بیهوده و گاه گناه آلود پر می کنند . از طرفی دیگر، بین بانوان علاقه به نذر و اختصاص وقت و هزینه برای نذورات، فراوان دیده می شود.

**نذر معنوی**

اگر زنان بخواهند برای کار و کسب درآمد و یا اشتغالی که جنبه سرگرمی داشته باشد، به سراغ کاری بروند، می توانند از این طرح



آبدارخانه برای کلاس  
در نظر گرفته شد ،  
ضمن اینکه با این  
کار، مسجد همانند در  
صدر اسلام به عنوان  
قلب اجتماعات و مرکز  
تصمیم گیریهای مهم  
قرار گرفت و پیوند  
بین نیازهای مردم و  
مسجد توسط امام  
جماعت بهتر از قبل  
احیا گردید، به ویژه  
در بانوان ؛ زیرا  
نمازگزاران مرد به  
خاطر اشتغال ، فرصت  
کم تری دارند ؛ امّا  
بانوان دارای اوقات  
فراغت بیش تری هستند  
که می توان در  
حسینیه ها و مساجد  
به آموزش آنان  
پرداخت.  
رسول گرامی  
اسلام (ص) می فرمایند:  
«مَنْ عَدَا إِلَى الْمَسْجِدِ لَا  
يُرِيدُ إِلَّا لِيَتَعَلَّمَ أَوْ  
لِيُعَلِّمَهُ كَانَ لَهُ أَجْرٌ  
مُعْتَمَّرَاتٍ أَمْ الْعُمْرَةَ وَ  
مَنْ رَاحَ إِلَى الْمَسْجِدِ لَا  
يُرِيدُ لِيَتَعَلَّمَ خَيْرًا أَوْ  
لِيُعَلِّمَهُ فَلَهُ أَجْرٌ حَاجٍ  
تَامَ الْحَجَّةِ؛ هر کس  
بامدادان به مسجد  
برود و هدفی جز این  
نداشته باشد که کار

بهره ببرند؛ و آن  
این است که در هر  
اجتماعی بانوانی  
هنرمند وجود دارند  
که در هنرهای مربوط  
به زنان خانه دار،  
مهارت خوبی دارند و  
اگر آن هنر در خانه  
ای به کارگرفته شود ،  
هم بخش زیادی از  
هزینه های خانواده  
را تأمین می کند و  
هم می تواند درآمد  
زیایی کند.

#### توضیح:

با توجه به آماده  
بودن شرایط در شهرک،  
ابتدای چند جلسه  
عمومی و بین الصلواتین  
این طرح برای بانوان  
تشریح شد و توصیه شد  
که این اجتماعات را  
به سمت آموزش حرفه  
گرایش دهیم و از  
بانوانی که با حرفه  
ای درآمد زای آشنا  
بودند، خواسته شد که  
آموزش این حرفه را  
نذر کنند و ثواب آن  
را به اموات و  
گذشتگان خود هدیه  
نمایند؛ چراکه این  
گونه نذرها به عنوان  
صدقه جاریه از سایر  
نذورات ارزش بالاتری  
دارد. بنابراین،  
حسینیه و مکانهای  
کنار آن مثل

۱. بحار الانوار، محمدباقر  
مجلسی، نشر اسلامی، تهران،  
بی تا، ج ۱، ص ۱۸۵.

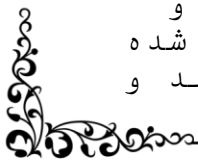
افزوده شد . پس از مدّ تي بانوي ديگري براي تدريس گلدوزي اعلام آمادگي کرد و با حضور چند نفر اين کلاس نيز آغاز شد و پس از برگزاري چند جلسه ، بانوان ديگر اعلام آمادگي کردند که قرار شد مربي مربوطه دوره هاي ديگري، پس از پايان اين دوره براي آنان برگزار کن د. جالب اينکه خود مربي در درس ديگري به عنوان فراگير شرکت مي کرد تا هنر و حرفه ديگري را به مجموعه هنرهاي خود بيفزاید.

مدّ تي بعد بانوي ديگري براي آموزش خياطي اعلام آمادگي کرد و اين کلاس نيز به نحو شايسته اي برگزار شد و براي انجام کار ، فرهنگ سازي لازم صورت گرفت تا بر جمعيت کلاسها افزوده شد . با سازمان فني و حرفه اي شهرستان جهرم ارتباط برقرار شد و از آنان براي بازديد از شهرک و مکان برگزاري کلاسها و امکانات فراهم شده دعوت به عمل آمد و

خوبي را ياد بگيرد ، يا ب ه ديگري ياد بدهد ، اجر به جاي آوردن عمرة کامل را دارد و کسي که شب به مسجد برود و هدفي جز اين نداشته باشد که کار خوبي را فرا گيرد ، يا به ديگري آموزش دهد ، پاداش يك حجّ کامل براي اوست.»

ضمن اينکه به فراگيران توصيه شد تنها به فکر گرفتن مدرک نباشند ؛ زيرا چه بسا بسياري از بانوان مدرک گواهي مهارت در چند رشته را گرفته اند ؛ ولي از آن هيچ استفاده اي نمي کنند. و گفته شد که به فکر ياد گرفتن کامل باشند .

با اعلام آمادگي يکي از خانمها براي آموزش شيريني پزي ، کلاس با حضور اولي ة ۴ نفر برگزار شد . اين تشکيل کلاس به اطلاع عموم بانوان رسيد و سايرين نيز چه به صورت توصيه هاي فردي و چه با سخنراني هاي عمومي تشويق به شرکت شدند و به واسطه تبليغ چهره به چهره ، کم کم بر تعداد شرکت کنندگان اين کلاس



موارد را مدیریت کند.  
۲. شکوفایی ایده ها و طرحهای سایرین  
بسیاری از بانوان از مهارتهای تجربی منحصر به فردی برخوردار هستند که به خاطر داشتن ذوق شخصی به دست آورده اند، و شاید فکر می کنند این تجربه برای سایر بانوان خانه دار جذاب نیست. این طرح کمک می کند تا این بانوان نیز به فکر آموزش افتاده و لذت معنوی تدریس را بچشند.  
۳. بالا بردن اعتماد به نفس بانوان  
از جمله مشکلاتی که برخی از زنان خانه دار را رنج می دهد، کمبود اعتماد به نفس است؛ زیرا خانه دار بودن خود و کارشان را کم ارزش تصور می کنند و این تصور باعث می شود فرزندان آنان نیز با اعتماد به نفس کم رشد کنند. این طرح موجب می شود جرأت پیدا کنند که هنرهای خود را ابراز کرده، با تدریس به سایر بانوان، خود به خود احساس ارزشمند

پس از حضور آنان و توافق اولیه، یک نفر از اهالی، مسئولیت ثبت نام و مدی ریت برگزاری کلاسها را بر عهده گرفت. آثار مهارت آموزی بانوان و دختران جوان در خانواده ها باعث شرکت بیش تر ساکنین شهرک شد، به طوری که پس از حدود یک سال، به استثنای جمعه ها، در تمامی روزهای هفته کلاسهای مختلف در چند رشته برگزار گردید و هم اکنون نیز ادامه دارد.

**برکات طرح مهارت آموزی**  
در طرح فوق برکاتی وجود دارد که به برخی از آن ها اشاره می شود:  
۱. بهره برداری فرهنگی و دینی

آموزش رایگان، بدون مدرک، احیای سنت نذر معنوی، توجه به حسینیه یا مسجد و اتمام ساعت کلاسها نزدیک به اذان جهت شرکت اعضای کلاسها در نماز جماعت و... که این موارد باید توسط امام جماعت سیاست گذاری شود و به مسئول مربوطه اعلام گردد تا وی این





پذیرفت ، درآمد این  
خیاطی به صورت منبع  
درآمدی برای خانواده  
متوفی شد و آنان را  
از افتادن در وادی  
فقر و وابستگی نجات  
داد .

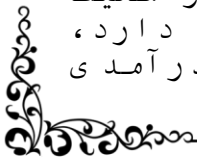
#### ۶. جلوگیری از آفات فعالیتهای خارج از منزل بانوان

گرایش خانواده ها  
به سمت دو یا چند  
شغله بودن به خاطر  
کمی درآمد، موجب شده  
است که مرد خانواده  
در چند شغل جداگانه  
کار کند که متأسفانه  
بین مردم چنین چیزی  
یک ارزش محسوب می  
شود و گروهی در مورد  
چنین خانواده هایی  
با حسرت صحبت می  
کنند ، به طوری که  
بقیه نیز به دنبال  
چنین سبکی در زندگی  
هستند و از فرسودگی  
و خستگی آن خبر  
ندارند ، لذا بانوان  
نیز برای کمک به  
درآمد خانواده به  
دنبال اشغال در  
بیرون از خانه هستند  
که قطعاً تبعات مختص  
خود را دارد . این  
طرح ضمن اینکه زنان  
خانه دار را در محیط  
خانه نگه می دارد،  
آنان را صاحب درآمدی

بودن پیداکنند و  
اعتماد به نفس آنان  
افزایش یابد . این  
مسئله در شهرک کاملاً  
محسوس بود .  
۴. هدفمند ساختن جلسات  
زنانه

بانوان به جلسات و  
روژه های زنانه  
گرایش زیادی دارند و  
این مجالس به طور  
فراوان در منازل  
برگزار می شود . این  
طرح به چنین جلساتی  
راه پیدا کرده و آن  
را هدفمند می کند .  
در شهرک تأکید شد که  
در حاشیة جلسات  
مذهبی می توان یکی  
از هنرهای خانه داری  
را نیز تعلیم داد .  
۵. تقویت بنیة اقتصادی  
خانواده

تجاری سازی حرفه  
های آموزش داده شده  
می تواند راهکار  
مناسبی برای افزایش  
درآمد خانوادها  
باشد ؛ منبع درآمدی  
مناسب و مطمئن ؛ به  
طور مثال : متأسفانه  
یکی از همسایگان در  
ساحه تصادف جان خود  
را از دست داد و چون  
همسر ایشان در همین  
کلاسها خیاطی را به  
خوبی فرا گرفته بود  
و سفارش دوخت می







## خیر

علاقه به ماندگاری  
 نام نیک و انجام کار  
 خیر در بسیاری از  
 انسانها وجود دارد ؛  
 ولی برخی فکر می  
 کنند انجام کار خیر  
 توان مالی بالایی را  
 می طلبد، در حالی که  
 خدای متعال به هر کس  
 توان و استعداد خاصی  
 داده است که ثروتی  
 معنوی به شمار می  
 رود و اغلب افراد  
 مهارت‌های دارند که  
 گاهی از ارزش آن  
 غافل هستند . آموزش  
 این مهارت ها به  
 دیگران ضمن اینکه  
 آنان را به خاطر  
 تکرار آموزش به  
 خبرگی می رساند ،  
 فراگیران را نیز  
 صاحب مهارت کرده و  
 آنان حسن زیبایی انجام  
 کار نیک دست ه جمعی  
 را تجربه می کنند .  
**11. هدفمند ساختن زندگی**  
 در خانواده هایی  
 که مادر خانواده به  
 شغل خانگی اشتغال  
 دارد، فرزندان نیز  
 درگیر کار شده و  
 هدفمندی در زندگی و  
 کسب درآمد در این  
 نوع خانواده ها و  
 فرزندان نهادینه می  
 شود و در ذهن این

فرزندان چنین تفکری  
 شکل می گیرد که می  
 توان با اندکی  
 سرمایه و ابتکار ،  
 صاحب شغل و درآمد  
 شد . در این صورت  
 جوانان (دختر و پسر)  
 که مدرک دانشگاهی می  
 گیرند ، شغل را فقط  
 در استخدام و دریافت  
 حقوق نخواهند دانست .  
**۱۲. زمینه سازی کارهای  
 عام المنفعه**

وقتی روحانی محل  
 به هیئت امناء و  
 افراد خیر پیشنهاد و  
 توصیه کند که در  
 محوطه بیرون مسجد  
 اتاقهایی جهت حرفه  
 آموزی بسازند و  
 افراد خیر را با  
 توجه محاسن این طرح  
 (توسط روحانی محل یا  
 هیئت امناء) به انجام  
 کار خیر و وقف اموال  
 تشویق کنند .  
**۱۳. توجه دادن دیگر به  
 آموزه های دینی**

اسلام کار را یک  
 ارزش دانسته است و  
 بوسیدن دست کارگر از  
 طرف پیامبر (ص) دلیل  
 روشنی بر این نکته  
 است . طرح فوق این  
 سفارش ویژه اسلام را  
 به شکل خوبی به  
 مرحله اجرا در می  
 آورد .



۱۴. حرکت جامعه به سوی هدفمندی کارها  
امروزه در دانشگاه ها بسیاری از دانش‌ویان بدون توجه به نیاز واقعی اجتماع و با تصوّر رات خود انتخاب رشته نموده و تحصیل می‌کنند. اگر کارگاهی توسط چند بانوی مهارت یافته شکل گیرد، فرزندان همین بانوان با توجه به نیاز این کارگاه در دانشگاه انتخاب رشته نموده، سعی خواهند کرد نیاز علمی کارگاه خود را برطرف کنند و آن را توسعه دهند.

۱۵. دیگر فواید این طرح:  
این طرح دارای فواید دیگری نیز هست که عبارتند از

۱. گرایش به تجمّلات و خریداری لوازم لوکس مصرفی و عوض کردن گاه و بی‌گاه دکوراسیون منزل و لوازم آن، سرچشمه در ندانستن ارزش پول و هدفمند نبودن در زندگی و بی‌کاري برخی از بانوان دارد؛ زیرا آنان احساس می‌کنند باید هر مدّتی یکبار در

خانه تنوّع ایجاد شود. طرح فوق ضمن اینکه این ضعفها را برطرف می‌کند، جلوی خرجهای اضافی آنان را خواهد گرفت و منابع مالی خانواده را به سمت تولید هدایت می‌کند و بانوان خانه دار تنوّع را به صورت هر روزه احساس می‌کنند.

۲. یکی از معضلات اجتماعی و خانواده ها، جدا شدن فامیل از یکدیگر و افزایش سوء تفاهمهاست؛ چون افراد فامیل کم‌تر به یکدیگر احساس نیاز می‌کنند، طبعاً از یکدیگر روز به روز دورتر می‌شوند؛ امّا اگر بین فامیل کارگاهی خان و ادگی شکل گیرد، همکاری فامیلی باعث افزایش مهر و محبّت شده، حتی وصلتهای مبارکی میان خانواده بزرگ کارگاهیان انجام می‌شود.

۳. یکی از علاقه مندیهای طبیعی انسان، علاقه به طلب دعای خیر و فرار از نفرین شدن است. کارکنان و فراگیران این نوع کارگاه ها



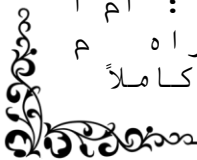
تمام توان خود را  
برای درس خواندن  
گذاشته و سعی در  
گرفتن مدرک با معدل  
بالا دارند و در پی  
آن دنبال یافتن شغلی  
هستند، در حالی که  
مدرک و معدل بالا  
برای همسر داری و  
فرزند داری کافی نیست  
و آن نیازمندی د  
مهارت در خانه داری  
و تربیت فرزند  
هستند.

۶. کسب درآمد از  
طرف زن خانواده به  
هر قیمت، او را به  
طرف یافتن کار در  
صفحه نیازمندیهای  
روزنامه ها کشاند،  
گاه او را به محیط  
کار مختلط زن و مرد  
سوق خواهد داد و  
هنگامی وارد کار شد  
و نسبت به شغل و  
درآمد خود احساس  
نیاز کرد، برای  
نگهداشتن آن حرفه  
تلاش خواهد کرد، در  
حالی که برخی از  
کارفرمایان یا  
همکاران از این نیاز  
سوء استفاده کرده،  
زمینه های انحراف یا  
ظلم پذیری او را  
فراهم می کنند؛ امّا  
این طرح ضمن فراهم  
آوردن محیط کاملاً

در حق بنیان گذاران  
طرح، مربیان و تمامی  
دست اندرکاران مسجد  
و تلاشگران پیشبرد  
طرح تا پایان عمر  
دعای خیر خواهند  
نمود.

۴. پیشنهاد می شود  
روحانی محل و همسر  
ایشان از کلاسها  
بازدید نموده و با  
اجازه مربی کلاس، با  
ذکر احادیثی درباره  
اهمیت آموزش، ارزش  
کار و هدفمند بودن،  
بانوان شرکت کننده  
را به ادامه راه  
تشویق نمایند و تذکر  
دهند که داشتن  
مهارتهای فراوان  
برای خانمها حداقل  
این فایده را دارد  
که به صرفه جویی  
خانواده آنان کمک  
زیادی می کند و آنان  
می توانند با کمک  
این صرفه جویی،  
لوازم مورد نیاز بیش  
تری را برای خانواده  
تهیه کنند.

۵. بردن فرزند ان  
خانواده ها به  
اینگونه کلاسها نکته  
ای است که باید توسط  
امام جماعت به آن  
توصیه و تأکید زیادی  
شود؛ چون متأسفانه  
دختران جوان امروزه



هنگفت ب رای نمای  
ساختمانها نیز در  
جامعه فراگیر شده  
است که پیشنهاد می  
شود روحانی محل در  
سخنرانیهای خود این  
تفکر را به نقد  
کشیده و به مردم  
هشدار دهد که بهتر  
است به ظاهر ساده  
درون و بیرون خانه  
اکتفا نموده، پولهای  
اضافه را برای چنین  
هدفی هزینه کنند.  
۱۰. مشاهده بانوان  
راننده، زنان منشی  
شرکتهای با کارکنان  
مرد، فروشندهای در  
مغازه های بزرگ،  
بازاریابی تلفنی  
و... برای همگان  
دردناک است؛ زیرا  
این بانوان با  
دستمزدی اندک و صرف  
وقت زیادی برای کار،  
بعضاً بدون بیمه و با  
اطاعت پذیری فراوان  
کار می کنند و  
مجبورند برای جذب  
مشتری بیش تر،  
دستورات غی ر اخلاقی  
برخی از کارفرمایان،  
مثل رفتار صمیمانه  
با مشتری، آرایش  
کردن و پوشیدن  
لباسهای جلف را تحمل  
کنند، و فرزندان  
دلبنده آنان نیز در

زنانه، زنان نیازمند  
کار را از درآمد  
برخوردار خواهد کرد.  
۷. پیشنهاد می شود  
امام جماعت به  
بانوان فراگیر توصیه  
کند که به کلاسهای  
مهارت آموزی اکتفا  
نکرده، مجلات تخصصی  
آن حرفه و کتابهایی  
که پیرامون آن نوشته  
شده را تهی و  
مطالعه کنند، و خود  
را مجتهد به علم مورد  
نیاز نمایند.  
۸. در کلاسهای شهرک  
و حاشیه کلاسهایی که  
سازمان فنّی و حرفه  
ای برگزار می کند،  
تئوریهای اولیه هر  
رشته ای مقداری خسته  
کننده شده بود که  
خود بانوان با  
ابتکار خود به عنوان  
زنگ تفریح آموزش،  
نوعی غذا یا شیرینی  
را پیشنهاد داده و  
اجرا کردند، تا هم  
تنوع باشد و هم شرکت  
کنندگان تجربه جدیدی  
را فراگیرند.  
۹. متأسفانه به جز  
مسابقه در خریداری  
لوازم لوکس منزل  
توسط خانواده ها،  
میل به خرید خانه  
های گران قیمت و  
هزینه کردن پول



اضافی داشته باشند ؛  
 اما طرح فوق به صورت  
 میدانی علاوه بر  
 اینکه نیازمندی  
 جامعه به جوانانی  
 پرانرژی را نشان می  
 دهد ، زیاد بودن  
 فرزندان هنرمند و  
 توانمندی در کسب  
 درآمد را یک غنیمت  
 معرفی می کند.

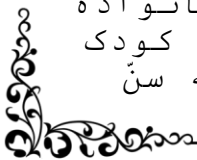
۱۳. یکی از آفتهای  
 خانواده های ایرانی  
 این تفکّر غلط است که  
 پدر و مادر کار کنند  
 و با از خ ودگذشتگی  
 فرصت رشد و تعالی  
 فرزندان خود را  
 فراهم ن مایند ، لذا  
 حاصل این تفکّر  
 امروزه فرزندانی پر  
 ادعا، بی ادب و بی  
 هنر شده است. در طرح  
 فوق که تم ام اعضای  
 خانواده درگیر کار  
 هستند ، فرزندان  
 قانع، ت وانمند ، پر  
 تلاش و هدفمند شکل  
 خواهند گرفت.

۱۴. یکی از رمزهای  
 موفقیت خانواده های  
 قدیمی کشور ما ،  
 درگیر بودن فرزندان  
 از کودکی با سختیها  
 و مشکلات خانواده  
 است، مثلاً در خانواده  
 های روستایی ، کودک  
 از زمانی که به سن

مهدهای کودک به سر  
 می برند یا ... اگر  
 این نوع بانوان  
 هنرمندیهای زنانه را  
 یاد داشته باشند و  
 شرکتهای کوچک خانگی  
 تشکیل دهند ، قطعاً  
 کار بیرون را کنار  
 گذاشته و این نوع  
 فعالیتهای درآمد زا  
 زنان مسلمان کشور  
 اسلامی ما را پاک تر  
 نگه می دارد.

۱۱. اگر کارگاه  
 های کوچک تولیدی  
 خانگی در شهرها و  
 روستاها شکل گیرد ،  
 بسیاری از کالاهای بی  
 کیفیت وارداتی از  
 رونق می افتد و  
 کالاهایی با کیفیت و  
 مناسب با ذوق و  
 سلیقه ایرانی درون  
 این کارگاه ها ساخته  
 خواهد شد که این  
 مسئله در درازمدت به  
 نفع اقتصاد مملکت  
 نیز خواهد بود.

۱۲. خانواده های  
 ایرانی از مخارج  
 آینده و گرانی و  
 تورّم هراس دارند و  
 طبعاً از توجه به  
 شعار افزایش جمعیت  
 کم تر استقبال می  
 کنند؛ چراکه فرزندان  
 را نانخور دانسته و  
 نمی خواهند نانخور



- رشد می رسد ، در درو  
کردن محصول و  
نگهداری دام و طیور  
کمک خانواده است؛  
امّا در خانواده های  
امروزی کودکان در  
چنین سنّی به بازیهای  
کامپیوتری و نگاه  
کردن به شبکه های  
مختلف تلویزیون  
مشغول اند و دوران  
حسنّ اس و سرنوشت ساز  
شکل گیری شخصیت خود  
را با چیزهای غیر  
جدّی و بی فایده سپری  
می کنند؛ اما طرح  
فوق این سبک زندگی ها  
را زیبا و فرزندان  
را درگیر کار می کند  
و شخصیت محکم آنان  
شکل خواهد گرفت و در  
بلندمدت، کشوری که  
در اختیار چنین  
فرزندانی قرار گیرد ،  
کشوری آباد ، مرفه و  
اسلامی واقعی خواهد  
شد.
۱۵. به خاطر  
ارتباطات زنجیره ای  
خانواده ها با  
یکدیگر و شب نشینیها  
و گفتگوهای  
خانوادگی ، در صورتی  
که طرح فوق از ناحیه  
تمامی ائمه جماعات  
مساجد روستاها و  
محلات پیگیری شود ، هم  
تبلیغ عملی محوریت
- مسجد و امام جماعت  
خواهد بود و هم  
فرهنگ کار و تلاش به  
صورت یک فرهنگ  
فراگیر در جامعه  
ایجاد خواهد شد.
۱۶. در اسلام بر  
کار جمعی و به اصطلاح  
«تعاونی» تأکید شده  
است و کشور کار  
تعاونی را یکی از  
اهداف توسعه ای خود  
قرار داده است که  
طرح فوق این هدف والا  
را عینت می بخشد.
۱۷. با توجّه به  
تأکیدات مقام معظم  
رهبری > بر ایجاد  
شرکتهای دانش بنیان ،  
عده ای تصور می کنند  
که ایجاد این نوع  
شرکتها در ایران  
امکان ندارد و  
امکانات بالا ، پول  
فراوان و نبوغ زیادی  
می طلبد . طرح فوق  
ساده بودن ایجاد این  
نوع شرکتها را در  
عمل نشان می دهد.
۱۸. امروزه در  
جهان و کشورهای  
صنعتی مانند چین -  
که جزء کشورهای رده  
اول اقتصادی جهان  
است - استفاده از  
نیروی ارزشمند کاری  
زنان بسیار مورد  
توجّه دولتمردان آنان





بوده ، بخش مهمی از  
 تولیدات البسه ،  
 اسباب بازی ، هنرهای  
 دستی ، وسایل آماده  
 خوراکی و ... که  
 هرکدام شاخه های  
 گسترده ای دارند ،  
 توسط زنان این  
 کشورها و حتی در  
 محیطهای زنانگی  
 تولید می شود که  
 شایسته است  
 دولتمردان ما نیز  
 اینگونه زمینه  
 اشتغال زنان را  
 فراهم کنند .  
 با پیشرفت این  
 طرح ، برکات و فواید  
 آن بیش تر نمایان  
 شده و چنانچه مشکلات  
 و نقطه ضعفهایی در  
 آن باشد ، پس از  
 معلوم شدن ، مرتفع  
 خواهد شد .





## «فرزند آوری» در سبک زندگی اسلامی

علی ملکوتی‌نیا

جایگاه فرزند در منظومه توحیدی، به دیدگاه اسلام درباره افزایش نسل می‌پردازیم تا به این وسیله زمینه تحلیل درست و تصمیم صحیح در فرزندآوری برای همگان فراهم گردد.

**مقدمه**

در گذشته و پیش از ظهور صنعت در زندگی انسانها، شاید کسی از خود نمی‌پرسید که «چرا فرزنددار شوم؟» و حتی کسی به چنین سؤالی فکر هم نمی‌کرد؛ ولی ورود به دوره مدرن زندگی و آشنایی مردم با آموزه های صنعتی و ماشینی، به ویژه تفکرات غربی، زمینه را برای تغییر سبک زندگی برخی از

فرزندآوری برای بقای نسل و جلوگیری از کاهش جمعیت مسلمانان، از گذشته تاکنون از جمله دغدغه های عالمان دینی و کارشناسان خانواده و جمعیت بوده است؛ لیکن امروزه با ورود مردم به دوره زندگی مدرن و خصوصاً آشنایی با آموزه های غربی، این موضوع مورد تردید و بی‌مهری بسیاری از خانواده ها قرار گرفته است. از این رو، برای تبیین موضوع فرزندآوری و کسب نگرش مطلوب نسبت به «تکثیر جمعیت»، مهم ترین کارکرد خانواده (تولید مثل و تکثیر نسل) را یادآور می‌شویم و در

فراوانی مواجه ساخته است و به نظر می رسد در مجموع، بی میلی نزدیک به نیمی از خانواده های ایرانی به فرزندآوری در آینده نزدیک، ایران را به دوران «سالمندی عمومی» و «بحران پیری» نزدیک خواهد ساخت. دورانی که بی ش ترین جمعیت کشور را سالمند<sup>۲</sup> تشکیل می دهند. از آنجایی که افزایش نسل جوان و اقتداربخشی به کشور از طریق ازدیاد جمعیت، بدون تغییر نگرش و رفتار مردم در زمینه فرزندآوری، امکان پذیر نیست، از این رو، لازم است به مطالعه متون اسلامی بازگردیم و با مروری بر آموزه های دینی در باب ارزش فرزندآوری و آثار افزایش نسل، نگرش خانواده ها را به سوی «تکثیر جمعیت» معطوف ساخته و اعلام کنیم که در سبک زندگی اسلامی، فرزندآوری، ذاتاً مطلوب است؛ زیرا

خانواده ها فراهم ساخت، به گونه ای که بسیاری از مظاهر زندگی غربی - که مغایر با آموزه های اسلامی بوده است - به زندگی مسلمانان راه یافت و در نتیجه، خانواده های امروزی را در فرزندآوری با تردید روبه رو کرد. نمود و آثار این تردید: عدم تمایل برخی از خانواده ها به داشتن فرزند (۱۴/۴ درصد) یا اکتفا به تک فرزندی (۱۹ درصد) است.<sup>۱</sup> به گمان آنها؛ «پرهزینه بودن فرزندآوری»، «سخت شدن رفاه و تربیت اولاد در شرایط ناگوار امروز» و «مانعیت فرزندان از رشد و پیشرفت فردی» از جمله عوامل بازدارنده ای است که اشتیاق به فرزنددار شدن را از آنان گرفته است، لذا تحقق سیاست جدید جمعیتی کشور را با مشکلات و چالشهای

۱. بنگرید به خیرگزاری فارس در تاریخ: ۱۳۹۳/۶/۲۰ به نشانی: [www.farsnews.com](http://www.farsnews.com)؛ رئیس سازمان ثبت احوال کشور در نشست خبری گفت: ۳۳ درصد خانواده های ایرانی تکفرزند یا بدون فرزند هستند.

۲. بنگرید به پایگاه خبری آفتاب: [aftabnews.ir](http://aftabnews.ir)

«... خانواده ها و جوانها باید تولید مثل را زیاد کنند . باید نسل را افزایش دهند . این محدود کردن تعداد فرزندان در خانه ها - به این شکلی که امروز هست - خطاست ! این نسل جوانی که امروز ما داری م، اگر در ده سال آینده، بیست سال آینده و در دوره ها و مرحله های آینده این کشور بتوانیم آن را حفظ کنیم، هم مشکلات کشور را اینها حل می کنند.»<sup>۱</sup> و نیز تأکید فرموده اند: «مسئله جمعیت را جدی بگیرید ! جمعیت جوان کشور دارد کاهش پیدا می کند . يك جایی خواهیم رسید که دیگر قابل علاج نیست؛ یعنی مسئله جمعیت از آن مسائلی نیست که بگوییم حالا ده سال دیگر فکر می کنیم؛ نه، اگر چند سال بگذرد، وقتی نسلها پیر شدند، دیگر قابل علاج نیست.»<sup>۲</sup> ، «مسئله

تکثیر نسل، دستور خدای متعال و سنت قطعیة پیامبر اکرم (ص) و ائمة هدی است و ضرورت آن تابع هیچ شرطی نیست؛ بلکه در تنگدستی و توانمندی و حتی در زمانی که شرایط فرهنگی جامعه نیز مناسب نباشد، باز هم فرزندآوری حکمی ثابت و لازم الاجراست.

**ضرورت و اهمیت فرزندآوری**

از مسائل مهم و قابل توجه عصر حاضر، مسئله جلوگیری از کاهش جمعیت و یافتن راهکارهایی معقول برای افزایش آن در کشور است. رهبر معظم انقلاب > از جمله کسانی است که بارها دیدگاه انتقادی خود را (در طول سالهای ۱۳۹۰ تا امروز) در جمع نمایندگان مجلس، مسئولان نظام و عموم مردم مطرح نموده است و با سخنانی روشن و استوار، نگاه خود را به بازنگری در سیاستهای مهار جمعیت و ضرورت برنامه ریزی برای رشد جمعیت معطوف داشته و فرموده اند:

۱. بیانات مقام معظم رهبری حضرت آیت الله العظمی خامنه ای > در اجتماع مردم بجنورد، مورخ: ۱۳۹۱/۷/۱۹ .  
۲. بیانات مقام معظم رهبری > در دیدار اعضای شورای عالی

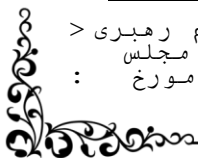


نکته مهم تر در اینجا اینکه ایشان با تمام وجود باور دارند که دشمنان اسلام در موضوع کاهش جمعیت مسلمانان، ساکت و بی کار ننشسته اند؛ بلکه از دهه های گذشته تا امروز برای مقابله با نظام اسلامی برنامه ریزی و اقدام عملی می کنند. به این دلیل «برای دشمنان ما بهترین چیز این است که ایران یک کشوری باشد با بیست - سی میلیون جمعیت که نصف این جمعیت هم کهنسال و میانسال و از کارافتاده باشند . [اگر] برای این برنامه ریزی بتوانند بکنند، حتماً می کنند. پول بتوانند خرج کنند، حتماً خرج می کنند . ما باید حرکتمان در مقابل این حرکت، حرکت صحیح و منطقی و خردمندانه و عالمانه باشد.»<sup>۳</sup> در همین راستا «افزایش فرزند» در کنار «تسهیل و ترویج تشکیل خانواده» از جمله سیاستهای کلی

افزایش نسل جز مباحث مهمی است که واقعاً هم مسئولین کشور، نه فقط مسئولین اداری، روحانیون، کسانی که منبرهای تبلیغی دارند، باید در جامعه دربار آن فرهنگ سازی کنند؛ از این حالتی که امروز وجود دارد - یک بچه، دو بچه - باید کشور را خارج کنند.»<sup>۱</sup> ایشان در جای دیگر، سیاست کلی نظام اسلامی را این گونه با صراحت اعلام نموده اند که: «من معتقدم که کشور ما با امکاناتی که داریم، می تواند صد و پنجاه میلیون نفر جمعیت داشته باشد . من معتقد به کثرت جمعیتیم . هر اقدام و تدبیری که می خواهد برای متوقف کردن رشد جمعیت انجام بگیرد، بعد از صد و پنجاه میلیون انجام بگیرد!»<sup>۲</sup>

انقلاب فرهنگی، مورخ : ۱۳۹۲/۹/۱۹  
۱. بیانات مقام معظم رهبری > در دیدار کارگزاران نظام، مورخ: ۱۳۹۱/۵/۳  
۲. بیانات مقام معظم رهبری > در دیدار مسئولان نظام جمهوری اسلامی ایران ، مورخ : ۱۳۹۰/۵/۱۶

۳. بیانات مقام معظم رهبری > در دیدار نمایندگان مجلس شورای اسلامی ، مورخ : ۱۳۹۳/۳/۴



نظام جمهوری اسلامی  
در مقوله جمعیت به  
شمار می آید که در  
تاریخ ۱۳۹۳/۲/۳۰ از  
سوی رهبر معظم  
انقلاب > به رؤسای  
قوای سه گانه و رئیس  
مجمع تشخیص مصلحت  
نظام ابلاغ شد. سخن  
را با یادآوری مهم  
ترین کارکرد خانواده  
که «تولید مثل» و  
تکثیر نسل است، پی  
می گیریم.  
تکثیر نسل؛ مهمترین  
کارکرد خانواده

از جمله مهم ترین  
اهداف و کارکردهای  
خانواده، حفظ و بقای  
نسل بشر در یک  
ساختار و نظام  
قانونی و مشروع است  
و شاید بتوان گفت که  
این کارکرد، مهم  
ترین کارکرد خانواده  
است؛ به گونه ای که  
برخی مردم شناسان،  
ماهیت خانواده را  
منحصر به همین امر  
دانسته و آن را  
قراردادی تعریف کرده  
اند که برای به وجود  
آوردن فرزندان و حفظ  
و نگهداری آنان  
منعقد می شود.  
«ویلیام ولف»  
معتقد است: «خانواده  
غیر از یکی - دو سال  
اول که برای پرورش

کودک لازم است، وجودی  
است مرده، و لذا  
تنها کارکرد خانواده  
همین است و بس!»  
و در میان  
دانشمندان م سلمان  
نیز علامه طباطبایی!  
تکثیر نسل مسلمانان  
برای زدودن بنای شرک  
و فساد توسط آنان را  
از مهم ترین مقاصد  
شریعت ذکر کرده و  
فرموده است: «و من  
جهة أخرى من أهم  
المقاصد عند شارع  
الإسلام تكثُر نسل  
المسلمین و عمارة  
الأرض بید مجتمع مسلم  
عمارة صالحة ترفع  
الشرك و الفساد؛ و  
از جهت دیگر یکی از  
مهم ترین مقاصد در  
نظر شارع اسلام، زیاد  
شدن نسل مسلمانان و  
آباد شدن زمین به  
دست آنان است. آبادی  
شایسته و مخصوصی که  
ریشه شرک و فساد را  
می زند.»  
به همین خاطر،  
ایشان «تولید مثل و

۱. حقوق زن و خانواده، محمود  
حکمت نیا، سازمان انتشارات  
پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه  
اسلامی، قم، اول، ۱۳۹۰ش، ص  
۷۸.  
۲. المیزان فی تفسیر القرآن،  
محمد حسین طباطبائی، دفتر  
انتشارات اسلامی جامعه مدرسین  
حوزه علمیه قم، چاپ پنجم،  
۱۴۱۷ق، ج ۴، ص ۱۸۹.



عرضه داشت : [قَالَ رَبِّ  
 اِنِّي وَهَنَ الْعَظْمُ مِنِّي وَ  
 اَسْتَعَلَ الرَّاسُ شَيْبًا وَ  
 لَمْ اَكُنْ يَدْعَاكَ رَبُّ  
 شَقِيًّا وَ اِنِّي خِفْتُ  
 الْمَوَالِيَّ مِنْ وِرَائِي وَ  
 كَانَتْ اَمْرَاتِي عَاقِرًا  
 فَهَبْ لِي مِنْ لَدُنْكَ وَلِيًّا  
 يَرِثْنِي وَ يَرِثْ مِنْ آلِ  
 يَعْقُوبَ وَ اجْعَلْهُ رَبِّ  
 رَضِيًّا ]<sup>۲</sup>؛ «گفت :

پروردگارا ! همانا  
 استخوان از (بدن) من  
 سست شده و (موی) سر  
 هم از (سپیدی) پیری  
 می درخشد و هرگز در  
 دعایم از تو - ای  
 پروردگارم - محروم  
 نبوده ام و من از  
 عموزادگانم پس از  
 خویش بیم دارم (که  
 جانشینانی بد باشند)  
 و همسرم از ابتدا  
 نازا بوده، پس مرا  
 از جانب خویش  
 جانشینی ارث بر عطا  
 کن که از من و اولاد  
 یعقوب ارث ببرد ! و  
 ای پروردگار من ، او  
 را (از نظر کمالات  
 معنوی) پسندیده قرار  
 ده .»

علامه طباطبایی! در  
 تفسیر این آیات می  
 نویسد : «مقصود از  
 اینکه گفت : «از  
 موالی می ترسم» این

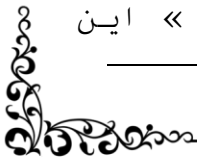
تربیت اولاد» را علت  
 اصلی ازدواج برشمرده  
 و می نویسد : «عامل  
 نکاح و ازدواج منحصر  
 در تولید مثل و تربیت  
 اولاد است و مسئله  
 اطفای شهوت و یا  
 اشتراک در اعمال  
 زندگی؛ چون کسب و  
 زراعت و جمع کردن مال  
 و تدبیر غذا و آب و  
 وسایل خانه و اداره  
 آن، اموری است که از  
 چار چوب غرض طبیعت و  
 خلقت خارج است و تنها  
 جنبه مقدمیت داشته و  
 یا فواید دیگری غیر  
 از غرض اصلی بر آنها  
 مترتب می شود.»<sup>۱</sup>

### جایگاه فرزند در منظومه توحیدی

آموزه های اسلامی،  
 ایجاد جامعه توحیدی  
 و گسترش آن را هدف ی  
 بزرگ برمی شمرد و  
 فرزندآوری و افزایش  
 نسل صالح را شاهره  
 تحقق آن معرفی کرده،  
 از فرزند به عنوان  
 «ولی» یاد می کند .  
 در قرآن ک ریم  
 درباره فرزند، بحث  
 استثنای حضرت  
 زکریا (ع) آمده است  
 که ه به پروردگارش

۱. تفسیر المیزان، ترجمه :  
 سید محمدباقر موسوی همدانی،  
 دفتر انتشارات اسلامی جامعه  
 مدرسین حوزه علمیه قم، چاپ  
 پنجم، ۱۳۷۴ش، ج ۴، ص ۲۸۵.

۲. مریم / ۴ - ۶.



مثال، ولیّ میّت آن کسی است که به امر او قیام می کند و جانشین او در ارثیه اش می شود،<sup>۳</sup> لذا فرمود: من از جانب تو ولد یا غلام می خواهم؛ یعنی نگران م مسیری که آمده ام و این حرکت توحیدی که آغاز کرده ام، در آینده ابتر یا منحرف شود، و لذا از خدا می خواهد ولیّی به او عنایت کند که این حرکت توحیدی را ادامه دهد.

حضرت ابراهیم نیز فرزندش اسماعیل ع را ادامه آن حرکت توحیدی در نظر می گیرد و عرضه می دارد: **[رَبِّ اجْعَلْنِي مُقِيمَ الصَّلَاةِ وَ مِنْ ذُرِّيَّتِي]**؛ «پروردگار من! مرا برپا کننده نماز قرار ده و از فرزندانم (نیز چنین فرما)!»

در وصیت نام امیرالمؤمنین به امام حسن مجتبی ع نیز همین دغدغه توحیدی (ادامه یافتن راه خدا بوسیله انسانهای بعدی) را می بینیم

است که از عملِ عموها و پسرعموهایم می ترسم. و مقصود از «مین ورائی» بع د از مرگ است. و خلاصه اینکه حضرت زکریا می ترسید از اینکه از دنیا برود و نسلی که وارث او باشند، نداشته باشد و این کنایه از همان بی اولاد مُردن است. «؛ تنها چیزی که حضرت زکریا (ع) را به چنین دعا یی وادار کرد، همان کرامتی بود که از خدا نسبت به حضرت مریم (س) مشاهده کرد و عبودیت و خلوصی بود که وی نسبت به خدایش داشت. حضرت از مشاهده این وضع لذت برد و دوست داشت که بعد از خود نیز فرزندی دارای قرب و کرامتی این چنین داشته باشد.

نکته قابل توجه آنکه حضرت زکریّ (ع) از خداوند «ولیّ» درخواست کرد. بدین جهت که ولیّ هر فردی عب ارت است از آن شخصی که متولّی و عهده دار کار او باشد. به عنوان

۱. تفسیر المیزان، ترجمه موسوی همدانی، ج ۱۴، ص ۸۰.  
۲. همان، ص ۱۰.  
۳. همان، ص ۹.  
۴. ابراهیم/ ۴۰.





كَفَّلَهَا زَكَرِيَّا]؛ «پس پروردگارش او را به بهترین شکل پذیرفت و به طرز نیکی رشد داد و زکریا را (که شوهر خاله اش بود) کفیل (تربیت) او نمود.»  
بنابراین، فرزند در منظومه توحیدی، ولی و ادامه دهنده راه پُر افتخار پدران توحیدی است. به این جهت، امام صادق (ع) فرمود: «چون یوسف (ع) برادرش را دید، به او گفت: ای برادر! چگونه توانستی که پس از من ازدواج کنی؟ برادر یوسف گفت: «إِنَّ أَبِي أَمَرَني فَقَالَ: إِنْ اسْتَطَعْتَ أَنْ يَكُونَ لَكَ ذُرِّيَّةٌ تَثِقُ الْأَرْضَ بِالتَّسْبِيحِ فَافْعَلْ»؛<sup>۳</sup> پدرم به من دستور داد که اگر بتوانی نسلی داشته باشی که زمین را با تسبیح خدا سنگین سازد، پس این کار را انجام بده!»  
افزایش نسل در آموزه های اسلامی  
۱. آیات  
با مرور منابع دینی، به روشنی

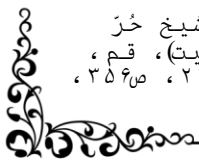
که فرمود: «مِنَ الْوَالِدِ الْفَانِ الْمَقَرِّ لِلزَّمَانِ الْمُدِيرِ الْعُمُرِ... إِلَى خَلِيفَةِ الْأَمْوَاتِ»؛ از پدری فانی، اعتراف کننده به گذشت زمان، کسی که زندگی را پشت سر نهاده... به کسی که جانشین گذشتگان است.»

خلاصه اینکه: تمام پیامبران و ائمه (فرزند را در ادامه منظومه توحیدی می خواستند که در آن، فرزند از ابتدا نذر توحید شده است.

قرآن کریم از «امْرَأَةٌ عِمْرَانُ» یاد می کند که این زن، همان مادر حضرت مریم (س) است که گفت: [نَذَرْتُ لَكَ مَا فِي بَطْنِي مُحَرَّرًا]؛<sup>۲</sup> «پروردگار من! آنچه (از فرزند) در رحم دارم، برای تو نذر کردم که "محرر" (و آزاد، برای خدمت به خانه تو) باشد.»  
خدا ی متعال

پذیرفت: [فَتَقَبَّلَهَا رَبُّهَا بِقَبُولِ حَسَنٍ وَ أَنْبَتَهَا نَبَاتًا حَسَنًا وَ

۱. نهج البلاغه، سید رضی، ترجمه: محمد دشتی، نشر محدث، قم، چاپ اول، ۱۳۹۰ش، نامه ۳۱.  
۲. آل عمران/ ۳۵.  
۳. وسائل الشیعة، شیخ حرّ عاملی، مؤسسة آل البيت، قم، چاپ اول، ۱۴۰۹ق، ج ۲۱، ص ۲۵۶، ح ۲۷۲۸۲.



افزا یش اموال و فرزندان از جمله نتایج استغفار به شمار آمده است؛ یعنی اگر کثرت اموال و فرزندان بد باشد، پس استغفار عملی ناپسند است و دستور خداوند به آن لغو خواهد بود.

۲. **ثُمَّ رَدَدْنَا لَكُمُ الْكَرَّةَ عَلَيْهِمْ وَأَمْدَدْنَاكُمْ بِأَمْوَالِكُمْ وَأَكْثَرَ تَفِيرًا**؛<sup>۲</sup> «سپس غلبه و تسلط بر آنها را به شما باز می گردانیم و شما را به وسیله اموال و پسران یاری می کنیم و از حیث نفرات، بیش تر (از آنها) قرار می دهیم.» این آیه در روایتی از امام صادق (ع)، به دوران ظهور امام زمان (ع) تأویل شده است.<sup>۳</sup> حال اگر کثرت

مشخص می شود که فرزندآوری و افزایش نسل، موضوعی است که از آغاز ظهور اسلام امری مطلوب و مورد تأکید شریعت اسلام بوده است و علاوه بر آیات قرآن، ده ها روایت نیز بر آن تأکید داشته، ذهنیت و سبک زندگی جامعه اسلامی را بر اساس آن چیده اند. بیش از ۳۰ آیه درباره فرزندآوری است که در این مجال تنها به دو مورد اشاره می کنیم:

۱. **فَقُلْتُ اسْتَغْفِرُوا رَبَّكُمْ إِنَّهُ كَانَ غَفَّارًا يُرْسِلِ السَّمَاءَ عَلَيْكُمْ مِدْرَارًا وَ يُمْدِدْكُمْ بِأَمْوَالِكُمْ وَأَكْثَرَ تَفِيرًا**؛<sup>۱</sup> «پس گفتم که از پروردگار خود طلب آمرزش کنید که او همواره بسیار آمرزنده است. تا آسمان (ابر) را بر شما پرباران فرستد و شما را با اموال و پسران یاری کند و برای شما باغها و نهرها قرار دهد.» در این آیه مواردی مانند: آمرزش الهی، بارش پی در پی و

۲. اسراء/ ۶.  
۳. همچنین امیرالمؤمنین% در خطبه ای فرمود: «يَا أَيُّهَا النَّاسُ سَلُونِي قَبْلَ أَنْ تَفْقِدُونِي فَإِنَّ بَيْنَ جَوَانِحِي عِلْمًا جَمًّا فَسَلُونِي قَبْلَ أَنْ تَشْعُرَ بِرِجْلَيْهَا فَيَنْتَهَ شَرْقِيَّةٌ تَطَأُ فِي خَطَمِهَا مَلْعُونٌ نَاعِقُهَا وَ مُؤَلِّئُهَا وَ قَائِدُهَا وَ سَائِقُهَا وَ الْمُتَحَرِّزُ فِيهَا، فَكَمْ عِنْدَهَا مِنْ رَافِعَةٍ ذَلِيلُهَا يَدْعُو بِوَيْلِهَا دَخَلَهُ أَوْ حَوْلَهَا لَا مَأْوَى بِكَيْفِهَا وَ لَا أَحَدٌ يَرْجُمُهَا، فَإِذَا اسْتَدَارَ الْفَلَكَ قَلْبُكُمْ مَاتَ أَوْ هَلِكَ وَ أَيُّ وَادٍ سَلَكَ فَعَبْدُهَا تَوَفَّعُوا الْفَرَجَ وَ هُوَ تَأْوِيلُ هَذِهِ الْآيَةِ. ثُمَّ رَدَدْنَا لَكُمْ الْكَرَّةَ عَلَيْهِمْ وَ أَمْدَدْنَاكُمْ بِأَمْوَالِكُمْ وَ



(افزونی) شما در روز  
قیامت بر (دیگر)  
امتها مباحثات می‌کنم،  
حتی به وسیله فرزندان  
سقط شده شما.»<sup>۲</sup>

نقل شده است: «بکر  
بن صالح» طی نامه ای  
برای امام موسی بن  
جعفر نوشت: من پنج  
سال است از تولید  
نسل خودداری می‌کنم؛  
چون همسر از بچه  
دار شدن کراهت دارد  
و می‌گوید: تربیت  
اولاد برای ما که  
تهی‌دستیم، مشکل است.  
شما در این باره چه  
دستور می‌دهید؟ حضرت  
در جواب نوشتند: «  
أَطْلِبِ الْوَلَدَ فَإِنَّ اللَّهَ  
يَرْزُقُهُمْ»<sup>۳</sup>؛ فرزند بیاور  
که خداوند روزی آنها  
را می‌دهد.»

(ب) روایاتی که به  
ترغیب ازدواج و  
تشکیل خانواده می  
پردازند و تأکید می  
کنند که با زنان  
ولود و بسیار زنا  
ازدواج کنید؛  
پیامبر اکرم (ص)  
فرمود: «تَزَوَّجُوا بَكَرًا  
وَلَوْ دَأْبًا وَلَا تَزَوَّجُوا

اموال و فرزندان  
مطلوب نیست؛ چرا یکی  
از ویژگیهای دوران  
ظهور به شمار آمده  
است؟

## ۲. روایات

روایاتی که  
فرزندآوری و افزایش  
جمعیت را لازم و مطلوب  
معرفی می‌کنند، به  
چند دسته کلی تقسیم  
می‌کنیم:

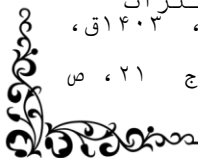
**(الف) احادیثی که**  
به صورت صریح و  
مستقیم به فرزندآوری  
و افزایش جمعیت دلالت  
دارند؛

رسول اکرم (ص) می  
فرمایند: «**أَكْثِرُوا  
الْوَلَدَ أَكْثَرَ بِكُمْ الْأَمَمُ  
عَدَا**؛ زیاد فرزند  
بیاورید تا فردا  
(روز قیامت) به  
واسطه کثرت شما به  
سایر امته مباحثات  
کنم.»<sup>۴</sup>

و نیز فرمود:  
«**تَنَاكَحُوا تَكْثُرُوا فَإِنَّ  
أَبَاهِي بِكُمْ الْأَمَمُ  
الْقِيَامَةَ وَلَوْ بِالسَّقَطِ**؛  
ازدواج کنید و (با  
فرزندآوری) زیاد شوید  
که من به خاطر

۲. بحار الأنوار، محمدباقر  
مجلسی، دار إحياء التراث  
العربی، بیروت، دوم، ۱۴۰۳ق،  
ج ۱۰، ص ۲۲، ج ۲۴.  
۳. وسائل الشیعة، ج ۲۱، ص  
۳۶۰، ج ۲۷۳۰۱.

بنین وَ جَعَلْنَاكُمْ أَكْثَرَ  
نَفِيرًا. «البرهان فی تفسیر  
القرآن، هاشم بن سلیمان  
بحرانی، مؤسسه بعثت، چاپ  
اول، بی‌تا، ج ۳، ص ۵۰۶.  
۱. همان، ج ۲۱، ص ۳۵۷، ج  
۲۷۲۸۷.



نهی کرد، بار سوم پیامبر (ص) فرمود: «تَزَوَّجُوا الْوُدُودَ الْوُلُودَ فَإِنِّي مُكَائِرُ بِكُمْ الْأُمَّمَ»<sup>۳</sup> با زن مهربان زایا ازدواج کنید؛ زیرا من به [افزونی] شما بر دیگر امتهای افتخار می‌کنم.»

در روایتی آمده است که مردی می‌گوید: به پیامبر اکرم (ص) عرض کردم: زنی است که زیبایی او نظرم را جلب کرده؛ ولی نازاست. نزد شما آمده ام تا از خداوند برایم طلب برکت کنید [که از آن زن بچه دار شوم]. پیامبر (ص) به من اجازه نداد [که با او ازدواج کنم].

دوباره نزد پیامبر رفتم و خواهش کردم که اجازه دهد یا برایم دعای برکت کند؛ اما پیامبر (ص) فرمود: «إِنَّهُ لَوْ تَزَوَّجَ امْرَأَةً سَوْدَاءَ وَلَوْ دَا أَحَبَّ إِلَيَّ مِنْ أَنْ يَتَزَوَّجَهَا حَسَنَاءَ لَا تَلِدُ؛» اگر [او] با زنی سیاه؛ اما زایا ازدواج کند، نزد من خوش‌تر از آن است که

جمیله عاقراً فإني أباهي بكم الأمم يوم القيامة؛<sup>۱</sup> با زنان باکرة بچه‌زا ازدواج کنید و با زن زیبای نازا ازدواج نکنید؛ زیرا من در روز قیامت، به [جمعیت] شما بر دیگر امتهای افتخار می‌کنم.»

امام صادق (ع) فرمود: مردی نزد پیامبر خدا (ص) آمد و عرض کرد: ای پیامبر خدا! دختر عمویی دارم که زیبایی و نیکویی و دینداری او را پسندیده‌ام؛ اما نازاست. حضرت فرمود: «با او ازدواج مکن»!<sup>۲</sup>

همچنین «سُنَن أَبِي دَاوُد» به نقل از «مَعْقِل بن يَسَار» می‌نویسد: مردی نزد پیامبر اکرم (ص) آمد و عرضه داشت: من به زنی خانواده دار و زیبا برخورده‌ام؛ ولی نازاست. آیا با او ازدواج بکنم؟ حضرت فرمود: «نه» دوباره نزد پیامبر آمد و ایشان او را

۱. تحکیم خانواده از نگاه قرآن و حدیث، محمد محمدی ری‌شهری، دار الحدیث، قم، چاپ دوم، ۱۳۸۹ ش، ص ۹۶، ج ۱۳۶.  
۲. همان، ج ۱۳۷.  
۳. همان، ج ۱۳۸.  
۴. همان، ص ۹۸، ج ۱۳۹.

آن می تابد ، محبوب تر است.»  
**(د)** روایاتی که هدف از تشریح برخی از احکام الهی را «فرزند آوری» می داند؛

برخی روایات نشانگر این است که صرف کثرت امّت اسلامی، هدف بزرگی است و بعضی از احکام دینی، از جمله؛ حرمت نافرمانی از والدین و تحریم همجنس بازی، استحباب ازدواج و... برای رسیدن به آن هدف تشریح شده اند.  
 امام رض (ع)

در باره علت حرام بودن نافرمانی از پدر و مادر می فرماید: «حَرَّمَ اللَّهُ تَبَارَكَ وَتَعَالَى عَقُوقَ الْوَالِدَيْنِ لِمَا... يَدْعُو مِنْ ذَلِكَ إِلَى قِلَّةِ النَّسْلِ وَانْقِطَاعِهِ لِمَا فِي الْعُقُوقِ مِنْ قِلَّةِ تَوْفِيرِ الْوَالِدَيْنِ وَ الْ عَزْفَانِ بِحَقِّهِمَا وَ قَطْعِ الْأَرْحَامِ وَ الزَّهْدِ مِنَ الْوَالِدَيْنِ فِي الْوَلَدِ وَ تَرْكِ التَّرْبِيَةِ لِعَلَّةَ تَرْكِ الْوَلَدِ بَرَّهُمَا؛<sup>۳</sup> خداوند تبارک و تعالی نافرمانی از پدر و مادر را حرام فرموده است؛ زیرا موجب کم

با زنی زیبا؛ ولی نازا ازدواج نماید.»  
**(ج)** احادیث دالّ بر مباحات پیامبر (ص) در قیامت بر تعداد امّت خود نسبت به سایر امّتها؛

رسول اکرم (ص) فرمودند: «تَزَوَّجُوا فَإِنَّي مُكَائِرٌ بِكُمْ الْإِمَامَ عِدًّا فِي الْقِيَامَةِ حَتَّى إِنْ السَّقَطُ (يَقِفُ مَجْبُطًا) عَلَى بَابِ الْخِنَةِ فَيُقَالُ لَهُ: أَدْخُلْ! فَيَقُولُ: لَا، حَتَّى يَدْخُلَ أَبُوَي قَبْلِي؛<sup>۱</sup> ازدواج کنید؛ زیرا من به وسیله کثرت شما بر امّتها مباحات می کنم. تا جایی که فرزند سقط شده با حالتی خاص بر در بهشت می ایستد، پس به او می گویند: داخل بهشت شو! می گوید: تا هنگامی که وال دینم داخل بهشت نشوند، داخل نمی شوم.»

همچنین فرمود: «وَلِلْمَوْلُودِ فِي أُمَّتِي أَحَبُّ إِلَيَّ مِمَّا طَلَعَتْ عَلَيْهِ الشَّمْسُ؛<sup>۲</sup> به راستی نوزادی که در امّت من متولد شود، برای من از آنچه خورشید بر

۱. وسائل الشیعة، ج ۲۱، ص ۳۵۸، ج ۲۷۲۹۳.  
 ۲. همان، ج ۱۷، ص ۱۳۷، ج ۲۲۱۸۹.  
 ۳. بحار الأنوار، ج ۶، ص ۹۸، ج ۲.

شدن نسل و قطع شدن آن می شود؛ چون نافرمانی از پدر و مادر سبب می گردد که به پدر و مادر احترام گذاشته نشود، حق آنها شناخته نگردد، پیوندهای خویشاوندی قطع شود، پدرها و مادرها به داشتن فرزند بی رغبت شوند و به علت نیکی نکردن و فرمان نبردن فرزند از پدر و مادر، آنان نیز کار تربیت او را رها سازند.»

همچنین حضرت دربارۀ فلسفۀ حرمت همجنس بازی می فرماید: «عَلَّةُ تَحْرِيمِ الذَّكَرَانِ لِلذَّكَرَانِ وَ الْإِنَاثِ لِلْإِنَاثِ لِمَا رُكِبَ فِي الْإِنَاثِ وَ مَا طَبِعَ عَلَيْهِ الذَّكَرَانِ وَ لِمَا فِي إِيْتَانِ الذَّكَرَانِ الذَّكَرَانَ وَ الْإِنَاثِ الْإِنَاثَ مِنْ انْقِطَاعِ النَّسْلِ وَ فِسَادِ التَّدْبِيرِ وَ خَرَابِ الدُّنْيَا؛ ۱ علت حرمت همجنس بازی مردان با مردان یا زنان با زنان از این جهت است که خداوند آنان را بر نظامی آفریده که زن از آن

مرد باشد و مرد از آن زن و در غیر این صورت انقطاع نسل پدید آید و فساد تدبیر [نظام خلقت] و خرابی دنیا در آن خواهد بود.»

آن حضرت در جایی دیگر ضمن تبیین فلسفۀ ازدواج و تشویق به آن، می فرماید: «وَلَوْ لَمْ يَكُنْ فِي الْمُنَاكِحَةِ وَالْمُصَاهَرَةِ آيَةٌ مُحْكَمَةٌ وَلَا سُنَّةٌ مَتَّبَعَةٌ وَلَا أَثَرٌ مُسْتَفِيدٌ، لَكَانَ فِيمَا جَعَلَ اللَّهُ مِنْ بَرِّ الْقَرِيبِ وَ تَقْرِيبِ الْبَعِيدِ وَ تَأْلِيفِ الْقُلُوبِ وَ تَشْيِكِ الْحُقُوقِ وَ تَكْثِيرِ الْعَدَدِ وَ تَوْفِيرِ الْوَالِدِ لِبَنَوَائِبِ الدَّهْرِ وَ حَوَادِثِ الْأُمُورِ مَا يَرْغَبُ فِيهِ وَ الْغَاقِلِ اللَّيْبِ وَ يُسَارِعُ إِلَيْهِ الْمَوْفِقُ الْمُصِيبُ وَ يَحْرُسُ عَلَيْهِ الْأَدِيبُ الْأَرِيبُ؛ ۲ اگر

دربارۀ ازدواج و وصلت، آیه ای روشن (از قرآن) و سنتی پیروی شده (از پیامبر (ص)) و اخبار فراوان نبود، باز هم (آثار و برکاتی چون) نیکی کردن به خویشاوند، نزدیک ساختن افراد دور (به

۱. علل الشرایع، شیخ صدوق، ترجمه حسین قاسمی، نشر ونگ، تهران، چاپ اول، پاییز ۱۳۸۹ش، ج ۲، ص ۵۹۲، باب ۳۴۰، ج ۱.

۲. الکافی، محمد بن یعقوب بن اسحاق کلینی، دارالحدیث، قم، چاپ اول، ۱۴۲۹ق، ج ۱۰، ص ۷۰۵، ج ۹۶۲۰.

یکدیگر ( ) ، الفت  
 بخشیدن میان دلها،  
 در هم تنیدن حقوق،  
 افزودن بر جمعیت و  
 اندوختن فرزند برای  
 (رویارویی با )  
 سختیهای روزگار و  
 پیامدهای زمانه،  
 کافی بود که خردمند  
 دانا به این کار  
 رغبت نماید و انسان  
 رهیافته درست اندیش  
 برای آن بشتابد.»  
 با تأمل در روایات  
 ذکر شده، معلوم می  
 شود که تکثیر نسل از  
 منظر روایات اسلامی  
 کاری مطلوب و  
 پسندیده است و نه  
 تنها اسلام با کنترل  
 رشد جمعیت مخالف  
 است؛ بلکه از افزایش  
 جمعیت جامعه الهی  
 نیز جانبداری می  
 نماید، پس در سبک  
 زندگی اسلامی، افزایش  
 نسل تابع شرایط خاصی  
 نیست؛ بلکه در تمام  
 زمانها (عصر سنتی یا  
 صنعتی) و در تمام  
 شرایط (توانمندی یا  
 تهیدستی) همچنان به  
 عنوان یک راهبرد  
 معقول جهت دستیابی  
 به اهداف متعالی  
 اسلام، به قوت خود  
 باقی است.  
 افزون بر آنچه  
 گفته شد، به اعتقاد  
 فقهای اسلامی، بر اساس

قاعدة «نفی سبیل»<sup>۱</sup> و  
 «حفظ نظام»<sup>۲</sup> می توان  
 بر وجوب فرزندآوری و  
 افزایش نسل فتوا داد؛  
 زیرا تعداد جمعیت  
 ملتها به عنوان یکی  
 از عوامل اقتدار و  
 حاکمیت سیاسی آنان  
 محسوب می شود، پس اگر  
 تعداد جمعیت مسلمان  
 در یک سرزمین اسلامی  
 نسبت به سایر ادیان  
 موجود رفته رفته کاهش  
 یابد و یا جمعیت کفار  
 بر مسلمین غالب گردد،  
 تغییر حکومت اسلامی  
 امری حتمی و مسلم  
 است، لذا بر حکومتهای  
 اسلامی و مسلمانان  
 واجب است که اهداف و  
 برنامه های خود را در  
 راستای حفظ نظام  
 اسلامی و جلوگیری از  
 سلطه کفار بر  
 مسلمانان قرار دهند.<sup>۳</sup>  
 به همین علت، از  
 نگاه فقهای اسلام،  
 جلوگیری از اختلال  
 نظام اسلامی مقدم بر

۱. نساء / ۱۴۱.

۲. فقه سیاسی، عباسعلی عمید  
 زنجانی، امیر کبیر، تهران،  
 چاپ چهارم، ۱۴۲۱ق، ج ۲، ص  
 ۴۴۹.

۳. مقاله «چرایی و چگونگی  
 مداخله حاکمیت و حکومت در  
 تنظیم جمعیت»، منیره حاجی و  
 هادی و حسن قاسمی مقدم،  
 فصلنامه حکومت اسلامی،  
 دبیرخانه مجلس خبرگان،  
 تهران، ش ۷۱، بهار ۱۳۹۳، ص  
 ۱۶۵.

مصالح شخصی است.<sup>۱</sup>  
با این توضیح، در  
شرایط اجتماعی و  
سیاسی امروز که نشانه  
های هشدار دهنده ای  
درباره کاهش جمعیت  
مسلمانان وجود دارد و  
دشمنان اسلام نیز جهت  
نابودی دین برنامه  
ریزی و اقدام می  
کنند،<sup>۲</sup> فرزندآوری و  
تکثیر نسل مسلمانان  
از واجبات مهم به  
شمار می آید.

۱. فقه سیاسی، ج ۲، ص ۳۴۹.  
۲. بنگرید به: رساله نکاحیه؛  
کاهش جمعیت ضربه ای سهمگین بر  
پیکر مسلمین، محمدحسین حسینی  
طهرانی، مؤسسه ترجمه و نشر  
علوم و معارف اسلام، مشهد،  
چاپ دوم، ۱۴۲۵ق، صص ۹۰ - ۹۶.





# مسابقات

## بُرد بُرد یا باخت باخت

محمد مهدی فجری

۳ در شماره گذشته از  
 مجله مبلغان به  
 بررسی برخی از  
 مسابقاتی که انسانها  
 در زندگی روزمره خود  
 انجام می دهند ،  
 پرداختیم که گفته  
 شد : در برخی از  
 مسابقات، محض ورود  
 در آن به معنای باخت  
 است و برخی دیگر به  
 معنای برد . برخی از  
 مسابقاتی که به آن  
 پرداخته شد، مسابقات  
 دنیوی مانند : چشم و  
 هم چشمی و تجمّل  
 گرایی بود و اکنون  
 ادامه بحث را ارائه  
 می کنیم .  
 ۴. مسابقه در پذیرایی  
 با نگاه ی ب ه  
 تعالیم اسلام در می  
 ی ابیم که دید و

۳ مروری بر آیات  
 قرآن کریم نشانگر آن  
 است که سبقت انسانها  
 از یکدیگر در دو  
 مسیر انجام می  
 پذیرد؛ گاه مسابقه  
 در امور دنیوی و  
 مادی است و گاه در  
 امور معنوی . با کمال  
 تأسف باید اعتراف  
 کرد که گرچه در  
 گذشته سبقتها در بین  
 مسلمانان بیش تر بر  
 اساس اهداف الهی و  
 توحیدی بوده است ؛  
 اما امروزه مسابقات  
 دنیوی و مادی در  
 میان مردم چشم گیرتر  
 شده و هر روز بر  
 گستره آن افزوده می  
 شود و این گرایش  
 ناخودآگاه انسانها  
 را از معنویات دور

[اولین آن] فردی که برادر مؤمنش را برای خدا دیدار کند، پس او خدا را زیارت کرده و بر خداست که زائرش را گرامی دارد.»

امام صادق (ع) ثواب دیدار دوستان مؤمن را همانند زیارت امام معصوم دانسته و می فرماید: «مَنْ لَمْ يَقْدِرْ عَلَى صَلَاتِنَا فَلْيَصِلْ صَالِحِي شَيْعَتِنَا يُكْتَبَ لَهُ ثَوَابٌ صَلَاتِنَا وَمَنْ لَمْ يَقْدِرْ عَلَى زِيَارَتِنَا فَلْيَزِرْ صَالِحِي مَوَالِينَا يُكْتَبَ لَهُ ثَوَابٌ

زِيَارَتِنَا؛<sup>۳</sup> کسی که نمی تواند با ما ارتباط داشته باشد، بر اوست که به افراد صالح از شیعیان ما رابطه داشته باشد تا صواب ارتباط با ما برایش نوشته شود و هر کس قادر نیست به زیارت ما بیاید، پس شایستگان از پیروان ما را زیارت کند تا ثواب زیارت ما برای

بازدید از برادران مؤمن، به خصوص اقوام و خویشان پاداش فوق العاده ای دارد.

رسول اکرم (ص) می فرماید: «مَنْ زَارَ أَخَاهُ فِي بَيْتِهِ قِالَ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ لَهُ أَنْتَ ضَيْفِي وَ زَائِرِي عَلَيَّ قِرَاكَ وَ قَدْ أُوجِبَتْ لَكَ الْجَنَّةُ بِحَبُّكَ إِيَّاهُ؛<sup>۱</sup> کسی که برای دیدن برادر دینی اش به خانه او برود، خداوند عزوجل به او می فرماید: تو می همان و زائر من هستی و پذیرائی ات بر من است. (پس) به خاطر دوستی تو با آن برادرت، بهشت را بر تو واجب کردم.»

همچنین آن بزرگوار به امیرالمؤمنین (ع) می فرماید: «يَا عَلِيُّ ثَلَاثَةٌ مِنْ خَلَلِ اللَّهِ : رَجُلٌ زَارَ أَخَاهُ الْمُؤْمِنَ فِي اللَّهِ فَهُوَ زَوْرٌ لِلَّهِ وَ حَقٌّ عَلَى اللَّهِ أَنْ يُكْرِمْ زُورَهُ؛<sup>۲</sup> ای علی! سه چیز از زینتهای خداست:

۱. الکافی، کلینی، دارالکتب الاسلامیه، تهران، ۱۳۶۵ ش، ج ۲، ص ۱۷۷؛ وافی، ملامحسن فیض کاشانی، انتشارات امیرالمؤمنین علی، اصفهان، چاپ اول، ۱۴۰۶ ق، ج ۵، ص ۵۹۱. ۲. تحف العقول عن آل الرسول، حسن بن علی بن شعبه حرانی، انتشارات جامعه مدرسین، قم، چاپ دوم، ۱۴۰۴ ق، ص ۷.

۳. من لایحضره الفقیه، شیخ صدوق، انتشارات جامعه مدرسین، قم، ۱۴۱۶ ق، ج ۲، ص ۷۳؛ کامل الزیارات، ابن قولوی ه، انتشارات مرتضوی ه، قم، ۱۳۵۶ ق، ص ۳۱۹؛ المحجة البيضاء، ملا محسن فیض کاشانی، مؤسسه نشر اسلامی، قم، چاپ چهارم، ۱۴۱۷ ق، ج ۲، ص ۱۱۳.

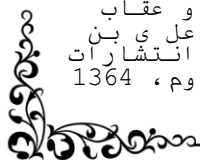


او نوشته می شود.»  
 از سوی دیگر ، در آموزه های دینی بر پذیرایی از میهمان ، به خصوص اطعام آن ان سفارش شده است . امام صادق (ع) در این باره می فرماید: «**إِنَّ الضَّيْفَ يَنْزِلُ بِالرَّجُلِ فَلَا يُحْسِنُ ضَيْفَاتَهُ فَلَا جَنَاحَ عَلَيْهِ أَنْ يَذْكَرَ سُوءَ مَا فَعَلَهُ**»<sup>۱</sup>  
 اگر بر کسی مهمان وارد شود و او از مهمان به شایستگی پذیرایی نکند، بر میهمان باکی نیست که بدی آنچه انجام داد را برای دیگران بازگو کند.»  
 گرچه صفت پسندیده پذیرایی از میهمان در میان بسیاری از مسلمانان به بهترین صورت انجام می پذیرد؛ اما متأسفانه در برخی خانواده ها، این مسئله به صورت مسابقه در ارائه انواع و اقسام خوردنیها و به رخ کشیدن وسایل منزل درآمده است و در هر مرحله از رفت و آمد، تلاش بر بهتر شدن نوع و تنوع میوه و غذا

افزوده می شود.  
 توجه به این نکته ضروری است که بسیاری از این پذیراییهای رنگارنگ به خاطر دستور اسلام بر پذیرایی شایسته از میهمان نیست ؛ بلکه اگر چنین نیی ت در میان باش د، برای تمام میهمانان ، حتی کسانی که از نظر اقتصادی در رتبه پایین تری هستند نیز صورت می گرفت؛ ولی چنین پذیراییهایی برای افراد خاص و بیش تر از روی چشم و هم چشمی است.  
 به همین خاطر رسول خدا (ص) می فرماید: «**مَنْ أَطْعَمَ طَعَامًا رِيَاءً وَ سُمِعَهُ أَطْعَمَهُ اللَّهُ تَعَالَى مِثْلَهُ مِنْ صَدِيدِ جَهَنَّمَ وَ جَعَلَ ذَلِكَ الطَّعَامَ نَارًا فِي بَطْنِهِ حَتَّى يَقْضِيَ بَيْنَ النَّاسِ**»<sup>۲</sup> کسی که برای ری ا و خودنمایی غذا یی بدهد، خدای متعال از صدید جهنم (غذای آلوده به خون) به او خواهد داد و ای ن غذا را در شکم او به آتش تبدیل می

۱. مجمع البیان فی تفسیر القرآن، فضل بن حسن طبرسی، انتشارات ناصر خسرو، تهران، چاپ سوم، ۱۳۷۲ش، ج ۳، ص ۲۰۲.

۲. ثواب الأعمال و عقاب الأعمال، محمد بن علی بن بابویه (شیخ صدوق)، انتشارات شریف رضی، قم، چاپ دوم، ۱۳۶۴ش، ص ۲۸۶.



درباره چنين افرادي  
مي فرمايد: **[وَالَّذِينَ  
يَكْتُمُونَ الذَّهَبَ وَ الْفِضَّةَ  
وَلَا يُنْفِقُونَهَا فِي  
سَبِيلِ اللَّهِ فَبَشِّرْهُمْ بِعَذَابٍ  
أَلِيمٍ]**؛ «و کسانی که  
طلا و نقره را گنجينه  
(ذخيره و پنهان) می  
سازند، و در راه خدا  
انفاق نمی کنند، به  
مجازات دردناکی  
بشارت ده!»  
این افراد نه به  
پرداخت حقوق واجب  
الهی خود پایبندند و  
نه به نیازمندان  
جامعه توجه می کنند  
و تنها به انباشت  
ثروت برای خود می  
اندیشند. عده ای  
دیگر پول نمی  
اندوزند؛ بلکه مدام  
در حال تغییر در  
خانه و وسایل آن یا  
ماشین خود هستند و  
هرگز قانع نیستند.  
بدتر آنکه برخی از  
این افراد با این  
کاره ا به تفاخر و  
فخرفروشی می  
پردازند.  
در حالی که طبق  
فرمایش قرآن، لقمان  
حکیم به فرزندش چنین  
نصیحت می کند: **[وَلَا  
تُصَعِّرْ خَدَّكَ لِلنَّاسِ وَ لَا**

نمای د [و به هم ی  
حال خواهد بود] تا  
خداوند بى مردم حکم  
نمای د.»

نتیجۀ مسابقه در  
چنین میهمانیهای آن  
است که بسیاری از  
ادامۀ مسابقه  
بازمانده، به طور  
کلی از دید و  
بازدید هان اتوان  
گش ته اند و بر خلاف  
گذشته، بسیاری از  
دید و بازدیدهای  
میان اقوام و خویش ان  
یا قطع شده و یا با  
فاصله صورت می پذیرد  
و باز شیطان که به  
دنبال تفرقه و جدائی  
برادران دینی و  
اقوام از یکدیگر  
است، برنندۀ این  
مسابقه می باشد.

#### ۵. مسابقه در ثروت اندوزي

یکی از زمینه های  
انحرافات در برخی  
انسانها به واسطۀ  
مال و ثروت به وجود  
می آید. تنها همت و  
هدف برخی افراد ثروت  
اندوزي با هر وسیله  
و از هر راهی - حلال  
یا حرام - است. هدف  
چنین افرادی فقط  
ارضای عقده طمع ورزی  
و شهوت مال اندوزی  
است. قرآن کریم



۵. مسابقه در مدرک  
گرایي

يکي از بالاترين ارزشها در دين اسلام به عنوان آخرين و کامل ترين دين الهي، علم آموزي است که علاوه بر پيروان خود، به مخالفين و غير مسلمانان نيز سفارش مي کند که حکمت و علم بياموزند تا به حق و حقيقي ت پي ببرند. اهميت و عظمت مقام علم در اسلام به حدي است که پیامبر خدا (ص) در مقام ارزشگذاري بر علم مي فرمايد: «طَلِبُ الْعِلْمِ فَرِيضَةٌ عَلَى كُلِّ مُسْلِمٍ إِلَّا إِنْ لَمْ يَجِبْ بُغَاةَ الْعِلْمِ؛<sup>۳</sup> طلب دانش بر هر مسلماني واجب است. آگاه باشيد که خدا طلب کنندگان دانش را دوست دارد.»

طبق اين روايت نبوي، علم آموزي سن خاصي نداشته، به شخص يا گروهی نيز اختصاص ندارد و زنان و مردان در آن تفاوتی ندارند. امام زين العابدين (ع) مي فرمايد: «لَوْ يَعْلَمُ النَّاسُ مَا فِي طَلِبِ

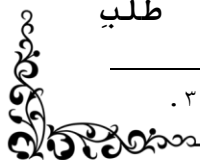
تَمْشٍ فِي الْأَرْضِ مَرَجًا إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ كُلَّ مُخْتَالٍ فَخُورٍ؛<sup>۱</sup> «(پسرم!) از مردم [به نخوت] روی مگردان و در زمین خرامان (مغروران) راه مرو که خداوند هيچ خودپسند فخر کننده ای را دوست ندارد.»

در ریشه يابي علل فخرفروشي عوامل مختلفی ذکر شده است: از جمله، احساس ضعف و حقارت ناشی از شکستها که موجب مي شود چنين افرادي برای پوشاندن شکستهای خود، به تفاخر و فخرفروشي پناه ببرند، لذا امام صادق (ع) مي فرماید: «مَا مِنْ رَجُلٍ تَكَبَّرَ أَوْ تَجَبَّرَ إِلَّا لِيَذَّهَبَ وَجَدَهَا فِي نَفْسِهِ؛<sup>۲</sup> هيچ مردی تکبر و گردن کشی نکند، مگر به جهت ذلتي که در خود می بيند.»

۱. لقمان/ ۱۸.

۲. الكافي، ج ۲، ص ۳۱۲؛ مرآة العقول في شرح أخبار آل الرسول-، محمد باقر مجلسي، تصحيح: هاشم رسولي محلاتي، دار الكتب الإسلامية، تهران، چاپ دوم، ۱۴۰۴ ق، ج ۱۰، ص ۱۱۸.

۳. الكافي، ج ۱، ص ۳۰.



پسران هدف از گرفتن مدرک را برخورداري از شغل بهتر و کسب درآمد بیش تر براي تشکیل زندگي مي دانند ؛ ام ا برخی دختران در اين مسابقه مدرک گرايي، پيش تازترند و اصولاً برخی از آنان تنها بر اثر چشم و هم چشمي و عقب نماندن از ساير دوستان خويش به سوي دانشگاه در حرکت اند.

مروري بر عواقب مدرک گرايي نشان مي دهد که افزون بر معضلات مدرک گرايي در پسران - که در برخی مواقع به نوشتن پايان نامه هاي بدون پشتوانه علمي مي انجامد و به وسيله چنين مدارکي، پستهاي مهم مديرיתי تصاحب مي شود - عواقب مدرک گرايي در دختران نيز قابل تأمل است ؛ چراکه اين مسئله ازدواج آنان را به تأخير مي اندازد . آمارها نشانگر آن است که بیش تر دختراني که سن بالايي دارند و از زمان ازدواج بهنگام شان

الْعِلْمِ لَطَلْبُوهُ وَ لَوْ بِسَفْكِ الْمُهْجِ وَ خَوْضِ اللَّجْجِ ؛<sup>۱</sup> اگر مردم بدانند در طلب علم چه چيزی (فايده ای) است، آن را می طلبيدند، اگرچه با ريختن خون دل و فرو رفتن در گردابها باشد.»

خوشبختانه در ساله اي اخير توجه به تحصيلات تکميلي ، به خصوص در دانشگاه ها که محل علم آموزي و توليد علم است ، رو به گسترش بوده ، رشد علمي جوانان کشور ؛ مثال زدني شده است ؛ اما بايد به اين واقعيت نيز توجه داشت که برخی افراد ، تنها با هدف گرفتن مدرک و راهيابي به بازار کار وارد دانشگاه مي شوند، به گونه اي که عده اي از اين گروه، حتي هدف ورود به دانشگاه - که همان علم آموزي است - را نيز فراموش کرده اند و تنها به مدرک مي انديشند . گرچه برخی از

۱. منية المرید، جمال الدين محمد مکی (شهيد ثاني)، انتشارات دفتر تبليغات اسلامي، قم، چاپ اول، ۱۴۰۹ق، ص ۱۱۱



گذشته است، کسانی هستند که خواستگاران خود را به بهانۀ ادامه تحصیل رد کرده اند.

این در حالی است که اسلام نه تنها مخالف علم آموزی خانمها نیست؛ بلکه به نظر می رسد برای اداره خانوادۀ متعالی و تربیت فرزندان، سواد و دانش زن در اولویت قرار دارد؛ اما این علم آموزی در حین و پس از ازدواج نیز می تواند ادامه یابد، چنان که بسیاری از بانوان پس از ازدواج، سطوح دکتر را نیز سپری کرده اند و با پشتکار، علاوه بر حفظ انسجام خانواده و مدیریت خانه، در فعالیت بیرون نیز موفق شده اند.

#### ۶. مسابقه در خودآرایی و خودنمایی

«تبرج» به معنی آشکار شدن (زینتها) در برابر مردم است و از ماده «برج» گرفته شده که در برابر دیدگان همگان ظاهر است. به همین خاطر

به ساختمانهای برجسته و بلند «برج» گفته می شود. قرآن کریم در سوره احزاب به زنان پیامبر (ص) امر می فرماید: **قُرْنٌ فِي بُيُوتِكُنَّ وَلَا تَبَرَّجْنَ تَبَرُّجَ الْجَاهِلِيَّةِ الْأُولَى**؛ «و در خانه هایتان قرار گیرید، و همچون دوران جاهلیت نخستین (در میان مردم با زینت) ظاهر نشوید!»

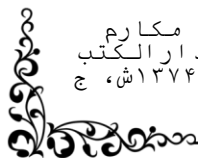
بدون شك این يك حكم عام است و تكيه آیات بر همسر ان پیامبر (ص) به عنوان تأکید می باشد.

دوم اینکه حضور بانوان در جامعه و بیرون از منزل نباید به گونه ای باشد که همانند برج - که نگاه همگان را به سوی خود جذب می کند - مردان را خیره کند.

و سوم اینکه تعبیر «جاهلیت اولی» نشان می دهد که جاهلیت دیگری نیز هست که ما

۱. احزاب/ ۳۳.

۲. تفسیر نمونه، مکارم شیرازی و همکاران، دارالکتب الاسلامیه، تهران، ۱۳۷۴ش، ج ۱۷، ص ۲۹۰.



آلودگی به بی عفتی با بی حجابی، برهنگی و خودآرایی در انظار عموم رابطه مستقیمی دارد، حتی طبق بعضی از آمارهای مستند، هر قدر این مسئله تشدید شود، به همان نسبت آلودگی به بی عفتی بیش تر می شود. عدم توجه به این

دستور مهم اسلامی سبب می شود که گروهی از زنان، در مسابقه بی پایان خودآرایی و خودنمایی، در نشان دادن اندام خود و تحریک مردان هوسباز شرکت کنند. این امر در عصر و زمان ما که به خاطر گرفتاریهای تحصیلی و اقتصادی سن ازدواج بالاتر رفته و قشر عظیمی از جامعه را جوانان مجرد تشکیل می دهند، آثار بسیار زیانبار تری دارد.<sup>۲</sup>

و باز پیروز این مسابقه، شیطان است؛ چراکه او زشتیها را زیبا جلوه می دهد تا مفاسد اخلاقی را بین

امروز در عصر خود آثار این پیش گویی قرآن در دنیای متمدن مادی را می بینیم. در اسلام، نه تنها جاهلیت و خودنمایی زنان پیش بینی شده؛ بلکه خودنمایی مردان نیز ذکر گردیده است. رسول خدا (ص) می

فرماید: «يَا ابْنَ مَسْعُودٍ سَيَأْتِي بَعْدِي أَقْوَامٌ وَ يَتَزَيَّنُونَ بِزِينَةِ الْمَرْأَةِ لِرُؤُوسِهَا وَ يَتَبَرَّجُونَ تَبَرُّجَ النِّسَاءِ؛<sup>۱</sup> ای ابن مسعود! به زودی اقوامی بعد از من می آیند... که زینت می کنند همچون زنی که خود را برای شوهرش می آراید، و چون زنان خودنمایی می کنند.»

بی شك، یکی از اموری که به شهوت جنسی دامن می زند «برهنگی و خودآرایی زنان و مردان» برای یکدیگر است که تأثیر آن، به خصوص در میان جوانان مجرد، قابل انکار نیست، به گونه ای که می توان گفت:

۲. برگرفته از اخلاق در قرآن، ناصر مکارم شیرازی، انتشارات امام علی بن ابیطالب %، قم، چهارم، ۱۳۸۷ ش، ج ۲، ص ۳۲۸.

۱. مکارم الأخلاق، طبرسی، مؤسسه اعلمی، بیروت، ۱۳۹۲ ق، ص ۴۴۹.





وسایل به درستی استفاده می کنند، افراد بسیاری نیز از این امکانات برای گمراهی انسانهای مؤمن و خداپرست بهره می گیرند. به همین خاطر شیاطین بزرگ با اختصاص بودجه های سرسام آور، شبکه های ماهواره ای مبتذل را تقویت می کنند تا با جذب مخاطبین بیش تر، بر انحراف آنان افزوده و موجب شکاف و تفرقه بین مسلمانان شوند. گفتنی است: این اقدامات، اتفاق جدیدی نیست؛ بلکه تاریخ بشر نشان می دهد که هرگاه قدرتهای حاکم می خواهند جامعه ای را تحت سلطه خود قرار دهند و آن را استثمار نمایند، تلاش می کنند تا روح و معنویت جامعه را فاسد کرده، برای این منظور تسهیلات شهوت رانی را در آن جامعه زیاد کنند و آنها را به فساد و شهوت رانی ترغیب نمایند.

انسانها رواج دهد و به این سوگند خود پایبند بماند که :  
**[قَالَ فَبِعِزَّتِكَ لأُغْوِيَنَّهُمْ أَجْمَعِينَ إِلَّا عِبَادَكَ مِنْهُمُ الْمُخْلَصِينَ]**<sup>۱</sup> «گفت: به عزتت سوگند! تمام آنان را گمراه خواهم کرد، مگر بندگان خالص تو از میان آنها!»

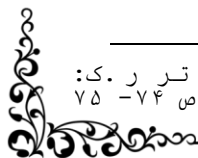
#### ۷. مسابقه در گمراهی

قرن حاضر، قرن تکنولوژیهای نوین است که گستردگی و تنوع استفاده های از آن با گذشته قابل مقایسه نیست. ماهواره، اینترنت، موبایل و... از جمله امکاناتی هستند که دورترین نقاط جهان را به یکدیگر متصل کرده و به يك دهکده جهانی تبدیل کرده است.

امروزه دسترسی به اطلاعات، سهولت در ارتباطات و پیام رسانی جهانی در چرخه لحظه، از فواید تکنولوژیهای جدید است؛ اما به همان میزان که بسیاری از انسانها از این

۲. برای اطلاعات بیش تر ر.ک: مجموعه آثار، ج ۲۶، ص ۷۴-۷۵

۱. ص / ۸۲ - ۸۳ ..



اما سخن در این است که چرا در زمانی که دشمنان اسلام با حرص و ولع خاصی برای به انحراف کشاندن مسلمانان مسابقه گذاشته اند و هر یک برای آلوده کردن مسلمانان تلاش می کنند و برای رسیدن به اهداف شوم خود بیشترین شبکه های مبتذل را به زبان فارسی و عربی اختصاص داده اند، برخی پیروان اهل بیت ( آنان را همراهی کرده، با استفاده از تجهیزات م اهواری، کردار ناپسند آنان را تأیید می کنند؟ توجه به این نکته نیز ضروری است که هر نوع استفاده از برنامه های گمراه کننده این افراد، چه از طریق ماهواره یا اینترنت یا موبایل و یا هر وسیله دیگری، افزون بر حرمت و

نافرمانی الهی، نمودی از رضایت از فعالیت آنان و تشویق برنامه آنها می باشد.

حضرت علی (ع) می فرماید: «الرَّاضِي بِفِعْلِ قَوْمٍ كَالِدَاخِلِ مَعَهُمْ فِيهِ وَ عَلَى كُلِّ دَاخِلٍ فِي بَاطِلٍ إِثْمَانٍ إِثْمُ الْعَمَلِ بِهِ وَ إِثْمُ الرِّضَا بِهِ؛ کسی که به کار گروهی خشنود باشد، مانند این است که داخل آن کار بوده (با ایشان همراه بوده) و بر کسی که به باطلی روی آورد، دو گناه باشد؛ گناه انجام باطل، و گناه خشنودی به آن.»

به راستی، در زمانی که ایران اسلامی در تحریم همه جانبه قرار گرفته است؛ چرا شبکه های مبتذل، اینترنت و امکانات جدید گوشیهای همراه که برای به انحراف کشیده شدن جامعه روز به روز به تنوع آنها افزوده می شود، در

که قضایای کشور مسلمان اندلس (اسپانیای فعلی) و نفوذ استعمار در آن نقل شده است  
۱. [و تری كثيراً مئنه م يُسارعون في الإثم و العُدوان]؛ «بسیاری از آنان را می بینی که در گناه و تعدی، و خوردن مال حرام، شتاب می کنند!»  
مأده/ ۶۲.

۲. نهج البلاغه، تدوین سید محمد حسین موسوی (شریف رضی)، ترجمه محمد دشتی، مؤسسه تحقیقاتی امیرالمؤمنین ۰٪، بوستان کتاب، قم، حکمت ۱۵۴.

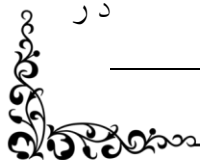


فرماید: [فَلَمَّا نَسُوا  
 مَا ذُكِّرُوا بِهِ فَتَحْنَا  
 عَلَيْهِمُ أَبْوَابَ كُلِّ شَيْءٍ  
 حَتَّىٰ إِذَا فَرَجُوا بِمَا  
 آوَتْهُمُ أَخَذْنَا مِنْ بُعْثَةِ  
 فَإِذَا هُمْ مُبْلِسُونَ]؛<sup>۲</sup>  
 «(آری) هنگامی که  
 (اندرزها سودی  
 نبخشید و) آنچه را  
 به آنها یادآوری شده  
 بود، فراموش کردند،  
 درهای همه چیز (از  
 نعمتها) را به روی  
 آنها گشودیم تا  
 هنگامی که خوشحال  
 شدند به آنچه به  
 ایشان دادیم، ناگهان  
 آنها را گرفتیم (و)  
 سخت مجازات شان  
 کردیم (در این  
 هنگام، همگی مایوس  
 شدند (و درهای امید  
 به روی آنها بسته  
 شد).»  
 خلاصه آنکه در  
 مسابقات شیطانی،  
 علاوه بر آنکه محور  
 تمام برنامه ها  
 شیطان است، تمام  
 شرکت کنندگان این  
 مسابقات نیز از پیش  
 بازنده اند و سخت  
 ترین زمان برای آنان  
 در این مسابقات  
 زمانی است که در

لیست تحریمها قرار  
 نمی گیرند؟  
 امام صادق (ع) به  
 شیعیان چنین توصیه  
 می فرماید که: «أَوْحَى  
 اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ إِلَى نَبِيِّ مِنْ  
 أَنْبِيَائِهِ قُلْ لِلْمُؤْمِنِينَ  
 لَا يَلْبَسُوا لِبَاسَ أَعْدَائِي  
 وَلَا يَطْعَمُوا مَطَاعِمَ  
 أَعْدَائِي وَلَا يَسْلُكُوا  
 مَسَالِكَ أَعْدَائِي  
 فَيَكُونُوا أَعْدَائِي كَمَا  
 هُمْ أَعْدَائِي؛ خداوند  
 به پیامبری از  
 پیامبران ش وحی کرد:  
 به مؤمنان بگو: لباس  
 دشمنان مرا نپوشند و  
 غذای دشمنان مرا  
 نخورند و به راه  
 دشمنان من نروند تا  
 مانند آنان دشمن من  
 نشوند.»  
 متأسفانه برخی از  
 ناآگاهان، نه تنها  
 از وسایل نشر ابتذال  
 و شیوه و روش دشمنان  
 اسلام و اهل بیت  
 (پیروی می کنند؛ بلکه  
 دیگران را نیز بر  
 استفاده از آن تحریک  
 و تشویق می نمایند.  
 قرآن کریم دربارۀ  
 علت زندگی گناه آلود  
 و رفاه زدگی آنان می

۱. من لا یحضره الفقیه، شیخ  
 صدوق، ج ۱، ص ۲۵۲.

۲. الانعام/ ۴۴.



و قوی تشویق و ترغیب می کند؛ زیرا کسی که بدنی ضعیف و بیمار داشته باشد، نه تنها قادر به مقابله با دشمن و احقاق حق از مظلوم نخواهد بود؛ بلکه حتی برای به جا آوردن واجبات و عبادات نیز با کاستی و نقصان همراه خواهد بود.<sup>۲</sup>

در سیره رهبران دینی، از جمله امیرمؤمنان (ع) و یاران ایشان مشاهده می کنیم که همگی دارای قدرت بدنی بالا بوده و چنین قدرتی را در راه صحیح و جهت مثبت آن صرف می کرده اند. قرآن کریم می فرماید: **[وَأَعِدُوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ وَمِنْ رِبَاطِ الْخَيْلِ تُرْهِبُونَ بِهِ عَدُوَّ اللَّهِ وَ عَدُوَّكُمْ]**<sup>۳</sup>؛ «هر نیرو و قدرتی دارید، برای مقابله با آنها [دشمنان] آماده سازید! و (همچنین)

قیامت به شیطان اعتراض می کنند و او را مسئول گمراهی خویش می شمارند؛ اما او در پاسخ می گوید: **[إِنَّ اللَّهَ وَعَدَكُمْ وَعَدَ الْحَقُّ وَ وَعَدْتُكُمْ فَأَخْلَفْتُكُمْ وَ مَا كَانَ لِي عَلَيْكُمْ مِنْ سُلْطَانٍ إِلَّا أَنْ دَعَوْتُكُمْ فَاسْتَجَبْتُمْ لِي فَلَا تَلُمُونِي وَ لَوْلَا أَنْفُسُكُمْ مَا أَنَا بِمُصْرِخِكُمْ وَ مَا أَنْتُمْ بِمُصْرِخِي]**؛<sup>۱</sup> «خداوند به شما وعده حق داد و من به شما وعده (باطل) دادم، و تخلف کردم! من بر شما تسلطی نداشتم، جز اینکه دعوتتان کردم و شما دعوت مرا پذیرفتید! بنابراین، مرا سرزنش نکنید و خود را سرزنش کنید! نه من فریادرس شما هستم، و نه شما فریادرس من!»  
مسابقات ورزشی

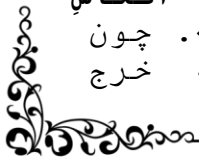
نیاز بشر به ورزش و تربیت بدنی بر کسی پوشیده نیست. بر اساس چنین نیازی است که دین مبین اسلام همواره پیروانش را به داشتن بدنی سالم

۲. امام علی(ع) در دعای کمیل به خداوند عرضه می دارد: «قُوَّةً عَلَيَّ خِدْمَتِكَ جَوَارِحِي»؛ اقبال الاعمال، سید بن طاووس، دار الکتب الاسلامیه، تهران، ۱۳۶۷ش، ص ۷۰۹.  
۳. انفال/۶۰.



رهگذر هم استعمار  
 وقت ارزشمند جوانان  
 بسیاری را به هدر می  
 دهد و از ورزش  
 استفاده های سیاسی  
 لازم را می برد؛  
 چراکه تنها عشق به  
 ورزش خاص و طرفداری  
 از تیم خاص و تماشای  
 ورزشکاران و تشویق  
 کردن آنان نمی تواند  
 انسان مسلمان را  
 توانمند و قوی سازد.  
 داستان معروف  
 پوریای ولی که یکی  
 از پهلوانان دنیاست  
 و ورزشکاران او را  
 مظهر فتوت، مردانگی  
 و عرفان می دانند،  
 طوری خودش را در  
 مقابل آن حریف سست  
 کرد که وی او را به  
 زمین زد و روی سینه  
 اش نشست. نوشته اند  
 که در همان وقت  
 احساس کرد که گویی  
 خدای متعال قلبش را  
 باز کرد، ه، گویی  
 ملکوت را با قلب خود  
 می بیند؛ زی را یک  
 لحظه با نفس خود  
 جهاد کرد و از  
 اولیاء الله شد؛ چون  
**«الْمَجَاهِدُ مِنْ جَاهِدِ  
 نَفْسَهُ»**، و **«اشْحَجُ النَّاسِ  
 مِنْ غَلَبِ هَوَاهُ»**. چون  
 قهرمانی ای به خرج

اسبهای ورزیده (برای  
 میدان نبرد)، تا به  
 وسیله آن، دشمن خدا  
 و دشمن خویش را  
 بترسانید!»  
 به یقین توانایی  
 جسمی یکی از مهم  
 ترین مسائل برای  
 مقابله با دشمن است.  
 بر این اساس، افزون  
 بر آنکه ورزشهای  
 مورد تشویق اسلام بیش  
 تر جنبه رزمی دارد،  
 دستور مهم فقهی اسلام  
 در زمینه مسابقات  
 تیراندازی، شنا و  
 اسب سواری که حتی  
 برد و باخت مالی را  
 در زمینه آن تجویز  
 کرده و مسلمانان را  
 به انجام این  
 مسابقات دعوت نموده  
 است، نمونه دیگری از  
 بینش عمیق اسلام در  
 آماده کردن مسلمین  
 در برابر دشمن است.  
 ولی متأسفانه  
 امروزه مسئله ورزش و  
 تربیت بدنی با آن  
 جایگاه رفیع یاد  
 شده، هدف مقدس خویش  
 را دنبال نمی کند و  
 تمام همت بسیاری از  
 بازیکنان، پیروزی در  
 مسابقات و برخی دیگر  
 نیز پر کردن جیبهای  
 خود است و از این



أَقْوَاكُمْ الَّذِي إِذَا رَضِيَ  
لَمْ يُدْخِلْهُ رِضَاهُ فِي إِيْمٍ  
وَلَا بَاطِلٍ وَ إِذَا سَخِطَ  
لَمْ يُخْرِجْهُ سَخِطُهُ مِنْ قَوْلِ  
الْحَقِّ وَ إِذْ مَلَكَ لَمْ  
يَتَّعَاطَ مَا لَيْسَ لَهُ؛<sup>۲</sup>

تواناترین و قوی  
ترین انسان کسی است  
که وقتی خشنود است،  
خرسندیش او را به  
گناه و باطلی  
نکشاند، و چون  
خشمگین شود، خشمش او  
را از حق باز ندارد،  
و چون توانمند گردد،  
به هر چه مباح و  
سزاوار نباشد، دست  
نیالاید.»

#### مسابقات غیر ورزشی

مسابقات غیر ورزشی  
شامل مسابقات مختلفی  
می شود که توسط  
افراد حقیقی و  
حقوقی، نهادها و  
ارگانها و ... با  
اهداف مختلف علمی،  
آموزشی، فرهنگی،  
اجتماعی، سیاسی و  
اقتصادی برگزار می  
شود و ما در صدد  
بیان آثار این  
مسابقات نیستیم؛ ولی  
در آنها نیز برد با  
کسی است که در میدان  
شیطان و برای او  
بازی نکند، در چنین

داد، بالاتر از تمام  
قهرمانیها و همان  
طور که پیغمبر  
اکرم (ص) فرمود:  
زورمند و قوی آن کسی  
نیست که وزنه ای را  
بلند کند؛ بلکه آن  
کسی است که در میدان  
مبارزه با نفس اماره  
پیروز شود.<sup>۱</sup>

بنابراین، اولاً هدف  
از ورزش، تأمین  
سلامتی و آمادگی  
جسمانی است و  
مسابقات ورزشی نیز  
با چنین هدفی  
پسندیده اند، و  
ثانیاً ورزشکار کسی  
است که در کنار قوای  
بدنی، دارای اخلاق  
پسندیده باشد.

رسول خدا (ص) از  
کنار گروهی می گذشت  
که در برداشتن سنگی  
مسابقه می دادند. از  
آنان علت کارشان را  
جویا شد. گفتند: می  
خواهیم مقاوم تر و  
نیرومندترم ان را  
بشناسیم، حضرت  
فرمود: آیا مقاوم تر  
و نیرومندتری را به  
شما نشان ندهم؟ عرض  
کردند: چرا یا رسول  
الله! فرمود: «أَشَدُّكُمْ وَ

۲. من لا یحضره الفقیه، ج ۴،  
ص ۴۰۷.

۱. برگرفته از مجموعه آثار،  
ج ۲۳، صص ۵۹۲ - ۵۹۳.



صورتی است که برنده  
واقعی خواهد شد.

ادامه دارد...





۴

برخی از ویژگیهای یک گفتگوی سالم از نگاه دین

خداداد شمس الدینی

عیب و هدرس نهفته باسد  
عیب و هنر انسانها  
مخفی و مکتوم است؛  
ولی گاهی با تکلم،  
آشکار می شود .  
چنانچه عزیز مصر پس  
از آنکه حضرت  
یوسف (ع) صحبت کرد،  
پس به عقل و درایت  
یوسف پرد: **فَلَمَّا كَلَّمَهُ  
قَالَ إِنَّكَ الْيَوْمَ لَدِينَا  
مَكِينٌ أَمِينٌ**؛<sup>۲</sup> «پس چون  
با او صحبت کرد،  
گفت: تو امروز نزد  
ما با منزلت و امین  
هستی.»

شهد مطهري ! در  
اهمیت سخن گفتن می  
فرماید: «اینکه

ترین وسیله تبادل  
اطلاعات بین انسانها،  
سخن گفتن است که  
گذشته از انتقال  
معنا و مراد ،  
دربردارنده حالات  
مختلف انسان بوده ،  
امور دیگری را نیز  
منتقل می سازد .  
اموری همانند: محبت  
و نفرت، تکریم و  
تحقیر، احترام و  
استخفاف و ... در  
واقع سخن گفتن  
نشانگر شخصیت افراد  
نیز هست: <sup>۱</sup>

۱. «تَكَلَّمُوا تَغْرِفُوا فَإِنَّ الْمَرْءَ  
مَخْبُوءٌ تَحْتَ لِسَانِهِ؛ سخن بگویند  
تا شناخته شوید؛ چراکه شخصیت  
انسان در زیر زبان او نهفته  
شده است.» نهج البلاغه، سید  
رضی، نشر هجرت، قم، ۱۴۰۹ ق،  
کلمات قصار، کلمه ۳۹۲.



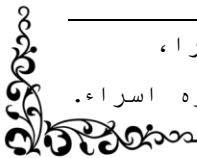


بسیاری از اختلافات بشر از بی توجهی به رعایت مهارت‌های گفتگو است، بگونه ای که گاهی ممکن است دو نفر در اثر به کار بردن الفاظ یا عبارات نادرست، سالها با هم ارتباطی تیره و تار داشته باشند. در محیط خانوادگی نیز رابطه ای کلامی که باید بر مبنای محبت و صمیمیت - طبق دستور الهی - باشد، به کینه و عدوات که گام شیطان است، تبدیل شود.<sup>۳</sup> اما رعایت چه نکاتی باعث برقراری ارتباط کلامی موفق می شود؟ چه آداب و اخلاقی لازم است تا شیطان در گفت و شنود ما دخالت نداشته باشد؟ برخی ویژگیهای گفتگوی موفق چیست؟ گاهی کلام به خاطر برطرف کردن نیاز عادی صورت می گیرد و گاهی برای بحث، گفتگو و استدلال؛ یعنی برای اثبات یک

انسان با حیوانها متفاوت است، به موجب همان استعدادی است که در او برای گفتن و نوشتن نهفته شده است؛ یعنی اگر همین يك استعداد را از انسان بگیریم، انسان با حیوانات فرقی نمی کند. اگر بیان و قلم نبود، انسان تا دامنۀ قیامت همان وحشی اولیه بود و محال بود به اصطلاح امروز، فرهنگ و تمدن به وجود بیاید؛ چون فرهنگ محصول تجارب بشر است. با بیان، انسان آنچه را که تجربه می کند و می آموزد، به همزبانهای خودش منتقل می کند که قلم هم این خاصیت را دارد؛ چنانچه امام علی (ع) می فرمایند: «مَا الْإِنْسَانُ لَوْ لَا اللِّسَانُ إِلَّا ضُورَةٌ مُمَثَّلَةٌ، أَوْ بِهِمَةٌ مُهْمَلَةٌ»<sup>۱</sup>؛ اگر زبان نبود، انسان چیزی نبود جز يك مجسمه یا حیوان رها شده در بیابان»<sup>۲</sup>

۱. غرر الحکم و درر الکلم، عبد الواحد تمیمی آمدی، دار الکتاب، قم، ۱۴۱۰ ق، ص ۶۹۶.  
۲. آشنایی با قرآن، مرتضی

مطهری، انتشارات صدرا، تهران، ۶، ص ۱۶.  
۳. مضمون آیه ۵۳ سوره اسراء.



الْمُؤْمِنِ مِنْ وَرَائِهِ  
قَلْبِهِ... لِأَنَّ الْمُؤْمِنِ  
إِذَا أَرَادَ أَنْ يَتَكَلَّمَ  
بِكَلَامٍ، تَدَبَّرَهُ فِي نَفْسِهِ  
فَإِنْ كَانَ خَيْرًا أَبْدَاهُ وَ  
إِنْ كَانَ شَرًّا وَارَاهُ ۲

زبان مؤمن پشت قلب  
اوست مؤمن چون  
بخواهد سخنی گوید ،  
درباره آن در دل  
خود اندیشه نماید ؛  
اگر خیر باشد ،  
آشکارش کند، و اگر  
شر باشد ، نهفته اش  
دارد.»

۴. عبارت «تَدَبَّرَ فِي  
نَفْسِهِ» مهم ترین بخش  
کلام آن حضرت است و  
در کتب لغت «تدبیر»  
را به معنای «با دقت  
نگریستن به آنچه که  
عاقبت امر باز می  
گردد»، گرفته اند. ۳  
یعنی نتیجه تدبیر و  
تفکر، در عاقبت امر  
انسان است. این واژه  
یادآور حدیث شریف  
پیامبر گرامی  
اسلام (ص) است که  
ابو حمزه ثمالی آن را  
از امام باقر (ع) نقل  
می کند : «إِذَا هَمَمْتُ

مطلب به شکل مناظره  
و گفتگو . در اینجا  
به برخی از روشهای  
گفتگوی موفق اشاره  
می شود :

### ۱. درخواست از خداوند

اولین مورد برای  
شروع گفتگو این است  
که از خداوند کمک  
بخواهیم ؛ چراکه او  
خالق بیان است و  
مالکیت کلام و امام  
علی (ع) می فرماید :  
«أَخْلَصَ لِلَّهِ عَمَلُكَ وَعِلْمُكَ  
وَ حُبُّكَ وَ بُغْضُكَ وَ أَخَذُكَ  
وَ تَرْكُكَ وَ كَلَامُكَ وَ  
صُمْتُكَ ۱» عمل، علم،

بغض، گرفتن و  
وانهادن، کلام و  
سکوتت را برای خدا  
خالص کن!

### ۲. تفکر قبل از تکلم

اعمال و رفتار  
انسان بیانگر افکار  
اوست. یعنی آنچه که  
به ذهن و فکر انسان  
می رسد، اعمال او را  
تشکیل می دهد ؛  
بنابراین داشتن کلام  
پسندیده و زیبا،  
مستلزم تفکر پسندیده  
و مثبت است، چنانچه  
حضرت علی (ع) می  
فرمایند : «لِسَانُ

۲. نهج البلاغه، خطبه ۱۷۶.  
۳. مفردات الفاظ قرآن، راغب  
اصفهائی، نشر مرتضوی، تهران،  
۱۳۷۴ ش، ج ۱، ص ۶۵۷.

۱. عیون الحكم و المواعظ،  
لیثی واسطی، دارالحدیث، قم،  
۱۳۷۶ ش، ص ۸۲.

بِأَمْرِ فَتَدَبَّرَ عَاقِبَتَهُ  
فَإِنْ يَكُ خَيْرًا أَوْ رُشْدًا  
اتَّبَعْتَهُ وَ إِنْ يَكُ شَرًّا  
أَوْ غِيًّا تَرَكْتَهُ<sup>۱</sup>؛ هر  
آهنگ کاری کردی، در  
سرانجام آن بیندیش؛  
اگر درست و خیر بود  
انجام بده و اگر شر  
شد و بدی بود آن را  
ترک کن.»

یعنی همانطور که  
تدبّر در عاقبت امر و  
پیامد اعمال، ضروری  
است، تفکّر در گفتار  
که نوعی عمل است نیز  
ضروری می باشد.

### ۳. دقت در نحوه تکلم

در ارتباط بین دو  
انسان کلمات و واژه  
ها نقش مهمی دارند؛  
گاه برخی کلمات روح  
انسان را خراش می  
دهد و موجب ایجاد  
شکاف در روابط و زخم  
در دل انسان ها می  
گردد که گاهی این  
زخمها کاری تر و  
ماندگارتر از زخم  
شمشیرند.

امام علی (ع)  
فرمود: «رُبَّ كَلَامٍ أَنْفَدَ  
مِنْ سِهَامٍ<sup>۲</sup>؛ بسا سخنی که

از تیرها کارگرتر  
است.» اثر کلمات را  
نباید ساده فرض کرد؛  
چون عالم بر سر حرف  
می چرخد و گفتار نیز  
جز عمل انسانه است:

[مَا يَلْفِظُ مِنْ قَوْلٍ إِلَّا  
لَدَيْهِ رَقِيبٌ عَتِيدٌ]<sup>۳</sup>؛

«هیچ سخنی بیان نمی  
شود، مگر اینکه دو  
ملک رقیب و عتید  
آنها را ثبت می  
کنند.»

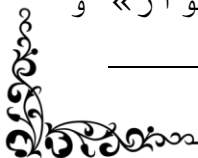
به طور کلی،

ارتباط گفتاری و  
رفتاری بین انسانها  
بر دو بینش «تکریم»  
یا «تحقیر» شخصیت  
یکدیگر صورت می  
گیرد. از دیدگاه  
قرآن کریم، ارتباطی  
سالم است که بر پایة  
تکریم شخصیت، عزّت  
نفس و احترام متقابل  
افراد صورت گیرد.

کلام دارای دو بخش  
است: یکی قالب و  
دیگری محتوا. مراد  
از قالب، آهنگ سخن  
است و مراد از  
محتوا، معنا و  
مفهوم. کلام به لحاظ  
آهنگ، یا «گوش خراش»  
است یا «گوش نواز» و

۱. وسائل شیعہ، ش یخ حر  
عاملی، مؤسسه آل البیت، قم،  
۱۴۰۹ ق، ج ۱۵ ص ۲۸۲.  
۲. غرر الحکم و درر الکلم، ص  
۳۸۲.

۳. ق / ۱۸.



به لحاظ محتوا یا «دل نواز» است یا «دل خراش». کلام گوش خراش، عاطفه منفی را بر می انگیزد و سخن گوش نواز، عاطفه مثبت. از این رو، لحن نرم، ملایم و ملاطفت آمیز در سخن گفتن می تواند در تقویت مودت و صمیمیت فیما بین، نقش مهمی داشته باشد. سخن دل نواز نیز سخنی است که از نظر عاطفی، پیام آور محبت باشد، نه نفرت و از نظر شخصیتی موجب حرمت و تکریم باشد، نه تحقیر و توهین.<sup>۱</sup>

#### ۴. تناسب با سطح فهم و نیاز مخاطب

انسان در ارتباط با دیگران بایستی به سطح فهم و نیاز مخاطب توجه داشته باشد؛ چراکه عدم توجه به این اصل، گوینده را از مقصود خویش - که همان رساندن پیام به مخاطب است - باز می دارد. هنگامی مخاطب

تحمّل شنیدن را در خود ایجاد می کند که مطالب متکلف م، به فراخور فهم و نیاز او باشد؛ وگرنه احساس خستگی و بیگانگی از گفته های گوینده را در خود حس می کند. براساس همین اصل محوری، پیام آوران الهی در مرحله نخست به زبان قوم خویش سخن می گفتند.<sup>۲</sup> رسول خدا (ص) فرموده است: «إِنَّا مَعَاشِرَ الْأَنْبِيَاءِ أُمِرْنَا أَنْ نَكَلَّمَ النَّاسَ عَلَى قَدْرِ عُقُولِهِمْ؛ ما گروه پیامبران مأموریم تا با مردم به اندازه [درك و] عقلشان سخن گوییم.»

پس سخن با هر کسی باید در حد فهم و گیرایی او باشد. ایراد سخنان غامض و پیچیده - متأسفانه گاه به منظور اظهار فضل، برتری جویی و... به طرح مسائلی پیچیده به زبان سخت و به

۲. [وَمَا أَرْسَلْنَا مِنْ رُسُولٍ إِلَّا بِلِسَانٍ قَوْمِهِ لِيُبَيِّنَ لَهُمْ]؛ «ما هیچ پیامبری را جز به زبان قومش نفرستادیم تا (حقایق را) برای آنها آشکار سازد.» ابراهیم/ ۵.

۱. مقاله چستی حسن خلق، مجله علوم حدیث پسندیده، شماره ۶۶ (با کمی دخل و تصرف).



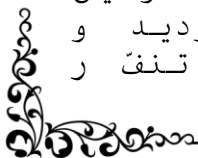
مضاعف برخوردار است؛  
 زیرا درك محدود و  
 اطلاعات اندك آنان  
 نیازمند گشودن زبان  
 کودکی با آنان است.  
**۵. رعایت احترام**

از دیگر ویژگیهای  
 گفتگوی سالم، رعایت  
 ادب و احترام نسبت  
 به مخاطب است. حرمت  
 شکنی و بی احترامی،  
 حتی در نحوه صدا زدن  
 (مثل اسم کوچک طرف  
 را صدا کردن، یا در  
 نگاه کردن، نگاهی  
 آزار دهنده یا  
 تحقیرآمیز باشد)  
 برای مخاطب حالتی  
 روانی پدید می آورد،  
 آنگاه سخنان گوینده  
 را نمی پذیرد و آتش  
 خشم و تنفر از وی را  
 در درون خود شعله ور  
 می سازد. از این رو،  
 حفظ حرمت و ادب، حتی  
 در جای که طرف  
 مقابل، به آن  
 پایبندی ندارد، خیلی  
 مهم است.

وقت ی حضرت  
 ابراهیم (ع) در  
 گفتگویی منطقی و  
 احترام آمیز با  
 عمویش آزر، با توهین  
 او روبه رو گردید و  
 فریاد تهدید و تنفر

زبان خاص بیان می  
 شود - بسیاری از  
 مخاطبین را از  
 دریافت فیض معارف  
 الهی محروم می کند.  
 برخی از سخنرانان یا  
 خطیبان از آیات و  
 روایات زیادی  
 استفاده می کنند،  
 درحالی که ترجمه  
 شایسته ای نمی کنند،  
 لذا مخاطبینی که با  
 معانی و کلام عربی  
 آشنایی ندارند،  
 مقصود گوینده را نمی  
 فهمند.

بعضی از سخنرانان  
 در برخی اوقات در  
 ابتدای منبر، بخشی  
 از خطبه های «نهج  
 البلاغه» را استفاده  
 می کنند یا در قنوت  
 یا سجده آخر نماز از  
 دعاهایی مثل ابوحمره  
 عباراتی را به کار  
 می برند؛ ولی در یک  
 دهه تبلیغ یکبار  
 ترجمه یا تفسیر آنها  
 به مستمعین گفته نمی  
 شود. چه اشکال دارد  
 اگر سخنران ترجمه یا  
 فلسفه آن عبارت را  
 بیان کند؟  
 توجه به مطلب یاد  
 شده، در گفتگو با  
 کودکان از ضرورتی



قرآن کریم در آیات:  
[وَ إِذَا مَرُّوا بِاللَّغْوِ  
مَرُّوا كِرَامًا] <sup>۲</sup> و [وَ إِذَا  
خَاطَبَهُمُ الْجَاهِلُونَ  
قَالُوا سَلَامًا] <sup>۳</sup> بیان  
کرده است.<sup>۴</sup>

از دیگر نشانه های  
احترام در گفتگو این  
است که انسانها  
یکدیگر را به بهترین  
نام خطاب کنند، نه  
اینکه بر یکدیگر لقب  
بد گذارده، همدیگر  
را کوچک کنند؛ چراکه  
استفاده از القاب و  
به طوری کلی، هر آفت  
زبانی، نوعی گام  
شیطان می باشد: [وَ قُلْ  
لِعِبَادِي يَقُولُوا الَّتِي  
هِيَ أَحْسَنُ إِنَّ الشَّيْطَانَ  
يَنزِعُ بَيْنَهُمْ إِنَّ  
الشَّيْطَانَ كَانَ لِلْإِنْسَانِ  
عَدُوًّا مُّبِينًا] <sup>۵</sup>؛ «به  
بندگانم بگو: سخنی  
بگویند که بهترین  
باشد! چراکه (شیطان)  
ب ه وسیله سخنان  
ناموزون، میان آنها  
فتنه و فساد می کند  
و همیشه شیطان دشمن  
آشکاری برای انسان  
بوده است!»

او را شنید، باز هم  
پاس حرمت او را نهاد  
و بزرگوارانه فرمود:  
[سَلَامٌ عَلَيْكَ سَأَسْتَغْفِرُ لَكَ  
رَبِّي إِنَّهُ كَانَ بِي  
حَفِيًّا] <sup>۱</sup>؛ «(ابراهیم  
گفت: سلام بر تو! من  
ب ه زودی از  
پروردگارم برایت  
تقاضای عفو می کنم؛  
چراکه او همواره  
نسبت به من مهربان  
بوده است!»

حضرت ابراهیم (ع)  
در مقابل تهدید او  
که گفت: دهری طولانی  
از من کناره بگیر،  
گفت: من از شما و  
این بت ها که می  
پرستید، کناره می  
گیرم.

اما اینکه سلام  
کرد؛ چون سلام کردن،  
دآب و عادت  
بزرگواران است که با  
تقدیم آن، جهالت پدر  
را تلافی کرد. او وی  
را به خاطر حرف حقی  
که زده بود، تهدید  
به رجم و طرد کرد؛  
ولی حضرت او را وعده  
امنیت و سلامتی و  
احسان داد. این همان  
دستور العملی است که

۲. فرقان / ۷۲.  
۳. همان / ۶۳.  
۴. ترجمه المیزان، ج ۱۴، ص ۷۹.  
۵. اسراء / ۵۳.

۱. مریم / ۴۲، ۴۶ و ۴۷.



### ۷. ذکر دلیل

برخی از مباحث قابل طرح به دلیل ایجاد سؤال برای مخاطب، نیاز به دلیل دارند. مثل گناه زشت «زنا» که می فرماید:

**[وَلَا تَقْرَبُوا الزَّوْجَ]**

**إِنَّهُ كَانَ فَاحِشَةً وَسَاءَ**

**سَبِيلًا<sup>۱</sup>؛** «و نزدیک زنا

نشوید که کار بسیار زشت و بد راهی است!»

شایسته است که

مبلغان محترم نیز در

بیان مطالبی که سؤال

برانگیزند، دلیل یا

فلسفه آن را نیز

بیان کنند که پذیرش

هرچه بیش تر مخاطب

را در پی داشته

### ۸. اعتماد

از عوامل مهم

ارتباط مؤثر و نفوذ

در مخاطب، کسب

اعتماد او به گفتار

و انگیزه گوینده

است. قرآن کریم در

داستان حضرت

ابراهیم (ع)، این

واقعیت را بیان کرده

است: هنگامی که جمعی

از فرشتگان برای

نابودی قوم لوط به

بدون رعایت احترام، نه تنها گفتگو تأثیر مثبتی ندارد؛ بلکه به تنشها و مشکلات می افزاید و متکلم را از مقصودش - که همان رساندن پیام و تأثیر در مخاطب است - باز می دارد.

### ۶. رعایت مقدمه، در صورت لزوم

برخی از موضوعات و درخواستها به دلیل

ثقیل بودن اصل مطلب،

برای شنونده و

خواننده نیاز به ذکر

مقدمه دارند، چنانچه

خدای متعال در بحث

ذکر آیات وجوب روزه،

همین مطلب را مراعات

کرده است؛ ولی در

موضوع وصیّت و قصاص

که برای مخاطبین

قابل قبول است، از

ذکر مقدمه خودداری

می کند.<sup>۱</sup> این کار

استیحاş و اضطراب

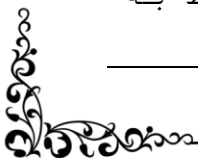
ذهن را از بین می

برد و در نتیجه به

موضوع علاقمند می

کند.

۱. المیزان، سید محمد حسین طباطبائی، مترجم: موسوی همدانی، دف تر انتشارات اسلامی، قم، ۱۳۷۴ش، ج ۲، ص ۵ (با تلخیص).



گفتگوی سالم، به نرمی سخن گفتن با مخاطب است؛ زیرا سخن گفتن با خشونت، آدمی را از مطلوب واقعی در گفتار - که همان تأثیرگذاری باشد - دور می کند. برای نفوذ در قلوب مردم (هرچند افراد گمراه و بسیار آلوده) نخستین دستور قرآن، برخورد ملایم و توأم با مهر و عواطف انسانی است و هر نوع توسل به خشونت مربوط به مراحل بعد است (که برخورد دوستانه اثر نگذارد). هدف آن است که مردم جذب و متذکر شوند، و راه را پیدا کنند یا از عواقب شوم کار خود بترسند.<sup>۲</sup> خداوند به حضرت موسی و برادرش هارون<sup>۳</sup> دستور می دهد که به سوی پادشاه قدرتمند و ستمگر ی همچون فرعون بروند؛ ولی او را با بیان و سخنی نرم و به دور از تندي و خشونت به

صورت ناشناس، نزد حضرت ابراهیم (ع) آمدند و از خوردن غذا خودداری ورزیدند، حضرت احساس بیگانگی و دلهره کرد و از گفتگو با آنان خودداری نمود؛ ولی پس از شناسایی و دریافت بشارت از آنان، باب گفتگو را درباره مأموریت آنان و شفاعت از قوم لوط گشود. هنگامی که ترس حضرت فرو نشست و به او بشارت رسید، درباره قوم لوط با آنه ا مجادله کرد.<sup>۱</sup> از این جریان بر می آید که پیش شرط گفتگوهای مؤثر و سازنده، ایجاد فضایی امن، همراه با اعتمادی متقابل است. البته لازمه کسب اعتماد، صداقت گوینده است، به طوری که برای شنونده، از روی قرائن یا شناخت قبلی کاملاً محسوس و ملموس باشد؛ چراکه به دروغگو هیچ گونه اعتمادی نیست.  
۹. به نرمی سخن گفتن از دیگر ویژگیهای

۲. تفسیر نمونه، مکارم شیرازی و همکاران، دار الکتب الاسلامیه، تهران، ج ۱۳، ص ۲۱۲ - ۲۱۳.

۱. هود / ۷۴.



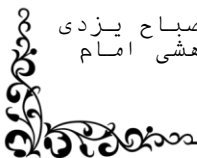


۱۰. صراحت و رسایی کلام  
 صراحت در سخن گفتن  
 نقطه مقابل گنگی،  
 ابهام و دوپهلوی  
 بودن سخن است. انسان  
 باید طوری مقصود  
 خویش را بیان کند که  
 نتوان بر آن معنای  
 دیگری را حمل کرد.  
 گاهی، به ویژه  
 سیاستمداران سخنان  
 دوپهل و می گویند،  
 به طوری که قابل  
 تفسیرهای مختلف باشد  
 و در نتیجه، فکر و  
 اندیشه درونی و نیت  
 باطنی و دوستی یا  
 دشمنی و مخالفت یا  
 موافقت آنان آشکار  
 نشود.<sup>۳</sup> در قرآن کریم  
 به این موضوع اشاره  
 شده و فرموده است:  
**[يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا  
 لَا تَقُولُوا رَاعِنَا وَ  
 قُولُوا انظُرْنَا وَ  
 اسْمَعُوا وَ لِكَافِرِينَ  
 عَذَابٌ أَلِيمٌ]**؛<sup>۴</sup> «ای  
 کسانی که ایمان  
 آورده اید! به  
 پیامبر نگویند:  
 مراعاتمان کن؛ بلکه  
 بگویند: ما را در  
 نظر بگیر، و این

سوی حق دعوت کنند :  
**[اَذْهَبَا إِلَىٰ فِرْعَوْنَ إِنَّهُ  
 طَغَىٰ \* فَقُولَا لَهُ قَوْلًا  
 لَّيِّنًا لَعَلَّهُ يَتَذَكَّرُ أَوْ  
 يَخْشَىٰ]**<sup>۱</sup> مطابق آیه،  
 عامل کارساز در دعوت  
 فرعون به سوی خدا،  
 به نرمی سخن گفتن  
 بیان شده است.  
 بر اساس این اصل  
 قرآنی، انسانها در  
 ایجاد ارتباط کلامی  
 مؤثر، ناگزیر از به  
 کارگیری این راهکار  
 قرآنی هستند. به  
 همین دلیل، آن  
 فرمانروای خودمحور  
 که خود را پروردگار  
 مردم می دانست و هیچ  
 سخن مخالفی را برنمی  
 تافت، در مقابل  
 سخنان نرم و  
 فروتنانه حضرت موسی  
 و هارون عکس العمل  
 مناسبی نشان داد و  
 نه تنها ارتباط کلامی  
 را با دستور خشن خود  
 قطع نکرد؛ بلکه به  
 ادامه ارتباط ن یز  
 متمایل گشت و به  
 سؤال دربارۀ خدای  
 موسی روی آورد.<sup>۲</sup>

۳. اخلاق در قرآن، مصباح یزدی  
 مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام  
 خمینی، قم، ۱۳۷۶ ش.  
 ۴. بقره / ۱۰۴.

۱. طه / ۴۳ و ۴۴.  
 ۲. فصلنامه پژوهشهای قرآنی،  
 مقاله: مهارت ارتباط کلامی،  
 مصطفی احمدزاده، ش ۴۴۶.



توصیه را بشنوید و  
برای کافران عذاب  
دردناکی است.  
علامه طباطبای! در  
تفسیر خود می نویسد:  
«یعنی به جای راعنا،  
بگویید: انظرنا، که  
اگر چنین نکنید،  
همین خود کفری است  
از شما، و کافران  
عذابی دردناک دارند،  
پس در این آیه نهی  
شدیدی شده از گفتن  
کلمه راعنا<sup>۱</sup>  
در واقع این آیه  
می خواهد بگوید:  
«توجه به انعکاس  
حرفها داشته باشید.  
اسلام به انتخاب واژه  
های مناسب، بیان  
سنجیده و نحوه طرح و  
ارائه مطلب توجه  
دارد.»<sup>۲</sup>

۱. ترجمه المیزان، ج ۱، ص ۳۷۴.  
۲. تفسیر نور، محسن قرائتی،  
مرکز درسهایی از قرآن،  
تهران، ج ۱، ص ۱۷۴.



سید جواد حسینی

برای بسیاری از ما دنیا تلاش می‌کنند، درس عبرتی باشد و در آخرت دچار این حسرتها نشود.

امیر مؤمنان

علي (ع) فرمودند: «وَمَا قَدَّمْنَا وَوَجَدْنَاهُ وَمَا أَنْفَقْنَاهُ رِيحَانًا وَمَا خَلَفْنَاهُ حَسْرَتًا»

...؛ و آنچه پیش

فرستادیم [برای

قیامت] آن را یافتیم

و آنچه [در راه خدا]

انفاق کردیم، سود

بردیم؛ ولی آنچه را

[از اموال] جا

گذاشتیم، خسارت

کردیم.»

توجه دادن به حسرتها

در اسلام تأکید شده

متعددی دارد که هر کدام به گوشه‌ای از وقایع قیامت اشاره

می‌کند؛ مثل: [يَوْمَ

تُبَلَى السَّرَائِرِ]؛ «روزی

که پرده‌ها کنار می

رود» و همه چیز

آشکار می‌شود. یا

«يَوْمَ الدِّينِ»؛ یعنی

روز جزا، «يَوْمَ عَظِيمٍ»

«ذَرَارِ الْقَارِعِ»، «يَوْمَ

الْآخِرِ» و...؛ یکی از

اسمهای قیامت «يَوْمَ

الحسرة» است که

انسان با کنار رفتن

پرده‌ها و روشن شدن

واقعیات اعمالش،

دچار حسرت شدیدی می

شود که قابل جبران

نیست.

قرآن و منابع

دینی، این حسرتها را

گوشزد کرده اند تا

۱. ارشاد القلوب، حسن بن ابی الحسن دیلمی، انتشارات شریف رضی، قم، چاپ اول، ۱۴۱۲ ق، ج ۱، ص ۱۹۷.

پرونده اعمال، قابل  
جبران نیست.  
عوامل حسرت در  
قیامت متعدد است که  
به اهم آنها اشاره  
می شود:

**الف) حسرت بر کوتاهی ها:**  
در قرآن کریم می  
خوانیم: [أَنْ تَقُولَ نَفْسُ  
يَا حَسْرَتِي عَلَى مَا  
فَرَّطْتُ فِي جَنْبِ اللَّهِ]؛<sup>۳</sup>  
«(مبادا) کسی بگوید:  
افسوس و حسرت بر من  
از کوتاهیها که در  
مسیر اطاعت خدا  
نمودم.»

در اینجا مراد از  
«جنب الله» تمام اموری  
است که به خدا مربوط  
می باشد و در جانب  
او قرار می گیرد؛  
یعنی فرامین الهی .  
در آیات قبل و بعد  
از آن مواردی ذکر  
شده است که نشان می  
دهد کوتاهی بر چه  
اموری بوده است . به  
عنوان نمونه:

#### ۱. کوتاهی به

**انجام توبه** : [وَ  
أَنِيبُوا إِلَى رَبِّكُمْ وَ  
اسْتَلِمُوا لَهُ مِنْ قَبْلِ أَنْ  
يَأْتِيَكُمْ الْعَذَابُ ثُمَّ لَا  
تُنصَرُونَ]؛<sup>۴</sup> «به سوی  
خدای خود [با توبه]  
بازگردید و تسلیم

است که مردم را  
متوجه حسرتها قیامت  
کنید و آنها را از  
این خطر عظیم  
برهانید.

قرآن کریم به  
پیامبر اکرم (ص) رسماً  
دستور می دهد: [وَ  
أَنْذِرْهُمْ يَوْمَ الْحَسْرَةِ إِذْ  
قُضِيَ الْأَمْرُ وَ هُمْ فِي  
غَفْلَةٍ وَ هُمْ لَا يُؤْمِنُونَ]؛<sup>۱</sup>  
«(و ای رسول ما) امت  
را از روز [غم و  
حسرت بترسان که آن  
روز، دیگر کارشان  
گذشته است و مردم  
سخت از آن روز غافل  
اند و به آن ایمان  
نمی آورند.»

و حضرت سجّاد (ع)  
عرضه می دارد: «وَ  
نَعُوذُ بِكَ مِنَ الْحَسْرَةِ  
الْعَظْمَى، وَ الْمُصِيبَةِ  
الْكُبْرَى؛<sup>۲</sup> پناه می برم  
به تو، از حسرت بزرگ  
و مصیبت بزرگ»

البته انسان در  
دنیا نیز ممکن است  
دچار حسرت شود؛ ولی  
نوعاً حسرتها دنیا  
تا حدّ زیادی قابل  
جبران است؛ اما  
حسرتها آخرت، به  
دلیل بسته شدن

۳. زمر/۵۶.  
۴. زمر/۵۴.

۱. مریم/۳۹.  
۲. الصحيفة السجادية، نشر  
الهادي، قم، اول، ۱۳۷۶ ش،  
دعای ۹، ص ۵۶.



خویشاوندانشان آنها را تسلیم [گور] کردند. «آن وقت است که دچار حسرت شدید می شوند که چرا توبه نکرده از دنیا رفتند.»

### ۲. کوتاهی در

هدایت پذیری : [أَوْ تَقُولُ لَوْ أَنَّ اللَّهَ هَدَانِي لَكُنْتُ مِنَ الْمُتَّقِينَ]؛<sup>۲</sup> «یا بگوید اگر خداوند مرا هدایت می کرد، اکنون از متقین بودم.»

### ۳. کوتاهی در

استفاده از عمر : [أَوْ تَقُولُ حِينَ تَرَى الْعَذَابَ لَوْ أَنَّ لِي كَرَّةً فَأَكُونَ مِنَ الْمُحْسِنِينَ]؛<sup>۳</sup> «یا آنکه چون عذاب خدا را مشاهد کنند، گویند : ای کاش بار دیگر به دنیا بازمی گشتیم و از نیکوکاران می شدیم.»

### ۴. کوتاهی در

پذیرش امامت : گاهی در روایات برای جنب الله مصادیقی بیان شده است، از جمله فرمود : «جَنَّبُ اللَّهِ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ وَكَذَلِكَ مَنْ كَانَ مِنْ بَعْدِهِ [مِنْ الْأَوْصِيَاءِ بِالْمَكَانِ الرَّفِيعِ إِلَى أَنْ يَنْتَهِيَ

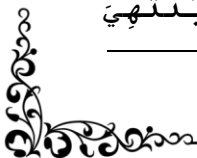
امر او شوید، پیش از آنکه عذاب قهر خدا فرا رسد، سپس یاری نشوید.»

امیر مؤمنان علی (ع) در نامه ای به یکی از اصحابش نوشت : «فَتَذَارِكُ مَا بَقِيَ مِنْ عَمْرِكَ وَلَا تَقُلْ عَدَا أَوْ بَعْدَ عَدٍ فَإِنَّمَا هَلَكَ مَنْ كَانَ قَبْلَكَ بِإِقَامَتِهِمْ عَلَى الْأَمَانِيِّ وَالنَّسْوِيفِ حَتَّى أَتَاهُمْ أَمْرُ اللَّهِ بَعَثَهُ وَهُمْ غَافِلُونَ فَتَقَلُّوا عَلَى أَعْوَادِهِمْ إِلَى قُبُورِهِمْ الْمُظْلِمَةِ الضُّيْقَةَ وَقَدْ الْأَهْلُونَ ؛<sup>۱</sup> پس باقی

مانده عمرت را دریاب و نگو فردا یا بعد از فردا [چنین خواهم کرد .] همانا انسان‌های قبل از تو، به خاطر آرزوها و به تأخیر انداختن‌ها هلاک شدند تا ناگهان امر خدا (مرگشان) فرا رسید و آنها غافل بودند، پس به روی چوب‌هایشان (تابوت‌هایشان) به سوی قبرهای تاریک و تنگ خود منتقل شدند و فرزندان و

۱. بحار الانوار، محمد باقر مجلسی، دارالکتب الاسلامیه، تهران، بی‌تا، ج ۷۰، ص ۷۵ - ۷۶.

۲. زمر/۵۷.  
۳. زمر/۵۸.



آمد آن را تکذیب کردی  
و راه تکبر و سرکشی  
پیش گرفتی و از زمرة  
کافران شدي . و روز  
قیامت کسانی را که بر  
خدا دروغ بستند،  
بنگري که رویشان سیاه  
شده است . آیا جای  
متکبران در جهنم  
نیست؟»

در این دنیا قرآن  
را تکذیب می کنند؛  
اما در روز قیامت که  
پرده ها کنار می رود  
و حقایق روشن می  
شود، هم حقیقت قرآن  
آشکار می گردد و هم  
حقیقت گناه تکذیب  
کنندگان قرآن، لذا  
متوجه می شوند چه  
گنج گران بهایی را از  
دست داده اند و چه  
خسارت عظیمی نموده  
اند . بنابراین،  
پشیمان شده، اظهار  
حسرت می کنند.  
(ج) حسرت جدایی از خوبان و  
رفاقت با بدان

در قرآن کریم می  
خوانیم: [و یوم یعص  
الظالم علی یدیه  
یقول یا لیتنی اتحدت  
مع الرسول سبی لا \* یا  
ویلتی لیتنی لم  
أتحد فلاناً خلیلاً \* لقد  
أضلنی عن الذکر بعد  
اذ جاءنی و کان  
الشیطان للإنسان

الأمر إلی آخرهم ؛  
«جنب الله امیر  
المؤمنین (ع) است و  
همچنین اوصیای بعد  
از او که مقام بلندی  
دارند تا به آخرین  
نفر آنها برسد.»  
(ب) حسرت بر تکذیب قرآن:  
قرآن می فرماید:

[و انه  
للمتقين و انا لنعلم  
ان منكم مکذبین و  
انه لحسرة علی  
الکافرين]؛ «این  
قرآن یادآوری برای  
پرواپی‌شگان است، و  
ما قطعاً می دانیم که  
بعضی از شما آن را  
تکذیب می کنید و این  
مایه حسرت کافران  
است.»

در آیه دیگری می  
خوانیم: [بلی قد  
جاءتک آیاتی فکذبت  
بها و استکبرت و کنت  
من الکافرين \* و یوم  
القیامة تری الذین  
کذبوا علی الله و جوههم  
مُسودة ا لیس فی جهنم  
مثنوی للمتکبرین]؛  
«آری (ای بیچاره) !  
آیات کتاب من (که  
البتّه برای هدایت تو

۱. نور الثقلین، علی بن جمعه  
حویزی، تحقیق رسول محلاتی،  
المطبعة العلمیة، قم، چاپ  
اول، ج ۴، ص ۴۹۵.  
۲. حاقّة/۴۸-۵۰.  
۳. زمر/۵۹ - ۶۰.



تا شهادت به وحدانیت خدا و رسالت من دهی، پس عقبه شهادتین را بر زبان جاری کرد. این خبر به گوش «ابی» رسید، گفت: ای عقبه! از آیینت منحرف شدی؟ او گفت: به خدا سوگند! من منحرف نشدم؛ ولكن مردی بر من وارد شد که حاضر نبود از غ ذایم بخورد، جز اینکه شهادتین بگویم، من از این شرم داشتم که او از سر سفره من برخیزد، بی آنکه غذا خورده باشد، لذا شهادت دادم. ابی گفت: من هرگز از تو راضی نمی شوم، مگر اینکه در برابر او بایستی و سخت توهین کنی! عقبه این کار را کرد و مرتد شد و سرانجام در جنگ بدر، در صف کفار به هلاکت رسید و رفیقش ابی نیز در روز جنگ احد کشته شد.<sup>۲</sup>

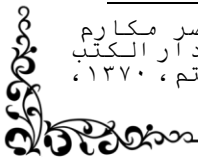
(د) حسرت بر اعمال ناپسند از آنجا که روز قیامت «یوم تبلی

خَذُولاً»؛<sup>۱</sup> «و روزی که (مردم) ظالم پشت دست حسرت را به دندان گرفته و گویند: ای کاش من با رسول (خدا) راه دوستی (و طاعت) پیش می گرفتم. وای بر من! ای کاش فلانی را دوست نمی گرفتم که (رفاقت) او مرا از پیروی قرآن (و رسول حق) محروم ساخت و گمراه گردانید و شیطان مایه خذلان و گمراهی انسان است.»

در شأن نزول این آیه می خوانیم: در عصر پیامبر اکرم (ص) دو نفر مشرک به نام «عقبه» و «ابی» با هم دوست بودند. هر زمان عقبه از سفر می آمد، غذایی ترتیب می داد و اشراف قریش را دعوت می کرد. روزی از سفر برگشت و طبق معمول غذا ترتیب داد و دوستانش را دعوت کرد، در ضمن از پیامبر اسلام (ص) نیز دعوت نمود. هنگامی که سفره را گسترده و غذا حاضر شد، پیامبر (ص) فرمود: من از غذای تو نمی خورم

۲. تفسیر نمونه، ناصر مکارم شیرازی و همکاران، دارالکتب الاسلامیه، تهران، هشتم، ۱۳۷۰، ج ۱۵، ص ۶۹.

۱. فرقان/ ۲۷ - ۲۹.



را نادرست، ببیند  
سخت دچار حسرت خواهد  
شد، حسرتی که هیچ  
سودی ندارد، جز رنج  
و عذاب بیش تر.  
حضرت صادق (ع) در

توضیح این آیه  
فرمود: «هُوَ الرَّجُلُ  
يَدْعُ مَالَهُ لَا يَنْفِقُهُ  
فِي طَاعَةِ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ  
بُخْلًا ثُمَّ يَمُوتُ فَيَدْعُهُ  
لِمَنْ يَعْمَلُ فِيهِ بِطَاعَةِ اللَّهِ  
أَوْ بِمَعْصِيَةِ اللَّهِ فَإِنْ عَمِلَ  
فِيهِ بِطَاعَةِ اللَّهِ رَأَاهُ فِي  
مِيزَانٍ غَيْرِهِ فَرَأَاهُ حَسْرَةً  
وَقَدْ كَانَ الْمَالُ لَهُ وَ  
إِنْ كَانَ عَمِلَ بِهِ فِي  
مَعْصِيَةِ اللَّهِ قَوَاهُ بِذَلِكَ  
الْمَالِ حَتَّى عَمِلَ بِهِ فِي  
مَعْصِيَةِ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ؛<sup>۱</sup> او  
مردی است که از روی  
بخل، مالش را در راه  
اطاعت خدا انفاق نمی  
کند و می رود و مال  
را بر جای می نهد،  
افرادی که آن را به  
ارث می برند، یا در  
راه اطاعت صرف می  
کنند یا معصیت و  
نافرمانی؛ اگر در  
راه طاعت خدا صرف  
شود، این شخص اثر آن  
را در میزان عمل  
دیگری ببیند و حسرت  
می خورد؛ زیرا آن

السرائر» است، پرده  
ها کنار می رود و  
جهل و غرور و غفلت  
از انسان دور می  
شود. مجرمان زشتی  
اعمال خویش را می  
بینند و دچار حسرت  
می شوند. قرآن کریم  
می فرماید: [وَقَالَ  
الَّذِينَ اتَّبَعُوا لَوْ أَنَّ  
لَنَا كَرَّةً فَنَتَّبِرًا لِمَنْهُمْ  
كَمَا تَبِرَّوْنَا مِنَّا كَذَلِكَ  
يُرِيهِمُ اللَّهُ أَعْمَالَهُمْ  
حَسْرَاتٍ عَلَيْهِمْ وَ مَا هُمْ  
بِخَارِجِينَ مِنَ النَّارِ]؛<sup>۱</sup>  
«آن گاه پیروان

(پیشوایان گمراه از  
روی پشیمانی) می  
گویند: کاش دیگر بار  
به دنیا بازمی گشتیم  
و از اطاعت آنان  
بیزاری می جستیم،  
چنان که آنها از ما  
بیزاری جستند (و)  
گروهی از کار ما  
نگشودند) این چنین  
خداوند اعمالشان را  
به صورت مایه حسرت  
به آنها نشان می دهد  
و آنها را از عذاب  
آتش جهنم نجات  
نباشد.»

به ر استی اگر  
انسان يك عمر تلاش  
خویش را در راه  
پرستش بتها و معاصی

۲. تفسیر الصادقین، ملا محسن  
فیض کاشانی، انتشارات صدرا،  
تهران، اول، ۱۴۱۵ ق، ذیل  
آیه.

۱. بقره/۱۶۷.





شوند، پس به آنها می‌گویند: برای چه شما داخل آتش جهنم شدید، در حالی که ما به برکت تربیت و تعلیم شما وارد بهشت شدیم؟ آنان جواب می‌دهند: ما (عالمانی بودیم که مردم را) به خیر و نیکی امر می‌کردیم؛ ولی خود بدان عمل نکردیم (لذا جهنمی شدیم).»  
و به حسرت سختی دچار می‌شوند.

امام علی (ع) فرمود: «... إِنَّ أَشَدَّ أَهْلَ النَّارِ نَدَامَةً وَ حَسْرَةً رَجُلٌ دَعَا عَبْدًا إِلَى اللَّهِ فَاسْتَجَابَ لَهُ وَ قِيلَ مِنْهُ فَأَطَاعَ اللَّهَ فَأَدْخَلَهُ اللَّهُ الْجَنَّةَ وَ أَدْخَلَ الدَّاعِيَ النَّارَ بِتَرْكِهِ عِلْمَهُ وَ اتِّبَاعِهِ الْهَوَى وَ طُولِ الْأَمَلِ أَمَا اتِّبَاعُ الْهَوَى فَيَصُدُّ عَنِ الْحَقِّ وَ طُولُ الْأَمَلِ يُنْسِي الْأَخِرَةَ؛»  
پشیمانی و حسرت اهل آتش مربوط به کسی است که بنده ای را به خدا دعوت نموده و او اجابت کرده، خدا را اطاعت کرده است و باعث بهشت رفتن او

مال برای او بوده است و اگر در مسیر نافرمانی خدا صرف شود، آن را تقویت نماید تا تمام آن در مسیر معصیت مصرف گردد.»

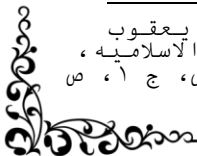
در این صورت نیز جای حسرت دارد که چرا آن را در صحیح و خیر صرف نکرده تا در آخرت بهره ببرد.  
هـ. حسرت بر اعمال از دست رفته

عالمی که دیگران را تبلیغ کرده و آنها به دستورات دین عمل کرده اند و اهل بهشت شده اند؛ ولی خود بدان عمل نکرده و جهنم رفته است، دچار بالاترین حسرت می‌شود.

رسول اکرم (ص) فرمود: «يَطَّلِعُ قَوْمٌ مِنْ أَهْلِ الْجَنَّةِ عَلَى قَوْمٍ مِنَ أَهْلِ النَّارِ فَيَقُولُونَ مَا أَدْخَلَكُمْ النَّارَ وَ قَدْ دَخَلْنَا الْجَنَّةَ لِفَضْلِ تَأْدِيبِكُمْ وَ تَعْلِيمِكُمْ فَيَقُولُونَ إِنَّا كُنَّا نَأْمُرُ بِالْخَيْرِ وَ لَا نَفَعَلُهُ؛»  
اهل بهشت متوجه گروهی از اهل آتش می

۲. الکافی، محمد بن یعقوب الكليني، دارالکتب الاسلامیه، تهران، اول، ۱۳۶۵ ش، ج ۱، ص ۲۶۴.

۱. بحار الانوار، ج ۷۴، ص ۷۸؛ مکارم الاخلاق، ج ۲، ص ۳۶۴، ح ۲۶۶۱.



دهد که عمل نکردن به دستورات دینی، مخصوصاً اوصافی که برای یک شیعه لازم و ضروری است، حسرت شدیدی را در پی دارد حضرت باقر (ع) به یکی از یاران خود به نام «خثیمه» فرمود: «يَا خَيْثَمَةُ! أَبْلِغْ مَنْ تَرَى مِنْ مَوَالِينَا السَّلَامَ، وَ أَوْصِهِمْ بِتَقْوَى اللَّهِ الْعَظِيمِ، وَ أَنْ يَعُودَ عَنْهُمْ عَلَى فَقِيرِهِمْ، وَ قُوِيَّتِهِمْ عَلَى ضَعِيفِهِمْ، وَ أَنْ يَشْهَدَ حَيْثُ جَنَازَةٌ مَيِّتِهِمْ، وَ أَنْ يَتَلَقَّوْا فِي بَيْوتِهِمْ؛ فَإِنَّ لُقِيَا بَعْضُهُمْ بَعْضًا حَيًّا لِأَمْرِنَا، رَحِمَ اللَّهُ عَبْدًا أَحْيَا أَمْرَنَا؛ يَا خَيْثَمَةُ، أَبْلِغْ مَوَالِيَنَا: أَلَّا لَانْغِي عَنْهُمْ مِنْ اللَّهِ شَيْئًا إِلَّا بِعَمَلٍ، وَ أَنَّهُمْ لَنْ يَنَالُوا وَلَا يَتَيْنَا إِلَّا بِالْوَرَعِ، وَ أَنْ أَشَدَّ النَّاسِ حَسْرَةً يَوْمَ الْقِيَامَةِ مَنْ وَصَفَ عَدْلًا، ثُمَّ خَالَفَهُ إِلَى غَيْرِهِ؛<sup>۲</sup> ای خثیمه! هر کدام از دوستان ما را که دیدی، سلام برسان و به آنها سفارش کن به رعایت تقوای خدای بزرگ... خدا رحمت کند بنده ای را که

شده؛ ولی خود بر اثر ترک طاعت الهی و پیروی از هوس و آرزوی طولانی وارد جهنم شده است؛ زیرا پیروی هوس از حق انسان را باز می دارد و آرزویهای طولانی آخرت را به فراموشی می سپارد.» (و) حسرت بر عدل اجرا نشده بسیاریند کسانی که از عدل و عدالت اجتماعی بسیار زیبا سخن می گویند و قدرت اجرای عدالت را یافته اند؛ اما گفته ها را از یاد برده و عملاً بر خلاف عدالت قدم برداشته اند اینان نیز در قیامت دچار حسرتند. حضرت باقر (ع) فرمود: «إِنَّ أَشَدَّ النَّاسِ حَسْرَةً يَوْمَ الْقِيَامَةِ الَّذِينَ وَصَفُوا الْعَدْلَ ثُمَّ خَالَفُوهُ»؛ از تمام مردم بیش تر کسانی دچار حسرت می شوند که عدالت را (به خوبی) برای مردم توصیف کرده اند؛ اما خود با آن مخالفت ورزیده اند.» صدر روایت نشان می

۱. تفسیر نور الثقلین، علی بن جمعه العروسی الحویزی، تحقیق: سید هاشم محلاتی، المطبعة العلمية، قم، اول، ج ۴، ص ۴۹۶؛ امالی، شیخ طوسی، ص ۶۶۳، ج ۱۳۸۶.

۲. الکافی، شیخ کلینی، ج ۲، ص ۱۷۵.

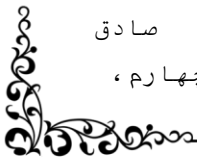


أَزَاكُمُ عَنِ اللَّهِ ذَاهِبِينَ وَ  
إِلَيَّ غَيْرِهِ زَاغِبِينَ؛  
چگونه است که شما را  
می بینماز خداوند  
روی گردان و به غیر  
خدا روی آورده اید.»  
۲. غفلت از دشمنی  
شیطان: حضرت صادق (ع)  
فرمود: «إِنَّ كَانَ  
الشَّيْطَانُ عَدُوًّا  
فَالْغَفْلَةُ لِمَا ذَا؛<sup>۳</sup> اگر  
شیطان دشمن (قسم  
خورده انسان است)،  
غفلت برای چیست؟»  
۳. غفلت از عمر و  
از مسجد: امام  
حسن (ع) فرمود:  
«الْغَفْلَةُ تَرْكُكَ  
الْمَسْجِدِ؛<sup>۴</sup> غفلت باعث  
ترك مسجد می شود.»  
ح) حسرت بر کسب مال حرام:  
امیرمؤمنان علی (ع)  
فرمود: «إِنَّ أَعْظَمَ  
الْحَسْرَاتِ  
الْقِيَامَةِ حَسْرَةُ رَجُلٍ كَسَبَ  
مَالًا فِي غَيْرِ طَاعَةِ اللَّهِ -  
[فَوْرْتُهُ رَجُلًا] فَوْرْتُهُ  
رَجُلٌ فَأَنْفَقَهُ فِي طَاعَةِ اللَّهِ  
سُبْحَانَهُ فِدَخَلَ بِهِ الْجَنَّةَ  
وَ دَخَلَ الْأَوَّلَ بِهِ النَّارِ؛<sup>۵</sup>  
بزرگ ترین حسرت‌ها در  
روز قیامت برای مردی

کارها را زنده دارد.  
ای خثیمه! به دوستان  
ما این پیغام را  
برسان که ما از طرف  
خدا، هیچ کار و چاره  
ای ب رای شما  
نتوانیم، جز به عمل  
و کردار خوب شما. به  
راستی که آنه به  
دوستی و ولایت ما  
نرسند، جز با ورع و  
پارسایی. همانا  
افسوس خورترین مردم  
در روز قیامت کسی  
است که عدالت و داد  
را برای دیگران شرح  
دهد و خودش به خلاف  
آن کار دیگری کند.»  
ز) حسرت بر غفلت‌ها  
امام علی (ع) می  
فرماید: «فِيهَا لَهَا  
حَسْرَةٌ عَلَى كُلِّ ذِي غَفْلَةٍ  
أَنْ يَكُونَ عُمُرُهُ عَلَيْهِ  
حُجَّةً وَ أَنْ تُؤَدِّيَهُ  
أَيَّامُهُ؛<sup>۱</sup> حسرت سزاوار  
کسی است که غافل  
بوده و عمرش در روز  
قیامت بر او حجت و  
دلیل است (که آن را  
هدر داده است) و  
روزگارش او را به  
شقاوت کشانده.» غفلت  
هر چه باشد زیان آور  
است مخصوصاً:  
۱. غفلت از خدای  
متعال: امام علی (ع)  
می فرماید: «مَالِي

۲. بحار الانوار، محمدباقر  
مجلسی، ج ۲۶، ص ۷۸.  
۳. همان، ص ۱۹۰، ح ۱.  
۴. همان، ج ۷۸، ص ۱۱۵، ح ۱۰.  
۵. آثار الصادقین، صادق  
احسانبخش، انتشارات  
دارالعلم، قم، چاپ چهارم،  
۱۳۷۷ ش، ج ۲، ص ۲۵۲.

۱. نهج البلاغه، خطبه ۶۴.



اي آخرت را به دنيا فروختند؛ ولي از همه بدتر حال كساني است كه آخرت خویش را به دنياي ديگران فروخته اند.

رسول خدا (ص) فرمود: **«إِنَّ أَشَدَّ النَّاسِ نَدَامَةً يَوْمَ الْقِيَامَةِ رَجُلٌ بَاعَ آخِرَتَهُ بِدُنْيَا غَيْرِهِ؛»** پشیمان ترین مردم در روز قیامت كسي است كه آخرتش را به دنياي ديگر فروخته باشد. «گذشت از آخرت

روزي نادرشاه با «سيد هاشم خاركن» كه از روحانيون به نام بود، در نجف ملاقات كرد. نادر خطاب به سيد هاشم گفت: شما واقعاً همت کرده ايد كه از دنيا گذشته ايد. سيد هاشم با همان وقار و آرامش روحاني مخصوص به خود گفت: نه، شما همت کرده ايد كه از آخرت گذشته ايد.

(ط) حسرت بر زكات ندادن به امام علي (ع)

است كه مالي را در غير طاعت و فرمان خدا به دست آورده است و شخص ديگري آن را به ارث برده و در مسير طاعت خدا انفاق کرده است و به خاطر اين انفاق، بهشتي شده؛ اما مرد (و صاحب مال) به سبب همان مال، جهنمي شده است.»

(ي) حسرت بر آخرت فروشي قرآن كريم به مردم گوشزد مي كند: **«يَا قَوْمِ إِنَّمَا هَذِهِ الْحَيَاةُ الدُّنْيَا مَتَاعٌ وَإِنَّ الْآخِرَةَ هِيَ دَارُ الْقَرَارِ»**؛ اي قوم! اين زندگاني (فاني) دنيا متاع ناچيزي بيش نيست و سراي آخرت منزلگاه ابدي است.»

در جاي ديگر فرمود: **«قُلْ مَتَاعُ الدُّنْيَا قَلِيلٌ وَالْآخِرَةُ خَيْرٌ لِّمَنِ اتَّقَى»**؛ «بگو: زندگاني دنيا متاعي اندك است و جهان آخرت (ابدي) براي هر كسي كه خدا ترس باشد، بهتر است (از دنيا).» با اين حال، عده

۳. آثار الصادقين: صادق احسانبخش، ج ۳، ص ۲۵۳؛ منتخب ميزان الحكمة، محمدي ريشهري، دارالحدیث، قم، دوم، ۱۳۸۰ ش، ج ۱، ص ۱۴۳.  
۴. نکته ها و سرگذشتهاي خواندني، سيد جواد حسيني، پيام حجت، قم، اول، ۱۳۹۲ ش، ص ۱۲۰.

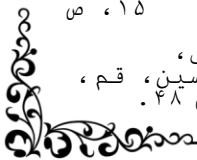
۱. غافر/۳۹.  
۲. نساء/۷۷.



عیالم و ترس از زمانه. آن شخص گوید: صاحب مال از نزد من خارج نشده، از دنیا رفیت «ثُمَّ قَالَ عَلِيٌّ: ...» [مِنْ] أَشَدَّ النَّاسِ حُسْرَةَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ مَنْ رَأَى مَالَهُ فِي مِيزَانِ غَيْرِهِ ...؛ سپس حضرت علي (ع) فرمود: شدیدترین حسرت روز قیامت مربوط به کسی است که مال خود را در میزان [اعمال] دیگری مشاهده کند.» (م) ریا کاری یا گناه «عَنِ النَّبِيِّ (ص) أَنَّهُ قَالَ: - أَشَدَّ النَّاسِ حُسْرَةَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ مَنْ رَأَى وَضُوءَهُ عَلَى جِلْدِ غَيْرِهِ؛<sup>۱</sup> شدیدترین حسرت، در قیامت مربوط به کسی است که وضوی خود را بر بدن دیگری مشاهده کند.» مراد یا این است که در وضو گرفتن ریا کرده است و یا ممکن است گناهی چون غیبت انجام داده که ثواب وضوی او به دیگری م منتقل شده است.» (ن) دوری کردن ولایت حضرت علي (ع) را نداشتن امام صادق (ع)

گفته شد: «فَمَنْ أَعْظَمُ النَّاسِ حُسْرَةَ، قَالَ: مَنْ رَأَى مَالَهُ فِي مِيزَانِ غَيْرِهِ فَأَدْخَلَهُ اللَّهُ بِهِ النَّارَ وَ أَدْخَلَ وَرَائَهُ بِهِ الْجَنَّةَ ...؛ چه کسی بزرگ ترین حسرت را (در روز قیامت) دارد؟ فرمود: کسی که مالش را در ترازوی (حساب) دیگران مشاهده کند، پس خداوند به خاطر آن مال صاحبش را وارد جهنم می کند و وارث را وارد بهشت. گفته شد: چگونه می شود؟ فرمود: چنانکه یکی از برادرانم قصه مردی را گفت که بر او وارد شد، در حالی که صندوقی را حمل می کرد. به او گفتم: فلانی! چه می گویی درباره صد هزاری که در این صندوق است؟ گفت: «مَا أَدَيْتُ مِنْهَا زَكَاةً قَطُّ، وَلَا وَصَلْتُ مِنْهَا رَحِمًا قَطُّ؛ زکات آن را هرگز نپرداخته ام و به بستگانم کمک نکرده ام.» گفتم: برای چه جمع کرده ای؟ گفت: برای (ادای) حقوق سلطان (و دولت) و افزون طلبی بر خویش و قوم و برای خاطر ترس از فقر و نداری بر

۱. مستدرک، همان، ج ۱۵، ص ۲۷۲  
 ۲. الفقیه، شیخ صدوق، انتشارات جامعه مدرسین، قم، اول، ۱۴۱۳ ق، ج ۱، ص ۴۸.



را نسبت به تمام کسانی که وارد قیامت می شوند، دارد، در حالی که صدقات او به صورت افعیها در آمده است و او را نیش می زند و نماز و عبادتش به صورت شعله آتش در آمده که او را به سمت جهنم می خواند.»  
نماز بی ولایت بی نمازی است  
عبادت نیست نوعی حقه بازی است

فرمود: «أَعْظَمُ النَّاسِ حَسْرَةً رَجُلٌ جَمَعَ مَالًا عَظِيمًا بِكَدِّ شَدِيدٍ وَ مُبَاشَرَةً الْأَهْوَالِ وَ تَعَرُّضَ الْأَخْطَارِ ثُمَّ أَفْنَى مَالَهُ صَدَقَاتٍ وَ مَبَرَّاتٍ وَ أَفْنَى شَبَابَهُ وَ قُوَّتَهُ فِي عِبَادَاتٍ وَ صَلَوَاتٍ وَ هُوَ مَعَ ذَلِكَ لَا يَرَى لِعَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ (ع) حَقَّةً وَ لَا يَعْرِفُ لَهُ مِنَ الْإِسْلَامِ مَحَلَّةً... فَذَلِكَ أَعْظَمُ حَسْرَةٍ مِنْ كُلِّ مَنْ يَأْتِي يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَ صَدَقَاتُهُ مُمَثَّلَةٌ لَهُ فِي مِثَالِ الْأَفَاعِي تَنْهَشُهُ وَ صَلَوَاتُهُ وَ عِبَادَاتُهُ مُمَثَّلَةٌ لَهُ فِي مِثَالِ الرِّبَانِيَّةِ تَتَّبِعُهُ حَتَّى تَدْعَهُ إِلَى جَهَنَّمَ دَعَا...؛ بزرگ ترین حسرت مربوط به کسی است که مال زیادی جمع آوری کرده، آن هم با زحمت زیاد و تحمل ترسها و سختیها و خطرهای آن گاه آن مال را در راه صدقات و خیرات خرج نموده است و جوانی و قدرت خویشتن را نیز در عبادات و نماز سپری کرده، با این حال حق (امامت) علی بن ابی طالب (ع) را باور نداشته و در اسلام جایگاه او را نشناخته است. این شخص بزرگ ترین حسرت



# ضرورت و فواید

## دشمن شناسی

با تأکید بر اندیشه امام خمینی ره و مقام معظم رهبری ره



کاظم محدثی



### مقدمه

دشمن شناسی یا شناخت هر کس و هر چیزی که سد راه تعالی و تکامل انسان و جامعه است، بر هر خردمندی لازم بوده، بدیهی است که بدون این شناخت از اهداف، سیاستها، راهبردها، راهکارها و ابزارهای او آگاه نشده، نمی توانیم به مقابله و دفاع برخیزیم. ضرورت و اهمیت شناخت دشمن تا آنجاست که خالق انسانها با ارسال انبیا، به ویژه رسول اکرم (ص)، بر آن تأکید نموده و فرموده است:

[إِنَّ الشَّيْطَانَ لَكُمْ

عَدُوٌّ فَاتَّخِذُوهُ عَدُوًّا]؛<sup>۱</sup>

«قطعاً شیطان دشمن

شماست، پس او را

دشمن خود گیرید.»

و نیز در آیه ۱۶۸

سورة بقره آمده است:

[وَلَا تَتَّبِعُوا خُطُوَاتِ

الشَّيْطَانِ إِنَّهُ لَكُمْ عَدُوٌّ

مُبین]؛ «و از گامهای

شیطان پیروی نکنید،

حقیقتاً او دشمن

آشکار شماست.»

بنابراین، عقل و

نقل بر ضرورت دشمن

شناسی تأکید دارند.

بر همین مبنا، رسول

خدا (ص) ائمه اطهار) و

علمای صالح، به ویژه

امام خمینی! بر این

حقیقت پای فشرده

اند.

بشناسیم و غریبه هایی  
که در لباس خودی وارد  
می شوند و دستهای  
پنهان دشمن را  
بشناسیم. <sup>۳</sup> ایشان  
تصریح می کند:  
«ادامه صفوف دشمن  
را در داخل کشور  
بشناسید! روشهای  
دشمن را بشناسید!  
تبدیل شده و ترجمه  
شده آن روشها در  
داخل کشور را هم  
بشناسید!»<sup>۴</sup>  
با توجه به اهمیت  
بالای دشمن شناسی،  
رهبر معظم انقلاب  
اسلامی آن را بخشی از  
توان دفاعی برشمرده،  
می فرمایند:  
«اینکه ما بتوانیم  
طرح کلی دشمن را در  
مورد خودمان بدانیم،  
بخشی از توان دفاعی  
ماست. به این مسئله  
توجه داشته باشید!  
ندانستن اینکه دشمن  
چه در سر دارد و چه  
می خواهد بکند،  
غفلتی است که ممکن  
است ما را از امکان  
برخورد و دفاع محروم

امام خمینی!، بزرگ  
ترین انسان بصیر و  
دشمن شناس در عصر  
حاضر، می فرماید:  
«باید دشمنان را  
بشناسید! اگر  
نشناسید، نمی توانید  
دفعش کنید.»<sup>۱</sup>  
«ما باید در  
کارهایی که دشمنهای  
ما می کنند، دقت و  
تحلیل کنیم، ببینیم  
که آنها به چه چیز  
زیاد اهمیت می دهند  
و انگشت روی چه  
حیثیتی از حیثیتهای  
مسلمین می گذارند و  
بفهمیم که آنچه که  
آنها بر آن اصرار  
دارند، همانی است که  
برای مسلمین و بشر  
بد است. ما از گفتار  
و کردار آنها باید  
کشف کنیم که اینها  
چه می خواهند و ما  
چه باید بکنیم... هر  
راهی که انتخاب  
کردند، ما باید راه  
مقابلش را انتخاب  
کنیم.»<sup>۲</sup>  
مقام معظم رهبری >  
نیز به ما توصیه می  
کند که دشمن را خوب

۳. بیانات مقام معظم رهبری  
حضرت آیت الله خامنه ای >،  
۷۸/۴/۲۱.  
۴. بیانات مقام معظم رهبری  
حضرت آیت الله خامنه ای >،  
۷۵/۸/۹.

۱. صحیفه امام، سید روح الله  
موسوی خمینی (امام خمینی ( )،  
مرکز نشر آثار امام خمینی ( )،  
تهران، ۱۳۷۲ ش، ج ۱۲، ص ۴۶۳.  
۲. همان، ج ۱۵، ص ۲۷۷.



کند. ما باید این را کاملاً بدانیم.»  
**دلایل ضرورت دشمن شناسی**  
 یکی از مفاهیم مطرح در قرآن کریم، «دشمن» است که از این مفهوم با واژه های مختلفی یاد شده است؛ از جمله «عدو» و «خصم» و «عنید». دشمنی با خدا، قرآن و دین، انبیاء، ملائکه، مؤمنان و ... از مباحثی است که با رجوع به قرآن کریم می توان آنها را دید، لذا با بهره گیری از قرآن کریم می توان موارد زیر را برای دلایل ضرورت دشمن شناسی ذکر کرد:  
 ۱. مصون ماندن از توطئه های دشمنان  
 فراهم سازی زمینه برای در امان ماندن مؤمنان و جامعه اسلامی از آزار و اذیت، توهین و تحقیر از سوی دشمنان، از جمله دلایلی است که ضرورت دشمن شناسی را تبیین می کند.  
 خداوند به مؤمنان دستور می دهد که

دشمن من و خودتان (کافران) را دوست نگیرید، و دلایل این موضوع را اینگونه فرموده است:

[يُخْرِجُونَ الرَّسُولَ وَيَكُونُوا لَكُمْ رِبَاكُم]؛<sup>۲</sup> «[آنان] پیامبر (ص) و شما را به خاطر ایمانتان به خدا که پروردگار شماست، از شهر و دیارتان بیرون می کنند.»

[إِنْ يَتَّقُواكُمْ يَكُونُوا لَكُمْ أَعْدَاءً]؛<sup>۳</sup> «اگر آنها بر شما مسلط شوند، دشمنانتان خواهند بود.»

[وَيَبْسُطُوا إِلَيْكُمْ أَيْدِيَهُمْ وَأَلْسِنَتَهُم بِالسُّوءِ]؛<sup>۴</sup> «و دست و زبان خود را به بدی کردن نسبت به شما می گشایند.»

[وَوَدُّوا لَوْ تَكْفُرُونَ]؛<sup>۵</sup> «و دوست دارند شما به کفر باز گرایید.»

بدیهی است که اگر دشمن شناخته نشود، نمی توان از اقداماتش در بُعد

۲. مبتحنه / ۱.  
 ۳. همان / ۲.  
 ۴. همان.  
 ۵. نساء / ۸۹.

۱. بیانات مقام معظم رهبری حضرت آیت الله خامنه ای >، ۸۲/۲/۲۲.



إِلَّا وَ لَا ذِمَّةَ يُرْضُونَكُمْ  
بِأَفْوَاهِهِمْ وَ تَابِي  
قُلُوبُهُمْ وَ أَكْثَرُهُمْ  
فَاسِقُونَ [۱]؛ «چگونه  
(پیمان مشرکان ارزش  
دارد)؟ در حالی که  
اگر بر شما غالب  
شوند، نه ملاحظه  
خویشاوندی با شما را  
می کنند و نه پیمان  
را! شما را با زبان  
خود خشنود می کنند؛  
ولی دل‌هایشان ابا  
دارد و بیش تر آنها  
فرمانبردار نیستند.»  
دشمن شناسی به ما  
می فهماند که نباید  
فریب پیمان با دشمنان  
را بخوریم و خیالی  
امن داشته باشیم، و  
اگر دشمن با گروه یا  
قومی از مؤمنان  
خویشاوند است، خود را  
از مکر او در امان  
بدانیم. دشمن شناسی  
به ما می فهماند که  
نباید از گفتار به  
ظاهر خشنودکننده و  
اقدامات به ظاهر مثبت  
دشمنان، فریب بخوریم.  
۳. جلوگیری از افتادن در  
دام  
جلوگیری از ورود  
خود و دیگران در حزب  
شیطان و افتادن در  
فرجام آتشین، از

اندیشه (تلاش برای  
بازگشت مؤمنان به  
کفر و گمراهی ( ) ،  
گفتار (بدگویی  
درباره مؤمنان ( ) و  
رفتار (اخراج  
پیامبر (ص) و مؤمنان  
از سرزمین مادری شان  
و دست درازی به جان  
و مال مؤمنان ( ) ،  
جلوگیری کرد . کم  
ترین فایده دشمن  
شناسی، فراهم آوردن  
بستر لازم برای  
جلوگیری و در امان  
ماندن از اقدامات  
دشمن در خصوص مؤمنان  
است.

۲. شناخت راهبردها و  
راهکارهای دشمن  
فایده دیگر دشمن  
شناسی، پی بردن به  
راهکارهای  
فریبکارانه دشمن،  
نیت شوم و دشمنی  
پنهانی اوست . سورة  
توبه، علاوه بر اشاره  
به پیامدهای منفی  
غلبه دشمن بر  
مؤمنان؛ یعنی پیمان  
شکنی و عدم ملاحظه  
خویشاوندی، از  
تاکتیکهای  
فریبکارانه دشمن  
پرده برمی دارد و می  
فرماید:

كَيْفَ وَ اِنْ يَظْهَرُوا  
عَلَيْكُمْ لَا يَرْقُبُوا فِيكُمْ

۱. توبه / ۸.

(به جای اینکه از آن برای هدایت خود و دیگران استفاده کنند، برای خویش (گمراهی می‌خرند و می‌خواهند شما نیز گمراه شوید؟ خدا به دشمنان شما آگاه تر است.)

امام خمینی! با بهره‌گیری از منابع عظیم قرآن و عترت، بارها به ملت ایران درباره ضرورت شناخت دشمنان داخلی و خارجی هشدار داده، از علل دشمنی آنان با اسلام و نظام اسلامی و مردم مسلمان و نیز راهبردهای دشمنان سخن می‌گوید.<sup>۳</sup> ایشان معتقد است:

«لحظه ای نباید از کید دشمنان غافل بمانیم. در نهاد و سرشت آمریکا و شوروی، کینه و دشمنی با اسلام ناب محمدی (ص) موج می‌زند.»

و نیز می‌فرماید: «ما امروز دشمنهای زیادی داریم و همه جا این دشمنها هستند.»

دیگر دلایل ضرورت دشمن شناسی است. خداوند متعال در سوره فاطر فرمان می‌دهد که:

[إِنَّمَا يَدْعُوا حِزْبَهُ لِيَكُونُوا مِنْ أَصْحَابِ السَّعِيرِ]؛<sup>۱</sup> «او فقط

حزبش را به این دعوت می‌کند که اهل آتش سوزان (جهنم) باشند.»

بنابراین، دشمن شناسی ما را از انحراف باز می‌دارد و برای ما راه حق را از باطل روشن می‌کند.

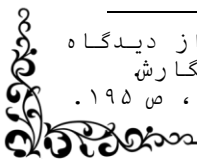
خدای متعال در سوره نساء به اقدامات گمراه کننده دشمنان اشاره نموده و به ما هشدار می‌دهد که:

[أَلَمْ تَرَ إِلَى الَّذِينَ أُوتُوا نَصِيحًا مِنَ الْكِتَابِ يَشْتَرُونَ الضَّلَالَةَ وَيُرِيدُونَ أَنْ يُضِلُّوا السَّبِيلَ \* وَاللَّهُ أَعْلَمُ بِأَعْدَائِكُمْ وَكَفَى بِاللَّهِ وَلِيًّا وَكَفَى بِاللَّهِ

نصيراً]؛<sup>۲</sup> «آیا ندیدی کسانی را که بهره‌ای از کتاب (خدا) به آنها داده شده است

۳. ر.ک: دشمن‌شناسی از دیدگاه امام خمینی، حمید نگارش، ۴. صحیفه امام، ج ۲۱، ص ۱۹۵.

۱. فاطر/ ۶.  
 ۲. نساء/ ۴۴ - ۴۵.



آن در بین خودیها،  
مشکل ساز شود. ایشان  
می فرماید:

«من از خودیها  
مصرّاً می خواهم قدری  
ذهن خودشان را باز  
کنند و فکر خودشان  
را به کار بیندازند؛  
بفهمند امروز دشمن  
کیست؟ چه می خواهد و  
چه می کند (و نقشه  
دشمن چیست)؟ عقل،  
این است. شما در  
جبهه جنگ، باید  
بدانید که آیا این  
جهتی که دارید  
تیراندازی می کنید،  
دارید بمباران می  
کنید، همان جهتی  
نیست که دشمن می  
خواهد بمباران  
شود؟»<sup>۲</sup>

بنابراین، با دشمن  
شناسی، نقشه ها و  
اهداف دشمن شناخته  
می شود و در این  
صورت است که نیروهای  
خودی از غفلت بیرون  
می آیند و با او به  
مقابله برمی خیزند.

**فواید دشمن شناسی از  
دیدگاه رهبری**

با توجه به بیانات  
رهبر معظم انقلاب

شما آن سیلی ای که به  
ابرقدرتها زدید، در  
طول تاریخ کسی نزده  
است. متوقع نباشید که  
آنها بنشینند و  
تماشاچی باشند. آنها  
مشغول فعالیت هستند.  
بتوانند، با قوای  
نظامی به ما حمله می  
کنند، نتوانند، با  
تبلیغات سوء در داخل  
کشورمان به ما حمله  
می کنند.»<sup>۱</sup>

شناخت خط سیر دشمن  
از خارج تا داخل  
کشور، و نیز شناخت  
روشها و شباهت  
سازیهها و تاکتیکهای  
آنان، و شناخت  
دشمنان موجود در  
تمام اقشار و ارکان  
کشور، از موارد  
کلیدی توصیه های  
ایشان است. بی گمان،  
این شناخت هرچه عمیق  
تر و درست تر باشد،  
توانایی مقابله و  
دفاع را در ما افزون  
تر می کند.

نکته دیگر در  
ضرورت دشمن شناسی از  
دیدگاه مقام معظم  
رهبری > این است که  
گاه ممکن است دشمن  
در لباس خودی ظاهر  
شود و دستهای پنهان

۲. بیانات مقام معظم رهبری >  
در دیدار اعضای جهاد  
سازندگی، ۱۵/۷/۱۳۷۷.

۱. همان، ج ۱۴، ص ۳۱.

- اسلامي > مي توان  
 فوايدي را كه بر  
 ضرورت دشمن شناسي  
 مترتب است، به گونه  
 زير دسته بندي كرد:
۱. جلوگیری از فریب خوردن خودیها  
 ایشان در این باره  
 می فرماید:  
 «من از همه گروه  
 ها، از همه جمعیتها،  
 از همه آحاد مردم،  
 از عموم ملت ایران و  
 جوانان... خواهش می  
 کنم که مراقب فریب  
 دشمن باشند.»<sup>۱</sup>
۲. ناکام گذاشتن دشمن در تحریک احساسات و ایجاد ناامنی  
 رهبر معظم انقلاب >  
 در این باره می  
 فرماید:  
 «یکی از هدفهای  
 دشمن این است که با  
 تحریک احساسات، در  
 کشور ناامنی ایجاد  
 کند. من قویاً توصیه  
 می کنم که به خاطر  
 احساسات و به خاطر  
 طرفداری از فلان کس،  
 مبادا بر خلاف قانون  
 هیچ اقدامی انجام  
 بگیرد. من به هیچ  
 وجه اجازه نمی
- د هم.»<sup>۲</sup>  
 ۳. جلوگیری از نفوذ مزدوران دشمن  
 مقام معظم رهبری >  
 می فرماید:  
 «دشمن وقتی بخواهد  
 اغتشاش و درگیری  
 بکند، برای او خیلی  
 مشکل نیست که چهار  
 نفر مزدور را در بین  
 بچه های مؤمن، بچه  
 های حزب الهی و بچه  
 های صادق بفرستد، به  
 عنوان طرفداری از  
 رهبری، به عنوان  
 اینکه رهبری مظلوم  
 واقع شده، بیایید  
 کمک کنید، سپس جنجال  
 درست کنند. مراقب  
 نفوذیها باشید!»<sup>۳</sup>  
 همچنین می فرماید:  
 «اگر دیدید يك نفر  
 خیلی دارد در تحریک  
 پیش می رود، مجش را  
 بگیرند. بدانند که  
 زبان دشمن است که  
 دارد حرف می زند.  
 صدای دشمن است که از  
 حنجره این فرد دارد  
 بیرون می آید؛ کما  
 اینکه هر جا هم کاوش  
 کردند، در هر موردی  
 همین طور چیزهایی را

۲. بیانات مقام معظم رهبری >  
 در دیدار با جوانان،  
 ۱۳۷۹/۲/۱.  
 ۳. همان.

۱. بیانات مقام معظم رهبری >  
 در خطبه های نماز جمعه،  
 ۱۳۷۹/۱/۲۶.

قانع خواهد شد و به کسی ایقا خواهد کرد.»<sup>۲</sup>

«امروز جمهوری اسلامی و نظام اسلام با جنگ عظیمی مواجه است؛ لیکن جنگ نرم.»<sup>۳</sup>

۵. شناخت راهکارهای دشمن اگر تهدیدشناسی و شناخت جنگ نرم دشمن را در حوزه شناخت راهبردهای دشمن در نظر بگیریم، فایده دیگر دشمن شناسی، شناخت راهکارهای دشمن است:

«البته از تاکتیکهای شناخته شده و مصروف و کهنه شده دنیا این است که سعی کنند در بین یک گروه دشمن، عده ای را علی العجالة از دایرة دشمن خارج، و انمود کنند تا بتوانند آن بخش دیگر را از بین ببرند، بعد هم به سراغ اینها بیایند.»<sup>۴</sup>

از دیگر راهکارهای دشمن که با دشمن شناسی به آن پی می

هم پیدا کردند.»<sup>۱</sup>

۴. شناخت تهدیدات و جنگ نرم دشمن از فایده های دیگر دشمن شناسی، شناخت تهدیدات داخلی و خارجی نسبت به کشور، انقلاب و نظام اسلامی است . رهبر انقلاب اسلامی > در این زمینه می فرماید:

«اولین وظیفه نخبگان کشور، شناخت واقعیت است ... بعضی ممکن است هیچ تهدیدی را متوجه نظام ندانند ... بعضی ممکن است تهدید را قبول کنند؛ اما آن را متوجه یک بخش از نظام بدانند و نه به همه نظام، و خود را خارج از آن بخش مورد تهدید بیندازند . بعضی نیز ممکن است تهدید را جدی بدانند؛ اما راه حل آن را تسلیم و پوزش خواهی گمان کنند . همه این راه ها غلط است . تهدید هست، متوجه به همه نظام هم هست . هیچ کس خیال نکند که متجاوز مستکبر سرکش به چیزی کم تر از تسلط کامل

۲. بیانات مقام معظم رهبری > در دیدار مسئولان و کارگزاران نظام، ۱۳۸۰/۱۲/۲۷.

۳. بیانات مقام معظم رهبری > در دیدار دانشجویان و نخبگان، ۱۳۸۸/۶/۴.

۴. همان.

۱. پیام مقام معظم رهبری > به مناسبت آغاز سال ۱۳۷۹.

توهم توطئه تبلیغ می کنند. توضیح اینکه: عده ای می گویند که دیدن دست بیگانه در تمام مسایل و جریانات کشور، حاکی از نوعی توهم است و این تفکر واقعیت خارجی ندارد. اینکه تمام وقایع سیاسی و رخدادها را به آمریکا و اسرا ئیل، سازمانهای جاسوسی بیگانه و توطئه دشمنان مربوط کنیم، نشانه ضعف، ترس و انحراف اذهان عمومی و خارج از دایرة علت و معلول است. در مقابل این دیدگاه، نظریة توطئه قرار دارد که وقایع و رخدادهای سیاسی - اجتماعی، جنگها، شورش ها و مانند آنها را حاصل نقشه یا توطئه دشمن معرفی می کند.

امام خمینی! تمام شکستها، عقب ماندگیها، مشکلات و وقایع را به توطئه دشمن نسبت می دهد، لذا این شخصیت واقع بین، علاوه بر هشدار درباره توطئه دشمن، به پیروی نکردن از هوای نفس، حفظ وحدت

بریم، گماردن واسطه ها در پیشبرد اهداف خود است: «دشمن گاهی با ده واسطه یک فرد ساده لوح و بیچاره ای را تحریک می کند که حرفی بزند و یا موضع گیری غلط و ناشیانه ای را انجام دهد و ممکن است چنین فردی، حتی خودش هم نداند که عامل دشمن است.»<sup>۱</sup> «بنابراین، باید هوشیار بود و من امیدوارم که ملت ایران در شناخت دشمن اشتباه نکند. دشمن استکبار جهانی است؛ دشمن آمریکا است و دشمن صهیونیستها هستند.»

با توجه به مباحثی که گاه در میان جامعه اسلامی پیش آمده، برخی گمان می کنند که انتقاد به وجود دشمن یک توهم است، و از این رو هشدارهای مکرر درباره توطئه دشمنان علیه اسلام، انق اسلامی و نظام جمهوری اسلامی را به منزلة

۱. نمونه آن را در فتنه ۸۸ به وضوح دیدیم.  
۲. بیانات مقام معظم رهبر، ۱۳۸۵/۸/۲۱.

کلمه و پرهیز از  
تفرقه و مانند آن،  
به عنوان عوامل  
داخلی م وثر در  
پیروزی توصیه می  
کرد.

ایشان درباره نقش  
وحدت در پیروزی می  
فرماید:

«رمز پیروزی ما  
«وحدت کلمه» و اِتْکال  
به خدا و اِتْکال به  
اسلام بود. این رمز  
را ملت نباید از دست  
بدهد.»<sup>۱</sup>

و نیز در خصوص خطر  
تفرقه و اختلاف می  
فرماید:

«این تفرقه در بین  
مسلمین است که باعث  
شده است اجانب بر ما  
تسلط پیدا کنند...  
واجب است بر همه  
مسلمین که با هم  
متحد باشند.»<sup>۲</sup>

۱. صحیفه امام، ج ۶، ص ۳۹۳.  
۲. همان، ص ۸۳.





## نجات جان خانواده شیعه با عکس امام خمینی



مصاحبه کننده: رضاروری (گروه «بامؤمنان»)

نفر که زبان رسمی آن برمه ای و واحد پولش «کیات» است. ۶۸ درصد مردم میانمار از تبار «برمه ای»، ۹ درصد «شان» ۷ درصد «کارن» و بقیه از دیگر اقوام هستند و از لحاظ دین ۸۹ درصد بودایی، ۶ درصد مسیحی، ۴ درصد مسلمان و ۱ درصد نیز پیرو آیین هندو می باشند.

س: چرا در میانمار مسلمانان را مورد آزار و اذیت و یا به قتل می رسانند؟

ج: در ایالت راخین، قومی به نام «روهینگیا» زندگی می

تازه مسلمانی از کشور میانمار که به دلایل امنیتی دوست ندارد خود را معرفی کند، علت مسلمان شدنش را رفتار معلمان مسلمان خود می داند. وی پس از تحقیقات فراوان، به دین اسلام مشرف شده است.

مصاحبه با ایشان فرصت خوبی بود تا رخداد های واقعی میانمار را از زبان یک برمه ای اهل میانمار بشنویم.

س: از کشور میانمار بگویید!

ج: میانمار کشوری در جنوب شرقی آسیاست، با جمعیت

بودایی‌های مهاجم هیچ  
ارتباطی با دولت  
ندارند؛ بلکه آنها  
یک گروه تندرو ی  
هستند که در صدد  
کشتار مسلمانان اند.

س: مگر مسلمانان چه  
رفتاری تندی نشان داده  
اند که باعث برافروخته تر  
شدن این آتش شده است؟

ج: آنها بوداییها  
را نجس می دانند و  
آشکارا به این مطلب  
اذعان می کنند؛ به  
طوری که دیده شده در  
عید قربان گاو ی را  
ذبح کرده به میان  
بوداییها می برند و  
این رفتار موجب خشم  
آنان می شود و  
کارهایی از این قبیل  
که باعث شده

بوداییها به مردم  
بگویند: مسلمانان  
شما را می خورند!  
تمام این مشکلات به  
خاطر تعصّب خشک  
و هابّیت است؛ البته  
راهبان ی بودایی  
هستند که تفاوتی  
میان ادیان قایل نمی  
شوند.

س: بوداییها تفاوت‌های  
مذاهب اسلامی را می دانند؟

ج: بله تا آنجا که  
تبلیغ شده است، می  
دانند؛ به طور مثال

کنند که به آنها  
بنگالی نیز می  
گویند؛ چون اجداد  
آنها از بنگال

بودند. این گروه که  
مسلمان هستند، با  
بوداییها مشکل پیدا  
کردند. ریشه مشکل  
کجاست، کسی نمی

داند! بعضی می  
گویند: این اختلافات  
به خاطر تجاوز چند  
مرد روهینگایی به  
یک زن بودایی شروع  
شده؛ امّا این اشتباه  
است؛ چون از قبل نیز  
به خاطر اخلاق تند

بنگالیها و تفکّرات  
وّه‌ابی موجود بین عدّه  
ای از آنها، بین این  
دو تفکر اختلاف وجود  
داشته است. گذشته از  
اینکه ظاهراً افراد  
متجاوز، میانماری  
بوده‌اند، نه  
مسلمانان

روهینگایی! همچنین،  
همیشه بوداییها از  
مسلمانان می ترسند؛  
چون روهینگاییها در  
تمام عرصه‌ها از  
بوداییان جلوتر و  
پیشرفته تر هستند.

هر چند بنگالی‌ها  
با دولت میانمار  
مخالف اند؛ امّا

همه فرار کردند؛ امّا کمی بعد متوجّه شدیم که یک راهب بودایی است. وی برای جمع کردن خیرات از مردم در کوچه ها راه می رود و سر و صدا می کند. آخر این یک رسم است که معبد بوداییها در هر محله ای ساعت ۳ صبح با بلندگو شروع به صدا کردن می کند، سپس راهبها به درب خانه ها می روند تا با جمع کردن اعراف، آذوقه معبد را تأمین کنند. این در حالی است که مساجد، حتی در وسط روز حق پخش اذان را ندارند.

س: آینده شیعه را در میانمار چگونه می بینید؟

ج: وضعیت سختی است. ما از قبل نیز محدودیت داشتیم؛ امّا اکنون بدتر شده است. مثلاً حجاب در آنجا ممنوع نیست؛ امّا خطرناک است. عربستان عده ای بنگالی را به کشورش برده و به مبلّغ و ابی تبدیل کرده است. ایران هم فعالیت‌هایی می کند؛ امّا ای کاش این

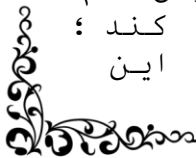
آنها یک شب برق منطقه را قطع و شروع به تخریب خانه ها، مساجد و کشتن مسلمانان می کنند؛ وقتی به مسجد شیعیان رس ی‌دند، گفتند: اینها که مسلمان نیستند! چون از وهابیها شنیده بودند که شیعیان مسلمان نیستند. به هر حال تمام آن منطقه خراب و سوزانده شد، جز مسجد شیعیان و بعضی خانه های آنان!

س: از کجا فهم ی‌دند که آنها شیعه هستند؟

ج: وقتی وارد خانه یک شیعه شده بودند، با دیدن عکس امام خمینی P گفته بودند: اینها از آنها جدا هستند. بعد هم بدون انجام کاری به خانه مسلمان دیگری رفته بودند.

س: شما در این درگیریها بودید؟

ج: یک سال در ماه مبارک رمضان برای تبلیغ به کشورم سفر کردم. شب نوزدهم در حال خواندن دعای جوشن کبیر بودیم که سر و صدا شروع شد.



فعاليتها اساسی تر  
می بود.  
س: در پایان سخن خود،  
مطلبی دارید!  
ج: از تعداد کشته  
های مسلمانان  
میانمار آمار دقیقی  
در دست نیست؛ امّا  
متأسفانه شبکه های  
مختلف رعایت نمی  
کنند و حتی گاهی  
کشته های کشور  
تایلند را به عنوان  
کشور میانمار نشان  
می دهند. ما با  
تایلند خیلی مشترکات  
داریم؛ امّا آمریکا  
برای آنکه مردم را  
علیه حکومت میانمار  
تحریک کند، به  
تایلند که همسایه  
ماست، کمک های بسیاری  
می کند تا همگان فکر  
کنند که رفاه و  
آسایش در گرو دوستی  
با آمریکاست. این  
اتفاق دربارۀ کره  
شمالی و جنوبی نیز  
رخ داده و حتی  
دربارۀ ایران و  
همسایگانش نیز صدق  
می کند. به هر حال،  
خدا بزرگ است.

## معرفی برخی از

# پایگاه‌های اطلاع‌رسانی



محمد اصغری نژاد

کنند. یادآوری این نکته لازم است که مقدم بودن برخی از پایگاه‌ها بر برخی دیگر، نشان‌گر اهمیت و اولویت آن نسبت به پایگاه‌های بعدی نیست و از طرفی دیگر ممکن است پس از درج مطالب این مقاله، ویرایش و تصرفاتی در محتوای آن پایگاه اینترنتی صورت گرفته باشد.

### پایگاه‌های اطلاع‌رسانی<sup>۱</sup>

۱. مؤسسه در راه حق از جمله فعالیتهای این مؤسسه، ارائه مشاوره و پاسخگویی

بشریت مدعی پیشرفت و حرکت به سوی کشف جنبه‌های متعدد علمی است، برخی از ابزارها و فناوریها را جهت رفع نیازهای خود پایه‌گذاری و راه‌اندازی کرده است؛ در این میان اینترنت و پایگاه‌های اینترنتی یکی از این ابزارهاست که می‌تواند پاره‌ای از نیازهای افراد را مرتفع سازد.

در این نوشتار شماری از پایگاه‌های اینترنتی شیعی معرفی می‌شود تا علاقمندان برای ارتباط و اخذ اطلاعات و تسهیل در امر پژوهش و تحقیق

۱. بدیهی است که منظور کلیه پایگاه‌های اطلاع‌رسانی نیست

که در بخشهای مختلف می تواند پاسخگویی نیاز محققان باشد . آدرس پایگاه اینترنتی این مؤسسه [ravaqhekmat.ir](http://ravaqhekmat.ir) است .

۳. پایگاه اطلاع رسانی آستان قدس رضوی  
پایگاه اطلاع آستان قدس رضوی به کاربران که تمایل دارند درباره آستان قدس رضوی و خدمات آن و نحوه اداره مجموعه اماکن متبرکه اطلاعات مناسب دریافت کنند، و نیز افرادی که سوالات شرعی و اعتقادی دارند، به آدرس [news.aqr.ir](http://news.aqr.ir) خدمات ارائه می دهد که مراجعین باید پرسشهای خود را در فرم مخصوصی که در این پایگاه مطرح شده، درج کنند .

۴. مرکز مطالعات و پاسخگویی به شبهات حوزه علمیه  
این مرکز به منظور تبیین روزآمد اندیشه دینی ، در جهت پاسخگویی به پرسشهای بنیادین و رفع و دفع آسیبها و شبهات در حوزه دین، توسط

به سؤالات و مسائل اعتقادی، فقهی، فرهنگی و اجتماعی است که به صورت کتبی و همچنین اینترنتی (از طریق سایت مؤسسه) به آدرس: [darrahhq.com](http://darrahhq.com) و پست الکترونیکی [darrahhq.com](mailto:darrahhq.com) شماره : ۰۲۲۲۳۳۳۴۴۴ (۱۰۰۰۰۲۲۲۳۳۳۴۴۴) انجام می شود .

از دیگر کارهای این مرکز، ارسال رایگان کتاب و نشریه به داخل و خارج از کشور و انتشار کتاب در زمینه معارف و فرهنگ اسلامی است .

۲. مؤسسه رواق حکمت  
این مؤسسه با هدف دستیابی به کاربردی ترین الگوهای علمی در علوم انسانی ، به ویژه مدیریت، حقوق، سیاست و اقتصاد اسلامی در سطح فرهیختگان و پاسخگویی به تمامی شبهات در سطح عمومی جامعه در حوزه دین، تأسیس شده است .

یکی از خدمات مهم این مؤسسه، راه اندازی دایرة المعارف اسلامی تحت وب با عنوان [Islampedia.ir](http://Islampedia.ir) است

حضور یافته و یا به صورت مکاتبه ای و ارسال نامه و همچنین از طریق پست الکترونیکی سؤال خود را پرسیده و پاسخ را دریافت نمایند. آدرس اینترنتی این پژوهشگاه [www.Hadith.net](http://www.Hadith.net) می باشد.

#### ۶. مرکز تحقیقات

کامپیوتری علوم اسلامی (پاسخگویی حوزه نت)

مرکز تحقیقات

کامپیوتری علوم

اسلامی، وابسته به دفتر مقام معظم

رهبری >، در زمینة

معارف اسلامی به

پرسشهای تمام اقشار

جامعه پاسخگوست. این

پاسخگویی فقط از

طریق پست الکترونیکی

و سایت انجام می

گیرد. برخی از سؤالات

رسیده به مرکز توسط

محققین مرکز پاسخ

داده می شود و برخی

سؤالات تخصصی برای

پاسخ به مراکزی چون:

دارالحدیث، مرکز ملی

پاسخگویی دینی و...

ارسال می شود.

تولید نرم

افزارهای علوم

اسلامی، حضور در شبکه

شورای عالی حوزه علمیه تأسیس گردید است. از جمله فعالیت‌های این مرکز می توان به انتشار کتاب، پاسخگویی به سؤالات حوزه دین، تولید نرم افزار پاسخ، فعالیت در فضای مجازی و برگزاری نشستهای کانون گفتمان دینی اشاره کرد: آدرس

انترنتی این مؤسسه

[Andisheqom.ir](http://Andisheqom.ir) می باشد.

۵. پژوهشگاه دارالحدیث

این مرکز دارای

فعالیت‌های گوناگونی

از جمله پاسخگویی به

پرسشهای حدیثی است و

مخاطبین آن تمامی

اقشار جامعه می

باشند.

علاقه مندان به

احادیث و مسائل

مربوط به آن می

توانند جهت دریافت

پاسخ، سؤالات کوتاه

خود از ساعت ۷:۳۰

صبح تا ۱۴:۳۰ با

تلفن این واحد

(۰۲۵۳۷۷۸۳۰۳۰) تماس

حاصل فرمایند و جهت

سؤالات مفصل خود به

صورت حضوری در زمان

یاد شده در این واحد



جهانی اینترنت،  
انتشار مجله در  
زمینۀ داده پردازی  
علوم اسلامی، شرکت در  
مجامع اطلاع رسانی  
داخلی و خارجی، شرکت  
در نمایشگاه ها و  
جشنواره ها، تأسیس  
بانکهای اطلاعات علوم  
اسلامی، از دیگر  
فعالیتهای این مرکز  
است.

آدرس وب سایت مرکز  
[www.hawzah.net](http://www.hawzah.net) است.

ادامه دارد...







## پیرامون مهدویت و انتظار

### اشاره

مقام معظم رهبری حضرت آیت الله العظمی خامنه ای > در طول سالیان گذشته مطالب بسیار ارزشمندی را پیرامون مسئله «انتظار» و «مهدویت» بیان فرمودند که در اینجا به برخی از آنها اشاره می شود:

### معنای انتظار

\* انتظار یعنی

قانع نشدن، قبول نکردن وضع موجود زندگی انسان و تلاش برای رسیدن به وضع مطلوب، که مسلم است این وضع مطلوب با دست قدرتمند «ولی خدا»، حضرت حج ت بن

الحسن، مهدی صاحب زمان (صلوات الله علیه و عجل الله فرجه و ارواحنا فداه) تحقق پیدا خواهد کرد.<sup>۱</sup>

\* انتظار فرج یعنی قبول نکردن و رد کردن آن وضعیتی که بر اثر جهالت انسانها، بر اثر اغراض بشر بر زندگی انسانیت حاکم شده است.<sup>۲</sup>

\* انتظاری که از آن سخن گفته اند، فقط نشستن و اشک ریختن نیست؛ انتظار به معنای این است که

۱. بیانات مقام معظم رهبری > در دیدار افشار مختلف مردم، ۱۳۸۷/۰۵/۲۷.  
 ۲. همان.

ما باید خود را برای  
سربازی امام زمان  
آماده کنیم.<sup>۱</sup>

### امام زمان (ع) استمرار حرکت دعوت‌های الهی

وجود مقدس حضرت  
بقیة الله (ارواح‌ناده)  
استمرار حرکت نبوت‌ها  
و دعوت‌های الهی است  
از اول تاریخ تا  
امروز؛ یعنی هم  
طور که در دعای ندبه  
می‌خوانید، از «فَبَعَثُ  
أَسْكَنتَهُ جَنَّاتٍ»<sup>۲</sup> - که  
حضرت آدم است - تا  
«إِلَى أَنْ أَنْتَهَى الْأَمْرُ»-

که رسیدن به خاتم  
الانبیاء (ص) هست - و  
بعد مسأله وصایت و  
اهل بیت آن بزرگوار،  
تا می‌رسد به امام  
زمان، همه، یک سلسله  
متصل و مرتبط به هم  
در تاریخ بشر است.

این، بدین معناست  
که آن حرکت عظیم  
نبوت‌ها، آن دعوت  
الهی به وسیله  
پیامبران، در هیچ  
نقطه‌ای متوقف نشده  
است. بشر به پیامبر  
و به دعوت الهی و به  
داعیان الهی احتیاج

داشته است و این  
احتیاج تا امروز  
باقی است و هر چه  
زمان گذشته، بشر به  
تعالیم انبیان نزدیک  
تر شده است. امروز  
جامع‌ه بشری با  
پیشرفت فکر و مدنیّت  
و معرفت، بسیاری از  
تعالیم انبیا را -  
که ده‌ها قرن پیش از  
این، برای بشر قابل  
درک نبود - درک کرده  
است. همین مسأله  
عدالت، مسأله آزادی،  
مسأله کرامت انسان -  
این حرفه‌هایی که  
امروز در دنیا رایج  
است - حرفه‌ای  
انبیاست.

آن روز عامه مردم  
و افکار عمومی مردم  
این مفاهیم را درک  
نمی‌کردند. پی‌درپی  
آمدن پیغمبران و  
انتشار دعوت  
پیغمبران، این افکار  
را در ذهن مردم، در  
فطرت مردم، در دل  
مردم، نسل به نسل  
نهادینه کرده است.  
آن داعیان الهی،  
امروز سلسله‌شان قطع  
نشده است و وجود  
مقدس بقیة الله الاعظم  
(ارواح‌ناده) ادامه  
سلسله داعیان الهی  
است، که در زیارت آل

۱. بیانات مقام معظم رهبری >  
در دیدار اقشار مختلف مردم،  
۱۳۸۱/۰۷/۳۰.  
۲. اقبال الأعمال، سید بن  
طاوس، دارالکتب الاسلامیه،  
تهران، ۱۴۰۹ق، ص ۲۹۵.

این ولادت، دنیای بشر در انتظار آن است، خود این امیدزاست؛ و دیگر این که در آن جهانی که پس از آمدن آن بزرگوار شکل خواهد گرفت، برجسته ترین خط، خط عدالت است.

شما وقتی در هم روایات و آثاری که راجع به آن بزرگوار و راجع به آن دوران آمده نگاه می کنید، می بینید اغلب تکیه بر روی این نیست که مردم در آن دوران دیندار می شوند - با اینکه دین دار هم می شوند - بلکه تکیه بر روی این است که مردم در آن وقت برخوردار از عدالت می شوند و قسط و عدل اقامه می شود؛ این مطلب در دعاها و زیارت‌های آن بزرگوار و روایات هست . یعنی نقطه برجسته در آن آیند ه پر از نوید، عبارتست از عدالت بشر<sup>۳</sup> تشن ه عدالت.

وجود مقدس حضرت حجت (ع)، منبع خیرات

در میان انسانهای

یاسین می خوانید :  
«السَّلَامُ عَلَیْكَ يَا دَاعِيَّ اللَّهِ وَ رَبَّانِيَّ آيَاتِهِ»<sup>۱</sup>. یعنی شما امروز همان دعوت ابراهیم، همان دعوت موسی، همان دعوت عیسی، همان دعوت همه پیغمبران و مصلحان الهی و دعوت پیامبر خاتم را در وجود حضرت بقیة الله مجسم می بینید. این بزرگوار، وارث همه آنهاست و دعوت و پرچم همه آنها را در دست دارد و دنیا را به همان معارفی که انبیا در طول زمان آورده اند و به بشر عرضه کرده اند، فرا می خواند . این، نکته مهمی است.<sup>۲</sup>

خط عدالت، برجسته ترین خط در جهان پس از ظهور

دو نقطه برجسته ای که در انتظار ما و جشن گیری ما برای نیم ه شعبان وجود دارد، یکی مسئله امیدزایی است که نوید این ولادت و آینده ای که بر اثر

۱. الاحتجاج، طبرسی، اسلامیه، تهران، چاپ اول، ۱۳۸۱ش، ج ۲، ص ۴۹.

۲. بیانات مقام معظم رهبری > در دیدار اقشار مختلف مردم، ۱۳۸۴/۰۶/۲۹.

۳. بیانات مقام معظم رهبری > در جمع رئیس جمهور و اعضای هیئت دولت، ۱۳۸۶/۰۴/۰۶.

صفا و راستی، منبع همه نیکیها و زیباییها و درخشندگیهای وجود آدمی در هر عصر و عهده بوده اند؛ هر یک چنین خورشید فروزانی بوده اند. یکی از آن خورشیدهای فروزان، به فضل و کمک پروردگار و به اراده الهی، امروز در زمان ما به عنوان بقیة الله فی ارضه، به عنوان حجة الله علی عباده، به عنوان صاحب زمان و ولی مطلق الهی در روی زمین وجود دارد. برکات وجود او و انوار ساطعه از وجود او، امروز هم به بشر می رسد. امروز هم انسانیت با همه ضعفها، گمراهیها و گرفتاریهایش از انوار تابناک این خورشید معنوی و الهی که بازمانده اهل بیت است، استفاده می کند. امروز وجود مقدس حضرت حجت ارواحنا فداه در میان انسانهای روی زمین، منبع برکت، منبع علم، منبع درخشندگی، زیبایی و همه خیرات است. چشمهای ناقابل

پاک و انسانهای والا که دارای روح عرشی و خدایی هستند، وجود مقدس خاتم الانبیا محمد مصطفی (ص) سرآمد همه و خاندان پاک و اهل بیت مطهر او - که قرآن، ناطق به این طهارت و پاکیزگی و آراستگی است - در شمار برترین و بالاترین انس انهای پاک و مطهر و نورانی در همه تاریخ اند. زنی مثل فاطمه زهرا (س) در همه تاریخ، کیست؟! انسانی مثل علی مرتضی در سرتاسر تاریخ بشریت، کجا نشان داده می شود؟! سلسله اهل بیت نبی اکرم در طول تاریخ خورشیدهای فروزانی بوده اند که در معنا توانسته اند بشریت روی زمین را با عالم غیب و با عرش الهی، متصل کنند: «السَّبَبُ الْمُتَمِّلُ بَيْنَ الْأَرْضِ وَالسَّمَاءِ». خاندان پیغمبر، معدن علم، معدن اخلاق نیکو، معدن ایثار و فداکاری، معدن صدق و

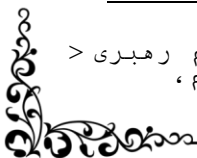
۱. بحار الانوار، محمد باقر مجلسی، دار احیاء التراث العربی، بیروت، ۱۴۰۳ق، ج ۹۹، ص ۸۶.

و تیره ما آن چهره  
ملکوتی را از نزدیک  
نمی بیند؛ اما او  
مثل خورشیدی درخشان  
است، با دلها مرتبط  
و با روحها و باطنها  
متصل است و برای  
انسانی که دارای  
معرفت باشد، موهبتی  
از این برتر نیست که  
احساس کند ولی خدا،  
امام برحق، عبد  
صالح، بنده برگزیده  
در میان همه بندگان  
عالم و مخاطب به  
خطاب خلافت الهی در  
زمین، با او و در  
کنار اوست؛ او را می  
بیند و با او مرتبط  
است. آرزوی همه بشر،  
وجود چنین عنصر  
والایی است.<sup>۱</sup>  
**عید بزرگ و واقعی بودن  
ولادت امام زمان (عج)**  
**برای تمام بشریت**  
این ولادت بزرگ  
[ولادت امام  
زمان (عج)] و این  
حقیقت عظیم، متعلق  
به یک ملت و یک زمان  
خاص نیست؛ بلکه  
متعلق به بشریت است.  
این «میثاق الله الذی  
أخذَهُ وَ وَكَّدَهُ»<sup>۲</sup>،

میثاق خدا بیا انسان  
است. «وَعَدِ اللهُ الَّذِي  
ضَمِنَهُ»<sup>۳</sup>؛ این، وعده ی  
خداست که تحقق آن را  
ضمانت کرده است. همه  
انسانهای طول تاریخ،  
نسبت به این پدیدۀ  
عظیم و شگفت آور،  
احساس نیاز معنوی و  
قلبی کرده اند؛ چون  
تاریخ، از اول تا  
امروز و از امروز تا  
لحظه طلوع آن خورشید  
جهانتاب، با ظلم و  
بدی و پلیدی آمیخته  
بوده است. همه کسانی  
که از ظلمی رنج برده  
اند - چه آنهایی که  
به خودشان ظلم شده  
است و رنج برده اند  
و چه آنهایی که به  
ستمکشی دیگران نگاه  
کرده اند و رنج برده  
اند - با یاد ولادت  
این منجی عظیم تاریخ  
و بشر، در دلشان  
امیدی به وجود می  
آید.  
**قبل از ظهور امام  
زمان (ع)، هنگامه امتحان**  
شما باید سعی کنید  
تا زمینه را برای آن  
چنان دورانی آماده  
کنید؛ دورانی که در

۱. بیانات مقام معظم رهبری >  
در دیدار جمعی از بسیجیان،  
۱۳۷۸/۰۹/۰۳.  
۲. الاحتجاج، طبرسی، ج ۲،  
ص ۴۹۳.  
۳. همان.

۴. بیانات مقام معظم رهبری >  
در اقبال مختلف مردم،  
۱۳۷۴/۱۰/۱۷.



میدانهای مجاهدت،  
انسانهای پاک امتحان  
می شوند؛ در کوره  
های آزمایش وارد می  
شوند و سربلند بیرون  
می آیند و جهان به  
دوران آرمانی و هدفی  
مهدی  
موعود (ارواحنا فداه)  
روزبه روز نزدیک تر  
می شود؛ این، آن  
امید بزرگ است؛ لذا  
روز نیمه شعبان،  
روز عید بزرگ است.<sup>۲</sup>

آن، ظلم و ستم به  
هیچ شکلی وجود  
ندارد؛ دورانی که در  
آن، اندیشه و عقول  
بشر، از همیشه فعال  
تر و خلاق تر و  
آفریننده تر است؛  
دورانی که ملتها با  
یکدیگر نمی جنگند؛  
دستهای جنگ افروز  
عالم - همانهایی که  
جنگهای منطقه ای و  
جهانی را در گذشته  
به راه انداختند و  
می اندازند - دیگر  
نمی توانند جنگی به  
راه بیندازند؛ در  
مقیاس عالم، صلح و  
امنیت کامل هست؛  
باید برای آن دوران  
تلاش کرد . قبل از  
دوران مهدی موعود،  
آسایش و راحت طلبی و  
عافیت نیست . در  
روایات، «وَاللّٰهُ لَتَمَحَّضَنَّ»  
و «وَاللّٰهُ لَتُعْرَبَلَنَّ»<sup>۱</sup>  
است؛ ب ه شدت امتحان  
می شوید؛ فشار داده  
می شوید . امتحان در  
کجا و چه زمانی است؟  
آن وقتی که میدان  
مجاهدتی هست . قبل از  
ظهور مهدی موعود، در

۱. امام باقر % پیرامون  
حوادث قبل از ظهور مفریاید:  
«وَاللّٰهُ لَتَمَحَّضَنَّ وَ  
لَتُعْرَبَلَنَّ كَمَا يُعْرَبَلُ  
الزَّوْجَانِ مِنَ  
الْقَمَحِ.» الغیبه، نعمانی، نشر  
صدوق، تهران، ۱۳۹۷ش، ص ۲۰۵.

۲. بیانات مقام معظم رهبری >  
در دیدار مردم قم،  
۱۳۷۰/۱۱/۳۰.



# رهنمودها و خبرها

- \* سکوت در مقابل جنایات صهیونیستها جایز نیست
- \* تأثیر استغفار در گشایش مشکلات
- \* مبلغان مذهبی خود را به علم روز تجهیز کنند
- \* ضرورت آموزش احکام تجارت برای بازاریان
- \* رعایت نظم و اهتمام به انضباط، رمز موفقیت طلاب
- \* فارغ التحصیلی ۲۵۰۰ طلبه در سفیران هدایت
- \* ابتکار روحانیون انگلیس برای مقابله با داعش
- \* انتشار کتاب میراث عظیم و امت خفته
- \* تفسیر کامل قرآن به زبان روسی
- \* انتشار کتاب «جانها فدای دین»
- \* دانشمند و اقیانوس شناس بزرگ فرانسوی مسلمان شد
- \* فروش ایزدی‌ها به خانواده‌هایشان
- \* صدور گواهی مسلمان بودن توسط داعش
- \* عذرخواهی فعال «پگیدا»



## سکوت در مقابل جنايات صهيونيستها جايز نيست

حضرت آيت الله مكارم  
شيرازي از مراجع  
تقليد گفت :

مسجدالأقصى از مهم  
ترين اماكن متبركه  
است و قبله اول  
مسلمانان جهان و  
جايگاه معراج  
پيامبر (ص) است، اما  
صهيونيستها با نقشه  
هاي شوم مي گويند  
بايد اين مسجد را  
خراب كرد تا معبد  
خود را در اينجا بنا  
نماييم.

ايشان در ادامه  
خاطرنشان كرد : اين  
موضوع بسيار مهم  
است كه سكوت در  
مقابل آن جايز نيست؛  
چراكه آنها آن قدر

به راه انداختن  
جمعيت كذايي،  
تظاهراتي به پا کرده  
و خواستار تخریب  
مسجدالأقصى و ساختن  
معبد كذايي خود  
شدند.

ايشان با تشكر از  
علما و ن مازگ زاران  
جمعه تهران و ساير  
شهرستان ها كه به  
سرعت به اين اقدام  
واكنش نشان دادند،  
افزود : اين حرکت  
آنها بسيار نويد بخش  
بوده و نشان داد كه  
مردم و علما ، از  
ارزشهاي اسلامي تا به  
اين حد دفاع مي كنند  
و ما در اينجا از  
ساير علما و مردم مي  
خواهيم كه در برابر  
اين هتاكها ساكت  
ننشينند و به آنها



ثابت کنند که هرگونه جسارتی به این مکان شریف چه پیامدهایی برای آنها خواهد داشت.<sup>۱</sup>

### تأثیر استغفار در گشایش مشکلات

حضرت آیت الله سید محمدعلی علوی گرگانی از مراجع تقلید پیرامون استغفار فرمود: استغفار ت تأثیر عجیب و شگفتی در گشایش کارها و مشکلات دارد و از این رو امام صادق (ع) می فرماید: هر کسی که بعد از نماز صبح و نماز عصر ۷۰ مرتبه استغفار کند، خداوند گناهان او را می بخشد.

ایشان در ادامه افزود: هم ه ما گرفتار گناه هستیم و فقط معصومان از گناه به دور هستند و برای این که بتوانیم از آلودگی‌ها ب ه دور باش یم، استغفار در این باره بسیار م وثر و راهگشا است. ایشان با بیان

این که خداوند برای این امت، دو امان قرار داده، ابراز کرد: مادامی که پیامبر اسلام (ص) زنده هستند، خداوند برای امت عذابی نمی فرستد و بعد از رسول خدا نیز خداوند برای این که امت از عذاب در امان باشند، استغفار را متذکر شده است.<sup>۲</sup>

### مبلّغان مذهبی خود را به علم روز تجهیز کنند

حضرت آیت الله حسین نوری همدانی از مراجع تقلید اظهار کرد: کار مبلّغان مذهبی حساس، مهم و تأثیرگذار است. ایشان با بیان اینکه اسلام دین جامع و کاملی است، افزود: مبلّغان مذهبی باید این دین آسمانی را نخست به خوبی شناخته، و سپس آن را به مخاطبان و مستمعین خود بشناسانند.

آیت الله نوری همدانی آگاهی مبلّغان مذهبی از شرایط سیاسی روز

۱. خبرگزاری حوزه، کد خبر: ۳۵۴۴۰۵

۲. پایگاه اطلاع رسانی ادیان نیوز، کد خبر: ۷۳۳۳

## تجارت برای بازاریان

حضرت آیت الله محمد علی علوی گرگانی از مراجع تقلید گفت: از مهم ترین مسائل و احکام اسلام، مسائل اقتصادی و تجاری است که منشأ آن بازار است.

ایشان با اشاره به آیه ای از آیات قرآن کریم خاطر نشان کرد: از مهم ترین وظائف بسیج اصناف این است که دو مرحله کلاس

برای بازاریان بگذارند، نخست آموزش احکام و فقه تجارت برای آنها و سپس آموزش درست اجرا کردن این احکام.

حضرت آیت الله علوی گرگانی تأکید کرد: برنامه های تشویقی و تنبیهی نیز از مهم ترین راهکارها برای اجرای صحیح قوانین است؛ اگر برای کاسب درست کار تشویق و برای کاسب فاسد تنبیهی در نظر گرفته نشود، این قوانین به تدریج به فراموشی سپرده می شود و جامعه نیز جامعه فاسد خواهد شد.<sup>۲</sup>

کشور و جهان را ضروری عنوان کرد و افزود: مبلغان مذهبی باید مردم را از جریانها و وقایع رخ داده و یا در حال وقوع آگاه نمایند. ایشان با بیان اینکه اسلام به لحاظ برخورداری از جذابیت فراوان ظرفیّت لازم برای نشر و گسترش را دارد، افزود: از آنجا که مبلغان مذهبی در دنیای امروز علاوه بر مردم عادی با افراد تحصیل کرده و با سطح سواد بالا نیز مواجه هستند، باید نحوه تبلیغ آنها به گونه ای باشد که این قبیل افراد نیز به راحتی جذب شوند.

استاد سطح عالی حوزه علمیه قم در پایان تصریح کرد: سخنرانی کردن یکی از مهم ترین بخشهای کار تبلیغ دین است، لذا مبلغان باید مهارت های سخنرانی کردن را به خوبی بیاموزند.<sup>۱</sup>

## ضرورت آموزش احکام

۱. پایگاه اطلاع رسانی ادیان نیوز، کد خبر: ۷۳۲۱۸.

۲. خیرگزاری رسا، کد خبر: ۲۵۷۴۰۵.

## رعایت نظم و اهتمام به انضباط، رمز موفقیت طلاب

حضرت آیت الله  
مظاهری از مراجع  
تقلید، حوزه های  
علمیه را پایه و  
اساس تشیّع خواند و  
تأکید کرد: تلاش برای  
حفظ و حراست از کیان  
حوزه های علمیه یک  
وظیفه همگانی است و  
عموم روحانیت خصوصاً  
متصدیان اداره حوزه  
ها باید توجه جدی به  
این موضوع داشته  
باشند.

ایشان در ادامه  
افزود: بی توجهی به  
تقوا، به تدریج  
انسان را به جایگاهی  
می رساند که به تصور  
ثواب و برای رضای  
خدا، مرتکب گناهای  
نظیر غیبت، تهمت و  
شایعه می شود که  
اینگونه گناهان و  
توجیهات، به هیچ وجه  
زیبنده جامعۀ اسلامی،  
خصوصاً حوزه های  
علمیه نیست.

ایشان رعایت نظم و  
اهتمام به انضباط را  
یکی از رموز و نشانه  
های موفقیت افراد و  
بزرگان برشمرده و  
تصریح کرد: طلاب علوم  
دینی باید از همان

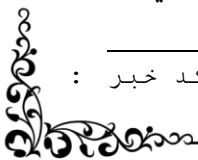
ابتدای طلبگی به  
رعایت نظم اهمیت  
بدهند و اساتید و  
مدیران مدارس علمیه  
نیز لازم است هم خود  
منظم باشند و هم طلاب  
منظم تربیت نمایند.

## فارغ التحصیلی ۲۵۰۰ طلبه در سفیران هدایت

حجت الاسلام  
والمسلمین نبوی  
معاون تبلیغ و  
آموزشهای کاربردی  
حوزه های علمیه در  
دیدار فعالان تبلیغ  
حوزه با آیت الله مصباح  
یزدی گفت: یکی از  
مراکز اصلی حوزه  
علمیه حوزه های  
سفیران هدایت است.  
در این حوزه ها،  
افراد دارای مدرک  
دیپلم و علاقه مند در  
یک دوره پنج ساله  
آموزش داده می شوند  
و پس از احراز  
صلاحیتها، آنها، در  
مناطق که مورد نیاز  
است بکار گرفته می  
شوند.

ایشان در این  
دیدار افزود: هم  
اکنون بیش از ۱۰۰  
شعبه سفیران هدایت

۱. خیرگزاری حوزه، کد خبر: ۳۴۷۵۹۸



بلندمدت که در بخش کوتاه مدت ۱۲۹ هزار نفر در نوبت های تبلیغی اعزام شده اند و ۸۱۳۳ نفر در تبلیغ بلندمدت حضور یافته اند که البته اکثر این طلاب جذب مراکز علمی و اجرایی می شوند.

— احداث ۲۰۶۲ مسجد در سراسر کشور و نوسازی ۲۶۵۲ مسجد دیگر با همت مبلّغان گرامی و ساماندهی فعالیتها و برنامه های این مساجد.

رابطین فرهنگی در کشور که در این طرح ۱۵۰۱ رابط فرهنگی در مناطق مختلف کشور شناسایی، جذب و آموزش دیده و مشغول به فعالیت شده اند که در این زمینه به شکل خودجوش و با هدایت های بخش تبلیغ حوزه فعالیت می کنند.

— آموزش ۲۲ هزار و ۷۰۰ نفر از طلاب در زمینه نقد فرق و ادیان و نیز آموزش ۵۲ هزار نفر از معلمین سراسر کشور در این زمینه.

— راه اندازی ۱۱۰۰ مدرسه امین و اجرای

فعالیت دارند که خدمات ماندگاری را در این عرصه ارائه کرده اند؛ این مدارس تا کنون ۲۵۰۰ فارغ التحصیل داشته است. خوشبختانه امروز حتی در مرز کشور افغانستان هم مدرسه علمی داریم که فتح الیّتهای تبلیغی بسیار خوبی انجام می دهند.

معاون تبلیغ و آموزشهای کاربردی حوزه های علمی در بخش دیگری از سخنان خود، گزارشی از فعالیتهای معاونت تبلیغ حوزه ارائه کرد که خلاصه ای از آن به شرح زیر است:

— راه اندازی طرح «بینات» در مدارس علمی بلندمدت و سفیران هدایت که در آن هر مدرسه علمی ۵۰ پایگاه فرهنگی را سرویس می دهد.

— نقد و بررسی کتب آموزش و پرورش در اداره مطالعات و پژوهش های تبلیغی و بررسی جایگاه مسائلی همچون: امامت، حجاب و... در کتب درسی.

— اعزام مبلغین به سراسر کشور در دو بخش کوتاه مدت و

## با داعش

شماری از روحانیون و ائمه جماعات مساجد در انگلیس و اروپا، با هدف مبارزه با نظریات افراط گرایانه و گروه های افراطی چون داعش، اقدام به انتشار یک مجله دیجیتال به نام «حقیقت» کردند. دست اندرکاران این نشریه که قرار است توسط وب سایت «امام آنلاین» منتشر شود، عنوان کرده اند؛ این حرکت در پاسخ به تهدیدات جریان افراطی همانند گروه هایی چون داعش است که در حال حاضر از طیفی گسترده از رسانه های اجتماعی برای انتشار نظرات خود استفاده می کنند.

## انتشار کتاب میراث

### عظیم و امت خفته

کتاب «میراث عظیم و امت خفته» نوشته دکتر مظفر اقبال از اندیشمندان اسلامی مقیم کانادا از جمله کتابهای بیداری اسلامی است که توسط

طرح تربیتی ویژه این مدارس که در این مدارس، مدیر و معلمان با نظر و تأیید حوزه علمیه انتخاب می شوند و یک مبلغ تمام وقت طرح تربیتی را اجرا می کند که در پایان این طرح، ده صفت شاخص از جمله نماز، ترک دروغ و... در میان دانش آموزان نهادینه می شود.

– حضور مبلغان در اماکن ورزشی و ورزشگاه ها و اجرای برنامه های تبلیغی در این مراکز از جمله: تبلیغ چهره به چهره، برگزاری نماز جماعت، پاسخگویی به سؤالات و شبهات و...

– فعالیت در فضای مجازی و اینترنت و جذب و آموزش مبلغ در این زمینه که هم اکنون ۱۴۰ مبلغ در فضای مجازی فعال هستند و در حوزه های کلام، فرق و ادیان، مسائل اجتماعی و... فعالیت می کنند.<sup>۱</sup>

## ابتکار روحانیون انگلیس برای مقابله

۲. پایگاه اطلاع رسانی افق حوزه، کد خبر: ۳۵۹۸۷۳.

۱. خبرگزاری حوزه، کد خبر: ۳۴۸۷۳۶.

دفتر نشر معارف منتشر شد.  
این کتاب از مقدمه مترجم و زندگی نامه مختصر نویسنده و ۱۱ مقاله، سخنرانی و گفتگوی دکتر مظفر اقبال تشکیل شده است.

مظفر اقبال در سال ۱۹۵۴ در شهر لاهور پاکستان به دنیا آمد و در سال ۱۹۷۹ به کانادا مهاجرت نمود که از آن زمان تاکنون در سیم ت های تحقیقاتی و دانشگاهی به فعالیت پرداخته است. وی دغدغه هایش را در حوزه «سنت عقلانی اسلام»، «تاریخ اسلام»، «جنبه های فلسفی و متافیزیکی ارتباط اسلام و علم»، «اسلام و غرب» و «اسلام و مدرنیته» به رشته تحریر در آورده است.<sup>۱</sup>

**تفسیر کامل قرآن به زبان روسی**  
با انتشار دوازدهمین جلد ترجمه روسی تفسیر «نور القرآن»، نخستین دوره کامل تفسیر

قرآن کریم به زبان روسی در اختیار مخاطبان روس زبان قرار گرفت. بنیاد مطالعات اسلامی روسیه با همکاری مؤسس<sup>۲</sup> تحقیقاتی امیرالمؤمنین (ع) اصفهان، ترجمه روسی دوازده جلد تفسیر «نورالقرآن فی تفسیرالقرآن» را در مسکو منتشر نمود. این تفسیر، با استفاده از هشت منبع تفسیری به زبان فارسی و با استفاده از روایات شیعه و سنی تدوین شده و با همکاری گروهی از مترجمان در شهر سن پترزبورگ به زبان روسی ترجمه شده است. تفسیر نورالقرآن، تنها تفسیر مفصل ترتیبی به زبان روسی است و مورد استقبال علاقه مندان روس و مسلمانان واقع شده و جلد های نخست آن به چاپ مجدد رسیده است.<sup>۳</sup>

**انتشار کتاب «جانها فدای دین»**  
کتاب «جانها فدای

۲. پایگاه اطلاع رسانی افق حوزه، کد خبر: ۳۵۹۸۸۲.

۱. خبرگزاری حوزه، کد خبر: ۳۴۷۵۸۲.

حسین (ع) در فلسفه  
قیام عاشورا، قیام  
حسینی (ع) الگوی نهضت  
خمینی! و نقد دیدگاه  
کلیسایی به حادثه  
عاشورا و روشهای  
تبیین دین و ارزشها  
در جامعه می باشد.<sup>۱</sup>

### دانشمند و اقیانوس شناس بزرگ فرانسوی مسلمان شد

«ژاک ایو کوستو»  
دانشمند بزرگ  
فرانسوی، اقیانوس  
شناس، آغازگر  
پژوهشهای اعماق دریا  
و اقیانوس، مخترع یک  
نوع دستگاه تنفس  
اکسیژن و خانه زیرآب  
و نویسنده بسیاری از  
کتابها و فیلمهای  
مشهور، شخصیت شناخته  
شده ای در سطح جهان  
است؛ اما افراد  
بسیار کمی می دانند  
که آن پژوهشهای علمی  
از تفکر او در آیات  
قرآن استخراج شده و  
بسیاری از آیات علمی  
قرآن کریم، راهنمای  
او برای پذیرش و  
گرویدن به اسلام شد و  
مسلمان هم از دنیا  
رفت. این پژوهشگر

دین « اثر آیت الله  
محمدتقی مصباح یزدی  
در ۹۶ صفحه منتشر شد  
و به موضوعات مهمی  
در مورد وصیت های  
پیامبر اکرم (ص) و  
امیرمؤمنان (ع) می  
پردازد.

این کتاب در زمینه  
موضوعاتی مانند دروغ  
و نشانه های مومن  
واقعی، خوف از خدا و  
گریه از خشیت الهی  
پرسشهایی مطرح می  
کند و شامل بحث دین  
و دین گرایی است.  
آنچه در این کتاب  
آمده، برگگی دیگر از  
تحلیل تاریخ الهام  
بخش و انسان ساز  
کربلا و عاشورا است و  
حاوی متن ویراستاری  
شده از سه سخنرانی  
آیت الله مصباح یزدی  
است که در محرم سال  
۸۳ شمسی ایراد  
گردید.

این کتاب می کوشد  
ضمن معرفی جایگاه  
والای ائمه اطهار، با  
نگاهی بر عاشورا به  
مطالب مهمی در  
راستای بزرگداشت و  
نکوداشت دین پردازد  
و در واقع شامل  
موارد بسیار مهمی از  
جمله بیان امام

۱. خبرگزاری فارس، کد خبر :  
۰۱۳۹۴۰۱۲۲۰۰۰۶۱۶

ترکیب شده باشند، شوری و چگالی آنها یکسان یا دست کم مشابه شده باشد. اما حتی در مکان هایی که آنها بسیار به هم نزدیک می شوند، هر کدام مشخصه های خود را حفظ می کنند. به بیان دیگر، در مکان های ادغام این دو حجم از آب، غشاء آب اجازه نمی دهد آنها ترکیب شوند. کوستو ادامه می دهد: با کشف این حقیقت آشکار و غیرمحمتمل، دانشمندان بسیار شگفت زده شده بودند، اما شگفت زدگی دانشمندان زمانی بیش تر شد که دریافتند درباره این حقیقت ۱۴۰۰ سال پیش در قرآن مجید نوشته شده است.<sup>۱</sup>

### فروش ایزدی ها به خانواده هایشان

تروریستهای تکفیری داعش گروگان های غیرنظامی ایزدی خود را به خانواده های آنها می فروشند. این تروریست ها در ازای دریافت مبالغی کلان،

محیط زیست اعلام داشته است که انتخاب اسلام درست ترین تصمیم در زندگی وی بوده است. وی در این زمینه گفته است: «در سال ۱۹۶۲، دانشمندان آلمانی دریافتند که در باب المنذب، جایی که آب های خلیج عدن و دریای سرخ به هم نزدیک می شوند، آب های دریای سرخ و اقیانوس هند با هم ترکیب نمی شوند. با پیگیری هم کاران، بررسی کردیم که آیا آب های اقیانوس اطلس و دریای مدیترانه با هم ترکیب می شوند یا خیر. نخست آب دریای مدیترانه را با بررسی شوری، چگالی و گونه های زندگی وابسته به آن مورد مطالعه قرار دادیم. ما همین کار را در مورد اقیانوس اطلس نیز انجام دادیم. این دو حجم آب برای هزار سال است که در تنگه جبل الطارق به هم می رسند و منطقی است که تصوّر کنیم این دو حجم عظیم آب در این مدت زمان طولانی می بایست

۱. پایگاه اطلاع رسانی فرقه نیوز، کد خبر: ۴۸۰۳.



از سوی داعش آمده که این شخص پس از مرشد شدن در دوره شرعی شرکت کرده است و این گواهی به این شخص داده شده تا یکی از مردم مسلمان باشد. صدور چنین گواهی نشان می‌دهد که داعش تمام مسلمانان را به جز عناصر خود کافر می‌داند، به همین دلیل برای مردم سوریه کلاس آموزش دینی برگزار می‌کند تا با تفهیم مفاهیم وهابیت، آن‌ها را جزو مسلم‌انان بداند و این افراد با وهابی شدن جزو صفوف این گروه تروریستی قرار گیرند.

### عذرخواهی فعال «پگیدا»

خانم "کاترین اوئرتل" از رهبران اصلی جنبش ضداسلامی «پگیدا» در آلمان که در عرض چند ماه از آغاز فعالیت خود چندین هزار طرفدار در سرتاسر اروپا دست و پا کرده است، با انتشار یک فیلم، از

ایزدی‌های غیرنظامی را به خانواده‌های آنها پس می‌دهند. گفته می‌شود تکفیری‌ها در ازای مبلغ سنگین ۳۰ هزار دلار، ایزدی‌ها را آزاد می‌کنند. این در حالی است که نگرانی‌ها از قتل عام زندانیان و برده‌های ایزدی در ادامه پیشروی‌های ارتش عراق به شدت افزایش یافته است. داعشی‌ها تنها در یک روز ۳۰۰ اسیر ایزدی را کشته‌اند.<sup>۱</sup>

### صدور گواهی مسلمان بودن توسط داعش

گروه تروریستی داعش در اقدامی که نشان دهنده نگاه این گروه به مردم سوریه است، دفتر توبه (!) را در استان دیرالزور سوریه ایجاد کرده تا مردم این استان پس از شرکت در دوره‌های آموزشی این دفتر، وارد جرقه مسلمانان شوند و با گواهی مسلمانان صادر شده از داعش از اعدام در امان بمانند! در گواهی صادر شده

۲. خبرگزاری اهل بیت (ابنا)، کد خبر: ۶۸۶۰۴۵.

۱. خبرگزاری شفقتنا، کد خبر: ۱۱۵۹۹۴.

مسلمانان کنند و من  
یکی از آنان هستم.

مسلمانان عذرخواهی  
کرد، و گفت: همه  
کسانی که به پگیدا و  
آرمان‌های آن  
پایبندند، باید  
بدانند که در مسیر  
اشتباه قدم می‌زنند  
و مقصر را اشتباه  
گرفته اند؛ ما  
همواره مهاجران را  
عامل مشکلات خود در  
اروپا دانسته ایم که  
این ت لقی کاملاً  
اشتباه است؛ آنها  
ریشه مشکلات ما  
نیستند.

خانم کاترین در  
ادامه گفت: من باید  
از همه مهاجران به  
خصوص مسلمانان که با  
احترام به ارزش‌های  
کشور آلمان در صلح و  
آرامش با دیگران  
زندگی می‌کنند،  
عذرخواهی کنم؛ زیرا  
مسلمانانی که با  
احترام به فرهنگ و  
ارزش‌آلمانی در کشور  
ما هستند، در  
اکثریتند.

این فعال پیشین  
پگیدا گفت تنها راه  
از میان بردن  
قضاوت‌های نادرست،  
گفتگو و درک متقابل  
است؛ کسانی در آلمان  
هستند که باید شروع  
به ایجاد ارتباط با

۱. خبرگزاری شفقنا، کد خبر:  
۱۱۵۹۹۶

# پرسشنامه مجله مبلغان

## قابل توجه مجموعه های فرهنگی و تبلیغی

بسیاری از مجموعه های فرهنگی و تبلیغی به صورت انبوه مجله مبلغان را خریداری کرده و در اختیار مبلغان محترم تحت پوشش خود قرار می دهند. از آنجا که بسیاری از این مجموعه ها مایل به برگزاری آزمون از محتوای نشریه برای نیروهای خود بوده و بعضی نیز به ابتکار خود اقداماتی را انجام داده اند؛ بر آن شدیم تا جهت یاری رساندن به مدیران محترم، سؤالاتی را طراحی کرده و در اختیار آنان قرار دهیم.

مدیران محترم مجموعه های فرهنگی و تبلیغی می توانند از طریق بخشنامه از نیروهای خود بخواهند تا پاسخ سؤالات را برای آنها فرستاده و در صورت امکان برای تشویق و ارتقاء علمی مبلغان محترم، هدایایی را برای این امر در نظر گیرند.

پیشنهادات خوانندگان و مدیران عزیز را برای کاربردی تر شدن سؤالات، با آغوش باز می پذیریم.

## پرسشها

1. در فرمایش پیامبر اکرم (ص) شدیدترین حسرت در قیامت مربوط به چه کسی است؟

الف. کسی که در دنیا نسبت به وضو بی اهمیت بوده است.

ب. کسی که وضو خود را بر بدن دیگری مشاهده کند.

ج. کسی که در غیبت مردم شریک می باشد.  
2. قرآن کریم شرط نجات و فلاح انسان را در چه می داند؟

الف. اطاعت از امام و چهارده معصوم  
ب. در روزه گرفتن و نماز خواندن  
ج. تمسک به عروة الوثقی و حبل المتین  
3. .... ریشه در تلاش برای غصب مقام امام عصر(عج) می باشد؟

الف. اختلافات سیاسی.  
ب. عمل نکردن به دستورات الهی  
ج. جنگهای داخلی  
4. از جمله مشکلاتی که برخی از زنان خانه دار را رنج می دهد، .... است.

الف. بی احترامی شوهرانشان می باشد  
ب. اجازه نداشتن برای ادامه تحصیل  
ج. کمبود اعتماد به نفس  
5. امام خمینی! یکی از بهترین راه های مبارزه با استکبار و وابستگی به بیگانگان را .... می دانستند

الف. همراه بودن با رأی و نظر آنها  
ب. ساده زیستن  
ج. تحریم کردن اجناس خارجی  
6. این روایت از کیست؟ «إِنَّ الضُّيْفَ يَنْزَلُ بِالرَّجُلِ فَلَا يُحْسِنُ ضِيَافَتَهُ فَلَاجِنَاخَ عَلَيْهِ أَنْ يَذْكَرَ سُوءَ مَا فَعَلَهُ.»

الف. امام صادق(ع)  
ب. امام باقر(ع)  
ج. امام رضا(ع)  
7. رسول خدا (ص) به چه کسی فرمودند «به زودی اقوامی بعد از من می آیند که زینت می کنند همچون زنی که خود را برای شوهرش می آراید.»

الف. سلمان فارسی  
ب. ابن مسعود  
ج. اباذر غفاری  
8. نخستین عامل و ابزار در مناظره و گفتگو کدام



می باشد؟

الف. تسلط بر دستور زبان

ب. ابزار نقلی و تاریخی

ج. تسلط بر لغت و اصطلاحات

9. [إِنَّ الَّذِينَ يُجَادِلُونَ فِي آيَاتِ اللَّهِ بِغَيْرِ سُلْطَانِ

أَتَاهُمْ إِنْ فِي صُدُورِهِمْ إِلَّا كِبْرًا] اشاره به کدام یک

از تعریف مناظره ناپسند می باشد؟

الف. مجادله از روی کبر و غرور

ب. مجادله بدون علم و آگاهی

ج. مجادله از روی عناد ورزی به حق و

اصرار بر باطل

10. در متن پیمان نامه «أَنْ لَا يُؤَاكِلُوا بَنِي هَاشِمٍ

وَلَا يُكَلِّمُوهُمْ وَلَا يُبَايِعُوهُمْ» جمله «لَا يُبَايِعُوهُمْ»

مربوط به کدام تحریم می شود؟

الف. تحریم اجتماعی

ب. تحریم اقتصادی

ج. تحریم خریدن نه فروختن

11. معروف ترین نوع دشمنی کفار جهت جلوگیری از

نفوذ قرآن در دلهای مردم چه بود؟

الف. پاره کردن قرآنها

ب. بیهوده خوانیدن قرآن

ج. تحریم استماع قرآن

12. این جمله از کیست؟

«باید دشمنان را بشناسید! اگر نشناسید، نمی

توانید دفعش کنید.»

الف. امام خمینی!

ب. مقام معظم رهبری>

ج. شهید مطهری!

13. [...] مِنْ وَرَائِي وَكَانَتْ امْرَأَتِي عَاقِرًا فَهَبْ لِي

مِنْ لَدُنْكَ وَلِيًّا يَرِثُنِي وَ يَرِثُ مِنْ آلِ يَعْقُوبَ وَ

اجْعَلْهُ رَبِّ رَضِيًّا] علامه طباطبایی! در تفسیر این آیه

مقصود از «من ورائی» را چه می داند.

الف. پس از عمل عموها

ب. ترس از دنیا





.....





## نمایندگی‌های فروش ماهنامه «مبلغان» در سراسر کشور

۱. اصفهان، خمینی شهر، بلوار شهید مطهری، خیابان پلیس، مدرسه علمیه جوادالائمه علیه السلام.
۲. آذربایجان شرقی، تبریز، راسته کوچه مسجد جامع، حوزه علمیه طالبیه.
۳. آذربایجان غربی، میاندوآب، خیابان امام خمینی علیه السلام، خیابان قدس، کوچه نواب، حوزه علمیه الزهراء علیها السلام.
۴. بوشهر، خیابان امام خمینی علیه السلام، جنب مصلی، حوزه علمیه امام خمینی علیه السلام.
۵. تهران، اسلامشهر، شهرک واوان، فاز ۲، خیابان شهید رجایی، نبش ۵۰ شرقی، پ ۳۸، حوزه علمیه الزهراء علیها السلام.
۶. تهران، لویزان، مؤسسه آموزشی و تحقیقاتی صنایع دفاع، دانشگاه مالک اشتر.
۷. خراسان جنوبی، بیرجند، خیابان استاد مطهری، مطهری ۶، دفتر جامع روحانیت، فروشگاه حجّت.
۸. خراسان جنوبی، بیرجند، خیابان شهید مطهری، مطهری ۸، پلاک ۷، حوزه علمیه سفیران هدایت.
۹. خراسان رضوی، قوچان، بعد از چهار راه سوم، دست راست، کوی شهید بهشتی ۴، حوزه فاطمه الزهراء علیها السلام.
۱۰. خراسان رضوی، کاشمر، خ مدرس، مدرس ۱۵، حوزه علمیه حضرت رقیه علیها السلام.
۱۱. خراسان رضوی، مشهد، کوی دکتر، نبش این سینا، حوزه علمیه حضرت خدیجه علیها السلام.
۱۲. خراسان رضوی، مشهد، چهار راه خواجه ربیع، کوچه حسین باشی ۶، حوزه علمیه حضرت رقیه علیها السلام.
۱۳. خراسان رضوی، مشهد، چهار راه خسروی، خ شهید رجایی، دفتر تبلیغات اسلامی، انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی.
۱۴. خراسان رضوی، نیشابور، میدان ایران، خیابان ۱۵ خرداد، حوزه علمیه الزهراء علیها السلام.
۱۵. خراسان شمالی، شیروان، خیابان حکیم غربی، حوزه علمیه الزهراء علیها السلام.
۱۶. سیستان و بلوچستان، زاهدان، خیابان شریعتی ۲۱، حوزه علمیه مکتب نرجس علیها السلام.
۱۷. فارس، شیراز، خیابان لطفعلی خان زند، درب شیخ، مدرسه علمیه قوام.
۱۸. فارس، گله دار، جنب صندوق انصار المجاهدین، حوزه علمیه فاطمیه علیها السلام.
۱۹. قزوین، خیابان امام خمینی علیه السلام، نبش عبید زاکانی، حوزه علمیه التفاتیه.
۲۰. قم، خیابان ارم، میدان شهداء، انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی، بوستان کتاب.
۲۱. قم، میدان آستانه، مرکز مدیریت حوزه علمیه قم، درب ورودی مدرسه دارالشفاء، انتشارات مرکز مدیریت حوزه.
۲۲. قم، قنوت، خیابان مصلی، حوره علمیه حضرت بقیه الله الاعظم (عج).
۲۳. کردستان، بیجار، روبروی اداره برق، حوزه علمیه امام صادق علیه السلام.
۲۴. کرمان، رفسنجان، خیابان شهداء کوچه مسجد جامع، حوزه علمیه حضرت زینب علیها السلام.
۲۵. کرمانشاه، هرسین، خیابان کمر بندی، جنب بانک مسکن، کوچه نائینی، حوزه علمیه حضرت زینب علیها السلام.
۲۶. گلستان، مینودشت، خیابان ولیعصر، ساختمان بنیاد شهید قدوسی، حوزه علمیه مکتب الزهراء علیها السلام.





۲۷. گیلان، استانه اشرفیه، روبروی امام زاده سید جلال الدین، حوزه علمیه جلالیه.
۲۸. گیلان، رشت، خیابان علم الهدی، بازارچه سبزه میدان، مرکز مدیریت حوزه علمیه، معاونت تبلیغ حوزه.
۲۹. مازندران، ساری، خیابان جمهوری اسلامی، کوچه مقداد، جنب مسجد رانندگان، حوزه علمیه الزهراء علیها السلام.
۳۰. مرکزی، ساوه، خیابان طالقانی، خیابان ولیعصر شرقی، مدرسه علمیه خواهران.
۳۱. مرکزی، شازند، مدرسه علمیه سفیران هدایت.
۳۲. هرمزگان، بندر عباس، خیابان آیت الله غفاری، حوزه علمیه خواهران.
۳۳. همدان، ملایر، خیابان سعدی، حوزه علمیه خواهران.
۳۴. همدان، همدان، کوی رضوی، جنب مدرسه وحدت، حوزه الزهراء علیها السلام.
۳۵. یزد، اردکان، خیابان آیت الله خامنه‌ای، حوزه علمیه امام صادق علیه السلام.
۳۶. یزد، یزد، خیابان قیام، مسجد ملا اسماعیل، حوزه سفیران هدایت.
۳۷. یزد، یزد، خیابان چمران، کوی رهبر، مجتمع آموزشی سید الشهداء علیه السلام، واحد تربیتی.
۳۸. یزد، یزد، خیابان امام خمینی علیه السلام، خیابان مسجد جامع، مرکز مدیریت حوزه علمیه استان، معاونت تبلیغ حوزه.

## ماهنامه «مبلغان»، تنها نشریه تبلیغی حوزه‌های علمیه در سراسر کشور نمایندگی فروش می‌پذیرد

### قابل توجه مجموعه‌های فرهنگی و تبلیغی

#### و حوزه‌های علمیه سراسر کشور

جهت ایجاد نمایندگی فروش محصولات معاونت تبلیغ و آموزشهای کاربردی  
حوزه‌های علمیه، به ویژه ماهنامه مبلغان، با شماره ۰۲۵-۳۲۹۳۳۱۹۰ تماس  
گرفته و یا درخواست خود را به شماره ۰۲۵-۳۲۹۱۴۴۶۶ فکس نمایید.

بسمه تعالی

## قابل توجه مبلغان، فضلاء و محققان ارجمند

برای پیوستن به جمع مشترکان «مبلغان» توجه به نکات ذیل ضروری است:

۱. واریز حق اشتراک، به حساب ۱۵۶۳۵۱۳۸۲۵ بانک تجارت، شعبه ۱۵۶۳۰ (مدرسه فیضیه قم)، به نام آقایان محمد حسن حاج حسینی، جواد محمد حسینی و جواد اسماعیلی (مجله مبلغان) مبلغ اشتراک برای یک سال (۱۲ شماره) ۴۸/۰۰۰ تومان و برای شش ماه (۶ شماره) ۲۴/۰۰۰ تومان می‌باشد. در صورت بالا رفتن قیمت مجله، ارسال آن بر مبنای قیمت جدید خواهد بود.
۲. تکمیل برگه درخواست اشتراک (پشت همین برگه)
۳. ارسال برگه اشتراک همراه با فیش بانکی مربوط به واریز حق اشتراک.

### اشتراک، بهترین راه دسترسی به «مبلغان» است.

توجه:

۱. ارسال درخواست اشتراک، نیاز به هزینه پستی ندارد. پس از تکمیل فرم، آن را تا کرده و پس از چسپاندن، داخل صندوق پست قرار دهید.
۲. جهت اطلاع بیش‌تر با ما تماس بگیرید. تلفن: ۰۲۵-۳۲۹۳۳۱۹۰

با ارائه نظرات سازنده خود، ما را جهت رشد و بالندگی مجله یاری دهید.



### نشانی فرستنده:

.....  
 .....  
 .....

تلفن: ..... کد پستی: ..... صندوق پستی: .....  
 اینجانب: ..... مبلغ: ..... ریال  
 طی فیش شماره: ..... از طریق بانک: .....  
 شعبه: ..... دارای کد: ..... در تاریخ: / / ۱۳ برای  
 دریافت مجله از شماره: ..... به تعداد هر شماره: ..... نسخه ارسال داشتیم.

از این قسمت تا بزنید

**نیاز به الصاق  
 تمبر ندارد**

## پست جواب قبول

هزینه پستی بر اساس قرارداد ۳۷۱۸۴/۱۹ پرداخت شد.

گیرنده:

قم: صندوق پستی: ۳۷۱۸۵-۸۶۸  
 معاونت تبلیغ و آموزشهای کاربردی حوزه‌های علمیه  
 ماهنامه مبلغان

از این قسمت تا بزنید لطفاً با چسب بچسبانید

